باستانشناسی افغانستان

دافغانستان لرغون پیژندنه

شماره دوم سال چهارم حوت ۱۳۶۱

نگاشته های این شماره

صفحه	نویسنده،مترجم	مضمون
	ج. پ	دستآورد های پنجمین سیمینار...
(۱)	علی توفیق	تپه سکندر
(۱۵)	صدیق الله عتیق‌زوی	په‌غزنی کی لیکل شوی خاورینی...
(۲۵)	ځلمی حیدری	بساول
		طرح ایجاداطلس با ستانشناسی
(۳۸)	عبدالولی اچکزی	افغا نستان
(۵۰)	احمد شکیب سالك	نه‌گنبد بلخ یا (حج پیاده)
(۷۰)	محمد احسان آرام	حفریات مقد ماتی تپه‌سیدقلعه
(۸۰)	حبیب اعظمی	افغا نستان درعصر برونز
(۸۹)	عبد الواسع فیروزی	گنجینه خوش تپه
(۹۸)	نعیم جیلانزی	اهداف با ستا نشناسی
(۱۰۹)	عبدالظاهر یوسفزی	مند یگك
(۱۲۹)	زمری محقق	دافغا نستان‌په جنوب‌لویځه‌سیمه..
(۱۳۵)	عبدالغنی نیکسیر	عاج های بگرام وسنگهای‌هندی

شرح روی جلد :

صفحه اول پشتی: نمای عمومی مسجد نه گنبد یا حج پیاده بلـخ. (برای تفصیل بیشتر بـنگـر یـد: صفحه «۵۰» همین شماره).

صفحه چهار م پشتی : بخشی‌از تزئینات زیبای سنگ هفت‌قلم‌هرات

مجله ششماهه تحقیقی و علمی باستان شناسی

شماره دوم سال چهارم حوت ۱۳۶۱ شماره مسلسل (۸)

دستاورد های پنجمین سیمینار تحقیقات کوشانی

کشور کهن سال ما در تاریخ پر
ماجرا و بارور آسیای مرکـــزی ،
همواره یکی ا زخاستگاه های اصیل
زایش فرهنگ های ماندگار بود ه
است . دست واندیشه‌هستی آفرین
مردم ما نه‌تنها ، سنگ های بنیادین
بنای سترگ مدنیت این حوزه تار-
یخی را ، پی افگنده ، بلکه پیوسته
حلقه وصل آمیز ش ، جهشـــــ
تفا هم و همز یستی اقوام وفرهنگ
های رونده را ، در زمینه گسترده
تاریخ این منطقه فراهم آورده‌است .

دستما یه های تاریخی و فرهنگی
این سر زمین ، تنها باز ایستاده در
کرانه های مشخص مرز های جغرا-
فیایی نیست ، بلکه به عنوان هـر
پدیده تاریخی و اجتماعی پویا، دور
دست های تاریخ و جغرا فیایی ملل
و اقوام رادر نور دیده و در فراگرد
آفرینش و بالندگی موار یث پایای
تاریخی و فرهنگی ملت ها تاثـــیر
گذارده و تاثیر پذیرفته ا ست . از
همین‌جاست‌که ابعادگونه‌گون‌وجهان
شمول این فرهنگ از دیر بازمورد
پژو هش وشناسا یی کاوشگرا ن
فرهنگ وتمدن جهانی بوده است .

سر گذشت تاریخی و فر هنگـــی
مدنیت کوشانی یکی از این آماج ها
است . باتوجه برهمین ویژ گــــی
است که کوشان شناسی در حلقـــه
های علمی و پژو هشی مورد تو جـه
واقع شده ، بویژه درسال های اخیر
دستا ورد های چشمگیری رابه‌جهان
دانش اجتماعی انسان عر ضه‌دا -
شته است . بنیاد مرکز بین المللـــی
مطالعات کو شانی درکشورما وبر-
گزاری سیمینار های نوبتی آن برای
پژوهش و ارز یابی‌آخرین مطالعات
دانشمندان کشور های مختلف گا م
بلندی است اندرین راه .

پنجمین سیمینار بین‌المللی‌مطا -
لعات کوشانی که در نیمه عـقـر ب
(از ۱۷ تا ۲۰) سال جاری بـــا
ابتکار مرکز مطالعات کوشانی اکا -
دمی علوم جمهوری دمو کرا تیـــک
افغا نستان و همت و پشتکـــا ر
دانشمندان داخلی و خارجی درکابل
بر گزار شد ، بامو فقیت واطمینا ن
دنباله پژو هش و کنکاش پیرامون
جوانب گونه گون حیات سیاسی -
اجتماعی و اقتصادی دوره کوشا نی
راپی گرفت.

آنچه تاکنون از نتایج چنین‌مجا -
معی بدست آمده ، نشان می دهد که
درتاریخ تمدن های انسانی مد نیت
کوشانی در این گوشه جهان ،واقعا
پدیده شگفت انگیزی است .بازمانده
های زمانی و مکانی این‌دوره هما -
نسانیکه نمایا نگر یك نمـو نه از
در خشش فرهنگی در عر صـــه
تاریخ جهانی است ، دور نمـــای
گستر ده یی را جهت تحقیق و
جستجو باز گذاشته است .

باستا نشناسی کوشانی هنـو ز
بسیار جوان است ، بهر پیما نه‌یی

که در اثر پژو هشس های علمی ، اهمیت تاریخی و فر هنگی این مدنیت ریشه دار آشکار میشود ،به سبب تنوع و گستر دگی جوا نب گونه‌گون آن که در حقیقت دنباله تکامل درخشان دستا ورد های تاریخی هنر ها وفرهنگ های مرد مان منطقه ماست ، هنوزمسایل ناشناخته و حل نشده سزا وار گفتگو و کندو کاو موجودند که میبایدروشن گردند.

از کشفیات بزرگ باستانشناسی د رمراکز عمده کوشانی در متهورا تکسیلاو گند ها را دیری نگذ شته که بخشی های بیشتری باستانی مربوط عصر کوشانی به ویژه در افغا نستان (بگرام ، کاپیسا ، سرخ کوتل ، هده ، طلا تپه، تپه سردار و دیگر جاها) تاجکستان و ازبکستان آسیای میانه و شرق چین بران افزو ده شده، و بدین ترتیب تاکنون اسناد و مدارك ارزشمند و بااهمیتی درقلمروگستر ده جغرافیایی از فرا خنای حوزه «تارم» تا پهنای رود خانه «کنگا» بدست‌آمده است و مسلما این رشته سرد راز دارد ، زیرا گستر ه های‌پهناوری باستانی در کشور ما وجود دارند که هنوز دست نخورده اند .

سایه روشن های روشنگر انه وامید بخشی که تا حال باپشتکارو همت دانشوران تار یخ وبا ستاشناسی ، در زمینه پژو هشس‌های کوشانی بدست آمده ، مسایل چندی رانیز در معرض کنکا شی و ارزشیابی قرار داده است : تثبیت مرز های مشخص اصلی و فرعی امپرا توری کوشانی در شعا ع جغرا فیایی معین آسیای میانه و هند، تعیین حدود نفوذ فرهنگ ها وهنر های شناخته شده آن زما ن (هنریونانی ، هندی ، رومی ساسانی ...) وهمچنان حل پرا بلم هیا اتنو لوژیکی (مانند قوم و ملیت کوشانی ، مذهب ، کرو نو لوژی شا هان و امپرا تو ر ان) و مهمتر از همه شناخت‌خاستگاه‌های سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی‌دوره کوشانی در مقطع زمانی مشخص. و اینها مهمترین مبا حث تحقیقا ت کوشانی اند .

هر گرد همایی دا نشمندان باب تازه یی را در کار تحقیق و بررسی این مسایل و مباحث میگشاید .

پنجمین سیمینار مطالعات کوشانی که ارزیابی حیات‌سیاسی ،اجتماعی و اقتصادی عصر کوشانی را به صورت مشخص در دستور کار خویشس مطرح ساخت ، در فضای باز بینشی علمی عصاره تازه ترین پژو هشس های چندین ساله کوشان شناسان را که در فاصله دو سیمینار فرا هم شده بود ، به گنجینه پژو هشس های کوشانی ارائه داد و همچنین یکبار دیگر زمینه توحید تلفیق ، برابرگذاری‌و تبادله نتایج تلاش های تحقیقی دانشمند ان چندین کشور را که سالها ست در این‌ساحه همت گماشته اند ، فراهم کرد .

مضامین و مقالات خوانده شده‌و مباحثات مربوط به آن در زمینه اصلی کار سیمینار ، جالب تر ین ره‌آورد این مجمع بزر گ علمی است که مرور کو تاه و گزارشگونه بر مهمترین عناوین آن برای خوا نند گان این یاد داشت خالی ازفایده نخواهد بود :

«کاپیسا و گند هارا در منابع چینی» در مقاله (کوایاما) دانشمند جاپانی ، «سهم باستا نشناسا ن فرانسوی در بخشی تحقیقات کوشانی »و «مقایسه تیکر ها و ظروف سفالی آی خانم با حوزه سرخ «کوتل» در نوشته ها ی پروفیسو ر (فوسمن) و ژان کلود گردن) باستا نشناسان فرانسوی. «جغرا فیایی تاریخی افغانستان در دوران کوشانی « و« مطالعات کوشانی در پژو هشهای دانشمندا ن شوروی » از (اوسیپوف) و (سید مرادوف) دانشمندان شو روی ، «آتشکده تپه سردار » از (موریزوتدی فرزانه ایتا لیایی . همچنا ن مقالات دانشمندان هندی اشترا ك کننده در سیمینار ، درموضوعات «باستا نشناسی کوشانی در افغانستان » ، «شیوه سیاست دو لت کوشانی درهند » توسط دکتور (سری وستوا) و (نیگی) استادا ن دانشگاه الله آباد ، «میراث کوشانی در فرهنگ آسیا» و «چهارمین شورای بودایی،کنیشکا وتاثیر آن در آسیایی مرکزی » از پروفیسور (ب . ن پوری) و «رام راول» دانشمند ا نهندی .

همچنان مطالب ار زنده دیگر ی زیر عناوین «کوشانی ها یو چی نیستند) از (پوهاند همام)، « علل سقوط امپرا توری کوشانی »(الف شاه غدران) ، «راه ابر یشم» ابراهیم عطا یی) «کو شا نی هاور ادبیات دری» (پوهاند جاوید) ، «مقایسه کنیشکا با آشو کا» (پوهاند میر حسین شاه) و«برخی سنگواره های کیشی مهرپرستی در زبان و ادب دری » (پوهاند سرور همایون) ، از جانب دانشمندان کشورما خوانده شد که هر کدا م مباحث مبسوطی از تحقیقات کوشانی را در بر داشت .

دستا ورد های پر مایه وپژوهشگرانه این دانشمند ان و دیگر سهم گیرند گان سیمینار که‌بزودی درمجموعه یی انتشار خواهدیافت، بی‌تردید گنجینه پر بار و فزا ینده مطالعات تمدن کوشانی را غنا ی بیشتری خواهد بخشید وسند ارزنده دیگری خواهد بود برا ی دوستداران تاریخ و فرهنگ اصیل خاور زمین .

PROPERTY OF ACKU
S672

پیوسته بگذ شته
مترجم : علی توفیق

راپور حفریات هیات باستانشناسی
پوهنتون کیو تو جا پان

تپه سکندر

سنه گذاری و ارزیابی

از فصل اول کاوش نتا یج ذیل را میتوان یاد داشت نمود :

۱ـ قسمت های فوقانی ساختمان های مسکونی عموما از گل باقطاری از تهداب ها از سنگ اعمار گردیده ویکمقدار زیاد ظرو ف تیکر ی خاکستر ی رنگ ولعابدار قسم استالف که باظروف تیکری چینی مربوط سلسله «مینگ» ارتباطمیگیرد

بدست آمده است .

۲ـ قدامت ظروف استالف شاید تا اواسط قرن هفتم میلادی برسد.

۳ـ بقایا وباز مانده های مذهبی وغیر مذهبی مربوط دوره پائین کشف وساختمانهای مذهبی دربالای صفه باچیدن سنگ بدون مصالح اعمار گردیده است. معبد باخشت خا مو تهداب آن تاحدی غیرمنظم اعمار گردیده است. از قسمتی که مجسمه مرمری برهمنی ازروی زمین تخریب شده بدست آمده حدس زده میشود که شاید ازمعبد بوده زیراکه در آنجا ساختمان فوق العاده از مواد خشت وگل بملاحظه میرسد. ویکتعداد ساختمانهای انفرادی نیز درقسمت نشیب صفه مقدس ساخته شده

ساختمانهای که از آنجا مجسمه مرمری بدست آمده قابل مقایسه میباشد .

٤ـ از جمله آثار بدست آمده دوره پائینی پارچه استمپی ازدوره حکمرانی ساسانیان به شکل برجسته کشف واین پارچه استمپ بانقش آن مشابه پارچه تیکر استمپ داریست که از بگرام سوم وتپه مرنجان به دست آمده است .

۵ـ م ـ الف غفور درین اوا خر در پیرامون فتوحات خلفای اسلامی در سرزمین های شرق تحقیقاتی انجام داده و درزمینه رو شنایی بیشتری انداخته. موصوف تحقیقاتش را بیشترر وی دو کتیبه استوا ر نموده که این کتیبه ها تو سط ابوالولیدمحمدبن عبدالله بن احمدال ارزقی زیرنام (اخبا ر مکه) ثبت گردیده و درین ا سناد آمده است که کابل وزابل تازمان فتو حات یعقوب لیث (۸۷۰ـ میلادی)مورد تهاجم اعراب قرار نگرفته تا اینکه درهمان سال (۸۷۰) توسط یعقوب لیث فتح گردید وموصو ف درین بخش تحقیقاتی به اثبات میرساند که تمام وباقلمرو کابل شاهان نه تنها تو سط

مسلمین اداره میشد بلکه در زمان مامون (۸۱۳ـ۸۳۰) خلیفه عبا سی حکومت کابلشا هان قسمتی از قلمرو شرقی خلفای مسلمین به حسا ب میرفت .

باتایید نظر یه غفور نویسنده این مقاله وبادرنظرداشت ارزیا بی ساحات مذهبی وغیر مذ هبی و ساختمانها ی آنها مربوط به دوره پیشین وطبقات پائینی میباشد لذا عقیده مو صوف را مبنی بر اینکه تسلط اعراب درین ناحیه در ز مان مذاب بن سا هال وزیر مامون خلیفه عباسی صورت گرفته تا یید میکند.

قدیمترین سنه گذاری دوره پائین تاجاییکه تحقیق شد الی اوا یل قرن هفتم میلادی میرسد. چنانکه درفصل اول کتاب (Ta-Tang-hsi-ya-chi) درباره قصر (Si-po-to-fa-la-see) که تخمینا حدود هفده کیلو متر ی جنب کاپیسا (۴۰ـلی) قرار دارد نیز تذکر رفته است .

این قصر به نام جیلین (Spnitavaras) وسانت ما رتین

آنرا بنام (Svetaras) یاد نموده اند
واترز (-Si-po-to-fa-la-as) این جایگاه را با موجودیت معبد اندرا به نام تعیین ونظربه گفتار مو صوف یکی از جمله القاب (اندرا) میباشد .

حالا تمام صفاتی را که برای کلمه (si po to fa la) د اده شد بایك تعریف تقریبا واحد رد میکنیم. وچنین ابراز میگردد که (si-po to fa la) توسط هیوان تسنگ نظر به سیستم‌صوتی تلفظ امپراطوری تانگ از اصل سانسکرت (Svetasvatara) ثبت شده است همانطوریکه ذکرشد درباره Upanisad (Svetasvatara) (-svetasatara یك شخصیت بودکه مکتب شیوایی خود در هما لیا تاسیس کرده و وجود د اشته است .

هیوان تسنگ نگاشته که‌در کاپیسا **درحدود هزار غیربودایی بشمو ل** زاهدان در (Pasupata) زندگی میکردند یاد داشت کرده است .

خاطر نشان بایدساخت درکتیبه مجسمه اومه مهشوارا حرف (Tu) ذکر شده ونام مهشوارا بافشار حرف (Tu) تلفظ میشود. لذاما بطور تعین‌ودقیق نتیجه میگیریم که قصر (Si-po-to fa la see) با تپه سکندر یکی است با درنظر داشت این موضوع‌چنین نتیجه حاصل میشود که ساختمان های اد وارپایینی مربوط به‌قرن‌هفتم میلادی درحین بازدید هیوان‌تسنگ در ساحه کاپیسا موجود وپابرجا بوده است .

بخش دوم:

کتیبه مجسمه اومه مهشوارا تپه سکندر

در سطح صیقل شده سکوی مجسمه اومه مهشوارا مکشوفه‌تپه سکندر کتیبه‌یی با چهل ودوسانتی متر عرض وپنج سانتی متر ارتفاع دست آمده است. کتیبه مذکور به استثنای بعضی حواشی تمام عرض کتیبه را اشغال نموده و شامل۸٤ کلمه وعلامه میباشد که در سه سطر نا مساوی حك شده است .

سطر اول وسوم بالترتیب بیست وهجده حرف و سطر دومی تا حدودی کج شده و مرکب از چهل و شش حروف **میباشد .**

با ملاحظه خطوط و سطر های نا موزون که دفعتا در قسمت‌پائین چین لباس اومه کج شده است. و اینکه سطراول‌از بیست حرف‌زیادتر کنجایش نداشته واینکه میلان چین لباس باعث شکستگی سطر شده است. به این نتیجه میرسیم که‌اصلا مجسمه مذکور در اوایل کدام کتیبه نداشته وبعدا در آن حك شده‌باشد کتیبه تپه سکندر با مهارت وتوجه خاص حك شده وتاحدی به شکل خوب باقی مانده است. مگر هفت حرف از قسمت وسطی سطر اومی به نسبت ازبین رفتن یك قشرنازك سنگ تا اندازه فرسوده ومشکوك میباشد .

نبشته ها باسایز های مختلف در حدود شش الی دوازده ملی متر بلندی دارند . نبشته های حروف کتیبه به گروپ الفبای شمالی از بسا جهات تشابه به نزدیك به کتیبه (بودیگایا) گوپتا مربوط سال ۲٦۹ میلادی دارد.ودر همین کتیبه بوداگایا بود که‌اصطلاح اکوت انگلد برهمی نخستین بار توسط جی- بوهلر بوجود آمده وبنابر گفته بولر این الفبا به سید هارماتار که نیز ارتباط میگیرد که‌با صفات ذیل میباشد :

۱- حروف از چپ براست کج میشود .

۲- حروف برهمی بازوایای حاده را در قسمت های پائین ویاراست‌و اخیر خود نشان میدهد.

۳- حروفی که عمودی بوده وبا خطوط کج شده در قسمت بالای

(1) EKA-MŪTTI (RTI)-TTRI (TRI)-VĀSANĀ BRAHMĀ VIṢṆUR
MMA (MA) HEŚVARAḤ

(2) KARTTĀ (RTĀ) VI (/) SNU (ṢṆU) Ḥ KṚ (KRI) YĀ BRAHMA (MĀ)
KĀRAṆA TU MAHEŚVARAḤ / UKTA CA BHAGAVATĀ
MAHĀDEVENA

(3) YA (DĀ, DVĀ) (PI) MA (TI) (MŪ) DI (ṢYA ?) VI (TSA, STA ?)
RAM NE (NO, TENO ?) PALABHYATE (VĀ, DHĀ ?) (II)

(4) TA (DVA)-HAM DAIVA VISNUṢYA (SYA) BRAHMĀ CA NILAYAM
GATĀ (?) / (III)

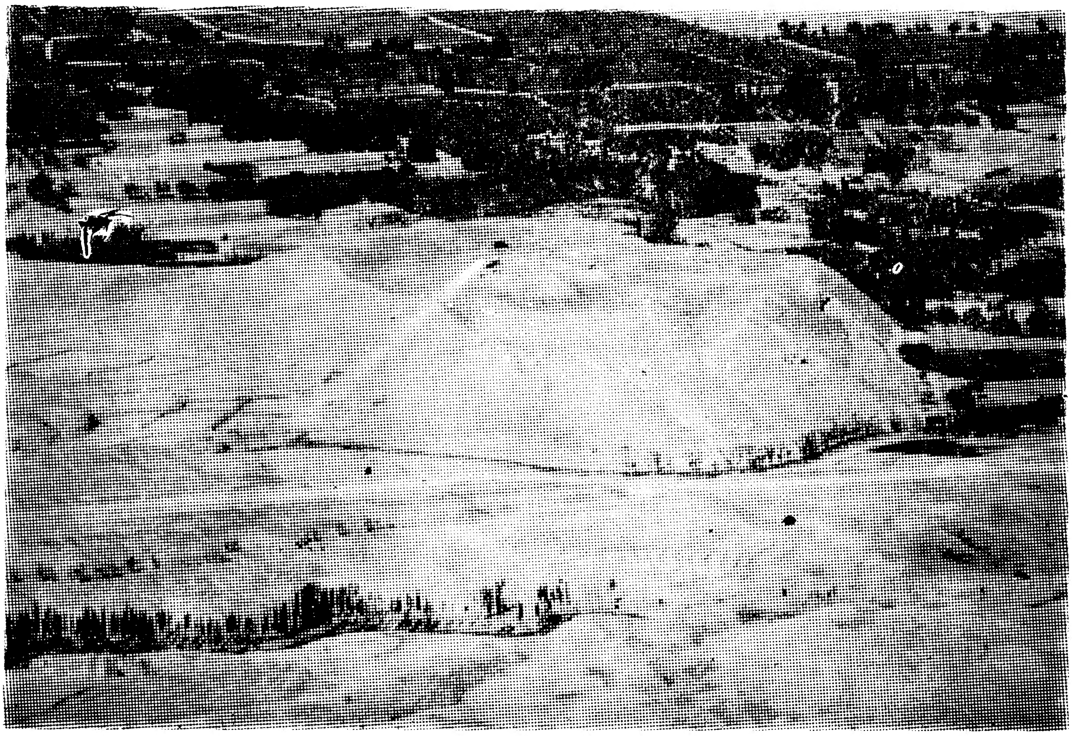

نمای شرقی تپه سکندر. (۲)

نبشته شکل wedge **مانندرابخود میگیرد .**

٤ــ حروفی که در قسمت پائین ویا اخیر راست خود تزئینـا ت و بر جستگی ها را نشان میدهد.

این صفات تاحدی از مشخصات کتیبه تپه سکندر نیز میباشد. این خطوط با زوایای حاده بر همی بعدا الفبای بر همی گو یتـا را تعقیـب میکنند .

کتیبه «مهانامان» که در فوق ذکر شده و دو کتیبه **بدو ن** تاریخ وشایدهم دوره کتیبه **مجسمه** بوداگایای‌مهانامان وکتیبه‌لکخامندیل

چنین به نظر میاید که همه به الفبای برهمی بازوا یای حـا ده نگاشته شده اند. وبه اسا س گفته فلیت وبولر به اخیر قـــرن ششم میلادی متعلق هستند.از طرف دیگر الفبای نگری (Nagari) **در پلیت** مسی «مهووایا» از «ونیا کاپالا» **در سال ۷۹٤ میلا دی بد ست‌آمده وفاصله بین این دو تاریخ (۵۸۸ــ۹ میـلادی) و ۷۹٤ــ میلادی) دو ره است که برهمی با زوایای حـا ده در هند رواج داشته است .**

به مراجعه کتیبه تپه سکندرلازم است متذکر شو یم که این کتیبـه نیزبارسم‌الخط برهمی‌بازوایای حاده (مشابه به کتیبه‌ای که فوقا تشریح گردید) نگارش یافته است البته این

نبشته بعضی فرق ها و اختـلا فات را در سبك و استعمال حرو ف بـا رسم‌الخط متذکره نشان میدهد .

بطور مثال:ــحرف (e) نمبر(۱) Ka » نمبر ۲۷ کتیبه ما کـه در هردو کتیبه‌بودا گایاوکتیبه‌تپـه سکندر مشترك میباشد دربقیه کتیبه های برهمی‌بازوایای‌حاده‌به مشاهده نمیرسد . موضوع وقتی مبر هـن میگردد که زاویه قایمه قسمت‌بالایی گوشه راست حرف el کتیبه را تدقیق کنیم.که نوع (e) درالفبای نگری نیز د یده میشود .

هفت حرف اصلـــی بصور ت مشترك‌در کتیبه‌های‌برهمی **بازوایای** حاده بکار رفته که **عبارت اند از :**

۱ــ (u′ نمبر ۲۰۳۷ــ (ge)
نمبر ۵ــ ٤۱ــ۵۱ــ ۳۰۸۱ (Ca)
نمبر **۳۹ــ۷۷ــ .**
٤ــ (əu) نمبر ۵۰۲۹ــ (ta)
نمبر ۳۰ــ٤۳ــ ٦۷ــ٦۰۸۲ــ (da)
نمبر **٤٦ــ۷۰ .**
۷ــ (sa) نمبر ۱۲ .

یکی ز مشخصات مخصوص**کتیبه** این است در زمان متدا ول **بو دن** برهمی **بازوایای حاده در هندوستان** کتیبه مذکور نیز نگاشته **شده‌باشد** مگر کتیبه مذکور شامل عـلامات **و** حر و فی **است که‌دردیگر کتیبه‌های** برهمی بازوایای حاده به ملا حظـه نرسیده است .

به استثنای (ya) نه تنهادر کتیبه تپه سکندر بلکه در **کتیبـه** گنش دراوند هوار تاگس

نیز بملاحظه نرسیده است. **ا یـن** کتیبه دو سطری **مجسمه درگه د ر** معبد پیر را تنات کابل حفظ و گمان

میشود که از گردیز کشف شده
است .

طوریکه در فوق گفته شد حرف تنها در کتیبه تپه سکندر دیده شده واز (ya) بقیه کتیبه‌های برهمی با زوایای حاده که در سمت چپ حرف به عوض چنگك يك حلقه داردمتفاوت میباشد چنانچه در مثالهای شما ره ۲۴-۴۹و۸۰ ملاحظه میشود این حلقه ها نامکمل اند واین نوع نگارش تنها در کتیبه (اندرو)و در کتیبه های قدیمتر کوشانی ها یافت میگردد.

حسب نگارش هویرنال وجی بولر حرف (ya) نسخه بولر که به گروپ غربی گو پتا بر همی شمالی متعلق است شکل معمو لی رسم الخط برهمی بازوایای حاده را دارا میباشد .

حرف (ra) نمبر ۱۶-۲۸-۳۴ و۵۹ چهار مراتبه درکتیبه تپه سکندر ظاهر و تنها سه حرف از آن بارسم الخط معمولی برهمی بازوایای حا ده نگارش شده وچهارمی آن نمبر۵۹ دارای زنباله قطور ودرا (درقسمت راست حرف است که در کتیبه تپه سکندر و گنش شخص میباشد .

واین نوع شکل عموما در الفبای نگری بوده که بعدا در قرن هشتم میلادی بملاحظه میرسد .

سه حرف دیگر (ra) مشا به کتیبه مکشوفه بوار * است واین (ra) يك حرف جدید میباشد البته درین کتیبه حرف (el) قدیمتر است که در کتیبه کوهاون مکشوفه کورا خپور مربوط ٤۵۹ میلادی و در کتیبه‌های کوشا نی آنرا دیده میتوانیم.(نمبر ۶۲-۷۹) .

حرف (sa) سه مراتبه درکتیبه تپه سکندر وهمیشه به قسم عنصر اولی ظاهر شده وبعدا این حر ف به شکل (sva) نمبر ۱۵-۳۳-۷۴ظاهر شده است .

معمولا در رسم الخط بر همی با زوایای حاده حرف مرکب (sva) يك خط مایل منحنی با دمی در طرف چپ وزاویه نوك تیزی در سر خود در مقابل رسم الخط معمو لی برهمی بازوایای حاده که سر منحنی مدور دارد قرار میگیرد بازهم مانند حرف (ra) (la) به شکل (sa) نیز آنطوریکه در کتیبه تپه سکندر استفاده شده وبدون کتیبه گنش در کتیبه های دیگر به مشا هده نمی رسد. قابل تذکر است که درکتیبه گنش این حرف به شکل معمو لی برهمی بازوایای حاده نیز استفاده بعمل آمده است .

بالاخره بادرنظر د اشت حرف (sa) مهم است که بدانیم که از جنبه تاریخی دو شکل برای این حرف وجود داشته شکل قدیمی آن دردوره موریایی کوشا نی وشکل دومی و جدید آن درزمان گوپتا بر همی با زوایای حاده والفبای نگری بمشاهده میرسد. زیرا دوره گوپتا زمان تحول شکل قدیمی به شکل جدیدمیباشد. ودرین دوره هردو شکل استفاده از (sa) را دیده‌میتوانیم. نمبر(۷-۲۱)

در کتیبه گنش هردو شکل استعمال ودر کتیبه سکندر تپه تنها به همان شکل قدیمی نگارش یافته است .

کتیبه تپه سکندر بطور مشخص

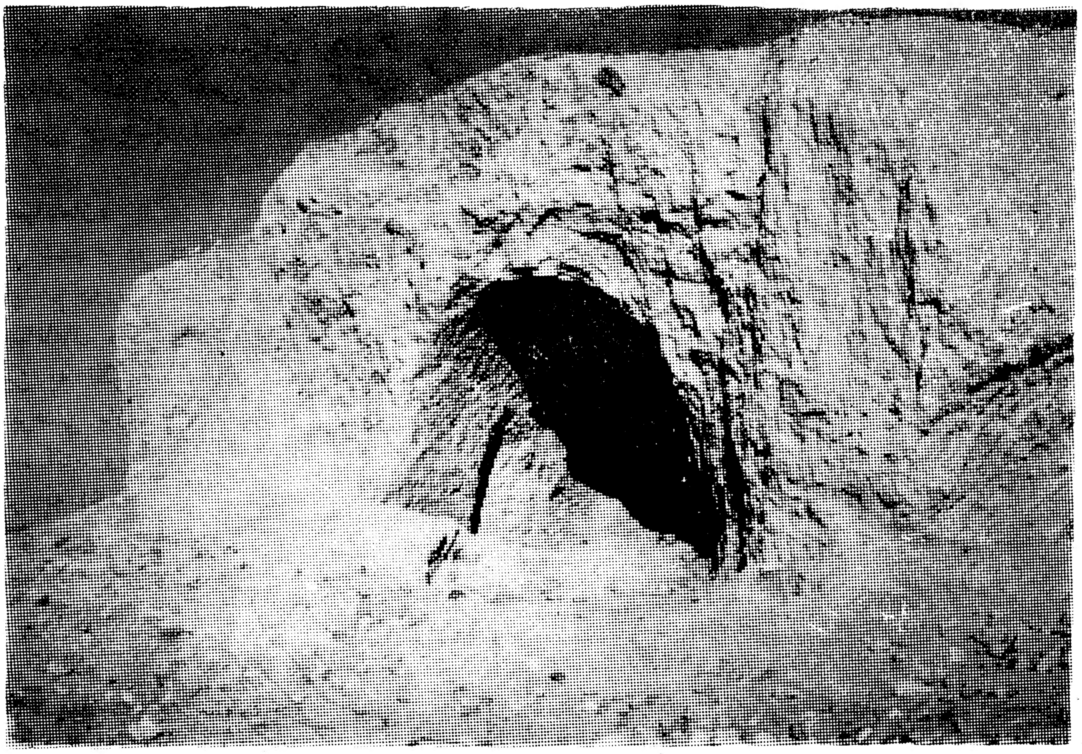

کمان گنبدای بقسم ضربی دهلیزشما نصب تپه سکندر . (۳)

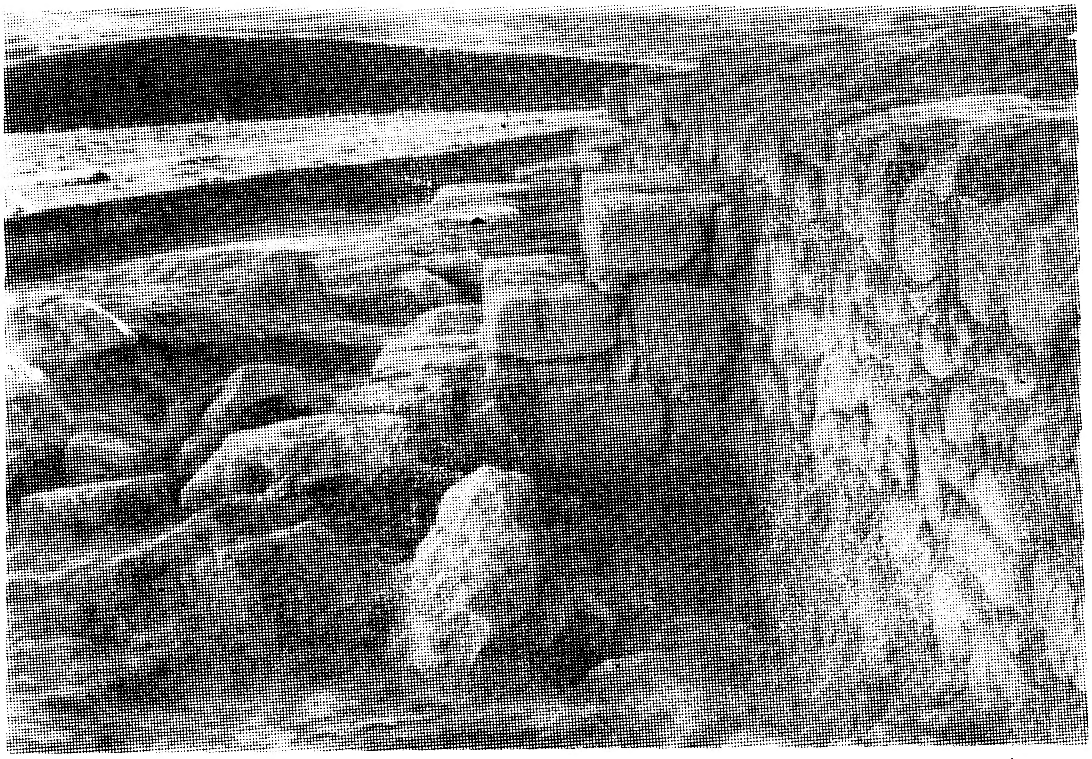

نمای پته زینه تپه سکندر. (٤)

دارای هیچنوع شکل و یا سمبول های حروف واول نبوده بلکه در بسیاری از آنهامانند علایم واول در کتیبه های معمولی بازوایای حاده برهمی میباشد .

بطور مثال:- برای حرف واول (م) حاکی از دوشکل است که یکی از آنها به قسم یك چنگك بوده در حالیکه دیگرش به شکل یك خط کوتاه بدو طرف پائین کج شده نمبر (١٢-٢١-٧٢) بملاحظه‌میرسد همچنان‌دوعلامه دیگر برای‌واول (د) میباشد که یکی آن یك خط به طور ساده کج شده از چپ براست در قسمت بالای حرف نمبر ٤٧ به‌کار برده شده. وشکل دیگر توسطیك خط که ادامه خط بالای حرف بطرف چپ میباشد دیگر علامه کوتاه‌بطرف پائین در قسمت اخیر نشا نمیدهد.

برای هردو علامه نشان دهنده واول شکل اولی نمایندگی از طرز جدید میکند در حالیکه شکل دومی مابین طرز قدیمی میباشد که با پیدایش وشناخت الفبای نگری از بین رفته است. فی‌المجموع در کتیبه برهمی بازوایای حاده‌باشمول کتیبه تپه سکندر وکتیبه گنش‌هردو شکل مورد استعمال داشت. البته اختلاف اندکی در سبك نبشته‌آنها موجود بوده و همچنان عدم موجودیت تزئینات علامه های واول در بقیه کتیبه های بر همی با زوایای حاده قابل یاد داشت است. علامه‌واول «ز» نمبر(٤-٥- ١١-٢٠ -٥١-٥٣-٥٥- ٧٢٠٥٧ و٧٨)تقریبا دو الی سه‌مراتبه‌درکتیبه تپه‌سکندر کوتاه تر است وعین موضوع‌برای (e)نمبر (٤٧) نیز صدق میکند .

حرف ya زمانیکه به حیث عنصر دومی کدام کلمه بکار برده شده. نظربه این حرف در بقیه‌کتیبه های برهمی بازوایای حاده بسیار کوچکتر، کوتاه‌تر و کم تزئین تر میباشد. نمبر(٧٤- ٦٣- ٥٦) البته حرف (ya) چندین بار در کتیبه گنش بملاحظه میرسد.مگر این حرف به شکل تزئین تنها یك بار آمده است. این عنصر تزئین یاشکل را میتوان یك‌تمایل‌نسبتا جدیددانست زیراکه تازمان گوپتا بر همی چنین پدیده به ظهور نرسیده بود .

واول های مشخصه کتیبه تپه سکندر بسیار کم مشابه به برهمی بازوایای حاده است. ولی نقطه گذاری آنها ازهمدیگر آنقدر متفاوت نیست مگر تا اندازه مغشوش کننده ومبهم میباشد .

نقطه گذاری‌دررسم‌الخط سانسگریت واجب وحتمی است معمولا درین کتیبه به نظر نمیرسد. مگر به این دلیل که قسمتی از کتیبه به شکل نظم مذهبی نگارش یافته لذا اگر نقطه گذاری به آن علاوه شود معنی و فهم آنرا ساده تر میسازد.

نقطه گذاری این کتیبه با تمام کتیبه های برهمی بازوایای حاده که تا الحال یافت شده مشابهت ندارد سطر دومی این کتیبه که دارای‌سه نقطه است و شکل یك مثلثی رامی سازد که میتوان آنرا به حیث یك (visarga) که با دو نقطه

روی و عقب سر مجسمه اومه‌مهشوارا و توضیح نگارش کتیبه‌تپه سکندر .

مشخص می گردد معرفی نمود .

(۱۷ـ۲۲) نظر به قرینه چنین معلوم مشخص میگردد معرفی نمود نمبر می شو د کـه کلـمه (مذکـور) مناسب است. لذا اگر دو نقطه فوق را در این کلمه قبول کنیم با یـد نقطه سومی جهت‌کدام‌مقصد دیگری آمده باشد .

در اخیر سطر دوم از جمله‌علائیم نقطه گذاری صرف يك نقطه به نظرودومی مانند (نمبر ٦٦) است که در میرسد که شاید آنها نقطه نشا ن دهنده ختم جمله ویا علا مه پیونـد میان جمله دوم وسوم باشد. نمبـر (٦٦) .

اگر ما این عـلامه را بحیث يك نقطه اخیر جمله یارابطه قبول کنیم نظر به آن میتوانیم نتیجه بگیریم که علامه سه نقطه نیز اصلا دو علامـه است که اولی‌یعنی نقطه (visarga) اخیر سطر دوم آمده است .

در اخیر سطر سوم بیك **جفت** علامه مغلق دیگر بر میخوریم (نمبر ۸۱ـ۸۳) ولی اگر ما قبول کنیم که دو دیگر نمبر (۸ـ۷۸) بانگـار ش نقطه علامه‌اخیرجمله یا ربطیه‌میباشد ممکن است که بعضی همگو نی هـا را بین دو علامه و نقطـــه گذا ری سانسگرت مشاهده کنیم. اگر مـا نقطه خود را باعلامه يك خط که‌برای

نشان دادن ختم جمله در سانسگرت استعمال میشود مساوی قرار بدهیم بعدا ممکن است که شکل نعل اسپ (نمبر ۸۳) مرکب ازین نقطه و یك خط مایل با شد با اضافه نمودن یك خط مایل آخری (نمبر ۸٤) علامهٔ که ختم پره گراف را نشان میدهد بوجود میاید .

علامه (۸۳) ممکن است که نمایندگی ازیك نقطه اخیر جمله کند. درحالیکه قسمت اول علامه (دوخط اریبی) نمایندگی از ختم پره گراف میکند.

در کتیبه تپه سکندربا مختصات متعدد کتیبه نگاری آنرا به شکل مجزا وواحدی در مقابل بقیه کتیبه های برهمی بازوایای حاده میاوردکه اولی آن بصورت بسیار ساده این حقیقت است که یك تعداد حروف مانند (ra) که قبلاذکر شد و (ha) نمبر ۱٤ـ ۳۲ـ ٦۹ـ که دارای عین آواز ویا تلفظ در تمام کتیبه استو به‌اشکال مختلف ظاهر شده است .

ثانیا حرف (sva) مهشوارا دو بار درین کتیبه‌آمده‌است که هردوی شان به عین شکل معلوم نمیشوند. شکل اولی فاقد یك خط کوتاه که بطرف بالا در قسمت میان چپ‌حرف ممتد گردیده میباشد. ولی چون این حرف دو شکل بسیار با هم شبیه‌اند این تفاوت ممکن‌است‌سهوا دراثنای حك بوجود آمده باشد .

نگار ش (snu) از کمك ویشنو (visnu) سه دفعه در نمرات (۱۲ـ ۲۱ـ ۷۳) دیده شده مگر همه از یکدیگر تفاوت دارند که نمیتوان آنرا سهوا دانست. البته حرف نمبر ۲۲ را نظر به شکل آن میتوان (snu) خواند. که ازنگاه معنی با تمام‌کتیبه موافق نیست.این عدم توافق ممکن است به دلیل غلط فهمی نویسنده یاکسی که بار اول آنرا از متن اصلی کاپی بر داشته صورت گرفته باشد. موصوف‌شاید یك‌مقدار معلو مات در مورد لسا ن داشته ولی نه آنقدر که تمام متن را درست درك کند. لذا شکلی که‌برای حرف (snu) او جهت حك‌کننده نگاشته شا یدغلط بوده است. فقدان یك خط روبه پائین قسمت بالا یی طرف چپ حرف (نمبر۷۳) این‌شکل (snu) را از روی دیگرش فرق میدهد .

یك‌جفت حرف bra نمبر ۹ـ ۲۵ـ ۷۵) و(hma نمبر ۱۰ـ ۲٦ـ و۷٦) که هردو سه مرا تبه درکتیبه آمده اند بازهم اختلا فاتی در آواز وشکل خود د ارد. در مورد حرف (Pra) چنین معلوم میشودکه این شکل از ناحیه عدم آشنایی حك کننده با متن‌کتیبه بوجود آمده‌است برای اینکه اگر حروف نمبر ۹و۲۵ هردو (bra) خوانده شود. حرف نمبر ۷۵ که با اختلاف کمی نگارش یافته حتمابايد (Pra) خوانده شود با مدنظر داشت این گفته یك قدم

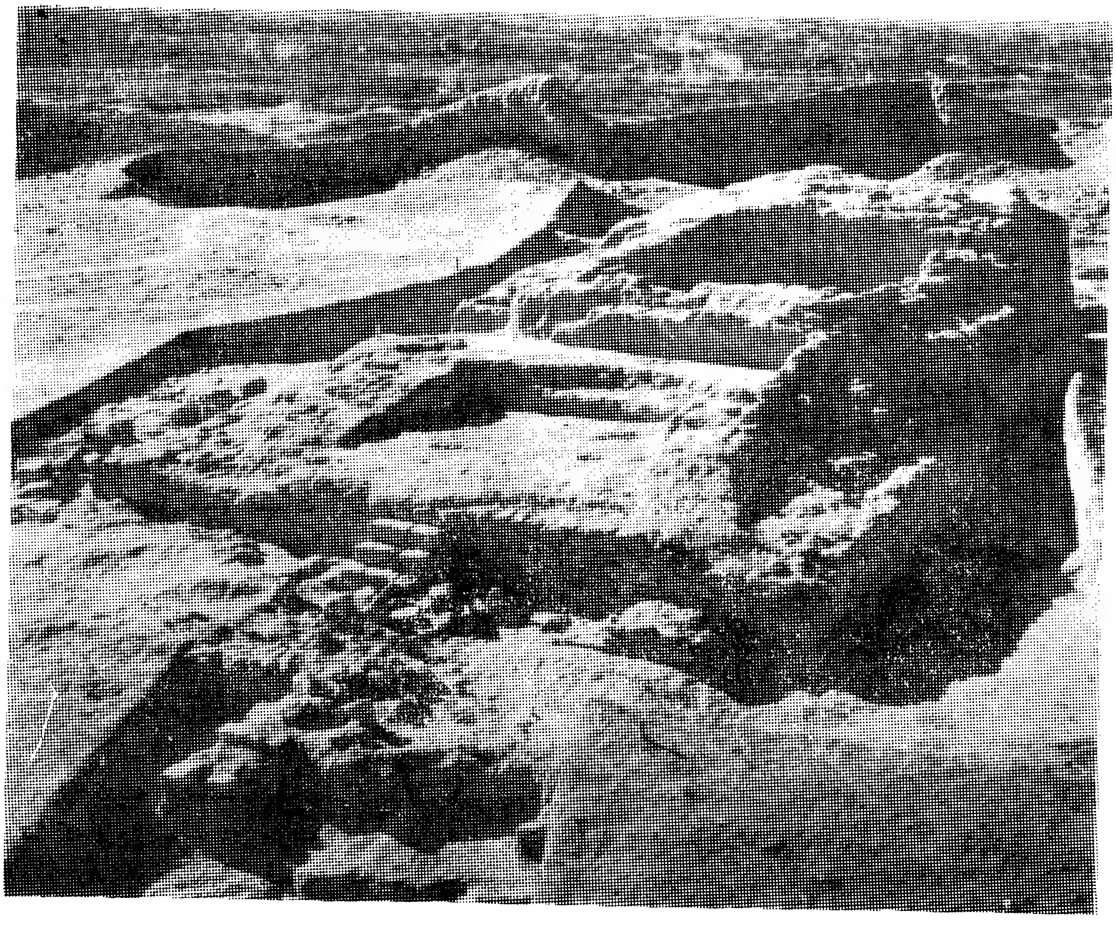

نمای معبد تپه سکندر . (۵)

نمای قسمت غربی وشمال غربی معبد تپه سکندر . (۷)

بعدی این خواهد بود که حـــرو ف نمبر ۳و٥٤ هم باشد به قسم (nd) به عوض (Mu) خوانده شود اگــر pra (pn) به متن کتیبه ساز گاری ندارد. لذا هر سه حرف تنها کمی در شکل تفاوت دارند و تما ما باید به شکل (bra) خوانده شود تابه معنی کتیبه مطا بقت دا شتــه باشد .

در سه مراتبه که حرف (hma) در کتیبه آمده است به نظرمی‌آید که همه با هم در شکل ومشخصات فرق دارند . ولی چون حرف (hma) یك ترتیب‌دو صدایی a , ı است این سه حرف به نظر مختلف باسه‌نوع ترکیب مختلف این دو حرف آنرا بوجودآورده است حرف ma نمبر ۸ـ٤٥ـ ٦٠ـ ۷۳ چهار مرتبه در کتیبه تپه سکـنـدر درج گردیده که ازین جمله دو حرف کتیـبــه (ha) (٤٨ و٦٠) باحرف برهمی بازوایای حاده مشا به است حرف ta نمبر ۳۰ـ٦٣ـ ٦٤ـ ٧٦و ٨٢) یکسان میباشد .

بطور عموم دو حرف (ta) (na) در برهمی با زوایای حاده بـسیار نزدیك است ، شا ید حك کنـنـده در گذشتن فر ق بین‌آنها مغشوش شده باشد .

شکل (Ka) نمبر ۱۸و ۲) دوبار در کتیبه تپه سکندر آمده است که هم مانند حرف (Ka) که در کتیبه های معمولی برهمی بازوایای حا ده آمده است میباشد. این شکل‌توسط یك حلقه که در قسمت چپ کنـج پائین حرف آمده است مشخص می شود. (Ka) سومی که در کتیبــه تپه سکندراستعمال شده است فاقد این حلقه میباشد . (نمبر ۲۷) واز جنبه تاریخی (Ka) که در رسم ـ الخط های سوریایی ـ کو شـانی و گوپتا برهمی آمده است به‌ساختمان صلیب مشا بهت دارد. بعد از قرن هشتم میلادی یك شکل جـدید آن (نگری) بوجود آمد که به این یـك حلقه‌یی که از قسمت پائین به بالا کشیده شده علاوه گردیده است .

درین جاباید خاطر نشان کرد کـه حرف (Ka) نمبر (۲۳و۳۲) بحیث عنصر اولی‌کلمه مرکب استفاده‌شده عین‌شکل (Ka) گوپتا برهمی ویا شکل های قدیمی آنرا دارا است .

در کتیبه‌تپه سکندر حرف (Ka) فاقد حلقه را میتوان به حیث دو ره تحول‌بین (موریایی‌ـ کـوشا نی و گوپتا برهمی) قدیمی و شکل جدید نگری دانست. این حقیقت وشکل (Ka) تپه سکندر د ر افغا نستان‌و نوای‌سرحدی‌که تحت تاثیر فرهنگ هند قرار داشت بیشتر این فرضیه را تایید میکند که این حرف تنهـا یك تحولی است که در هند آنقـدر مورد استعمال قرار نمیگرفت .

بالاخره دو شکل برای آواز (Bha) نمبر ٦٣و٤٠ درین کتیبه مو جـود است. حرف نمبر ٦٣ شکل مشا به (Bha) کتیبه بو د هی گایا دارد در حالیکه حرف دیگر در کـتیبــه

نمای صفه سمت شمال معبدتپه سکندر . (۹)

تپه سکندر منحصر به فرد ا ست. این شکل نمبر٤٠ را باز هم‌میتوان به حیث یك شکل تحو لی برای (ka) قبول کرد که در خارج دایره‌نفوذ کلتور و تاثیرات لسا نی هند با قی مانده است .

در کتیبه گنش این حرف (bha) که دو مرانبه حك شده به نظر می آید که با (bha) کتیبه تپه‌سکندر همانند است البته باوجودمشکلاتی که در تپه فوتوی خوانای کتیبه گنش داشتیم مشکل بود که یك نتیجه قطعی در باره تشابهات دو شکل (bha) ارائه گردد.

البته کتیبه مذکوربه لسان‌سانسکر- یت است وتا اندازه باسانسگریت رسمی معمولی متفاوت میباشد . و این تفاوت آنقدر به گرامر مر بو ط نمی شود. بلکه زیاد تر در املای بعضی کلمات واقع شده است .

بطور مثال-کلمه ونگارش (murti) در کتیبه تپه سکندر به شکل mutti آمده است و مثالهای دیگر آن‌عبارت اند: نگارش (tri) به شکل (ttri) و (Kartta) به شکل (Karta) و (Kriya) به شکل (Krya) درج گردیده است. واین تفاوت ها معمول است. به امر اینکه در متفرق نمی کند . بلکه دو ستی‌خلق خوانیش کتیبه کلماتی با املای رسمی معمولی سانسگریت ا رتباط میگیرد .

برای اینکه میان تفاوت که در بین املای این کتیبه و نوشته ها ی مربوط سانسگریت مو جود ا ست فرق قایل شویم در ترجمه آن‌املای سانسگریت در بین قو سها علاو ه شده است و قو سهای کلا ن زمانی علاوه گردیده که خوانش کتیبه در مورد بعضی حروف‌وآواز ها یقین نبوده است .

قسمت اول کتیبه از حرف نمبر (۱- الی ۳۶) به شکل تحریف‌شده (Sloka) برگشته نگا شته شده است که معا دل آن ممکن است چنین باشد .

u-u-u-u-u

در نیم دومی کتیبه مشکل است معادل آنرا دریابیم. برای اینکه بسیاری حروف (مخصوصا نمبر٤٩ و٦٦) غیر معین وغیر قابل‌خوانیش اند. بطور مثال: حرف نمبر (٦٠) که ممکن در اثر اشتباه نویسنده ویا حك کننده بسیار مشابه حرف (to) و (no) میباشد. البته این حرف را میتوان به شکل (ne) خوانده‌وهم ممکن است آنرا به شکل دو حرف (te) و (no)خواند. همچنان برای حرف نمبر (٦٥) که میتوان آنراهم به شکل (ya) ویا (la) خواند مگر صرف نظر از اینکه آنرا چگونه بخوانیم. معنی‌آن درین کتیبه‌صدق نمی کند.

ترجمه کتیبه :

دریك وجود سه اصل نهفته است .

بر هما ـ ویشنو ـ مهشو ارا .
ویشنو عمل کننده .
برهما عمل و ...
مهشوا را حقیقت است ـ مبداء
واصل .

ومهاد یوای بزرگ ،بیا ن کننده
برای اسکان رب‌النوع (مهشوارا)
ویشنو بر هما.
اشخاصیکه دل ناپاك داشته‌باشند
به آن غیر قابل دسترسی‌میباشند؟

من رفتم ؟

کتیبه تپه سکندر در بر **گیرنده**
سه اصل مهم روحانیت **عالی‌میباشد**
این اصل سه گانه هندو ئیزم **یعنی**

ـ۱۰ـ نمای از ترنش سا حات مسکو نـی دورهٔ اولی تپه سکندر. (۱۱)

نمای از محل کشف مجسمه اومه‌مهشو ا را تپه سکندر . (۱۲)

برهما (آفریننده وخالق) شیوا (نابود کننده) ویشنو «محا فظ و نگهدار را مشخص میسازد .

لاکن در کتیبه مذکور این سه رب‌النوع با اشکال متفاوت طوریکه قبلا گفته شد ذکر گردیده. ودرین جا شیوا (بعضی اوقات به قسم.... مهشوارا) که قادر کل است ظاهر شده است .

چون شیوا به شکل ساده روی دیگر برهما است مشکل نیست اینکه بدانیم چگونه این‌تبدل صورت‌گرفته **است شیوا به شکل** اصل خود به حیث رب‌النوع‌تمام‌عالم وکاملامتکی‌به خود معر فی شده است و صفا ت ذیل که شا ید از مختصات شیوا یا (شیوای بزرگ) اینست که علت یعنی بوجود آورنده نگهدارنده و معدوم کننده شا ید اسا س آنرا تشکیل بد هد .

خواننده محترم باید آگاه بود که درین جا وظایف سه رب‌النوع‌بطور مختصر است. مطا لعات بعدی با ید انجام شود تا معلو مات خو بتر در فهم معنی کتیبه تپه سکندر حا صل گردد .

محتوای این‌کتیبه کلیدی درمورد فهم تاریخ خود مجسمه بدست‌میدهد زیرا شا ید کتیبه بعدا به مجسمه انضمام یافته‌باشد البته‌با مطا لعات کتیبه شناسی ما فقط میتوانیم یک تاریخ تقریبی برا ی کتیبه ذکر کنیم:

اول: معلوم است‌که الفبای‌برهمی بازوایای حاده‌در قرون هفتم وهشتم میلادی در هند معمول بوده است . وباید بانظر داشت موقعیت مجسمه وتفاوت های بین نگارش این کتیبه وکتیبه های‌معمولی برهمی بازوایای حاده میتوان حدس زد که در هیچ صورت این‌کتیبه‌از قرن هفت‌میلادی قدیمتر نمی باشد. بر علاوه چون کتیبه تپه سکندر در افغانستان‌یعنی خارج از سرحدات ساحه نفوذکلتور وتاثیرات لسانی هند لذا ممکن است که کتیبه فوق بعد از قرن هشتم میلادی نگاشته شده باشد .

در هند این سبك وروش تحریر بعد از قرن هشتم تغیر کرد. مگربنا بر بعد مسافه بین هند وافغانستان وتغیرات لسانی آنها شا ید این تغیرات به آن‌سرعت که‌درخود هند آمد در ممالك‌همجوار آن نیامده‌باشد لذا زمانیکه این تغیرا ت در هندواقع میشد ماشکل تحولی در هر دوکتیبه گنش وتپه‌سکندر ملاحظه میکنیم .

از جمله تمام کتیبه ها ی که در حوزه گندهارا وافغانستان پیداشده

نمای از صفه تپه سکندر . (١٤)

است تنها دو کتیبه تپه سکندر و گنش به الفبای برهمی بازوایای‌حاده نگارش یافته‌است‌وبقیه تمامابشمول کتیبه صخره سنگ پغمان‌افغانستان وچندین کتیبه سنگی صیقل شده‌که در موزیم پشاور مو جود است. به الفبای نگری نگاشته شده اند.

در مطا لعات قبلی که توسط پروفیسر توچی در باره کتیبه‌مجسمه گنش بعمل آمده بود مو صوف این کتیبه رابه قرن پنجم وششم میلادی نسبت داده بود. ولی اگر این نظر را بپذیر یم که کتیبه تپه سکندر بعد از قرن‌هفتم نگا رش یافته باشد. کتیبه‌گنش هم که‌دارای بسیاری مشخصات همگونی ازنگاه حروف است. نیزباید که بعد ازقرن هفتم میلادی حك گردیده باشد .

چون تحلیل‌تاریخ نفوذ کلتورهند در افغانستان وگندهارارا هنوز هم بسیاردر پرده‌ابهام‌قراردارد پیدایش دوکتیبه تپه سکندر و گنش‌بسیار مهم میباشد. البته پرو فیسر تو چی اولین محقق کتیبه یك مقدار زیاد معلومات ارائه نموده است. کار او باید از جنبه‌های مفکوره های کلتور هند وتا ثیر ات لسا نی آن در

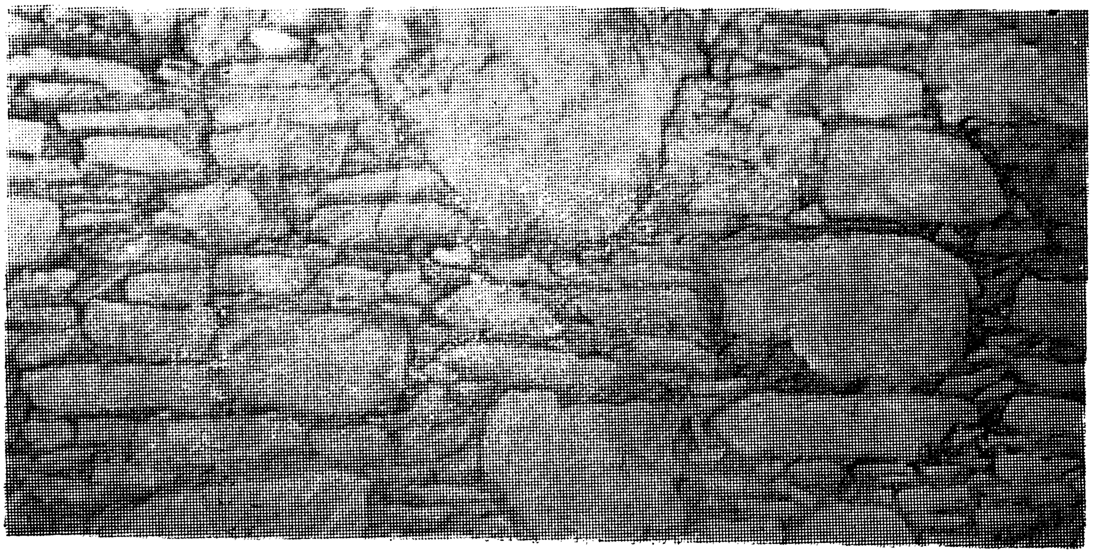

نمای از دیوار تپه سکندر (١٤)

افغا نستان مورد ارزیا بـی مجـددقرار بگیرد .
کار زیادی باقی مانده که با یـدانجام شود مگر این دو کتیبه شا یدیك راه را برای بهتر درك نمودناین دوره مبهمتاریخ هند وممالكهمجوارآن باز نماید .

ادامه دارد

ماخذ:ـ رجوع شود بـه راپـورحفریات تپه سـکـندر سال ۱۹۷۰نشرات کیوتو یو نیوریستی جاپان.

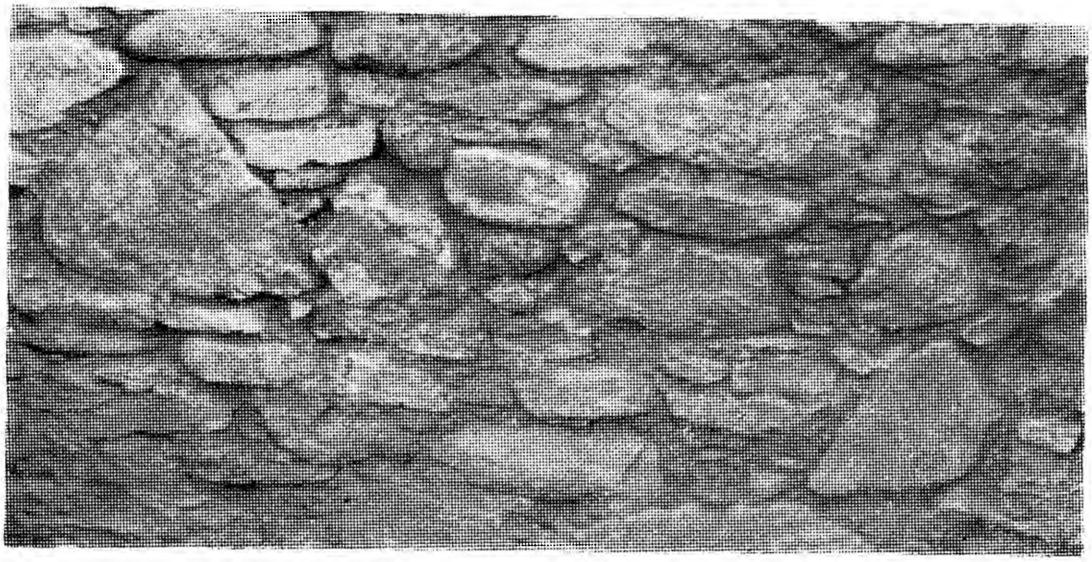

نمای‌ازدیوارهای تپه‌سکندر(۱۵و۱۶)

نمای دیوار معبد تپه سمکندر.(۸)

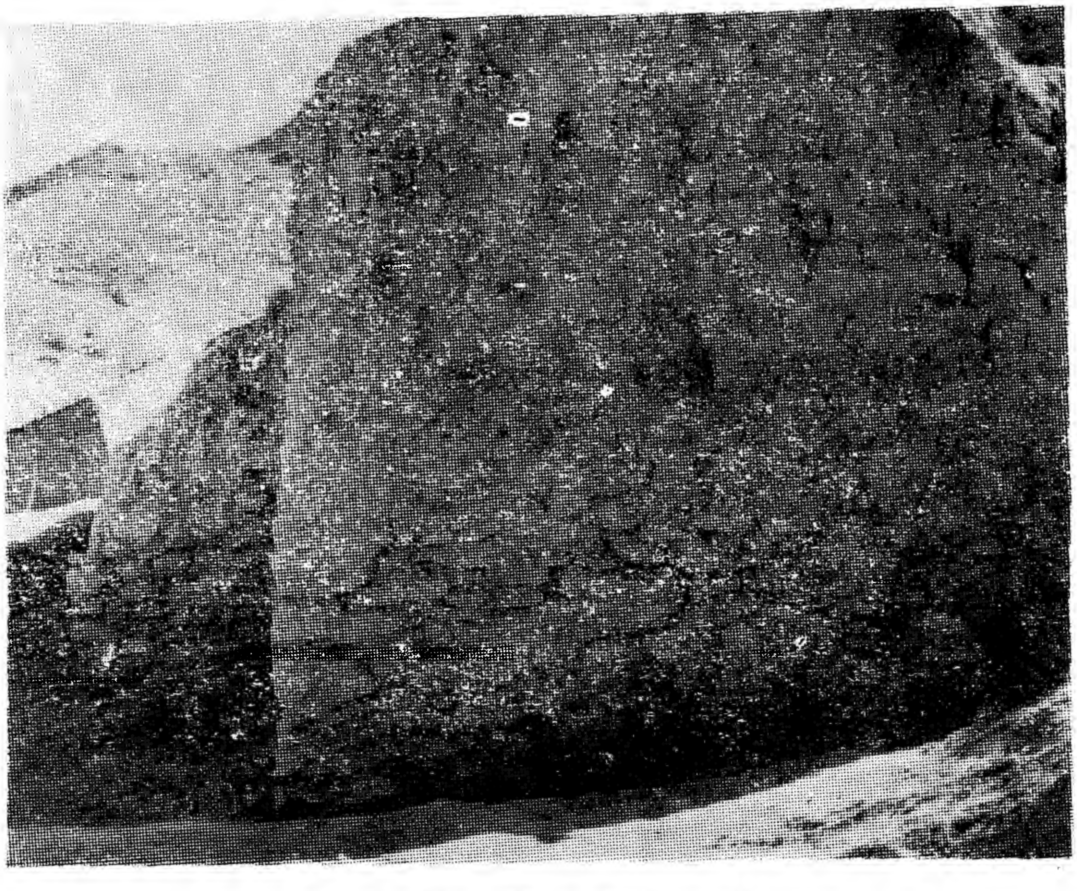

نمای ساختمان مستحکم سنگی تپه سمکندر. (۷)

د ویږو تدی لیکنه		د صدیق الله عتیق زوی ژباړه

په غزني کې لیکل شوي خاوریني لوحې او میناتوري ستوپې

د اوسني دغه پورتني دجوړونی د تنسیب تشریح څخه داسې معلو- مېږي چه دغه ډول د جوړونـــی سبك او تخنیك ډېر لږ دمنلو وړ دی ځکه دلته یو بل ډول دجوړونی تخنیك شته چه هغه تخنیـــك د (مکور درتین) یعنی کوچنیـــی جوړونی په نامه یاد یږی . باید ووایم چه په دی نژدی وختـــو کښی دغه ډول کوچنیی جوړونی (مکورډرتین) دسفر کوونکو له خوا ډلوډلو لیاری په سر جـــوړ شوی وه البته دغه کوچنیـــی ستوپې دلیاری په سر ډیر پـــه ساده شکل جوړی شوی پـــه معنی چه په کوټو کښی یی لـــږ ملتوه نیولی او دهغه څخه یی بـــه ساده شکل ستوپه جوړه کـــړی) (٤٣) . امکان لری چه دغـــه پخوا نی او زړه مینا تـــور ی ستـــو پـــی دراهبینو لـــه خـــوا جـــوړی شـــوی د ی او وروسته په زیارت کوونکو او مسافر ینو باندی دراهبینو لـــه خوا ویشل او پلورل شو ی وی .

مګر په دی نژدی وختو کښی دغه ډول آثار په ډیر ښه مهارت او لیاقت سره د بودایی مذهب هوا خواهانو له خوا جوړ شوی د ی لاماس هغه څوك دی چه پـه دی نژدی وختو کښی یی دستو ړو او مهرو قالب جوړ کړی دی هغه ددغه ډول مهر واو لوحو جوړو- نکو او پلورو نکو ډیری مجسمی او لوحی جوړی کړی او هغه یـی وروسته په مسافر ینو او زیارت کوونکو باند پلورلی دی ، همد- ارنګه لاماس خاورینی لوحـــی د پخوانی لوحو له مخی جوړ ی کړی چه په دی هکله د (سکلا ـ جینتوت خر ګندونی پور تنـــی لیکنی ثابتوی (٤٤) .

ددغه دوه ډوله (ذخاور ینو لوحو او مینا توری ستوپـــو) آثارو دخصو صیت پیژند نه چه دتوچی له خوا پښینها د شـــوی واقعاً دمنلو وړ دی ، سره ددی چه ددغه ډول آثارو دجوړو لـــه یاد داشت کول ډیر په زړه پوری ده ، څرنګه چه دګودال آهنګران د آثار و په نمونو کښی وښودل شو چه خاورینی لوحی او مهرونه زیا تره په مینا توری ستو پـــو کی ځای په ځای یا ایښودل کیده او یوازی په مذهبی مراسمـــو کښی دهغو څخه دمقدس یا تبرك شی په څیر استفاده کیده .

وګل په دی هکله داسی عقیده لری او اضافه کړی چه خاورینی لوحی له (دهارما ـ پار یا یـــا) سره اړیکی لری او دغه خاورینی لوحی دمذهبی مبلغینو او راهبینو له خوا جوړی شویـــدی (٤٥) . پخوا په هند کښی راهبینـــو ، عامی یانا پوهه خلکو وختو څخه مجسمی او چاتیاوی جوړو لی او یا دبودا دمجسمی یی څیره یی پـــه وریښمینو ټوټو یا کاغذ با نـــدی رسم کول او کوم ځای تـــه دوی سفر کاوه هغه څیری یی دعبارت او احترام لپاره لیږ دول ځینـــی وخت دوی بودایی ستوپی په دی ډول جوړولی چه په یوه لرګـــی یا ستن باندی دبودا مجسمـــه جوړوله او هغه مجسمه یی دخښتو

په واسطه چارچا پیر احاطه کاوه چه ورو ، ورو دغه احاطه شوی ساده ځای معبد گڼل کیده . ځینی وخت راهیبنو په لیری او متروك شوی سیمو کښی ستوپی و دانولی او وروسته له یو مودی څخه نړیدلی او په خرابه بدل کیدی هریو کولای شوای چه په خپله دعبارت دآثارو په جوړو لو کښی ونډه او برخه واخلی ، او کله خلکو مجسمی او چایتاگا- نی دختو ، طلا ، نقره ، مس ، اوسپنه ، ډبره لاك او خښتو څخه جوړول ، یا کله چه دوی دشگو غونډی جوړولی په دی غونډیو کښی د مجسمو او چاتیا وکښی دوه ډوله تبرکی (شاریراز) ایښودل :

١ - دلوی معلم اولار ښوونکی آثار .

٢ - دگاتا دپیوند سبب (٤٦) دعلل او عواملو تسلسل .

وگل وروسته لیکی چه هغوی خپلی مذهبی عقاید په روښانه ډول په ځینی دغه جوړ شوی شیانو لیکل نوله دی کبله ددغو خاورینو لوحو او ډبرینو لوحو کښی دغه شیان لیکل کیدل او دوسپنو په مینځ کښی ایښودل کیده .

دهیوان تسانگ ځینی لیکنی اویادونی په اساس چه دمارشال‌له خوانقل قول شویدی موږ ته ښی چه با ارزښت مینا توری ستوپی لویو ستوپوته نژدی یا دننه په لویو ستوپو کښی ایښودل کیږی .

« په هند کښی معمول او مروج دی په کوچینی ستوپی د عطر لرونکی پودریادخاورود گرد دخخه خمیره کیږی اوله دی ډول خمیری څخه کوچینی ستوپی جوړ یږی ددغه کوچینی ستو پو لوړوالی تقریباً ٦ یا ٧ انچ دی په د کوچینو ستو پو مینځ کښی د سو ترا ځینی لیکنی اقتباس کیږی چه دغه لیکنی د (دهارما شار یراز) یافا شی لی په نامه یاد یږی ، کله چه ددغو کوچنیو ستوپو شمیر زیات شی وروسته هغه کیږی لویی ستوپی جوړی کړی او دغه تولی کوچینی ستوپی په لویو ستوپو کښی ایښودل کیږی وروسته په دوا- مدار شکل کوچنی ستوپی دمذهبی تحفی په څیر ورکول کیدل .

ددغه کار سرته دجایا سینا دچنگ کیان وظیفه وه چه په خپله خوله په شفاهی ، توگه عالی قانون اعلان او بیان کړی ، نوځکه هغه‌خپل زده کوو نکی تشویق کړل چه په خپلو لاسو باندی دغه ستوپی ودانی کړی ، هغو ددیر شو کلو په ترڅ کښی کوتس (اوه کرور) دهارما - شاریراز ودانی کړی او دهر کوچنیی ستوپی لپاره یی لویه ستوپه ودانه کړه په دی مفهوم چه کوچینی ستوپه دننه په لویه ستوپه کښی پاتی شوه (٤٧) دغه شواهد او لیکنی موږ له شك او تردید سره مخامخ کوی ځکه دستوپو د جوړونی بل ډول نظر یه او فرضیه د فوشه (٤٨) له خوا ورکړ شوی هغه نظریه دی ډول ده چه دستو - پی او لوحو دجوړولو لپاره موږ کولای شو « په خپل لاس کښی دختو ساده پنډو سکی ونیسو وروسته یی دستوپو په قالب کښی واچوو او یاد ختو پنډو- سکی په مخ باندی دمهر نقش ووهواو په ډیر لږ موده کښی موږ دا ډول ډیر لرغونی آثار جوړ لی شو چه بی له شك څخه دا ډول جوړونی چه په چټکی سره تر سره کیږی تولو خلکو او په پیره زیارت کوونکو ته رسیږی ، چه دا ډول کو چنیی آثار دلیږ دولو لپاره ښه مناسب دی : دا ډول بیان کیدای شی خلکو په ډیره مینه مسافر ینو ته سوغات ورکول یعنی دا ډول ستوپی خلکو په ډیره مینه سره منل ددغه ډول ستوپی لیږ ډول آسانه وه اوله بلی خوا دمسافرینو لپاره یو ښه سوغات گڼل کیده او بر سیره په دی ، په دی کار کښی کوم زیان ستوپو ته نه رسیده .

ځینی مینا توری ستوپی پرته له دی چه په هغه کښی مذهبی اړخوته په نظر کښی ونیول شی دیوی ډلی جعل کارانوله خوا دتجارتی اړ خوله پلوه جوړ یدل ، څرنگه چه دغه‌ډول دجعلی ستویو غوتی دستین له خوا موندل شو- یدی چه دغه جعلی نمونی اوس د نوی دهلی په ملی موزیم کښی ساتل شوی (١٢ - ١٣ شکلونه) ، دستوپو دغه نمونی په دی دلیل اصلی او مذهبی ستوپی نه دی چه په دغو ستوپو کښی مذهبی لیکنی ، خاورینی لوحی او لرغو- نی آثار نه دی لیدل شوی . دبودایی له لحاظه هره ستوپه د مقبری حیثیت نه درلود او دستو پی اصلی مبدا کوم چه موږ ته ښه څرگنده ده مذهبی ارز ښتونه دی چه په ځینو ستوپو کښی د بودا دبدن ځینی غړی د تبرك په څیر ایښودل کیده .

دغه کوچنیی آثار چه دهغو څخه یادونه وشوه په مختلفو دورو پوری اړه لری او دتاریخی اړخ له پلوه ډیره په زړه پوری ده ، څرنگه چه دهیوان تسا نگ دلیکنو او شواهد وله مخی ثابت شویدی چه دغه کوچنیی ستو پی د مذهبی قواعدو دتحفو نمو نی دی (٥٠) جایا سینا یو پوه راهب وه چه هغه یوازی خلکوته د مذهبی قواعد وزده کړه کوله جایا سیناتل نه‌یوازی په مذهبی

کارو بوخت‌وه بلکه هغه دکوچنیی ستوپو (دهار ماکایا ـ چایتیا) په جوړولو هم بوخت وه . دغه ډول ستوپې هغه ډول ستوپې دی چه په هغو کښې لرغونی آثار او بقایا (شار یراز) نه ایښودل کیده ، مګر د (دهارما-پاریایا) ستوپو کښې لرغونی آثار او مذهبی شیان او لیکنی ایښودل کیده .

هیوان تسانګ (٥١) او (آی ـ تسنګ) په خپلو یادداشتو کښې په دی هکله ښی یادونی کړیدی . په هرحال دکوچنیو ستوپو جوړونه او ښوونه په حقیقت کښې یوه معنی لری او هغه داچه د ټول دمذهبی قواعد وتحفی دی .

په هرحال ترڅو موږ ددغو کوچنیو ستوپو په تاریخی معنی او تعریف پوره معلومات ترلاسه نکړو په غوڅه توګه نشو کولای دهغو په هکله جوته پریکړه او غوڅ نظر ورکړو ، فوشه په دی هکله شکمن سلا او مشوری وراندی کوی ، په حقیقت کښی د لنګار ښتنی شکل په لرغونی‌آثارو کښی دمودل په څیر پیژندل شو یدی (٥٢) چه دیوه رب‌النوع د مقدس سمبول په څیر ګڼل کیږی حتی که چیری موږ دلنګا سمبول ته مذهبی ریښه ور کړو هغه د(مرن‌مایالنګا) دجوړونی او تولید لپاره ضروری ده (٥٣) . هغه ستوپی چه د قدسیت او احترام لپاره ودا نیږی لازمی ده چه هرو مرو په هغو کښی لرغونی یاد ګار یا مذهبی قواعد او فور مولونه کیښودل شی مګر له بلی خوا موږ باید له دی حقیقت څخه سترګی پټی نه کړو چه په لرغونی زما نو کښی جوړی شوی کوچنیی ستوپی (٥٤) خلکو ته مقدس نه و ځکه دغه ډول ستوپی دمذهبی خلکو له خوا نه وی ودانی شوی ، بلکه یوازی دختو په پنډوسکو باندی دستوپو د شکل تاپه وهل شوی وو . چه دغه ډول ستوپو یوازی تجارتی بڼه درلوده او موږ ددغه ډول ستوپو نمونی د نوی دیلی په ملی موزیم کښی لیدل شو . (٥٥) .

له بده مرغه د فرانك (٥٦) با ارزښته لیکنی او شواهد هم نشی کولای هغه ستونځی چه نن لرغون پوهان ورسره مخامخ دی حل کړی ، فرانك په ځینو لرغونی مینا توری ستوپو باندی چه د (لی) سیمی ته نژدی موندل شو یدی هغه په دی ستوپو باندی چه د (لی) سیمی ته نږدی موندل شویدی هغه په دی ستوپو باندی ډیر په زړه پوری تجربی . ترسره کړی دی ، هغه لیکی ؛ « کله چه مایوه میناتوری ستوپه دلوړ ځای څخه لاندنی وغورځوله نو موږی ستوپه ټوټی ، ټوټی شوه او دستوپی د مینځ څخه یوه پاکه کوچنیی لوحه‌او یوه کوچنیی کیتبه پیدا شوه چه په دغه کتیبه کښی د (یی‌دها رما) فامورل د لرغونی شاردا په څیر لیکل شوی وو په غوڅ ډول ویلی شم دکتیبی دلیکنی خصو صیت په یوولسمه میلادی پیړی پوری اړه لری ، که څه هم ما ډیری نوری مینا توری ستوپی ماتی کړی چه د هغو څخه لیکل شوی لوحی او کتیبی لاس ته راوړم مګر له بده مرغه د لوحو او کتیبو په موندلو بریالی نشوم سره ددی چه فرانك ډیری میناتوری ستوپی دستونځو دحل کولو لپاره لټولی دی له بده مرغه څرنګه چه ده پخپله ډیری ستوپی څیړنی او لټولی د ی هغسی یی نه دی تشریح کړی که څه هم هغه په دی هکله ډیر مؤثر او ژوری څیړنی کړ یدی خوله بده مرغه په دی هکله پیاوړی لیکنی یی نه دی کړی چه آیا دغه کوچنیی میناتوری ستوپی د مذهبی راهبینو له خوا جوړ شویږی یا دعامی او غیر مذهبی خلکو له خوا ؟ که چیری ټولی ستوپی د مذهبی راهبینو له خوا جوړی شوی وی نو ولی ټولی ستوپی لوحی او کیتبی نه لری .

موږ د مارشال دراپور څخه چه دراجا ګره د میناتوری ستوپو په هکله یی خپاره کړی هم نشو کولای په دی هکله په زړه پوری معلومات تر لاسه کړو ، مارشال په خپلو لیکنو کښی لیکی چه دراجا ګره د خاورو په اتمه غونډی کښی د ښتو د دیوا لو ځینی خرابی او پاتی برخی پیدا شوی کله چه دغه ځای وکیندل شو دلوی خونی دفرش یا دغولی په مخ کښی څو خاورینی کوچنیی ستوپی پیدا شوی ، دستو پی لوړوالی دوه انچ او قطر یی په لاندنی برخه کښی یو انچ دی... د هر یوی ستوپی دننه یوه وړوکی لوحه او دبودایی فار مول (یی دهارما هیتو پرابهـا وا) پیدا شول دغه لیکنی د اتمی او نهمی میلادی پیړی (٥٧) په سبك لیکل شوی مګر له بده مرغه موږ ډیر با ارزښته معلو مات د دغو میناتوری ستوپو د شکل په هکله نه لرو .

کننګهم (٥٨) په سرا واستی کښی د ستوپو دپنځمی کنډوالی په هکله اشاره کوی او لیکی چه ؛ په دغه کنډواله کښی یو شمیر خاورین مهرونه چه ځینی یی سوځیدلی او ځینی یی د سوځیدلو څخه روغ او رمټ پاتی شویدی ، دیوه فټ په لوړوالی دغولی څخه او اته نیم فټ دخونی د دیوال د لاندنی برخی څخه لاس ته راغلی دی . هغه په دی بریالی شو چه دځینی خاورینو مهرو د اصلی موقعیت په هکله یادونی او لیکنی وکړی ، له دغو خاورینو مهرو څخه چه داورلګیدو

په اثر ډیر سخت سو ځیدلی دی او خورابنه زیانمن شو یدی په دی خاورینو مهرو کشی یوه کوچنیی ستوپه او یوه کتیبه چه اتلس کربښی لری لیدل شوی (دنوموړی کتیبی دری وروستنی کربښی یوازی مذهبی لیکنی دی) له پورتنی ستوپی سره یوه ماته شوی خاورینه ستوپه چه نه ده سو ځیدلی پیدا شوه . همدا ډول دنه سو ځیدلی خاورینو لوحو په مینځ کشی څلور لوحی یی چه د مختلف شکلونه لری او دهغو څخه دری یی اوږدی اویوکوچینیدی چه دغه څلور کوچینی لوحی په یوه ژغورونکی پوش ساتل شوی دی . هغه دری اوږدیلوحیقطر چییوازید ساده پنډوسکی په څیردی له دری نیم نه تر څلورو انچو پوری رسیږی له بلی خوا کو چنیی خاورینی لوحی پنځه کربښی کتیبه لری چه ځینی کربښی یی مذهبی لیکنی دی او د کوچنیی خاورینو لوحو قطر دیوه انچ دریمه برخه ده چه دغه کوچنیی لوحی تل جوړه جوړه څنگ په څنگ (۵۹) او مخامخ دستو پو مینځ کشی ایښودل شوی وی پیدا شول چه له نیکه مرغه نه دی سو ځیدلی . دغه ډول نوری خاورینی لوحی چه دننه په پنځم نمبر خونه کشی ایښودل شوی وی د اوبو اونم په اثر نمجن او خورا نرم شوی وه او حتی ځینو کوچنیی خاورینو لوحو او ستوپو لژیا ډیر دفشار له کبله خپل اصلی شکل له لاسه ورکړی دی یاله مینځه تللی دی .

همدا رنگه دغه حالت دگودال آهنگران په شپږم لمبر لوحو کشی لیدل شویدی چی ددغو لوحو پخوا چه د دغو د لو حو مخ پو ښښ شی په لو حه کشی د میناتوری ستوپی څیره ایستل شوی دی چه ددغه لوحی دستوپی ډول او شکل د گودال آهنگران د شپږم لمبر لوحی سره یو شان دی (۲۲ شکل) او هیڅ تو پیرنه لری .

د گودال آهنگران او ژدی او لویی لوحی ښه نه دی ساتل شوی دغه لوحی د خاورو فشار او دا- وبونم له کبله خپل اصلی شکل یی له لاسه ورکړی دی څرنگه چه په دی هکله پورته یادونی شویدی چه نمونه یی موږ یوازی په شپږم لمبر شکل کشی لیدلی شو ، او دخاورینو لوحو بل ډول دمهر چاپ دننه په مینا توری ستوپو کشی لیدل شوی (یوولسم شکل) دغه حقیقت دسر او استی دهغو آثارو سره چه د گودال آهنگران له آثارو سره نژدی ورته والی لری ملاتړ کوی څرنگه چه موږ دسر اوستی او گودال آهنگران آثارو مینځ کشی درته والی ولید چه دغه ورته والی او نژدی شباهت د کننگهم له خوا تشریح شوی .

په نسبی ډول دگودال آهنگران څخه لژ شمیر خاورین آثار لاس ته راغلی دی مادهغو دلیژ دونی صلاحیت او اختیار نه درلود چه هغه آثار دڅیړنی او دمینا توری ستوپو د امتحان لپاره دځان سره واخلم نو ځکه ما ددهغو آثارو د څیړنی څخه ډډه وکوله ، او ددغه آثارو ژوره څیړنه هغه وخت تر سره کیدای شی چه په دی هکله ډیر آثار او مواد په لاس کشی وی زما اصلی تشویش داوه چه دگودال آهنگران څخه هغه آثار ما تیدونکی دی ترهر څه ژردخا- ورو لاندی را وویستل شی .

دستوپو په نمونو او مثالو کښی دخاورینی لوحی محدب اړخ اومخدرز پیدا کړی (لسمشکل) او زما لپاره مشکله نه وه چهدغهماتهشوی ټوټهپرته له دی چه هغه ته زیان ورسیږی د لوحی څخه جلا کړم زما لپاره د حیرانتیا ځایوه چه ماله همدی ځای څخه یوه همواره لوحه پیدا کړه ی چهدواړه مخونه ییصافوهاوهیڅ نقش اولیکنهییدر لودهددیلوحید موقعیت او خصوصیت څخه دااسی معلومیږی چه دغه لوحه په یوهنمجن ځای کښی پروت وه نوځکه داامکان لری چهدوخت پهتیریدو سره دهغه نقش اولیکنی لهمنځه تللی وی اویا دا چه دغه لوحه دجوړونی په وخت کښی دجوړو نکیله یاده وتلی وی دتعجب ځایدادی چهدغه لوحه دنور لوحو په شان نه ده پخه شوی .

اوس موږ دهغو آثارو او مواد و څیړنه کوو چه لاس تهموراا وړی موږ باید هغه خاورین آثار امتحان کړو و چه په مهرو کښی مذهبی نقوش موجودوی له بلی خوا موږ باید دغه خاورین آثار دجوړونی ډول اواندازه او دآثار و ترکیب چه هرومرو دراز راز مقاصدو لپارهدهغو څخه استفاده کیده ، وڅیړو (۲۹-۳۲ شکلونه) (۶۰) .

پهدیر گمان سره ځینی خاورین آثار چه سوځیدلی نه دی له ځینی سو ځول شوی آثار وسره شباهت او ورته والی لری (۲۷شکل) دگودا ل آثار له خاورینو لوحو سره چهپخوا په هغو باندی بحث او خبری وشوی یوشان نه دی ،موږ وغواړو چه ددغو خاورینو آثارو اولوحو پههکله ښه معلومات ترلاسه کړو لازمه ده چه تبتی متونونه او دتوچی له خوا نقل قولشویدی مطالبو ته مراجعه وکړو آی تسنگ نظر لری چهدغه مجسمی اوستوپی دوهقشرهلریچه دغهقشرونه په یوه سطح اومعیار سره جوړ شوی دی په دی توگه زهعقیده لر م چه دخاورنیو آثار و په هکله دو گل نیکنی صیحح دی .

کوچنیی خاورینی لوحی خاص دستو پو لپاره دسپځلیی او پاک شی په څیر گڼل شوی وه حتی دوی مقصد

لپاره مجسمی هم پاك گڼل شوی (٦١) .په دی ډول ستوپی اومجسمی دواړه بهګڼه توګه مقدس ګڼل‌شوی وه پرته‌دکوچنیو خاورینو لوحوڅخه چه په دی کتګوری کښی نه راځی دغه خبره دی‌وه حقیقت له مخی‌تاييد او تصديق کيږی چه‌په منګولیاکښی یوازی هغه کوچنیی ستوپی دتساتسا په نامه یادیږی پاك او مقدس بلل شوی دی (٦٢) .

دغه تشريحات او ليکني ترلو ی اندازی پور ی قناعت ببښونکی دی پرته دځو ټوټی آثار وڅخه دکوچینی خاورینی لوحی څخه تل دمذهبی مقا صد ولپاره کار اخیستل کیده‌حال‌دا چه د(مجسو، ستوپواوارباب الانواع ځیری موږ په آزاده موندلی شو .که چیری موږ داسی فکر وکړو چه‌کو- چینی خاورینی‌لوحی د(دهارماپرابابا ليکنی نه لری او یوازی په هغوباندی مذهبی یادونی تاپه او مهر کړی‌شوی دغه هراړ خيز او پراخ سوال ته‌په دی لحظه او موقع کښی ځواب نشو ورکولای .

کله چه په ټولو خاورینو آثاروچه تر اوسه په‌هغو باندی دمذهب له پلوه خبری او اتری وشوی په پای کښی باید څرګنده کړم چه مادغه ځیړل شوی آثار دوظیفی له پلوه‌په دری برخوویشلی دی :

١ـمینا توری ستوپی .٢ـ خاور ینی لوحی چه ددین اومذهب لپاره وقف شویدی ځینی وخت دغه‌خاور ینی لوحی دالهود مجسمویا دستوپو ځیری لری چه دمقدسو ستوپولپاره وقف کړی شوو اویا کله کوچینی خاورینی لوحی دمذهبی تحفو په ځیر ویشل شویدی .دریم خاورینی تاپی دی چه یو یازیات مهرونه‌لری او دغه مهرونه د حاورینو لوحو په پرتله اارزدی دی، دغه مهرونه‌یوازی د زيارت کوونکو له خود جوړ یدل او زيارت کوونکو ته . دسو غات په ځیرورکول کیده دمینا توری ستوپو شکلو نه په ټولو ځا یو کښی یو- شان نه دی بلکه په مختلفو ځایو کښی مختلف اوراز راز شکلو نه لری (٦٣) . حال د اچه دستوپوشکل په ټولو ځایو کښی باید یو شا نږی داچه په مختلفو سیمو کښی دستوپو شکل بدلون کړیدی داسی څرګند یږی چه ځینی سیمه ایزه خلکو د ستوپو د جوړولو لپاره دستوپوقالبو نه جوړ کړی وه کله چه دغه‌کوچینی ستوپی له‌یوی ځای څخه بل ځای‌ته یو وړل شول نو خلکو دستو پود شکل څخه قالبونه جوړ کړل نوځکه په مختلفو ځایو کښی دستوپوشکل تغير و موند .

آی تسنګ په خپلویا دااشتو کښی ليکی چه‌دغه‌میناتوری ستوپی‌دزيارت کوونکو او مسافر ینو له خواد سفری زيارت په ځير وړل کيده‌له دی کبله دغه ستوپی کوچینی جوړ څخه بل ځای ته ولیږ دول شی .

دکوچینی ستوپو په هکله هغه دود او دستور چه پورته تری یادونه وشوه په لرغونی زمانو کښی له‌هند څخه ترتبت ،مرکزی آسيا جنوب ختیځی برخی اونور ولیری سیمو پوری خیله لمنه خپره کړی وه .

---

44 Ibid. P. 194

45 Vogel. 1906, P. 80. See also sahri p. 309. no.f (cd) 9et. For Zenralasaitische studient. 3. 19-es Zar ful-lung von mcod reten" iod. of. J. Kalsang "Grundszlich- the filling of stupa in a liter per-69. pp. 51-53.

د بودایی د مذهب ليکل شـــوی‌اسناد چه دغه اسناد د (تاکاکو- له خـــواترجمه شویدی لنـــــدن ١٨٩٦ميلادی کال ١٥٠ مخ .

٤٧ ـ س . بل د لويديځی نړی د بودایی مذهب‌ثبت شوی او ليکل شوی اسنــــاد نیو یارك ١٩٦٨ میلادی کـــال‌دوهم ټوك ١٤٦ مخ ، همدا رنګه په دی هکله دمار شال ليکنـــــی ١٩٠٦ میلادی کـــــال ٩٧ مخ .همدا رنګه په دی باره کشـــــی‌دستین شواهد ډیر د اهمیت وړ دی

څرنګه چه ستین د (خارا خوتو)دسیمی ټولی ستوپی لیدلی اصلاًد خاراخو تو ستوپه دسلو نورو کوچنیو ستوپو پواسطه احاطـه‌شوی چه دمنځنی ستوپی د پاسه‌یوه استوانه یی میله چه مینـــځ یی خالی دی درول شوی

(of. stein, 1921, III. p. 1105).

Foucher. 1927.p.11

٤٨ـ دقوشه ليکنی ١٩١٧ کال‌دامخ

49 Foucher. 1905. p. 52

50 Tucci. p. 27

٥١ـددی مطلب دځیړلو او زیاتومعلوماتو سره کولو لپاره دی دتساو-تا- کونګ-تی- کنګ) چه بودایی مذهبی کتاب دی وکتـل‌شی او دغه کتاب دتوچي له خوا نقل‌قول او اقتباس شوی توچی٢٨ مخ دیادولو وړده‌چه‌ذلنګا ستوپه په موازی ډول په ډیر ښکلی شکل‌جوړ شویدی پـه دی هکله ځیـنی اروپایی پوهانو دوی پیړی‌په‌پیل کښی‌ډیری ژوری ځیړنی کړیدی د مثال‌په توګه د ه.ب. هاول . دهند دهنر هدف عنوان لاندی‌ليکل‌شوی لندن ١٩١١ میلادی کال٨٧مخ... شیوالنګا ... په قوی ګمان سره

امکان لری چه دبودایي دنزری ستوپی څخه اخیستل شوی‌وی. دهنددلرغونی‌او منځنی معماری لندن۱۹۱۵م کال ۱۰۶ مخ. دهمدی عنوان‌لاندی‌دکټ لیکنه ۱۹۲۳میلادی کال ۱۰۲مخ . په‌دی هکله اساسی اوبنسټیز کارونه یوازی د ت. الف. گوپینانارا‌و له خوادهند دایکنو گرافی (ځیره‌پیژندنه) عناصر تر عنـوان لانـدی لیکل شوی لمړی ټوك دوهمه برخه‌مدارس۱۹۱٦ کال. همدارنگه په‌دی‌کتاب کبنی شیوالنگا د درناوی پـه هکله دهغه دپیروانـو له خـوابنـه‌معلومات ورکړ شویدی .

53 Rao-op. Cit.p. 76
54 Fucher. 1905.p.p.53

۵۵–یوه خاورینه ستوپه‌چه‌لاداخ‌څخه لاس ته راغلی دوی ستوپی‌ډیردرناوی کیده استوپی په لاندی‌برخه کبنی خاص مذهبی مهر لیدل کیږی‌دکټ لیکنه ۱۹۲۳ میلادی کال۱۰۲مخ او دهغه شکلونه

56 Francke. p. 82
37 Marshall. 1906.p. 96.f
58 Cunningham. 1878. pp. 88.H.

۵۹– دکننگهم پخوانی نظر داوه‌هغه لیکلی وه‌چه‌ځینی خاورینی‌لوحی‌او آثار چه کتگهم تشـریـح کـړی دغه خاورینی لوحی جوړه‌جوړه مخامخ ایښو دل شوی کننگهم‌لیکی چه‌دغه جوړه ای لوحی کورنی تحفی او سوغات دی .

۶۰– ددغو لرغونی آثار ونمونی‌چه داوهم ځل لپاره تولید شوی‌په‌قوی گمان سره له نالندا څخه لاس ته راغلی چه اوس‌دروم دخیتځ پیژندنی دهنر په ملی موزیم کبنی ساتـل‌شویدی .

–٦١ څلور فاروین مهرونه چـه‌لاس ته راغلی په دی مهروکښی په‌قوی گمان سره بودایي لیکنی چـه دمهر وپه شا باندی ښکاری لیکـل‌شوی همدارنگه په دی مهرو کبنی‌دلوکاناتا مجسمه په گډ فلز باندی کار شوی دبندر بازا څخه مونـدل‌شویدی لیدل کیږی د مهرو مذهبی‌لیکنی دځیرلو او تـرجـمی وړدی . ددغه مهر و دلیکنی ډول څخه داسی‌معلومیږی چه‌په اتمه اونهمه میلادی‌پیړی پوری اړه لری (بهاتا سالی) دغه څلور مهرو نه د گودال‌آهنگران‌دپنځم او شپږم ډول خاورینو لوحوسره ډیر نژدی شباهـت او ورتـه والی لری .

62 P.S. Ballas-sammlungen histo risher Nachrichten uber die ma- ngolischen volkersch aften. II st. petersburg-1801.pp. 108-211 (quoted by shlagint weit op. cit. p. 194. note 1).

63 cf. stein. 1912. III. p.1105 (میناتوری ستوپی‌دسو یانگ چنیگ‌سیمی ته نژدی پیدا شوی) دغه‌میناتوری ستوپی چه له دی ځای څـخه‌لاس ته راغلی دی دیوه قالب‌په‌واسطنه دی جوړ شوی‌بلکه هغه دځوقالبو په مرسته جوړشوی ځکه دغه‌ستوپی‌یوه بل سره ورته والی نه لری .

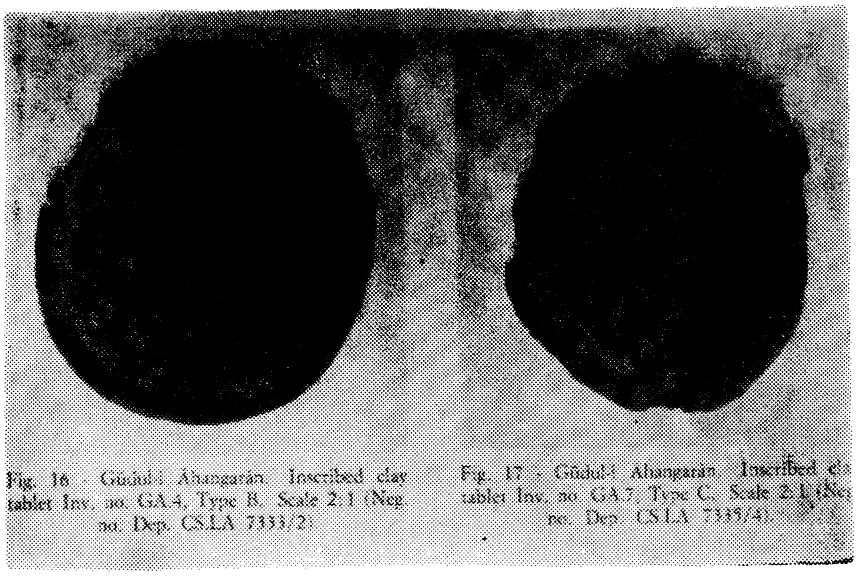

Fig. 16 - Gūdul-i Āhangarān. Inscribed clay tablet Inv. no. GA.4, Type B. Scale 2:1 (Neg. no. Dep. CS.LA 7333/2).

Fig. 17 - Gūdul-i Āhangarān. Inscribed clay tablet Inv. no. GA.7, Type C. Scale 2:1 (Neg. no. Dep. CS.LA 7335/4).

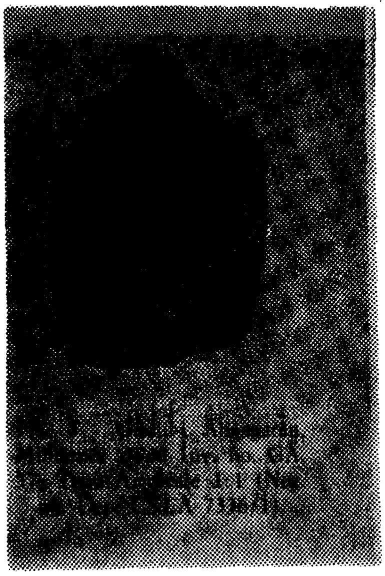

(۵-ش): د گو دال آهنگران د میناتوری ستوپی دلمړی ډول نمونه.
(۱٦- ش) : دگودال آهنگران لیکل شوی خاورینی لوحی دوهم ډول پـه‌څیر .
(۱۷- ش) ! دگودال آهنگران لیکل شوی خاورینی لوحی‌دریم‌ډول په‌څیر.

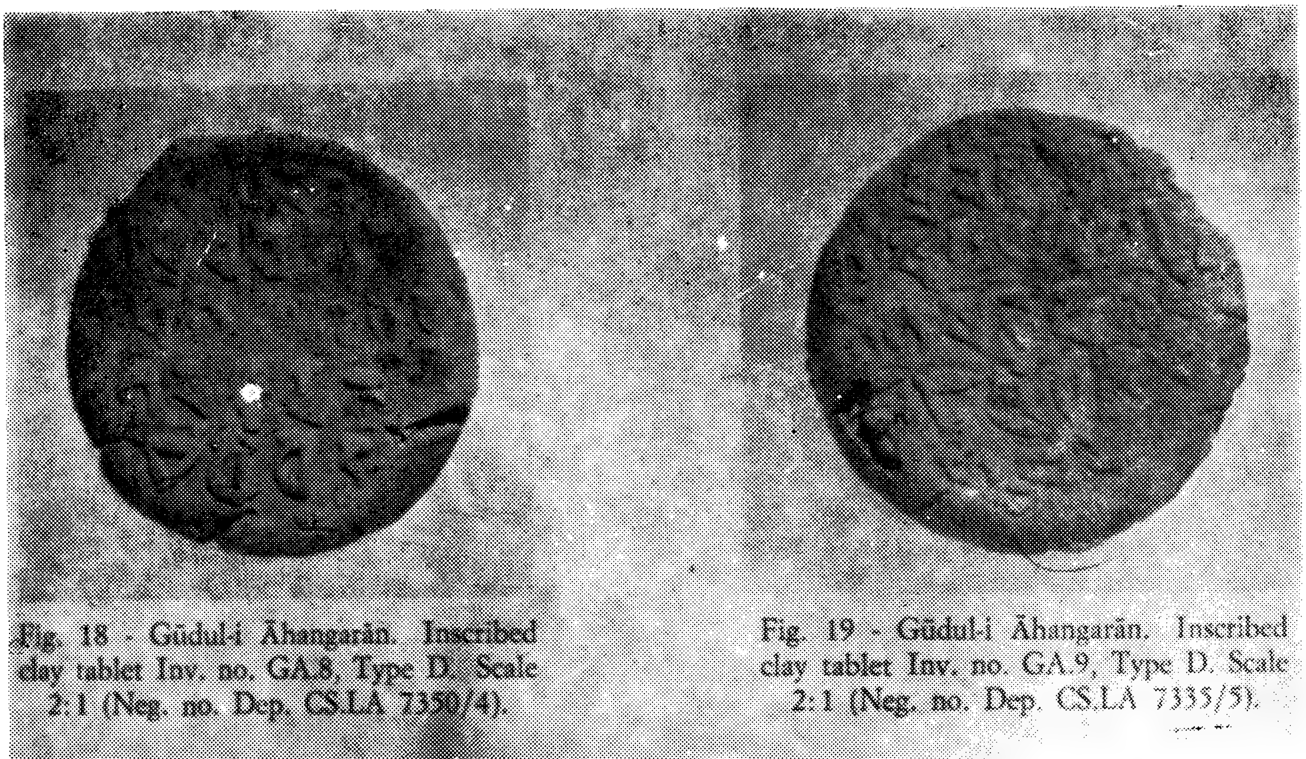

Fig. 18 - Gūdul-i Āhangarān. Inscribed clay tablet Inv. no. GA.8, Type D. Scale 2:1 (Neg. no. Dep. CS.LA 7350/4).

Fig. 19 - Gūdul-i Āhangarān. Inscribed clay tablet Inv. no. GA.9, Type D. Scale 2:1 (Neg. no. Dep. CS.LA 7335/5).

(۱۸- ۱۹ ش): دگودال آهنگران لیکل شوی خاورینی لوحی دڅلورم ډول په‌څیر .

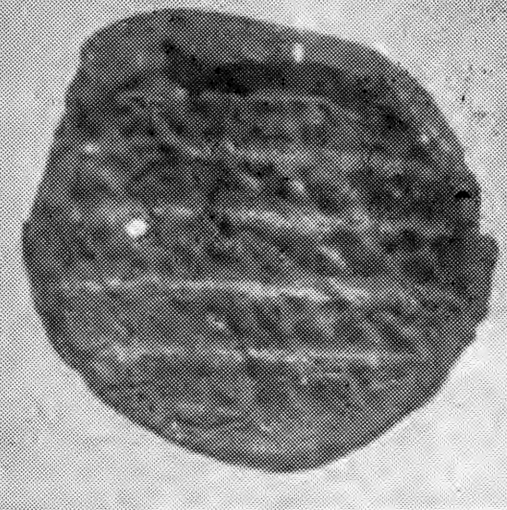

Fig. 20 - Gūdul-i Āhangarān. Inscribed clay tablet Inv. no. GA.13, Type E. Scale 3:1 (Neg. no. Dep. CS.LA 7335/6).

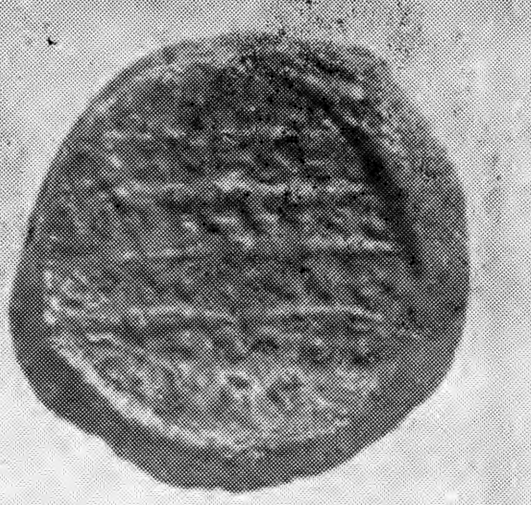

Fig. 21 - Gūdul-i Āhangarān. Inscribed clay tablet Inv. no. GA.15, Type F. Scale 3:1 (Neg. no. Dep. CS.LA 7350/2).

(۲۰ـ ش) : د گــو دال آهنگران لیکل شوی خــاورینی لوحی د پنځم ډول په ډیر .
(۲۱ـ ش) : د گــو دال آهنگران لیکل شوی خــاورینی لوحی د شپږم ډول په ډیر .

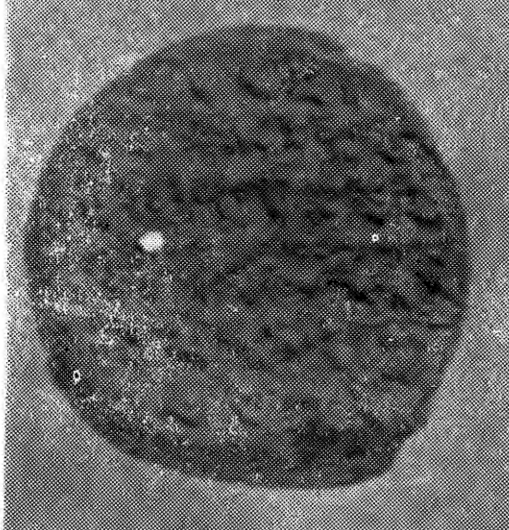

...g. 22 - Gūdul-i Āhangarān. Inscribed ...ay tablet Inv. no. GA.16, Type F. ...ale 3:1 (Neg. no. Dep. CS.LA 7335/8).

Fig. 23 - Gūdul-i Āhangarān. Sealing-protector Inv. no. GA.18, Type F'. Scale 3:1 (Neg. no. Dep. CS.LA 7350/5).

(۲۲ ـ ش) د گــو دال آهنگران لیکل شوی خــاورینی لوحی دشپږم ډول پــه ډیر .
(۲۳ ـ ش) د گــو دال آهنگران لیکل شوی خــاورینی لوحی یــاد مهر پوش ډول په ډیر .

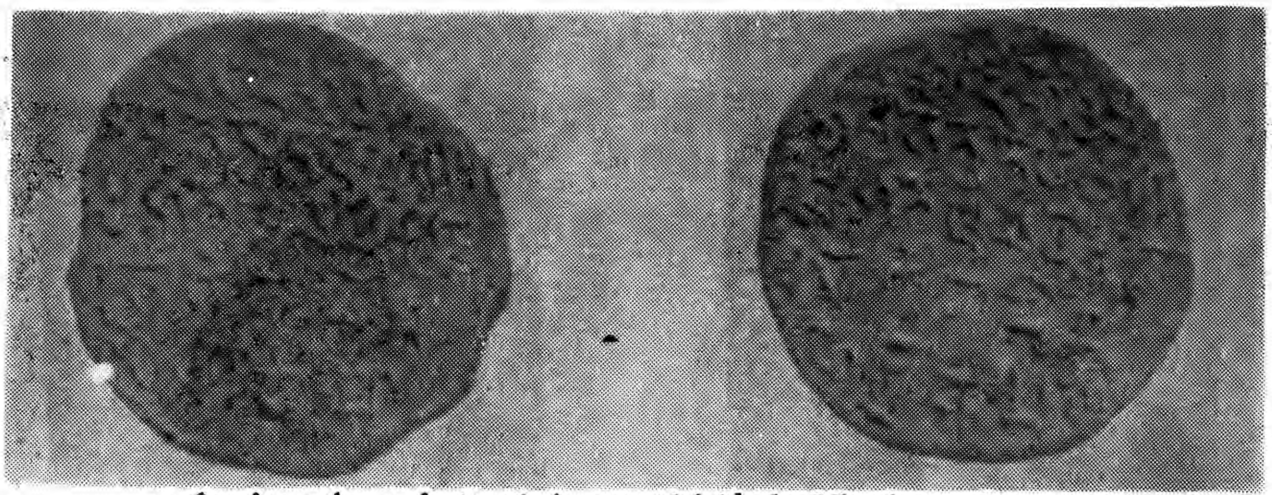

(۲٤ـ ۲٥ش) :دگودالآهنگران لیکل شوی خـاورینی لوحی داوم ډول پەڅیر .

(۲٦ـ شکل) دچین‌فوتو‌ـ‌نګ خخه خاورینی چەدهندپه ملی موزیم کښی ایښودل‌شوی دی .

(۲۷ ـ ش) د گـو دالآهنگران خاورینه لوحه چه دبودا مجسمه لری .
(۲۸ ـ ش) دتپه سردارخاورینه لوحه چه دبـــودامجسمه لری

(۲۹- ۳۰- ش) دنالندا څخه خاورینه لوحه چه په‌دی‌لوحه کښی دستوپی اوبودا
څیره شته دروم ختیځ پیژندنی موزیم

(۳۱- ۳۲- ش) دنالندا څخه خاورینه لوحه کښی دستوپو څیری لیدل
کیږی او اوس د روم دختیځ پیژندنی په موزیم کښی ایښودل شوی ده .

نویسنده : سیشی میزنو
مترجم : ځلمی حیدری

پیو سته بگذشته

بساول

کابل - جلال آباد

پارچه های تیکر باکتیبه ها ی خروشتی :

کشف پارچه‌های تیکر ویاظروف سفالی بانبشته های خروشتی ، از خرابه های ساحات بودایی حوزه گندهارا پدیده تا زه ای نیست . کتیبه های روی ظروف سفالی یا پارچه های شکسته وپرا گنده آنها بیشتر به هدیه‌ظروف‌نام هدیه‌دهنده ومسایلی زینگونه ارتبا ط میگیرد. گرچه اینگونه کتیبه بیشتر به خط خروشتی دیده شده ولی درین‌میان یك‌تعداد کتیبه های برهمی‌نیز‌کشف گردیده است‌که‌بیشتر بروی ظروف سفالی بشکل فرو رفته وحك شده نگاشته شده است .

حروف کتیبه های سفالی بساول که خروشتی میباشد بارنگ سیاه توسط برس یاقلم نگاشته شده‌است این کتیبه ها که بصورت پارچه های پراگنده یافت شده چنین است:

۱- . . . دراسیمدانامی

پارچه تیکر قطور که قسمتی‌ازیك ظرف سفالی بوده و درازنای آن ۸ سانتی مترمیباشد وصرف پنج‌حرف از اصل کتیبه بروی آن باز ما نده است. وازین میان دو حرف اول آن یك اندازه نا مشخص میباشد وسه حرف آخری ر وشن بوده که چنین خوانده میشود(دا- نا- می) که‌شکل محلی کلمه (دانا dana) میباشد و مفهوم (هدیه)را میرساند. این‌پارچه از اتاق شماره اول کشف گردیده

۲- ساگامی کا دود شامی

پارچه تیکریست ازیك طرف‌نوله دار به دراز نای یازده سانتی مترکه از اتاق شماره اول کشف گردید. روی این پارچه تیکر هشت حـــرف منظم دیده میشود که بگـمان زیاد توسط قلم نوشته شده است .

ازسه حرف او ل آن که (سا-گا-) می باشد .

چنین بر می‌آیدکه حروف (سا)و«گا» باپسوند محلی (ami) می‌پیوند خورده است.(ساگا)که درساسکریت بشکل سمگا (Sa-ga-mi) آمده است مفهوم قواعد بود ایی یاجامعه‌راهبین را میرساند، پنج حرف دیگر (کا- دو- د ی- شا- می) در مجموع‌کلمه (کادوشا) میباشدکه باپسوند محلی «امی» پیوند خورده است کا دوشا معادل کلمه (کاتور دیشا Caturdesa) سانسکریت بوده و مفهو م (چهار ساحه) را میرسا ند که خـوانش مجموعی همه این کلمات چنین است (هدیه به جامعه راهبین چارساحه) این کتیبه شایدبخشی جملاتی باشد که به هدیه د ادن یك ظرف نو لـه دار ارتباط میگیرد. هرگاه حروف و کلمات بیشتری را د رروی این‌پارچه تیکر میافتیم شاید به دانستن نا م هدیه دهنده وقبول کننده آن نیـز دست میافتیم .

۳- ... دا- گا- نا da ga na

پارچهٔ ازیك ظرف سفالین باتزئینات رنگ‌آمیزی شده که درازنای آن به ۲ر۵ سانتی متر میـرسد واز اتاق شماره اول‌بدست‌آمده‌است این سه حرف‌که ذکر آن دربالا گذشت‌کم‌کم محو شده وبرای ار ایه یك مفـهوم کوچك وناچیز بوده وبسنده نیست.

٤- ... م ی mi .. : پارچه از یك ظرف سفالی زبر وخشن گو نه به درازی ۳ر۸ سانتی متر که ازاتاق

شماره اول بدست آمده واز تمام نگارشات آن صرف یك حرف (امی) باز مانده است .

مجسمه‌ها وآثار هیکل تراشی

مجسمه هاوآثارهیکل تراشی بساول که در مجموع از ستوك وگل میباشد همه در اثر کاوش ز زیارتگا هها و یاراهرو پیشر وی آنها بدست‌آمد. درین میان مجسمه و پیکره‌سنگی بدست نیامد. وازین امر چنین‌معلوم میشود که آثار هیکل تراشی‌بساول مربوط مکتب بعدی هنر گندهـا را است که از ویژه‌گیهای دوره بعدی این مکتب یکی استفاده‌از موادستوك وگل میباشد. چنانچه استفاده از ستوك وگل در ساختن مجسمه هـا درسده های چارم و پنجم میلادی در هده، تاکسیلا وپشاور به پیمانه زیاد معمول بود و مروج .

پیکر های ستوکی :

۱- کله یك‌مجسمه‌بودا به بلندی ۲۷ر۵ سانتی متر مکشوفه‌زیارتگاه چارم .

۲- کله یك مجسمه بودا به‌بلندی ۲۶ر۰ سانتی متر مکشوفه زیارتگاه دوم .

۳- کله یك مجسمه بودابه بلندی ۲۲ر۰ سانتی متر که از بین راهرو از قسمت پیش روی زیارتگاه چارم وپنجم یافت شد.

این کله های خوب قالب شده، همسانی وتشابه زیاد بهم دارند ولی تزئینات موی آنها اندکی ازهم متفاوت میباشد. باوجود آنکه‌آسیب زیاد باین آثار رسیده‌است ولی‌بازهم شواهدرنگهای گونه‌گون‌درآنهانمایان است چنانچه شواهد رنگ‌سرخ در قسمت پیشانی، لب‌ها، گردن و گوشها- شواهد رنگ خاکی سیاه گونه در قسمت سر وموها وشواهد رنگ زرد وخیره ونخودی درچهره ورخسار آنها دیده‌میشود. اساسات وشیوه خوب قالب گیری این آثار هنور هم بآثار هیکل تراشی سنگی ادوار اولی مکتب گندهارا قابل مقایسه وبرابری میباشد. یابه واژه های دیگر، ظرافت وطرز قالب گیری این آثار به پیمانه ایست که میتواند با آثار سنگی ادوار اولی هنر گندهارا تشابهٔ وهمانندی بهم رساند. طرح‌ابروان هلال گونه‌وکمان مانند نهایت دقیق وماهرانه بوده وبطرف بینی برجسته وکشیده بشکل خوبی ادامه یافته است. این ابروها بالای چشمان خمار ونیمه‌باز که نشاندهنده حالت تفکر میباشد طوری قرار گرفته که تخم چشمان برازندگی ویژه خودرا از دست‌نداده است. مو های مواج با خطوطعمودی نسبتا ژرف طوری تزئین یافته‌است که انسان با دیدن آن بیاد شیوه کلیشه سازی می‌افتد. این‌ویژه‌گیها را میتوان درمجسمه ۳۵ متری‌بودای بامیان وبرخی ازمجسمه های‌ستوکی هده نیز مشاهده نمود. ویژه گیها وتشابهات مذکور میتواند تا حدی مارا در تثبیت تاریخ این آثار مدد رساند . قسمت عقبی تمام کله هـا هموار میباشد واین برای آنست که بسادگی بدیوارنصب گردند وجابجا شوند. آثار مذکور نخست بصورت جداگانه ساخته میشد وسپس‌درجای معین آن انتقال داده میشد و نصب وجابجا میگردید. چنانچه هنوز هم دریکی ازین آثار یك میخ بزرگ دیده میشود .

٤- کله مجسمه بودیستوابه‌بلندی ۲٦ر۵ سانتی متر مکشوفه زیارتگاه چارم .

چهره این کله مانند کله هایی‌ذکر شده دربالا بشکل خیلی زیبا و عالی قالب گیری شده است. ولی کله‌کمی بطرف راست شیب وتمایل دارد و چنان مینماید که گویی باتنه یکجادر کنار مجسمه بودا بصفت همراه او نصب شده باشد. پلکهای چشم و لب بالایی اوبایك اندازه میلان‌بطرف بالا، چهره را متبسم نشان میدهد مو های آن‌بایك‌فیته بسته شده‌است قسمتی از موهای او بشکل مجعد از زیر فیته بیرون‌آمده وچهره رااحاطه کرده است. موهای‌فرق‌سر اوبشکل یك تاج، کره خورده وتوسط یك فیته دیگر بسته شده ست، که این گونه تزئین مربوط بودیستوامیتریا میباشد. شواهدرنگ سرخ هنوزهم بروی لبها وخال پیشانی آن مشهود است .

۵- کله مجسمه بودا به بلندی ۱۵ر۵ سانتی متر مکشوفه زیارتگاه اول صرف نیمه سمت‌راست این‌کله باز مانده است. ودرصورتیکه سالم بدست می‌آمد اندازه آن لابد مانند کله پیشتر ذکر شده، بودا می‌بود. رنگ سیاه موها ورنگ زرد خیره ونخودی چهره آن پاك ناشده‌وسالم مانده است. مو های آن با داشتن خطوط ژرف تقسیم‌کننده موی بشکل خیلی خوب تزئین یافته است

٦- کله یك عبادت کننده به‌بلندی ۱۲ سانتی متر مکشوفه زیارتگاه چارم .

باوجوداینکه کله زیاد آسیب دیده است بازهم تبسم‌یك جوان رامیتوان درآن‌مشاهده‌نمود. دستار او بطرف راست طوری تاب‌خورده دیده‌میشود که حلقه های موی از زیر آن بیرون برآمده وقسمتی از گوشها راپوشانیده است .

۷- تنه های ستوکی نوازنده و عبادت کننده به بلندی ۱۲ سانتی متر مکشوفه زیارتگاه چارم. هردو تنه فاقد سر بوده یکی آن به حالت نواختن وینا (vina) یاعود بیضوی شکل طوری دیده میشود که بدست راست زخمه یا مضرابی را محکم

گرفته است. لباس او لباس مرو جه مردم این مرز وبوم بوده و یك گردن بند قطور در گردن او آویزان د یده میشود .

۸ــ تنه مجسمه بود ا به بلندی ۷۲ر۰ سانتی متر مکشوفه زیارتگاه اول.

با مشاهده این تنه بدون سر مجسمه ستوکی بودا، برای نخستین بار با شیوه ساختن یالان وتزئینات آن در مجسمه های ستوکی بسا ول آشنایی پیدا نمودیم . دست چپ در حالیکه گوشه ردا را بلند گرفته، یك اندازه بلند گردیده است . زانوی چپ قدری پیش برآمده دیده میشود وگویی حالت حرکت یاراه رفتن را تمثیل میکند. دست راست که شکسته وازبین رفته بگمان بیشتر حالت اطمینان د ادن وعدم ترس را تمثیل میکرده است. یالان اوباندازۀ ظریف وزیبا کار شده است که انسان را بیاد مجسمه های سنگی می اندازد.

۹ــ چار پارچه از قسمت ها ی مختلف پیکر های ستوکی با ین شرح: پای راست یك مجسمه به درازی ۵ر۹ سانتی متر که اززیارتگاه چارم کشف گردید. بازوی یك مجسمه به درازی ۶ر۹ سانتی متر که بشکل متفر قه کشف گردید.

اوشنیشا (برجستگی موی فرق سر) یك مجسمه به درازی ۱ر۴ سانتی متر که از راهروزیارتگاه اول بدست آمد. ودست چپ یك مجسمه دیگر به درازی ۲ر۱۱ سانتی متر که از زیارتگاه دوم کشف گردید .

۱۰ــ سر ستونی به بلندی ۸ر۱۱ سانتی متر مکشوفه زیارتگاه اول . این سر ستونی (اندو- کورنتین) که زیاد آسیب دیده است، یگانه اثر بساول است که د ارای تزئینا ت منحصر بفردمعماری میباشدموقعیت ومحل اصلی آن معلوم نیست. شواهد رنگ سرخ هنوز هم در برخی از فرو رفتگی آن مشهود است .

۱۱ــ تزئین ستوکی گل مانند به قطر ۵ر۰ سانتی متر مکشوفه زیارتگاه اول . این پارچه تزئینی مدور بگمان بیشتر قسمتی از تزئینات دستبند یابازو بند یك مجسمه بو دیستوا میباشد .

هیکل های گلی :

از کاوشهای انجام شده درزیارتگاه دوم چنین بر میاید که درهر یك از زیارتگاههای ذکرشده در بالا، چندین مجسمه گلی ایستاده وجود د اشته است که بکمال تاسف نسبت شکننده بودن آنهاداثر عوامل مختلف ازبین رفته است. ولی باز مانده های آن که در اثر کاوش بدست آمده نشان دهنده آنست که مجسمه های گلی بساول نیز بنوبه خود نها یت زیبا وکم مانند میباشد .

۱ــ کله یك عبادت کننده به بلندی ۲۴ر۰ سانتی متر مکشوفه زیارتگاه دوم. این کله که مربوط مجسمه یك مرد میباشد، بهترین نمونه آثار گلی بساول شمرده میشود. گرچه نیمه راست آن کمی آسیب دیده ولی بازهم سالم مانده است. چهره زیبا، بروت های تابدار وپیشانی چین خورده او نشاندهنده آنست که این کله مربوط به مجسمه یك هدیه دهنده بزرگ میباشد. چشمان کاملا باز اوکه به چهره اش یك حالت طبیعی د اده است، کله مذکور را نظربه کله های ستوکی اینجا بهتر جلوه میدهد. زمانیکه اثر مذکور از زیرخاك توده ها بیرون کشیده شد رنگ سر خ چهره او هنوز هم تازه جلوه میکرد موهای سر او دارای رنگ خاکی سیاه گونه میباشد .

۲ــ کله کوچك یك عبادت کننده به بلندی ۱۲۰ سانتی متر مکشو فه زیارتگاه چارم. سطح این کله که مربوط یك م رد جوان میباشددرشت وسخت به نظر میرسد که بگمان زیاد ناشی از آتش سوزی است .

چشمان روشن وبانشاط وابروان پر موی اونشان میدهد کله این عابد نسبت به کله اولی به شکل خیلی استا دانه کار شده است .

۳ــ کله مجسمه بودا به بلندی ۲۵ر۰ سانتی متر مکشوفه زیارتگاه چارم .

این کله بزرگ بی اندازه آسیب دیده است. جز قسمتی از تزئین موی و اوشنیشا، دیگر چیزی از قشر بالایی آن بازنمانده استوتقریبا شکل میان تهی رابخود گرفته. آسیب آن بگمان زیاد ناشی از آتش سوزی وحرارت میباشد .

۴ــ تزئین گل نیلوفر به قطر ۷ر۸ سانتی متر مکشوفه زیارتگاه های اول وسوم. این سه پارچه تزئینی گلی که بشکل گل نیلو فر باز شده میباشد دارای اندازه های مساوی اند وچون ازیك جای بدست نیامده به مشکل میتوان گفت که در اصل تزئین چه چیزی بوده اند. قسمت عقبی این پارچه ها لشم بودهوتوسط حرارت خفیف سخت و محکم گردیده است.

هیکل های گل پخته (تیراکوتا):

۱ــنیم تنه یك مجسمه از گل پخته به بلندی ۳۳ سانتی متر مکشوفه سطح زمین. این نیم تنه بدون سر. خیلی سخت ومحکم بوده و دستهای آن متصل بهم به شکل دادن هد یه بلند شده است. که شاید مر بوط یك راهب یا هدیه دهنده باشد.

۲ــ نرمه گوش به درازی ۳ر۳ سانتی متر مکشوفه سطح زمین. اثر مذکور باندازه نرمه گوش یك انسان عادی بزرگ بوده وآتش رسیده و دود خورده به نظر میرسد .

اشیای آهنی :

۱ــ میخهای آهنی: در اثر کاوشها یك تعداد زیاد میخهای آهنی ا زاتاق شماره اول وزیارتگا ههائیکه در ساختمان چوب بکار رفته بود کشف

گردید. حد اوسط درازی این میخها به ده سانتی متر میرسد در حالیکه قطر آنهابین۱تا۲سانتی مترمیباشد. قسمیکه دربالا اشاره شد برخی از میخهای بزرگ‌که جهت نصب‌نمودن مجسمه ها نیزبکارمیرفت از بساول باز یافته شد .

۲- گل میخ ولوحه مدور زیرین آن به درازی ۸ر۱۰ ×۶ ر۲ و۴ر۸ ×۹ر۲ سانتی متر مکشوفه زیارتگاه چارم .

۳- بست تزئینی‌به قطر ده‌سانتی متر وسیزده سانتی متر، هردوپارچه مدور که دارای اندازه های مختلف میباشد تمثیل کننده نقش گل نیلوفر بوده وحاشیه یالبه هر کدام دندانه دار میباشد .

۴- قفل آهنی به درازی ۶ر۷ سانتی متر مکشوفه راهرو زیارتگاه چارم. قفل مذکور دارای یك حلقه بوده ویك میخ که بمنظور نصب نمودن آن بالای چوب بکار میرفته نیز درآن دیده میشود.

۵- زنگ آهنی، به بلندی ۶سانتی متر وقطر ۳ر۳ سانتی متر که از زیارتگاه اول بدست‌آمد. حلقه‌بالائی هردو بست وچنگك بالائی این‌زنگ کوچك شکسته واز بین رفته است.

نتیجه

تثبیت تاریخ مغاره های بساول امریست دشوار واینکار ایجاب یك سلسله بر رسی‌ها و مباحثات را مینماید، زیرا هیچگونه سند کتبی درزمینه بدست نیامده وحتی موفق به باز یابی یك سکه هم از اینجا نشدیم. ولی بازیافته های آثارهیکل تراشی چون مجسمه های ستوکی وگلی این ناحیه برای پژوهشهای آینده دارای اهمیت ویژه ای میباشد طوریکه پیشتر گفته آمدیم از ویژه گیهای این آثار در مجموع چنین بر میاید که همه آن مربوط ادواربعدی مکتب گندهارا میباشد. آرایش مو های این آثار چون تزیین مو های مواج ، داشتن خطوط عمودی‌ژرف تزئین مرتبه دار ونقطه، نقطه‌وغیره همه پدیده‌های هنریست که درادوار اولی هنر گندهارا بویژه آثارسنگی به چشم نمیخورد (۱) ناگفته نباید گذشت که این شیوه تززئین مو ها با مجسمه ها بو دیی بامیان وبرخی از مجسمه های هده وتاکسیلا قابل مقایسه میباشد .

مجسمه های گلی بساول درمیان تمام آثار گلی نوع خود که تا کنون از افغانستان کشف گردیده ناب و منحصر بفرد میباشد. این مجسمه ها از هرنگاه با مجسمه های گلی معروف و شناخته‌شده‌فند قستان‌که ۷۰۰میلادی تاریخگذاری شده است مغایرت واختلاف دارد. ولی میتوان آنهارا باآثار وپیکره های گلی‌بامیان وتپه مرنجان که در حوالی ۴۰۰ میلادی‌تاریخگذاری شده است‌نسبت داد .

ولی تاجاییکه مساله مغاره ها ی بساول مطرح میشود، این مغاره‌ها شباهت وهمسانی با مغاره ها ی هندی دارند . درحالیکه مغاره های بامیان کم وبیش باعناصر ساسانی امتزاج یافته است. بادرنظر داشت این دو اصل اخیر میتوان مغاره های بساول وآثار آنرا اواخر شده چارم وآغاز شده پنجم تاریخگذاری‌نمود.

«ادامه‌دارد»

(۲) سوشی میز ینو «نشریه» درمان تپه ولالمه، پو هنتون کیوتو، ۱۹۶۸، ص ۱۱۲.

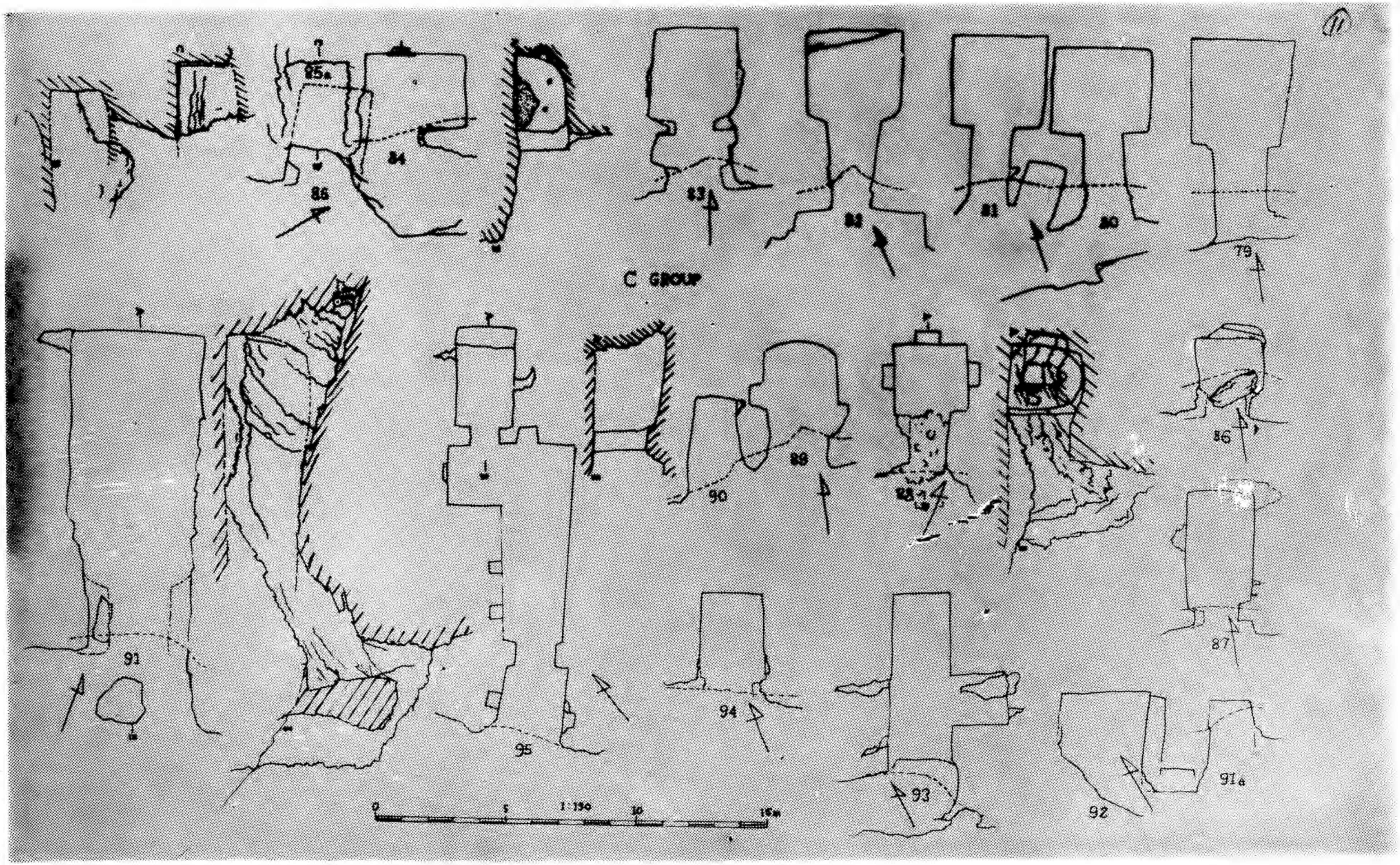

(11)
C GROUP
85a
84
86
83
80
79
91
95
90
88
93
94
87
92
91a
0
5
1:150
10
15m

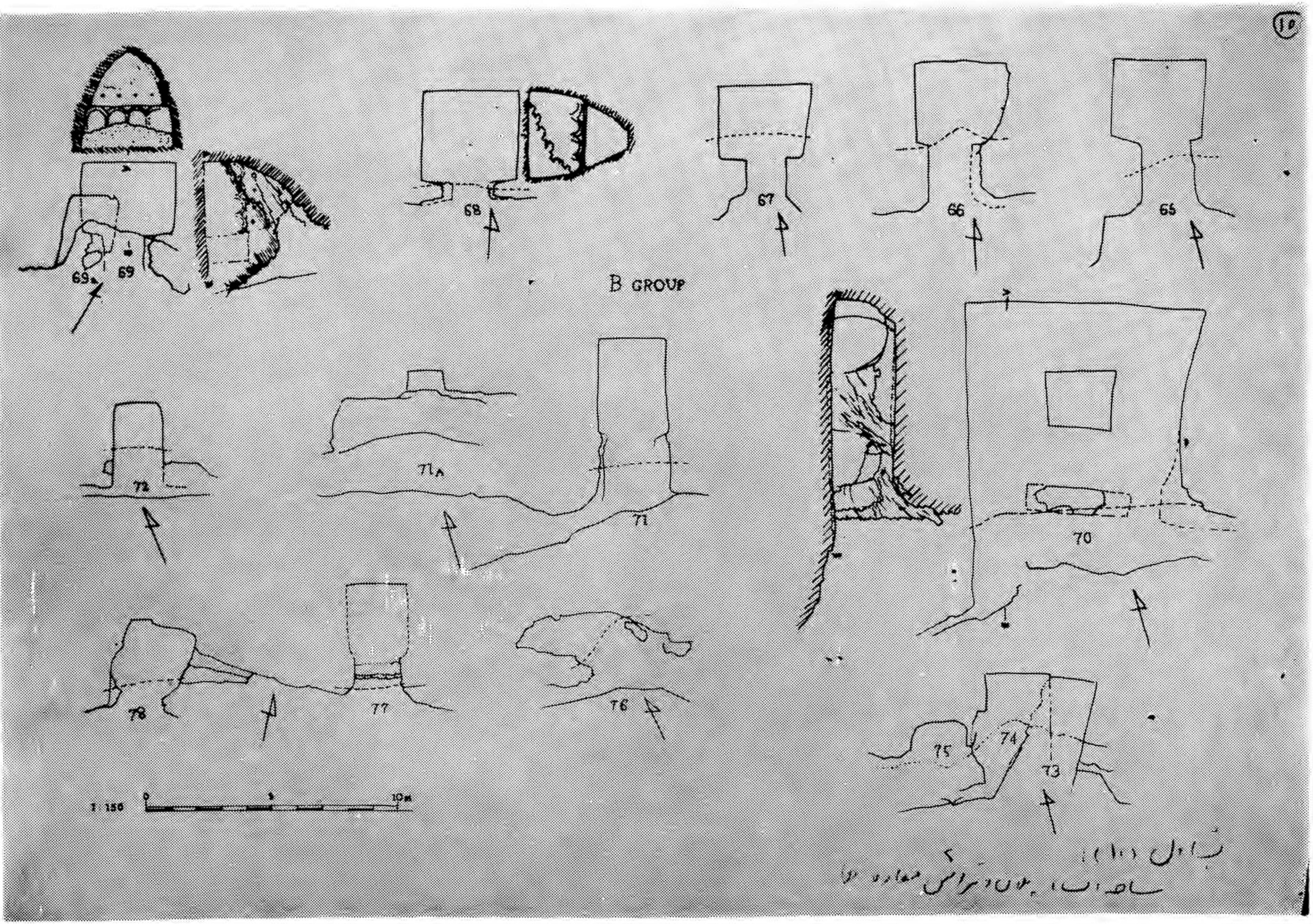
B GROUP
65
66
67
68
69
69a
70
71
71a
72
73
74
75
76
77
78
1:150
0
5
10m

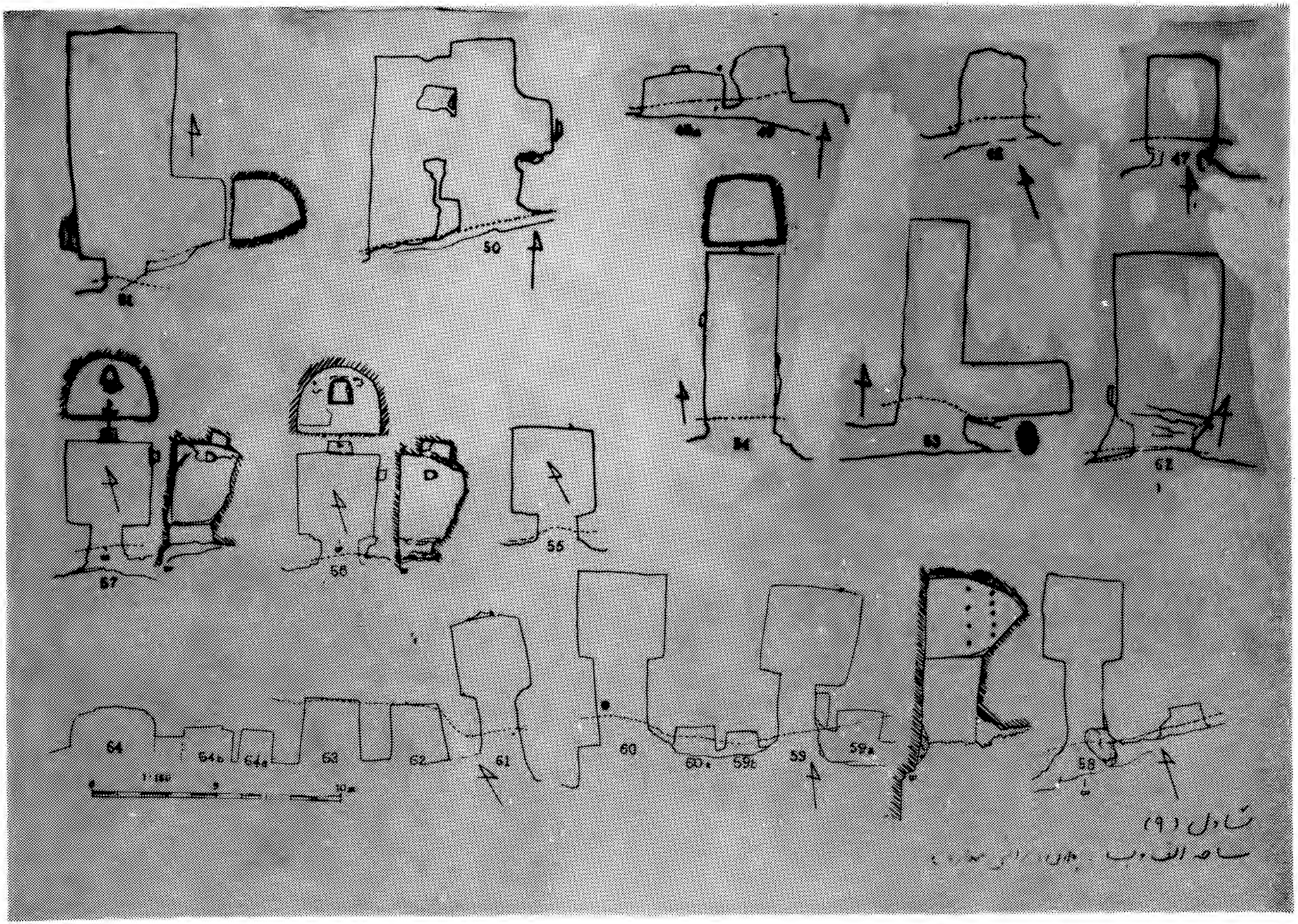

شكل (٩)

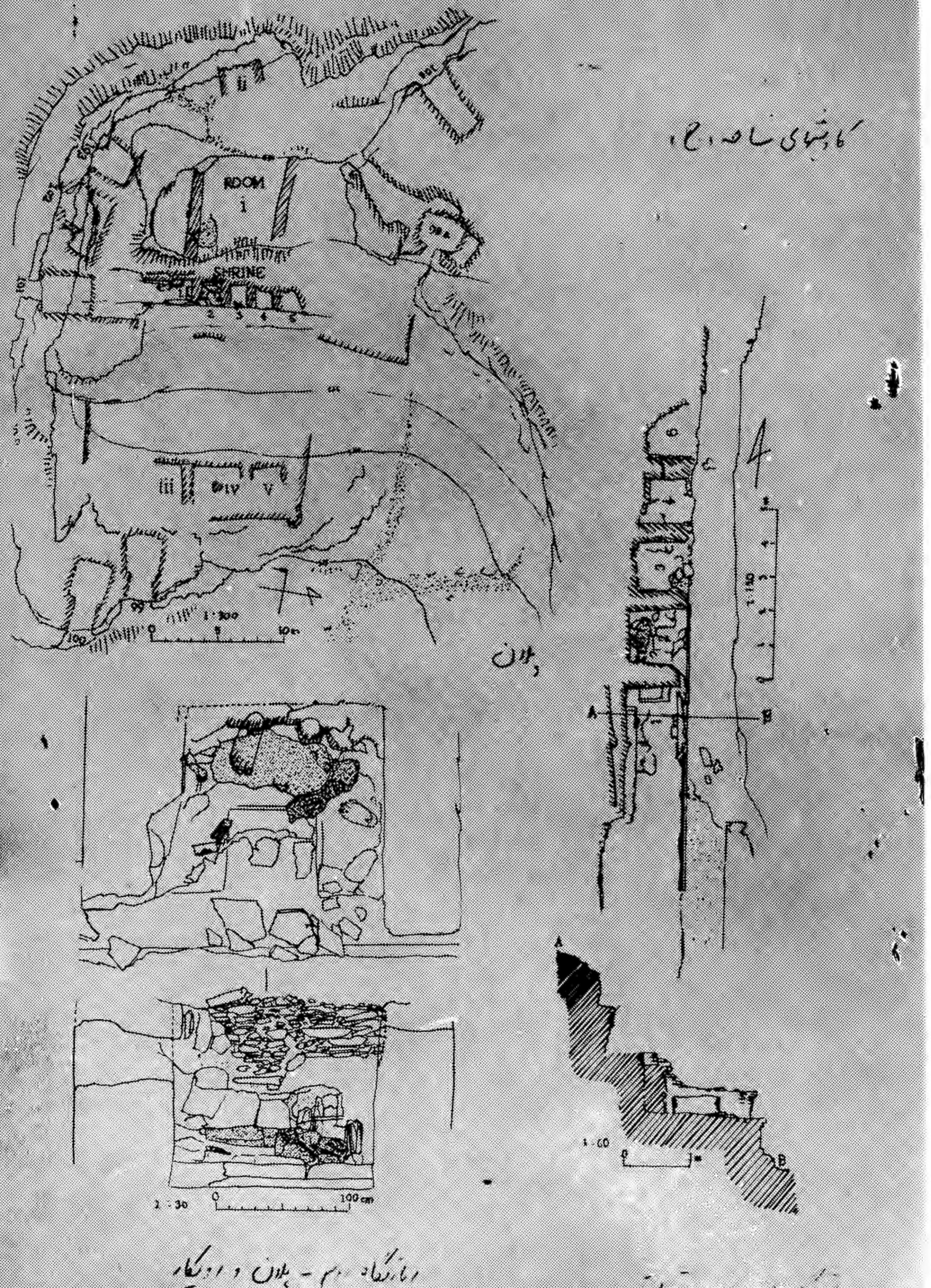
ROOM
i
SHRINE
iii
IV
V
1:300
1:10
A
B
1:60
1:30
100 cm

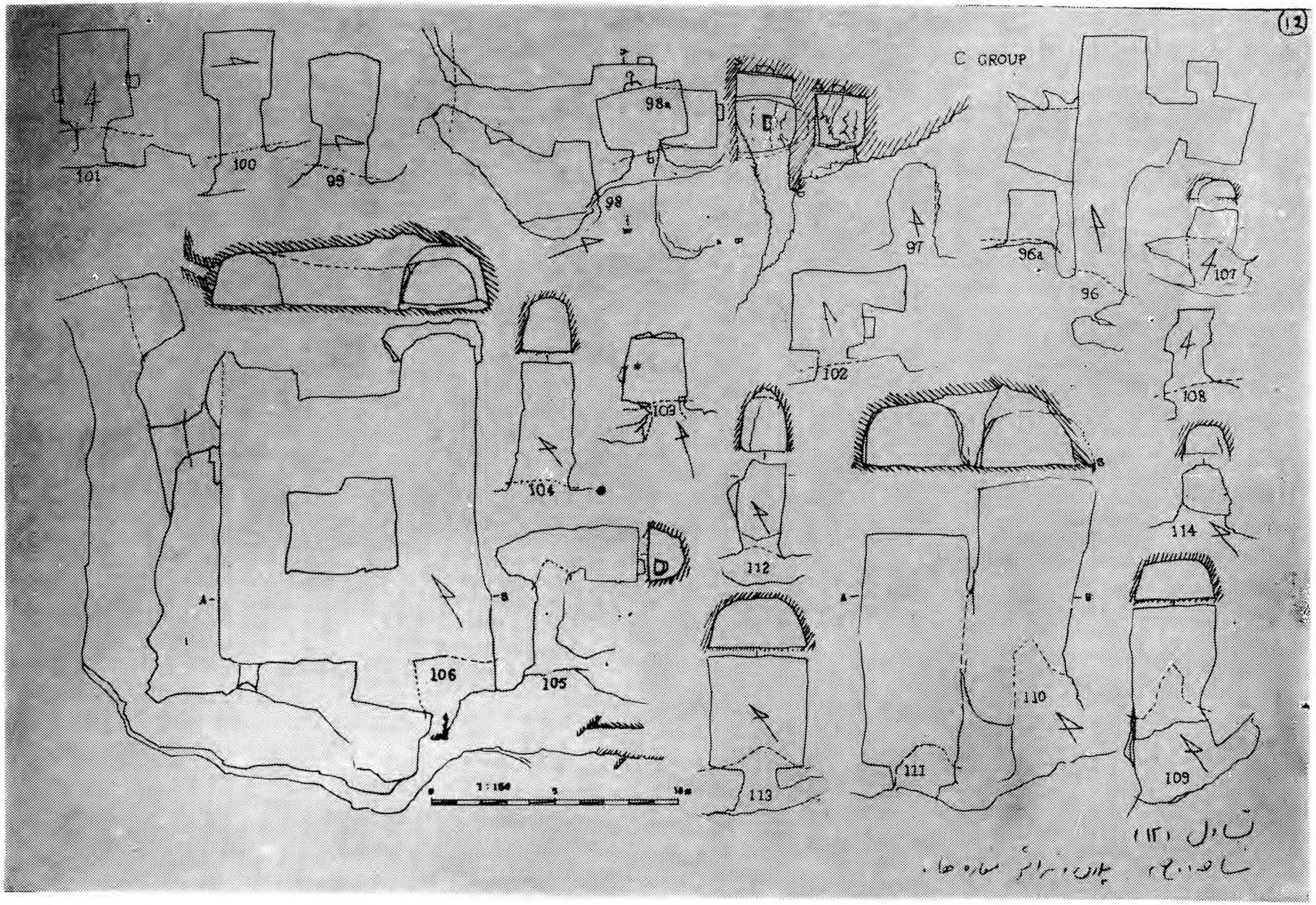
12
C GROUP
96
96a
97
98
98a
99
100
101
102
103
104
105
106
107
108
109
110
111
112
113
114
1:100
0
5
10m
شکل ۱۲۱

D GROUP
E GROUP
115
116
117
118
119
120
121
122
123
124
125
126
127
128
129
130
131
132

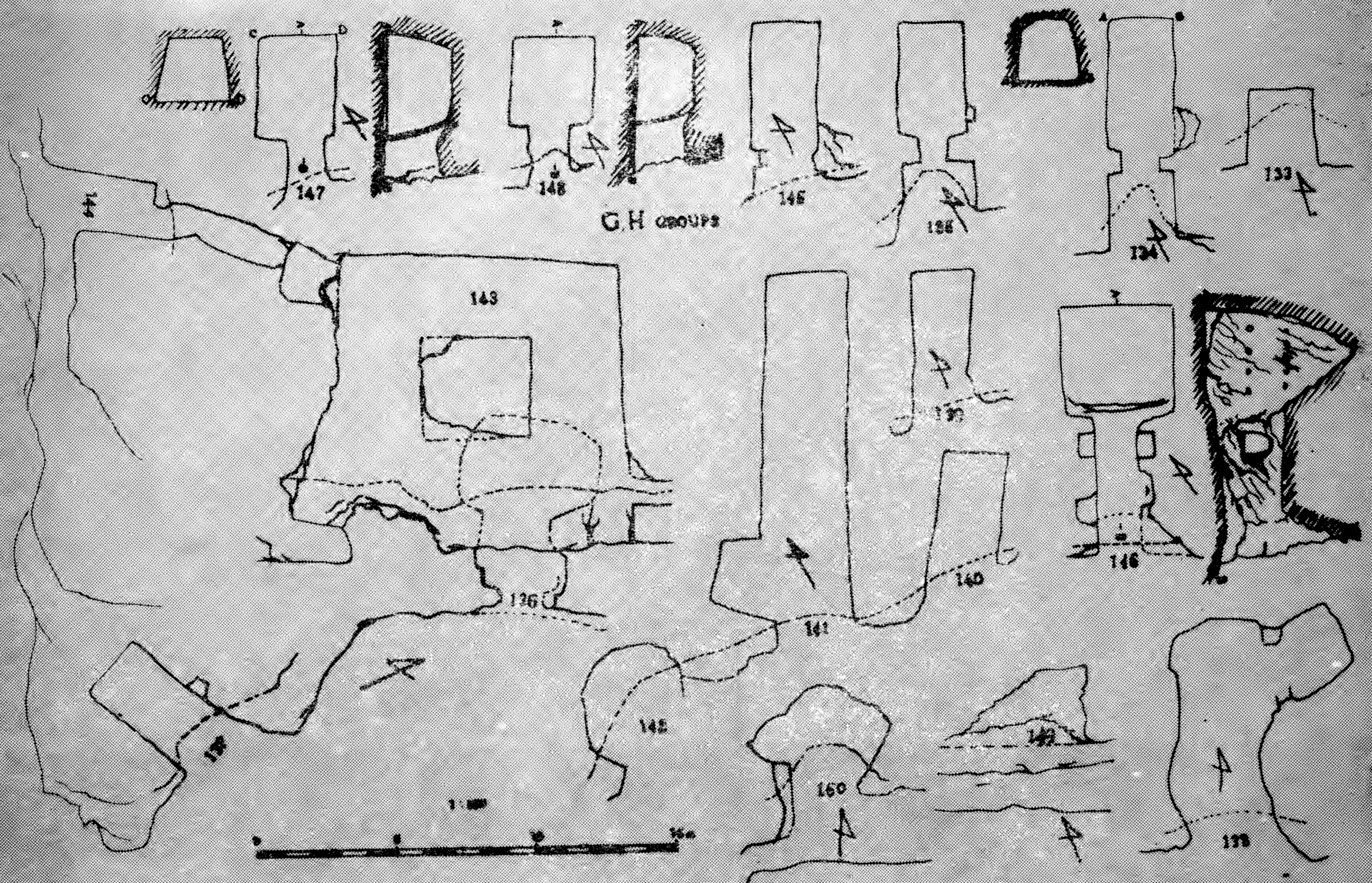

147
148
146
136
134
133
G.H GROUPS
144
143
139
141
140
146
136
138
142
160
149
135
1:100
0
5
10
15m

ت.ل (۱۴)
[illegible] (۲) [illegible] : [illegible]

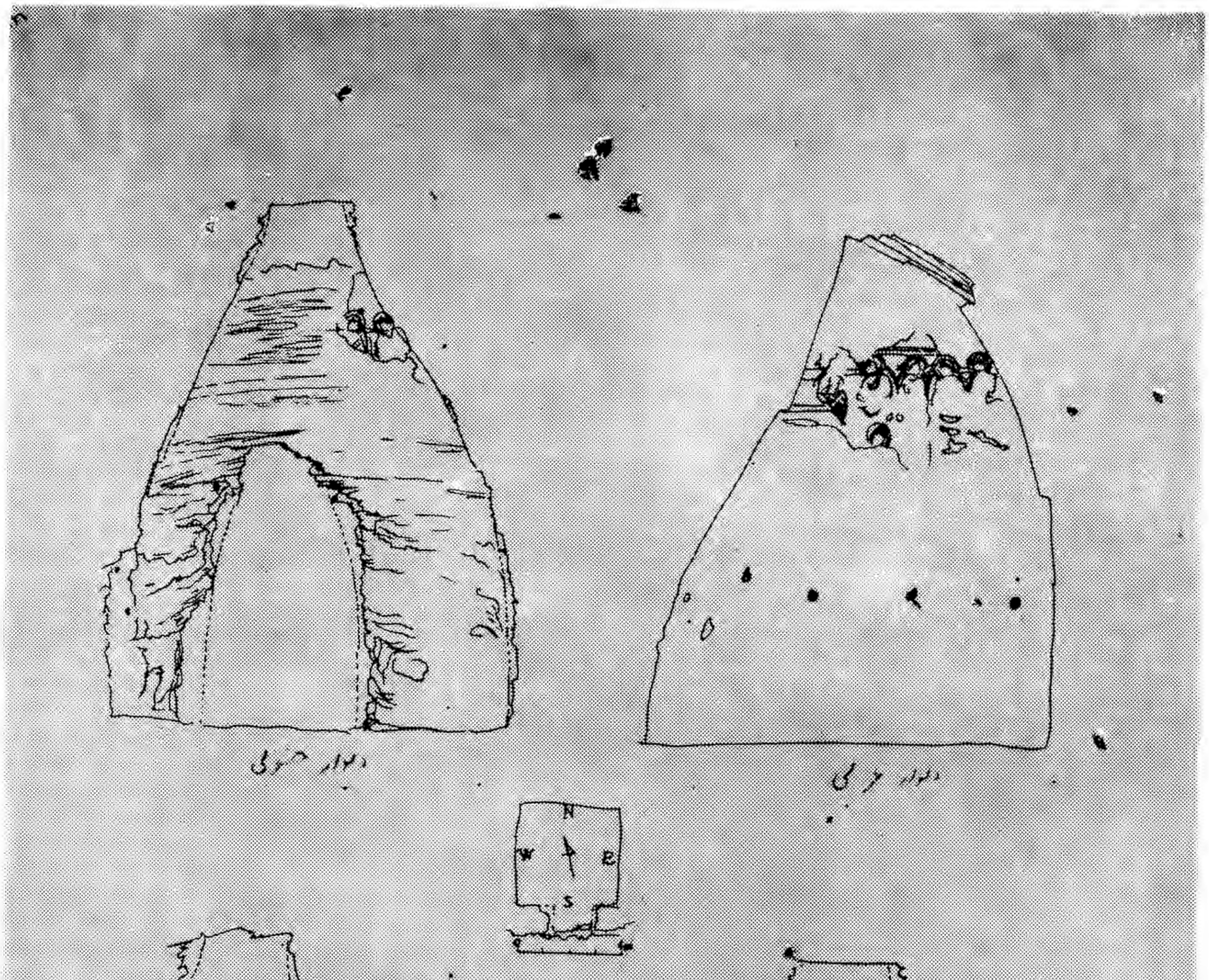
N
W
E
S
1:60

شکل (۱۹)
نقوش دیواری مغاره شماره (۱۳۰)

نویسنده : ژان ، کلود ، گردن
مترجم : عبدالولی اچکزی

طرح ایجاد اطلس باستانشناسی افغانستان

اینک چند سال میشود که تعداد زیا دی از ما، چه افغان وچه‌فرانسوی امید ایجاد یك اطلس با ستا ـ نشنا سی افغا نستان را بدل می پرو ـ رانیم .به عباره بهتر تشکیل اداره‌ئی را انتظار داریم که وظیفه اصلی‌اش بنا نهادن یك چنین اطلسی باشد.به نسبت علاقه مندی که اینجا نب نویسنده مقاله هذا شخصاً درموردراین طرح دارم، چند پیشنهاد را در باب طرز اجرای ان در جریان سالها ی آینده تقدیم می نمایم.

«در جریان سالهای اینده» : این جمله امکان داردکه‌باعث برانگیختن تعجب گردد. بدین معنی که ایاواقعاً چند سا ل جهت ایجاد یك اطلس افغا نستان لازم است به قسمیکه‌در آن موقعیت دقیق ساحات با ستانی شناخته شده و یك مقدار اطلاعا ت عمومی در مورد هر کدام شان‌بطور جدا گانه درج گردد؟ بطور مثال در جمله اطلاعات عمومی فوق از نوعیت ساحات باستانی (شهرها ستحکاماتی ، ابده مذهبی، تپه وغیره)،مساحت و تاریخ مربوط ان که‌بشکل دوره‌های کم وبیش وسیع تعیین میگردد(مثلا عصر پلئولیتیك یا کهن سنگی،عهد برونز، دوره کوشانی، دوره اسلامی قبل از مغول وغیره) میتوان نام‌برد. با چندجمله بالا فورآیك نقشه جغرا ـ فیائی افغا نستان که بدیوار ها ی انستیتوت با ستا نشناسی آویزا ن باشد، به خاطر خطور می کند. به تر تیبی‌که درآن اطلاعات قبل‌الذکر به کمك سمبول هاواشکال مختلفه و بارنگ های گونه‌گون ومتفاوت از هم نقس بسته است. معذالك آشکار است که یك چنین اطلس هر قدرهم بزرگ باشد،تمامی ساحات باستانی افغا نستان ویا حداقل یك تعداد مهم‌شان را نیزاحتوا کرده‌نمیتو اند . چنانچه بعضی منا طق به معنی حقیقی کلمه ازتپه های بزرگ، اثار وبقایا ی‌باستا نی‌بکلی پوشیده‌میبا ـ شند. بقسمیکه ترسیم ونمایش‌شان در جای بسیار کوچك مناطق مربوط ،در یك نقشه عمومی افغانستان ،از امکان بدور است .

بطور مثال جلگه تالقان را مدنظر میگیر یم که طول آن‌از شرق به‌غرب صرف بحدودبیست کیلو متر میرسد (شکل۱): درطی سروی‌باستانشنا سی ایکه بوسیله هئیات مشترك افغا ن و فرانسه در سال ۱۹۷۷ صور ت گرفت در حدود (۵۰) ساحه‌باستانی مهم از نظر تاریخ عمران وسکونت مردمان در جلگه فوق‌کشف ونشانی گردید. این ساحات از نقطه نظر تار یخی ،عهدبرونزالی‌عصر تیموری بشمـول دوره هـای هخا منشی ، یونان و باختری کوشانی، یفتلی ، سامانی وغیره‌رادربر میگیرند.بدین ترتیب درصورت درج وگنجا نیدن تمام اطلاعـا ت و مفاهیـم در یـك نقشه دیواری افغا نستان، مشکلاتی را که بوجود می اینـد، بخوبی‌حدس زده میتوانیم . (شکل۲) به صورت واضحتر این مشکلات را بقسم مثال در جلگه دشت قلعه نشان میدهد : درین ناحیه ما در حـدود چهارصد ساحه باستانی راکشف نمودیم .این ساحات مربوط ادوار مختلفه تاریخی میگردند که از هزاره سوم قبل از میلاد(خصو صاً ساحه‌باستا نی‌شورـ توغی- نمبر ۲۰۹ـ که در سالها ی ۱۹۷۶ الی ۱۹۷۹ تحت سرپرستی ها نری‌پال‌فرانکفورت حفریات‌گردیده است) ، الی عصر مغـول (بویـژه

میرسند . مساله تعین قبلی وپیش از وقت یك تقویم ، جهت اکتشاف ساحه بزرگ موسوم به ظلم مربوط دوره سامانیان-نمبر۱۱۲ و ۱۱۳-) را دربر میگیرند .در نقشه فوق با وجودیکه کاملاملوو انباشته‌به‌نظر میرسد، تنها،تنها یك برسوم ویابر چارم ساحات باستانی اصلی منطقه را نمایش داده است وبس . بدین ترتیب با اگاهی برنقاط قبل الذکر چطور امکان دارد که‌در معنی‌حقیقی کلمه ، اطلس باستا نشناسی افغا-نستان را فراهم آوریم ؟

یك راه حل دفعتاً به خاطرخطور میکند : ان اینکه به جای ترتیب‌یك اطلس واحد برای تمامی ساحات‌سر زمین باستانی‌افغانستان بایدچندین اطلس برای هر منطقه به صور ت جدا گانه ایجاد گردد. تعداد این اطلس ها بهمان اندازه زیاد باشد که تراکم‌ساحات در یك منطقه‌ایجاب میکند . چنانچه مثال عملی آنرا در چند سطر بالا مشاهده نمود یم . باوجود این راه حل، تمامی مسایل و مشکلات بازهم‌ازبین‌نمی رود .دلیل ان نیز اینکه ، وظیفه یك‌اداره‌اطلس باستا نشناسی بدون شك تنها به نشانی‌کردن مختصر ساحات‌وآبدات تاریخی ، بالای منطقه مورد مطالعه نمی تواند . محدود بما ند. خلاصه اطلاعات بد ست امده نمیتوانند که تماما بالای اطلس ها درج وثبت گردند. این اطلاعات در باب ساحات باستانی از چه‌قبیل خواهند بود؟چندی از آنرادرسطور بالا بقسم مثال تذکار داده ام. وحال جای انست که این لیست اطلاعات لازمه را ، در باب ساجه باستانی، به دقت تکمیل وبررسی نماییم .

از همه اولتر تعین موقعیت یك ساحه است. این‌تعیین موقعیت‌تنها به درج ان دریك نقشه، باوجودیکه از دقت زیاد بر خوردار باشد، ویا نشانی کردن دقیق‌آن‌از نگاه‌مختصات جغرا فیائی عرض البلد و طو ل البلد ، قطعاء محدود نمی ماند. در اکثر حالات، باید، در مورد طرق رسیدن به ساحه باستانی بوسیله سرك های کم‌وبیش صعب العبوریك اندازه معلومات ارائه گردد . البته ترسیم و نمایش این سرك هادر اطلس حتمی نیست، اضافتاً از نام ویانا مهائیکه اهالی منطقه به ساحه باستانی منسوب میدانند، نیز باید یاد اوری کرد، تا جهت‌در یافت دقیق موضع ان‌تسهیلات فراهم‌شود. بر علاوه در صورت امکان و در موقع مساعد ، یك سلسله تحقیقات‌تیپو-نیمی (مطالۀ منشأ اسم محلی ازنظر علم السنه یا تاریخ) صورت گرفته بتواند. هکذا نوعیت‌وابعاد یك‌ساحه با دقت جزئیات کافی بوسیله کروکی مشرح از نظر اندازه ها،نیز ازین جمله بوده که چند سطر ویا چند صفحه تشریح نظر به اهمیت و بزرگی ساحه ، به ان افزود میگردد. دربسا از موارد، عکاسی ساحه، تشریحات فوق رابابد تکمیل کند ، تایك تصویر نسبتاًدقیق و محسوس ، از دور نما و چشم انداز جاییکه ساحه ویا ابده باستانی قرار دارد. نیز ارائه‌گردد .درصورتیکه اطلاعات بسیار زیاد دقیق و موثق تر بوسیله مطالعه حتی بسیار مختصر معماری، اپی گرافی یعنی کتیبه شناسی ویا اشیای مکشوفه سطح زمین ،بدست میاید، چطور قبول نموده میتوانیم که تاریخ‌گذاری ساحات‌مکشوفه،تنها به دوره های نسبتاً بزرگ وبادقت کم، توسط استفاده از سمبول های کار توگرافیك مختلف‌النوع، محدود گردد؟ خلص کلام مرام ما اینست ، تا درباب هر ساحه کوشش گرددکه یك دوسیه واقعی اطلاعات بوسیله متون تشریحی ، تصاویر وعکس ها تهیه شود. تابتوان یك اندازه زیاد معلومات را ارائه داده که‌البته‌درج‌و نمایش شان‌دریك‌اطلس،ازهر نوعیکه باشد ،نا ممکن خواهدبوده، ازطرف دیگر، یکعده از اطلاعات دیگر نیز قابل دقت و ملاحظه است: مثلا حالت ساحه و یا ابده باستانی ،از نظر اینکه تا چه حد حفظ ویا تخریب شده است، خطراتیکه متوجه انست (مثلا توسعه زراعت، ساختمان‌سرك های جدید وغیره) مسایل قضائی (اسم مالك، تدابیر احتمالی جهت حفظ ،مراقبت وغیره)وبالاخره‌ازهمه مهمتر بیبلیو گرافی (منابع وماخذ منتشره) است یعنی فهرستی از مضامین و مقالاتی که به نحوی‌از انحابه ساحه‌مورد نظرارتباط میگیرد (مثلا سفرنامه ، راپور کار هئیا ت ها، کتب و مضامین علمی وغیره).

با تذ کرات فوق، از مفهوم دقیق و مطلق یك اطلس باستا نشناسی بدور رفته ایم .بهترانست که لیست ساحات و آبدات تاریخی افغا نستان را مدنظر گیریم ،به قسمیکه کارتو-گرافی صرف یکی از وسایل وصول به هدف ما باشد که البته ترتیب اطلس باستا نشناسی افغا نستا ن در معنی وسیع کلمه است. چنانچه این مساله قبلا در تمام ادارات ومو-سسات مشابه که چند دهه میشوددر اروپا، اسیا وامریکابو جود امده‌اند، بکار برده شده‌است. واما بازهم‌یك سوال دیگر مطرح میگردد. یعنی‌در صورت درك این مساله که کارتو-گرافی، اگر جهت بر آوردن مقصود اکتفا نمی کند، چطور و بکدام‌شکل اطلاعات مختلفه را درباب‌ساحا ت باستانی که‌قبلامفصلامرورشده‌است. ارائه نمایم ؟ جواب ان ساده است یعنی اولتر از همه یك کتلاك‌ورقه‌ها بصورت دایمی، در باب ساحات و ابدات فراهم گردد. به نحویکه اداره اطلس باستا نشناسی، متکفل و مسئول اصلی امور مربوط ان باشد. بعد از ترتیب این کتلاك، درقدم دوم مواد واطلاعات لازمه، جهت نشرات، به مقصود اشاعه بهترمحتوی ان ، برای اشخاصیکه دسترس به این کتلاك ندارند، تهیه گردد. درینجابه طور مختصر این دوشکل عرضه

اطلاعات، در مورد ساحات باستانی رابررسی نمایم: طریقه اول یعنی تهیه کتلاك دایمی، یگانه راهیست که از قابلیت انعطاف زیاد برخورداراست به ترتیبیکه همزمان با کشف ساحات و ابدات جدید، کارت های دیگر به این کتلاك افزود میگردد (شکل ۳) . بر علاوه خصوصیت خوب دیگر آ ن اینست که میتوان سیستم های مختلفه طبقه بندی را بوسیله علامه گذاری کارت، نظر به مشخصات هرساحه به بسیار سهولت بوجود آوریم . این تقسیم بندی و علامه گذاری کارت ها را نظر به هرمصداقیکه خواسته باشیم ، انجام داده میتوانیم. معیار طبقه بندی کارت، از هر قراریکه باشد، یعنی چه ساده وچه مغلق ومرکب ازچندین خصوصیت : مثلا نظر به منطقه ، تاریخ، نوعیت ساختمان وغیره (شکل۴) کاربه سهولت انجام خواهد گرفت. معذالك، یگانه عیب این کتلاك اینست که تنها در یك زمان معین، به دسترس یك عده بسیار محدود مراجعین حاضر در انجا،قرار می داشته باشد. البته این نقص زمانی بر طرف میگردد که مثلا یك سیستم کتلاك الکترو نیکی و سیستم های سوال و جواب از راه دوربو سیله کامپیو تر های مخصوص تله انفور- ماتیك روی کار شود. البته این سیستم های مدرن، روزی بسیار عادی و معمول خواهند گردید ولی در حال حاضر، طبعاً نمیتوان آنرانظر به مشکلا تیکه وجود دارد، پیشنهاد نمائیم. بنابرین معذ وریت ،ایجا ب میکند که یك سلسله نشرات ازروی این کتلاك تهیه شود. و درسیرزمان بانشرات مختلفه، آخر ین اطلاعات انباشته در کتلاك اصلی، به دسترس علاقه مندان قرار گیرد. جهت اجرای این مقصود امکانات ذیل موجوداست :یك فهرست مختصر ساحات وآبدات باستانی مکشوفه که مطالعه گریده اند با فهر ست آنها نظر به ادوار تاریخی و یا نظر به مناطق مختلفه ، تهیه گردد. ویااینکه فهرست در مورد بعضی مناطق، که مخصوصاً ازنقطه نظر باستانشناسی ،غنی و مهم اند، دارای معلومات مشروح و مفصل تر باشد. از طرف دیگر ، کوشش هائی در جهت ایجاد یك جغرافیای تاریخی که با لای مطالعه و بررسی ساحات و ابدا ت یك عصر معین و مشخص ا ستناد داشته باشد، باید صورت گیرد. در سطور بعدی ،چند مثال را در مورد کار هائی ازین قبیل، ارائه خواهم کرد که در مورد شان قبلا مضامین نشر ویا در حال انتشار است . این نشرات بالای لیستی از ساحات باستانی افغا نستان استناد دارند و با ید اولین ذخیره اسناد و اطلاعات اداره اطلس با ستا نشنا سی را در افغا نستان تشکیل بدهد .

قبل از همه مساله اساسی را که فوراً با درك مفهوم بسیار وسیع اطلس باستان شناسی در نظر گیریم اینست که : چطور اسناد و مدارك اساسی راجهت ترتیب وایجاد یك کتلاك جمع اوری نمائیم؟ دو منبع مشخص اطلاعات درین بخش وجود دارد: ازیك طرف منابع بیبلیو- گرافیك است. یعنی مضامین ونوشته ها از هر نوعیکه باشند درین نوشته ها میتوان معلومات ضرورت رابالای ساحات وابدات یك منطقه معین در دریافت نمائیم. از طرف دیگر سروی های باستا نشناسی است که جهت تکمیل و یا بدست اوردن اطلا عات جدید صورت میگیرد . البته این سروی هادر مواردی صورت گیرد که منابع بیبلیو گرافیك ناقص ویابکلی معدوم باشد. این دو طریقه (یعنی منابع بیبلیو گرافی وسروی ها ی باستا نشناسی) درموردمطالعات ما از اهمیت اساسی بر خوردار بوده وطبعاًمکمل ومتمم یکدیگر میباشند . ولی اجرای هر یکی مستلزم متودو یاطرق کار مختلف ومتفاوت از هم است. درین باب گفتن چند حرفی خالی از مفاد نیست و درذیل تقدیم میگردد :

استفاده از منابع بیبلیو گرافیك کاریست که همه باستانشناسان باآن اشنا هستند. اما دو نکته درینجا لازمست که تاکید گردد : یکی،غنای این منابع است که اکثراً کمتر به آن توجه میشود . ودوم، عنقر یب انتشار یك فهرست از ساحا ت باستانی افغا نستان است که بالای چندین سال تحقیق و مطا لعات بیبلیوگرافیك استناد داشته واولین تهداب اداره اطلس باستا نشنا سی افغا نستان را تشکیل خواهد داد . منابع اطلاعاتی که مد نظر گرفته میشوند، اولتر از همه طبعاًنشرات با ستا نشناسی است که درباب حفریات، ساحات ویا آبدات مشخص و معین صورت گرفته است. روا یات و نوشته های **جهانگردان** منبع دیگر اطلاعات پر بارو مفید است. زیرا عادت تشریح نسبتاًدقیق بقایا وخرابه های باستانیکه در ضمن سفر شا ن بر خورد وکشف میکردند ، از قرن هژده به این طرف بوجود امده است. قابل ذکر است که مقصود اصلی ازین سفر ها، مسایل دیگر، به جزاز اکتشاف با ستانشناسی بوده است ولی هنر توپو گرافی (شرح و وصف حالت محل بجز کار های این که اصطلاح «جهانگردان» بوده است . بقسمیکه اکثراً با دقت میتوان خرابه های باستانی ذکر شده در خاطرات و نوشته ها یشان را، تعین موقعیت صحیح نموده ، وحتی بصورت نسبتاً دقیق، ازروی کروکی ویا تشریحات مفصل ایکه برای ما گذاشته اند ، میتوان در مورد طبعیت و نوعیت این خرابه ها اطلاع حاصل نمود . در جمله سفر نامه های فوق به جزاز آنهائیکه بشکل کتب و مقالات نشر شده اند، راپور های منتشرنشده ای نیز شامل میشود که درد پیوی

ارشیف کشور های مختلفه روی دست س میباشد . افتخار روی دست گر گرفتن مطالعه این منابع به یك محقق استر الیائی بنام «م،واوریك ،بال» میرسد، وچند سال میشود که بررسی سیستما تیك واصولی این ارشیف ها را به عهده گرفته است. صف محل) جز کار های این به مختلفه در مورد افغا نستا ن را ، چه باستا نشناسی وچه غیر از ان ، انجام میدهد، تا یك لیست ساحات باستانی را تشکیل دهد که بنظر او در قدم اول بشکل کتلاك باید در آورده شود. زمانیکه این جانب نویسنده مقاله هذا از طرح کار اودر سال ۱۹۷۹ باخبر گردیدام، به مولف فوق یعنی (واروبك بال) پیشنهاد نمودم تا در زمینه تامین منابع ومواد لازمه، جهت پیشبرد واختتام کارهای تحقیقی بیبلیو گرافیك و ترتیب یك فهرست مطبوع ساحات باستانی ، او را در فرانسه کمك نمایم. این فهرست به جز از تشریحات لازمه در مورد ساحات مشکوفه (اضافه تر از یکهزار) اطلاعات منتشر نشده، در باب چندین صد ساحه دیگر را نیز احتوا خواهد کرد. چند صد ساحه اخیر الذکر در ضمن سرو ی هایی مطالعه گردیده اند، که بوسیله هئیات های مختلفه با ستا نشناسی موظف در افغا نستان، صورت گرفته است ویاحداقل این فهرست ساحاتی را احتوا خواهد کرد، که هیات های مسوول کاوش ،معلومات مورد ضرورت را، دراختیار محقق موصوف قراربدهند. این فهرست فعلادر شرف اتمام است، وباید در سا ل ۱۹۸۲ به نشر برسد. اهمیت وفایده یك چنین مطالعات رابرای اداره اطلس باستا نشناسی افغا نستان، بخوبی درك میتوانیم. یعنی کافیست که اطلاعات مربوط حدود یکهزار و پنجصد ساحه باستانی فهرست فوق را، نظربه مودل وسیستم ارشیف یا کتلاك مورد نظر خود، به در ی ترجمه وتنظیم نمایم، تا بلافاصله ، ذخیره اطلاعات فوق العاده غنی و و معتبر رابدست آوریم. وگرنه تهیه و جمع آوری این همه اطلاعات مستلزم چندین سال صرف مساعی خواهد بود.

اما بعد این قدم نخستین، لازم است که ذخیره اطلاعات فوق خو ب محافظت وکاران ادامه داده شده و بیشتر از پیش غنی ساخته شود. البته این ازدیاد معلومات بوسیله راه دومی که در سطور بالا تذکار داده ایم، صورت میگیرد. یعنی ،بوسیله سروی های متعدد بالای ساحه عملی کار صورت گیرد. تهیه لیست ساحات و آبدات باستانی افغا نستان در حقیقت یك کار دوامدار است .یعنی تنها باایجاد ونشر یك اطلسی کار- تو گرافیك، هر قدر هم درزمان نشر خود مکمل وبی عیب باشد،اختتام نمی پذیرد. بدین معنی که آثار و ساحات جدید باستانی همزمان با اینکه انکشا فات وحفریات با ستا - نشناسی در کشور جریان دارد ، کشف خواهند گردید ، بناء باید سیستم های فنی و اداری، طور ی عیار گردند که اطلاعات جدید بدست آمده، همزمان باکشفیات فوق بدسترس اداره اطلس باستانشناسی گذاشته شود. البته خیلی خوب خواهد گردید اگر این اداره اطلس باستا نشناسی افغا نستان ، ابتکار پیشبرد وانکشاف سروی سیستماتیك و اصولی تمام مناطق ای را که تا حال تحت مطالعه عمیق واسا سی قرار نگرفته اند ، بدست گیرد ، (مثلا دامنه های کوه هندوکش در غرب و شمال غرب سلسله کوه مذکور ، دره های مرتفع غورو بدخشا ن ،ولایت غزنی...) . بدین منوال، با ایجاد و ترتیب دقیقانه یك سلسله فعا لیت های تحقیقا تی جهت وصول به این هدف ،وبا ضمیمه ساختن نتایج آن باسروی های سابقه درظرف چند سال یك «اطلس» باستانشناسی فوق العاده معتبر وغنی افغا نستان ، در مفهوم بسیار زیاد وسیع کلمه که قبلا در سطور بالا ارائه دادیم، بدست خواهد آمد. در نتیجه انستیتوت باستانشناسی، یك وسیله بسیار اساسی ومهم رابدست خواهد داشت تا بواسطه آن انوا ع مخطلف پرو گرام های فعالیت خود را ایجاد و تنظیم نما یـد . (مثلا برنامه حفظ و نگهداری ساحات باستانی ، حفظ آبدات تار یخی ، حفریات جهت جلو گیری ازتخربیات ، وغیره) که طبعاً بالای آگاهی روشن و دقیق باز مانده های باستانی افغا نستان اتکا دارد و بس .

این خواست ها، در نظر او ل مبالغ وی و خیلی خوشبینانه به نظر میر سد. ولی میخوا هم ثابت نمایم که قطعاً مساله از ین قرار نبوده و بدست آوردن وایجاد اطلس باستان شنا سی تقریباً مکمل تمام افغانستان قسمیکه در بالا نوشتیم صرفاً در ظرف چند سال ، بصورت قطع امکان پذیر است . بقسم معیار و نمو نه ، تجربه خود ما را درباب سروی وسیع و جدی، در شمال شر ق افغا نستان ، در سالهای اخیرمثال می آورم . به اثر در خوا ست مدیر عمو می و قت انستیتوت با ستا نشناسی افغا نستان ، یـك هئیات مشترك افغان وفرانسه درسال ۱۹۷۴ تشکیل گردید . وظیفه این هئیات مطالعه بقایا وآثار با ستانی سطح زمین ، در منطقه ای بود که پرو گرام وسیع کار های عامه (از قبیل ساختما ن سرك ها، پروژه های آبیاری) ، یکعداد زیاد این ساحات را به خطر محو ونا بودی قرار میداد . شکل ٥ مساحت زمین ای را نشان میدهد که به هئیت موظف، جهت سروی باستانی، ، تخصیص داد شده بود : در حدود ده هزار کیلو متر مربع که خصوصاً مشتمل میشود بر جلگه های مزروع، در طول دریای آمو (سمتی، ینگی

قلعه، ای خانم، امام صاحب، خشت تپه) و نواحی ایکه در جنوب ، در اطراف شهر تالقان، خان‌آباد و کندز قرار داشته، علاوتاً فلات های‌مرتفع چایاب، رستاق کلفگان، فرخار، بنگی واشکمش را شا مل میشود . مجموع مناطق فوق الذکر، صرفاً در طی پنج دوره تحقیقاتی (کمپاین) سروی گرد یده‌است .بطوریکه مدت زمان دو ماه را دربر گرفته وتیم تحقیقاتی صرف مشتمل بر چهارنفر میشد(باستانشناسان، متخصص‌جغرافیا، تیکر شناس)که بوسیله‌دونفر از اهالی منطقه ،جهت جمع آوری تیکر، کمك میگردیدند. بیشتر از یکهزار ساحه باستانی‌کشف ونشانی شد. علاوتاً بقایای کانال هائی نیز در یافت گردید که مسیر سابقه آن نیز درتمام جلگه های قبل الذکر ، تعقیب وباز سازی شده یك سلسله اسناد و مدارك در باب مهمترین‌این ساحات ، تهیه و بررسی گردیده (از قبیل تشریحات، نقشه ها،عکس ها) به قسمیکه نکات مهم آن در فهرست ساحات‌باستانی افغانستان که قبلا تذکار داده ایم‌به نشرخواهد رسید، مطالعه اصولی وسیستماتیك تقریباً بیست‌وپنج تن‌تیکرجمع آوری شده از سطح زمین همزمان‌باپیشبرد سروی صورت گرفت. این مطالعه تیکرها جهت‌بدست آوردن‌یك‌تیپولوژی انجام‌شد که فعلاتکمیل‌گردیده و ازروی‌آن درحدود پانزده دوره تاریخی‌از عصربرونز گرفته‌الی‌عصر حاضر (شکل٦)مشخص‌میگردد بوسیله این کرونو لوژی، امروز میتوان‌سیر تکامل عمران وسکونت مردمان‌را درین سرزمین باستانی وسیع‌مطالعه نمود، علاوتاً یك تاریخ بهره برداری از زمین را درولایت تخارو کندز که تا حال بکلی مبهم و ناشناخته‌است، باز سازی نماییم .

این مقاله جهت ارائه اطلاعات و نتایج بسیار زیاد غنی تاریخی ایکه از یك‌چنین برنامه‌کار اطلس‌باستان شناسی بدست میاید ، نیست : چندین نشریه‌تاحال‌در موردمطالعات مقدماتی ساحات فوق به نشررسیده اند. این مقالات بماتا اندازه در باره نتیجه تحقیقات باستا نشناسی ، روشنی می اندازد (به فهر ست اخیر مقاله هذا مراجعه گردد) . بالمقابل دو نکته باید در باب دور نما وچشم انداز متود ولوژیك (اصول وطرق مطالعه) که ما درمقاله ذکر کردیم ، مد نظر باشد : اول ثمر بخش بودن خود سروی ها ی هاییکه اولتر جهت ترتیب فهرست باستانی است. زیرا ترتیب‌پروگرام و محافظت ساحات باستانیست ، میتوانند که نتایج بسیار زیاد جالب از نقطه نظرتاریخی‌نیزبدست دهند. دوم مساله سرعت ومصارف نسبتاً کم این‌پروگرام هاست، درصورتیکه بدقت تنظیم گردند.اولین کار عبارت از جمع آوری اسناد ومدارك‌کارتوگرافیك کافی ، درمورد منطقه‌مورد مطالعه است .این نقشه ها با مقیاس یکصد هزارم (١:١٠٠٠٠٠) که در موسسه کار تو گرافی افغا نستا ن بدسترس قرار دارند، اکثراً جهت تعین خط السیر معقول ونسبتاً خوب، کافی مباشد ، این مسیر بوسیله نقشه های فوق الذکر، امکان آنرا میدهد که با حرکت کم یك ساحه بسیار زیاد وسیع را مطالعه نماییم. استفاده از عکاسی های هوائی در صورتیکه بد سترس باشند ، نیز یکی از طرق ووسایل تعین قبل‌از وقت شکل ظاهری ساحه‌مورد مطالعه است. بدینترتیب نواحی احتمالی بودوباش قدیمی، حتی بقایا وخرابه های این نواحی بودوباش (خرابه‌ها، تپه‌ها کانال‌ها)رادر صورتیکه‌مقیاس عکس ها خوب وبقدر کفایت کلان باشد، قبل از رفتن به ساحه،تعین نموده میتوانیم. بالاخره، مطالعه منابع وماخذ (ببیلیو گرافی)باستانشناسی مربوط ناحیه مورد نظر، طبعاً جز این مرحله‌مقدماتی وآمادگی پرو گرام تحقیقا تخواهد بودمطالعه منابع‌فوق‌خصوصاً‌بدین منظورصورت میگیرد تا جهت کشف ویا تشریح ساحه باستانی مورد نظر که حتی قبلا بیشتر از یکبار مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته اند،وقت ضایع نشود .مرحله دوم کار عبارت‌ازین است که با استناد براطلاعات قبل الذکر (کار توگرافی یانقشه ها، فرتو گرافی یاعکس‌ها، ببیلیوگرافی یاما خذو منابع (نواحی خاص مورد نظر را که با دقت بیشتر بایدسروی گردد، نواحی راکه از اهمیت کمتر بر خورد ارند ، ساحات مهمی‌را که سزاوار وقف‌وقت بیشتر ودقت‌زیاد تراند، باید مشخص کرد . خلاصه یك «استراتیژی» سروی باید مدنظر باشد که باتعین مجموعه ازخط‌السیر های دقیق ، مشخص میگردد. این استراتیژی سروی ، خطوط اساسی پرو گرام کار راتعیین خواهد کرد. در قدم دیگر تنظیم یك تقویم ویا پرو گرام از نگاه وقت باید مد نظر گرفته شود که مرحله سوم کار های مقدماتی را تشکیل داده و در مورد اهمیت آن لازم به یاد آوری وتاکید زیاد نیست. هدف‌ازتنظیم این‌تقویم عبارت ازتامین یك‌تقسیم بندی‌خوب سروی درزمان‌بعدی است.درحقیقت لازم است تا از اشتیاق ومصروفیت بیش از حد، در بالای ساحه کار با بقایای بزرگ و پرزرق وبرق‌که جلب توجه بیشتر را می کنند، ویا آثاری که در سطح زمین به آسا نی قابل مشاهده اند (مثلا خرابه های مرئی وقابل دید، ساحات وسیع و گسترده) باید اجتناب شود. زیرا خطر این موجود است که از نواحی بود وباش دارای اهمیت مشابه ، در باب تاریخ آبادی و سکو نت مرد مان در منطقه، به‌سرعت گذشته و غفلت صورت گیرد. زیرا در ظاهر امر این آثار وبقایای اخیرالذکر ، بسیار ناچیز و بی حاصل به نظر

سیستماتیك، یکی از طرق محدود ساختن وجلو گیری ازین گونه بی نظمی ها خواهد بود .

به تعقیب این مرحله مقدماتی ، دوره سروی باستانی شروع‌میشود. عملیات تحقیقاتی اساسی که باید صورت بگیرد، همانا درج و تعین موقعیت دقیق بقایای باستانی در اطلس می باشد،علاوتاً تشریح هر یك (با یاد آوری ازراه های رسیدن به‌ساحه‌متذکره‌و منظره‌فعلی آنها)، رسم های ساده (کروکی ، نقسه ها، عکس‌ها) وبالاخره جمع آوری اشیای مکشوفه سطح زمین ، خصوصاً سیرامیك (تیکرها)، که وسیله بسیار خوب وضروری جهت تاریخگذاری اکثر یت ساحات افغانستان میباشد، نیز ازین‌جمله است. باید متوجه اهمیت جمع‌آوری این تیکرها وباز یافته های سطح زمین باشیم در مورد شان اهمال‌و غفلت صورت نگیرد. گاه چنین اتفاق می‌افتدکه بالای‌عین موضع ، جهت بدست آوردن یك مقدارتیکری که تقریباً نماینده گی از نو عیت و طرز آنتشار و توزیع آن در بخش های مختلفه ساحه مورد مطالعه‌نماید ، ساعت ها وقت را باید وقف‌کنیم. البته اینکار را در صور تی آنجام می‌دهیم که‌ساحه بسیاروسیع بوده و باید مقدار جمع آوری تیکرکافی باشد تا جوابگوی ضروریات در قسمت مطالعات کرو نولوژیك‌بعدی بوده باشد. یك مثال به صراحت این موضوع را روشن میسازد :بخوبی می دانیم که بالا حصار کندز برای بارها ،طی چندده‌اخیر، بالخصوص بوسیله باستا نشناسان کنجکاو و متجسس، جهت در یافت تاریخ ساختمان آن مورد تجسس وبررسی قرار داد شده‌است‌تاریخ ساختمان آبده مذکوربوسیله‌محققین فوق‌معمولا نظر به تیکرهای سطحی زمین ،دوره کو شانی بوده است. ولی باوصف

این، جمع آوری سیستما تیك و اصولی چندین صد کیلو گرام‌تیکر، از تمام نقاط ساحه باستانی فوق، که نسبت ایجابات یك مطالعه‌دقیق ، قبلا به مربع های کوچك تقسیم بندی شده بود ، بما اجازه داد تادر سال ۱۹۷۸ دوره هائ سکونت وبود و باش بسیار زیاد قدیم تر را در یافت نمائیم. این ادوار سکو نت مردمان در ساحه باستانی بالاحصار کندز از عهد برونز شروع شده (هزاره دوم قبل از میلاد) ،متعاقباً در تمام سیر هزاره اول قبل ازمیلاد در خلال دوره های هخا منشی و یونان وبا ختری ادامه پیدا میکند . قابل ذکر است که‌باوجود این مدت دوام سروی ،در بالاحصار کندز از نصف روز تجاوز نمی کند . مرحله اخری کار طبعاً مطالعه موادواسناد بدست آمده از ساحه مورد مطالعه است . وظیفه وکار اصلی درینجا، هما نامطالعه سیرمیك است که‌اکثراً درین مورد غفلت صورت می گیرد. در اثر موارد تنها وتنها بوسیله سیرامیك است که ساحات از نگاه کرونو لوژی مطالعه شده، در نتیجه بقایای کانال های مربوط به این ویا آن ساحه نیز تاریخگذاری میگردند. حتی گفته میتوانیم که سیرامولوژی ، تهداب مطالعات ماو کلید رمزیك ساحه باستانی امیباشد. علاوتاً مطالعه سیرامیك، اساس تمام‌نتیجه گیری های ما درباب ساحه موردنظر ، در قسمت مشخص کردن ادوار باستانی ویا تغییروتحولات یك‌عصر به‌عصردیگر تاریخی،از نقطه‌نظرمختلف تشکیل میدهد. مثلا: شیوه اسکا ن مردمان، سیستم های آبیاری،منا طق بود وباش وطرز آبادی سر زمین و غیره را نشان میدهد. بنا بر ین یك شناخت وآگا هی دقیق وعمیق سیرامیك تمام افغا نستان، جهت پرو گرام سروی ساحات، از هر قراریکه با شد ، مطلقاً لازم و ضروریست . از همین باعث ،تشکیل

یك اداره سیر امو لوژی‌که به‌صورت مناسب مجهز باشد (مثلا دیپوی - سیرامیك، کلکسیون های نمونوی ، اطلس های تیپو لوژیك وغیره) ، بنظرم مکمل ومهتمم بسیار ضروری هر طرح اطلس باستا نشناسی‌بوده که طبعاً یك‌قسمت زیاد آن‌سروی‌های باستانی استناد دارد .

تاریخ گذاری‌آثار وبقایای‌باستانی در سطح زمین ، باوجود این ،هدف آخری فعالیت ها ما نخواهد بود . باید متعاقباً دوسیه های نهائی ،در باب هر ساحه (حاوی تشریحات ، رسم ها وعکس ها) ترتیب گردیده، نقشه های بسیار جامع وپرمحتوی که طرز توزیع وانتشار آثار وبقایای باستا نی را درابعاد زمان ومکان‌ارائه دارد ،نیز تهیه گردند. در قدم‌بعدی تمام اطلاعات فوق که در نقشه و دوسیه ها وجود دارد، از جهات مختلفه تجزیه وتحلیل گردند . مگر آنکه تقدم واو لویت به‌پروگرام های حفاظتی ساحات(حفریات‌جهت نجات آثار از تخر یبات ، تد ابیر لازمه جهت حفظ‌آبدات وترمیم‌کاری) نسبت به تحقیقات تاریخی ،عاجل‌و ضروری تر تشخیص گردد. در هر دو صورت، اطلاعات جمع آوری‌شده در کتلاك ،درااداره اطلس باستا- نشناسی، تهداب واساس آسناد ضروری را در باب ساحات باستانی ، بدست میدهد. اما چقدر وقت‌وچه مقدار پول جهت پرو گرام سروی های قبل الذکر لازم خواهد بود (شکل۷) .«اطلاعات اساسی» درباب تمام سر زمین باستانی افغا نستان بدست آید؟ در چند سطر بالانوشتم که این پرو گرام های تحقیقاتی میتوانند که بسیار سریع ونسبتاً کم مصرف باشند: مثال و نمو نه کار هئیات مشترك افغان و فرانسه که قبلا یاد آوری کردیم، درین باب خیلی آموزنده است. بدون آینکه در جزییات محاسبه داخل شویم

میتوانیم با صراحت و اطمینان کامل اظهار داریم که حدود پانزده پرو گرام مشابه هئیات مشترک قبل الذکر افغان وفرانسه که هریکی بالای چهار ویا پنج سال مطالعه و سروی اساس داشته باشد، جهت بدست دادن عناصر و آساسات یك اطلس باستانشناسی نسبتاً کامل تمام سر زمین افغانستان کفایت میکند. فرض کنیم که ما قادر به تشکیل سه ویا چهار تیم تحقیقاتی جهت سروی گردیم ، به قسمیکه هر یك، حداقل یك سیرا مولوگ (متخصص تیکرشناسی) با وقت کافی داشته باشد: هدف که تهیه اطلس باستا نشناسی است ، درظرف کمتر از بیست سال، بدست خوهد آمد . اما در موردمصارف و خرج عملیات تحقیقاتی ، تا اندازه ای حدس زده میتوایم با در نظر دشت اینکه مخارج اساسی درین قبیل پرو گرام ها به دو نوع است: یکی پول خریداری ومراقبت یك وسیله نقلیه است که با شریط زمین های مورد مطالعه مطابقت داشته باشد (جیپ ویا لاری های کو چك).دومی معاش محققین موظف است برای بقیه مصارف (سامان آلات توپوگرافیك یا نقشه برداری ، عکاسی وخریداری نقشه ها وغیره) یك بودجه نسبتاً ناچیز کفایت میکند .ومبحث خود را باید پیشنهاد این مساله اختتام می دهیم که :آینده اطلس باستا نشناسی افغانستان ، در تحلیل نهائی، کمتر وابسته به مسایل بود جوی ومالیست ، بلکه زیاد ترمربوط به یکسلسله تصامیم اداری و دولتی میگردد. یعنی عملی ساختن طرح مذکور ، نسبت به مسایل مالی، زیاد تر برطرز استدلال ، قدرت تصمیم ومسایل فکری اتکا دارد . ژان ، کلود، گردن

تو ضیح اشکا ل

شکل ۱- مثال اطلس باستانشناسی که بعد ازیك سروی جلگه تلقان در شمال شرق افغانستان در سال ۱۹۷۸ ترتیب گردیده است .معنی سمبول هاییکه ساحات مختلفه را نشان مید هند، قرار ذیل است :

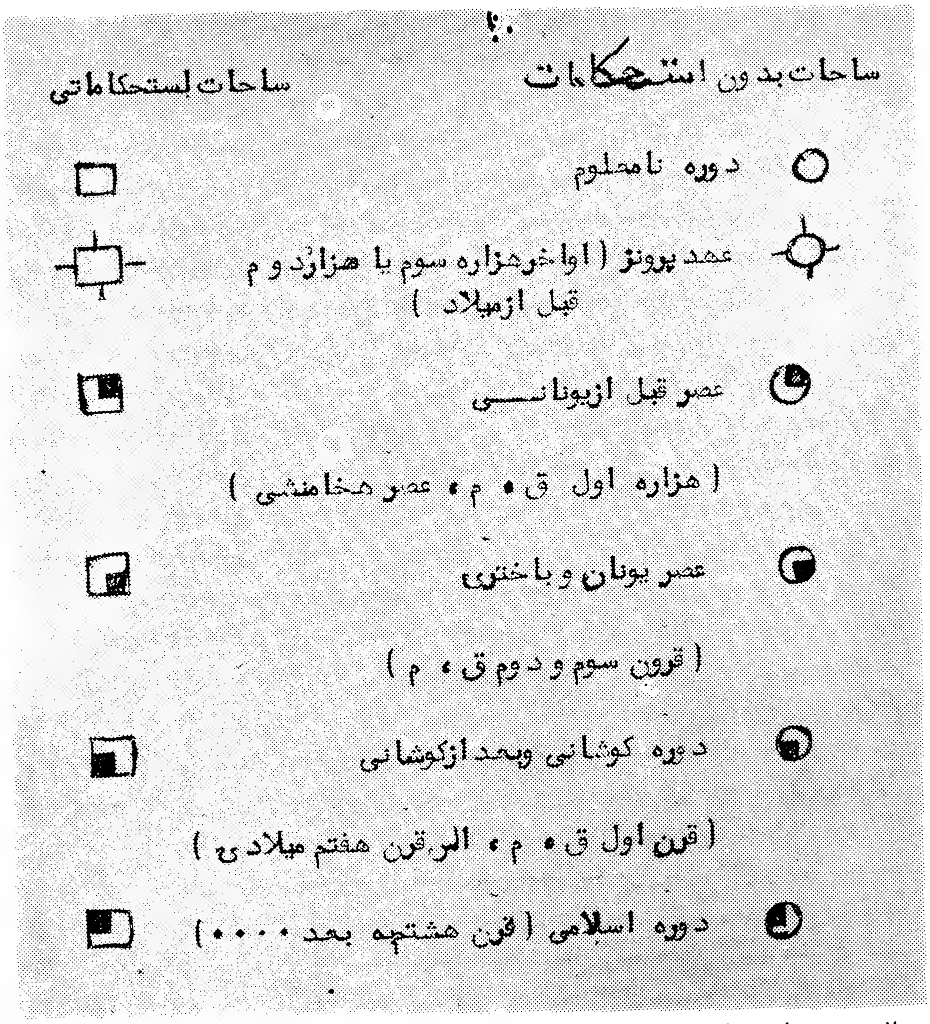

شکل ۲- مثال دوم اطلس که کثرت و تراکم ساحات باستانی را در جلگه دشت قلعه نشا نمیدهد (سروی سالها ی ۱۹۷۴- ۱۹۷۶) جهت توضیح سمبول ها بشکل (۱) مراجعه شود .

شکل ۳ـ نوعیت اطلاعات قا بل‌درج در ورقه های کتلاك ساحات باستانی :

نام ساحه ...   نمبرریفرنس

ولایت ...   ولسوالی

مختصات جغرافیائی : عرض‌البلد ...   طول‌البلد

موقعیت ساحه وراه رسیدن به‌آن

تشریحات ...

رجوع به دوسیه های تکمیلی‌احتمالی ذیل صورت گیرد :

نقشه ، تصاویر   عکس‌ها

سروی ... (تاریخ ونام ها)

مواد جمع‌آوری شده ازسطح‌زمین   محل‌نگهداری آن

تاریخگذاری (کرو نولوژی)

استناد دارد بالای (معماری، کتیبه ها، سیرامیك، متون وغیره ساند اژها، حفریات (تاریخ‌ونامها).

مالك ساحه

حالت ومسایل حفظو مراقبت‌ساحه

تدابیر لازمه حفظ ونگهداری

مراجع ومنابع بیبلیو گرافیك

شکل ٤ـ یکی از طرق‌ایکه تجسس‌و تحقیقات را در کتلاك عمومی ساحات باستانی آسان می سازد.سمبول و علامات مختلفه ایکه به هر ورقه کتلاك متصل است‌مثلا : منطقه ، دوره تاریخی ، مساحت ساحه ، نوعیت ساختمان‌هائی مرئی وقابل دید و غیره را نشان میدهد . مفهوم این سمبول‌ها توسط معانی ایکه از قبل برایشان تعین شده میباشد ، تصریح‌خواهدگردیده بدینترتیب خواهیم توانست به سرعت با ترکیب و امتزاج‌سمبول های مورد نظر، اطلاعات لازمه را در یافت نماییم . بطورمثال«تمام ساحات باستانی عصرکوشانی منطقه تالقان را که دارای مساحت‌حداقل یك هکتار بوده و حاوی‌آثار و بقایای استحکامات‌وغیره باشد» .

شکل ٥ـ این نقشه وسعت‌ناحیه ای را در شمال شرق افغانستان نشنان میدهد که توسط هیئت‌مشترك باستانشناسی افغان و فرانسه در طی پنج کمپاین تحقیقاتی (۱۹۷٤ـ ۱۹۷۸) ،از نقطه نظرباستانشناسی سروی گردیده است .

شکل ٦ـ پانزده‌دوره ایکه‌بوسیله مطالعه سیرامیك سطح زمین‌مشخص میگردد. سیرامیك فوق در جریان سروی باختر شرق (۱۹۷٤ـ۱۹۷۸) ، جمع آوری شده اند .

شکل ۷ـ طرح فکری‌یك پروگرام سروی باستانشناسی و اجرای‌آن در ساحه عمل :

ـمرحله اول: مطالعات مقدماتی قبل از اجرای عملیات بالای ساحه مورد نظر .

ـ مرحله دوم : کار بالای ساحه مورد نظر

ـمرحله سوم : تهیه و ترتیب

موا دواسناد جمع آوری شده در ضمن سروی .

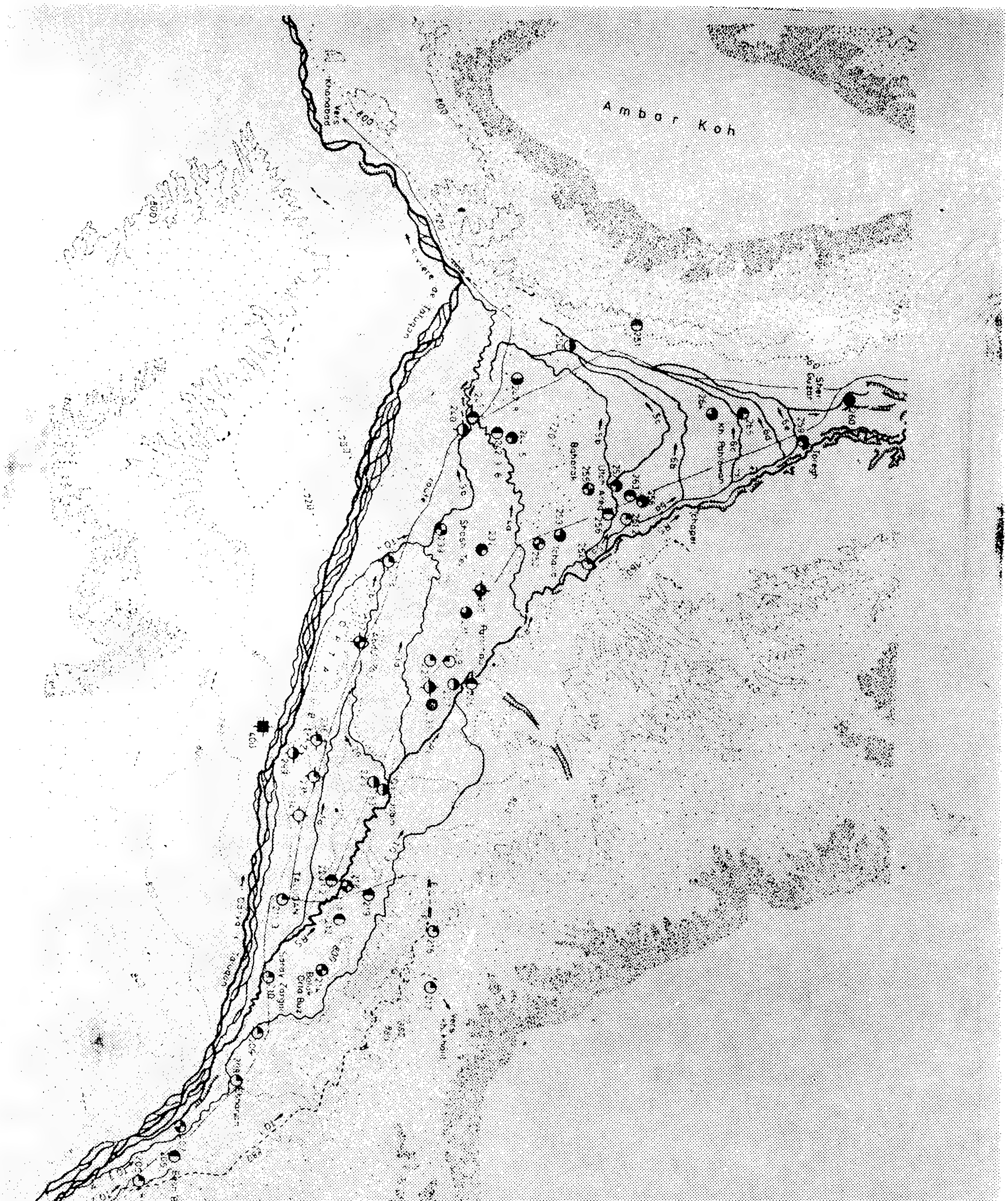

شكل (١):

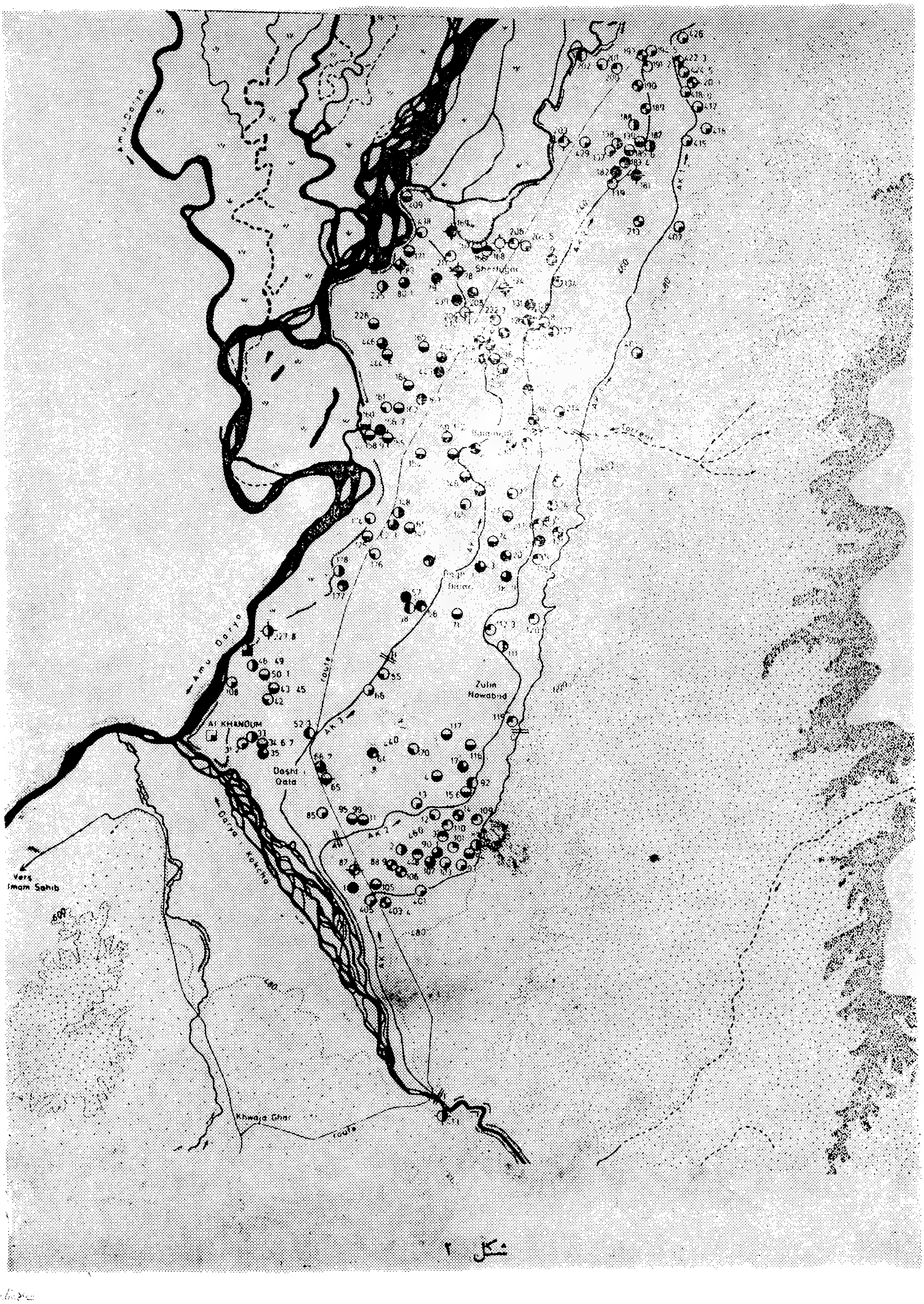
Amu Darya
Ai KHANOUM
Dasht i Qala
Zulm Nawabad
Darya i Kokcha
Vers Imam Sahib
Khwaja Ghar
route

شکل ۲

شکل : (٤)

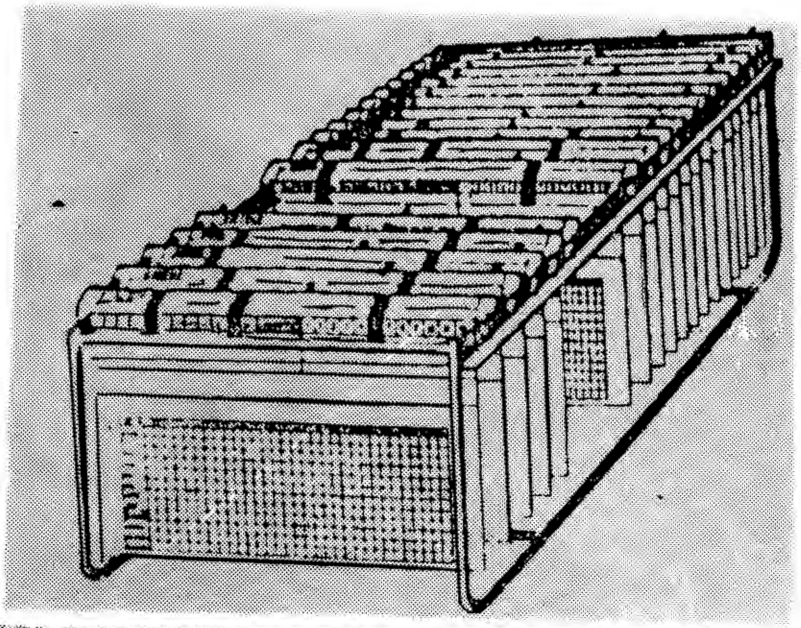

شکل : (٦)

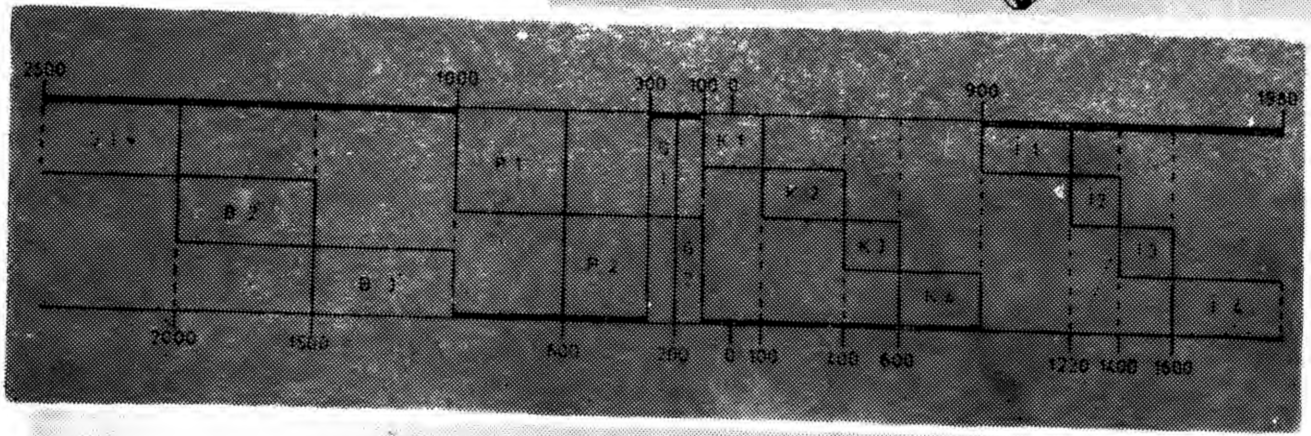

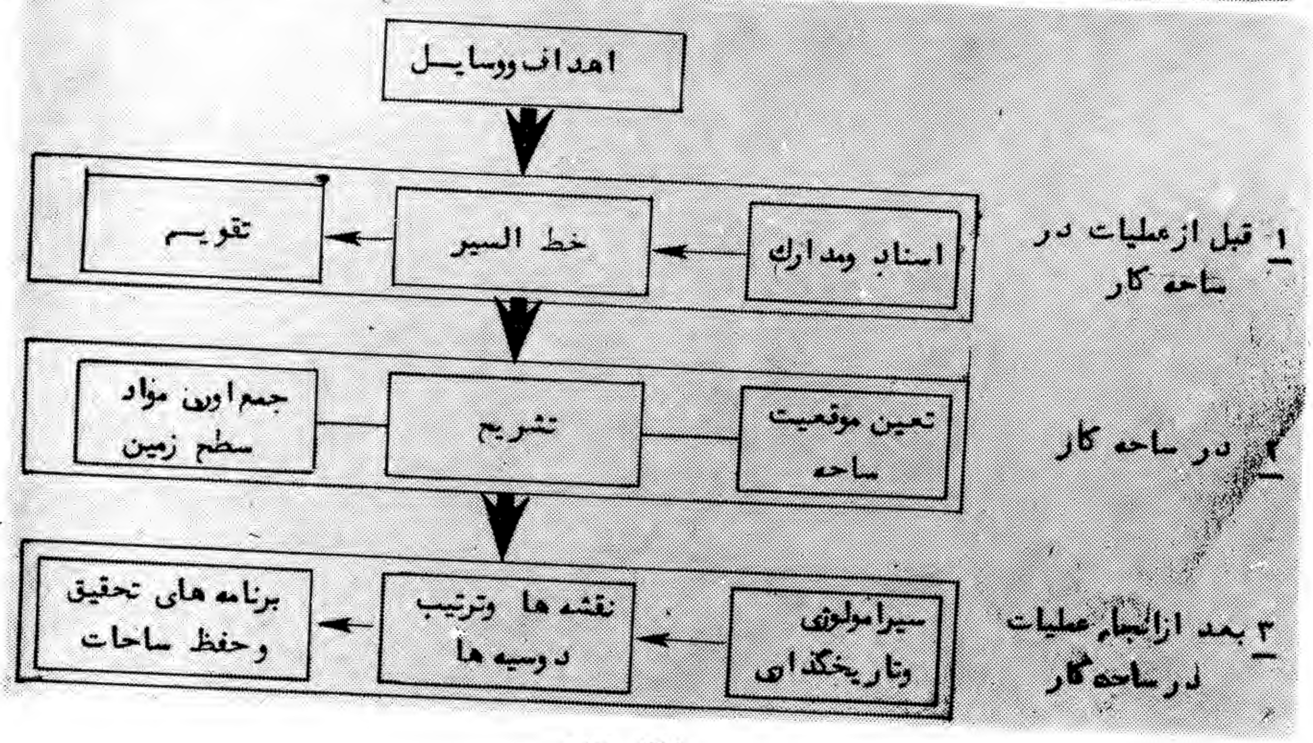

شکل :(٧)

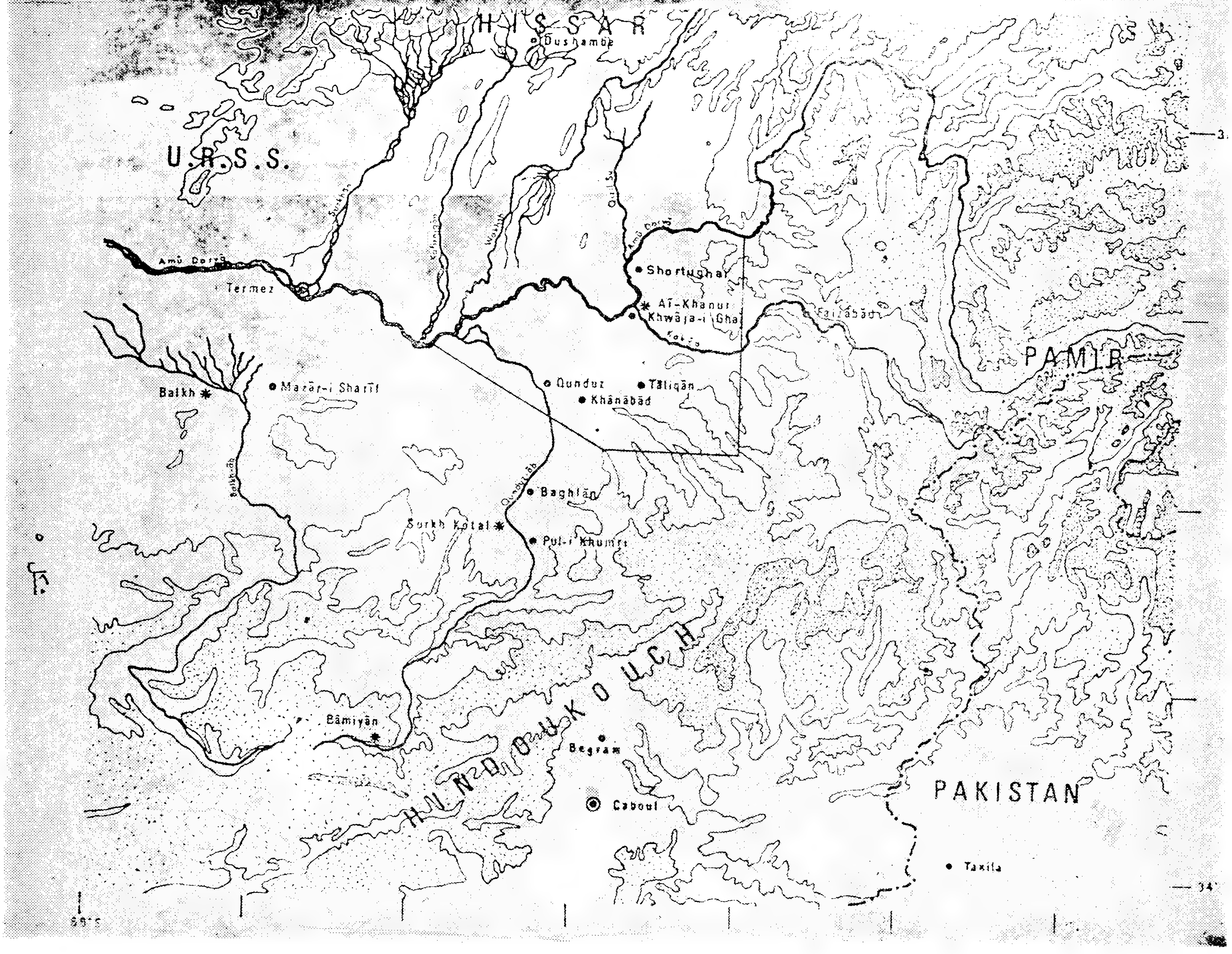
HISSAR
Dushambe
U.R.S.S.
Amu Darya
Termez
Surkhan
Kafirnigan
Wakhsh
Qizil Su
Shortughai
Ai-Khanum
Khwaja-i Ghar
Kokcha
Faizabad
PAMIR
Balkh
Mazar-i Sharif
Qunduz
Taliqan
Khanabad
Balkh-ab
Qunduz-ab
Baghlan
Surkh Kotal
Pul-i Khumri
HINDOUKOUCH
Bamiyan
Begram
Caboul
PAKISTAN
Taxila
34
شکل ٥

نو یسند ه :
انجنیر احمد شکیب «سالك»

نه گنبد بلخ یا حج پیاده

نخستین عبادتگاه مسلمانان در افغانستان

سالهای قبل هنگا میکه محصل بودم از بلخ دیدن کردم .بلخ به صورت کل‌ازجهات‌تاریخی وفرهنگی آنقدر مشهور است که در این‌مختصر ذکر قدامت و گذشته آن لازم‌نمی‌افتد .

باری در ضمن آن سفر از مسجد کوچکی که در نزدیکی بلخ موقعیت دارد نیز دیدن نمودم که با وجود کوچکی آن از جهت ساحه ، خرابه های آن عظمت گذشته های دور را بخوبی نمایان میسازد .

یك نام این مسجد حج پیاده‌میباشد ونام دیگر آن که از طرز سا ختمان آن منشا میگیرد نه‌گنبد است وباشند گان محل نیز آنرا به همین نام ها معرفی کرده اند. من درهمان وقت یاد اشتها ئی‌به صورت پراگنده از آن گرفتم تا درفرصت مناسبی آنرا تنظیم نموده بدست نشر بسپارم وحال که از آن زما ن چندین سال میگذرددراین‌فرصت دست داده است. در این مقال نخست نظر دانشمندان خارجی را که‌مطالعاتی در مورد نموده اند، باتشریح خصوصیات آبده تقدیم خوانند گان گرامی خواهم نمود و در اخیرآنچه را به حیث یك نظر کاملا جدیدتهیه نموده ام ،به معرض قضاوت قرار مید هم .البته در سرا سر متن کوشش شده است به آن مطالبی‌که در قسمت‌ارائه نظر نیتجوی کمك میکند ارجحیت خاص داده شود .

طوریکه در نقشه افتاده به‌ملاحظه میرسدمسجد یك‌طرح تقریباً مربع‌را شکل میدهد که‌اضلاع آن در اندازه گیری که توسط کالیناپوکو چینکوا صورت گرفته است از بیرون (۱۹ر۵ در۲۰) متر ودر داخل با در نظر داشت پهنای دیوارها (۱۸ر۳۰ در ۱۵ر۵۰) مترمیباشد ،محوراصلی آن نسبت به خط شمال وجنوب یك زاویه (۳۸) درجه را میسازد ،به‌این معنی که فرورفته گی دیوار جنوب غربی که به شکل محراب است تقریباً به سمت قبله منطبق میگردد واین خود مهم ترین دلیل است که‌ما بنای مورد بحث رامسجد میناميم .

آبده بر علاوه ستون پایه ها ی که به صورت جفت ها در پهلوی دیوار قرار داشتند ، شش ستون پایه آزاد داشت که از آن جمله‌چهار ستون پایه آن هنوز پابرجا و دوی آن افتیده است. از مجموع آبده چیزهای کمی باقی‌مانده است،قسمت های از سه دیوار احاطوی (البته نمای اصلی آبده باز بوده است) چهار ستون پایه که قبلا متذکر شدیم کمان های وصل کننده‌ستون های موجود با تزئینات مربوط آن‌یك تعداد از جفت ستونك های کوچك متصل به دیوار در سه طرف‌محاط مسجد... و آواری که از بقایای‌گنبد ها وقسمت های فرو افتاده مسجد بروی صحن افتاده است تمام مواد مطالعه ما را تشکیل میدهد .

جهت ایجاد تسهیل در مطالعه آبده مورد بحث و تعیین تاریخ تقریبی اعمار آن در عدم موجودیت

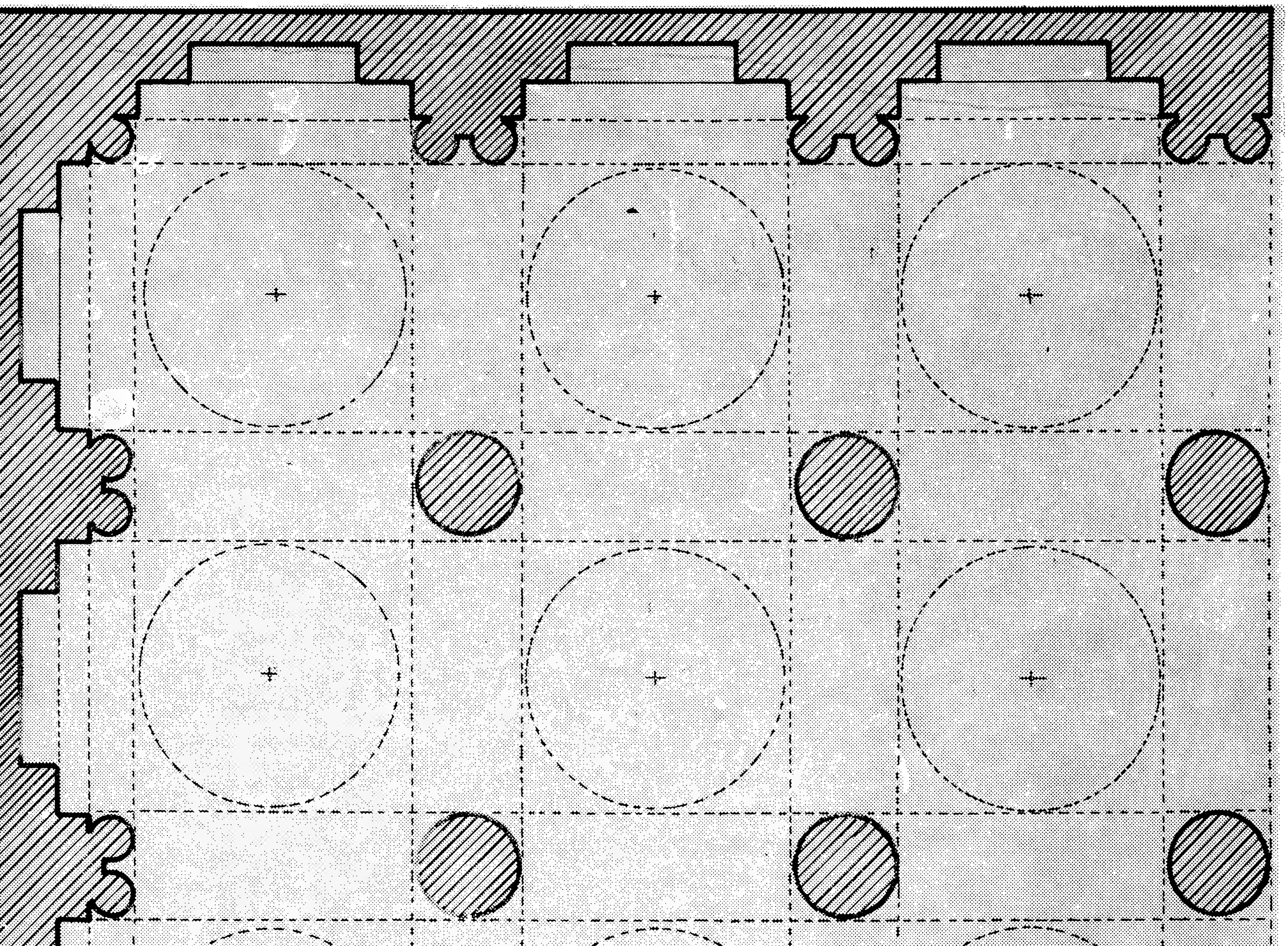

شکل ۱

کتیبه ویا سند کتبی ممد آنراتحت عناوین مختلف وجداگانه مورد تحقیق قرار میدهیم :

(نقشه افتاده ساختمان :شکل(۱)

افتاده مسجد هما نطور که متذکر شدیم تقریباً چهار گوشه‌ئی است‌که توسط شش ستون پایه بزرگ‌مدور به نه مربع کوچکتر تقسیم شده است اضلاع این مربع هر کدام چهار متر وده سانتی میشود که به این اساس قطر گنبد های مربوط هر کدام در قسمت شروع گنبد نیز همین اندازه (چهار مترو ده سانتی)است .پوگا- چینکوا دانشمند روسی در مقاله‌خود این مسجد را با پلان افتاده مسجد چهار ستون واقع در خرابه ها ی شهر ترمذ تشبیه نموده است(۱) (تاریخ اعمار آن یکی حسب کتیبه‌ئی که خوانده شده ۱۰۳۲م تعیین گردیده است) ولی شباهت‌درتعیین تاریخ اعمار نه‌گنبد به‌ماکمکی نمیکند ، زیرا مسجد چار ستون مربوطقرن یازده میشود و نظر به دلایل‌سبك شنا سی مهند سی اسلا می نه‌گنبد قبل از آن واقع میشود .

(پوگا چینکوا آنرامربوط قرن‌نهم ، ایزا کولمبك مربوط قرن دهم و ملکیان شروانی آنرا مربوط قرن هشتم میلادی میدانند) .پلان چار گوشی را که با نه گنبد مسقف ویا حداقل به‌نه‌مربع‌کوچك دیگرتقسیم‌شده باشد میتوانیم در آثار معماری قبل از اسلام جستجو نماییم .

در باستا نشناسی افغا نستا ن از گذشته های دور تا دوره‌تیموریان آنرا به یك مرکز قبل از اسلام بنام کوشك (۲) مقایسه نموده اند. در مورد چنین نگاشته شده است : «مابايد يك سلسله مميزات را از يك مرکز قبل از اسلام نیز مد نظر بگیریم .این مرکز که بنام کوشك است ویك مربع کوچك را که‌قابل مقایسه با مسجد عباسی ها (مراد مسجد نه گنبد میباشد) است احتوا میکند .قسمت داخلی آن به نه مربع کوچك و مساوی تقسیم شده است‌که هر کدام بایك گنبد مسقف‌است»(۳)

افزون بر ان باید یاد آور شد‌که سیستم ساختن عمارات با ستون‌پایه های مرکزی در خراسان ودر سبك معماری قبل ازاسلام ساسانی‌سابقه بسیار طولانی دارد ، در حالیکه مساجد اولیه اسلام در قرون هشتم و نهم و حتی بعد از آن در بغداد ، سامره دمشق و کوفه سبك به خصوصی داشتند که عبارت میشد از يك حویلی‌مرکزی مستطیل یامربع معمو لاباحوضی جهت‌وضو گرفتن‌که در اطراف این صحن مرکزی دهلیز های ستون دارواقع میشد ودرسمت قبله تالار اصلی مسجد جهت ادای نماز ساخته میشد . در شماره‌صدو شانزده مجله «هنر ومردم» بعد از هشت نقل قول از کتب مختلفی‌که در مورد هنر اسلامی نگاشته شده است در مورد نقشه‌یی که منسوب به این سبك ساختمان شده چنین نتیجه گیری‌میشود :«يك‌حویلی‌مربع یا مستطیل در داخل ، يك تالار ستون‌د ار در سمت قبله، يك ياچند ردیف رواق در سه سمت دیگر مجموع مسجد را شکل میداده است و از حوضی وسط و متعلقات نیز یاد شده است .گو اینکه عبا رات مختلفی چون صحن وطاقها ودهلیزها تالار ستون دار ، صحن و روا ق‌زیر طاقی ستون دار ، صحن و حرم ، حیاط احاطه شده از رواقهای سر- پو شیده ،محو طه وسایبا نها وغیره بکار رفته است) (٤) حالانکه مسجد نه گنبد با خصو صیا تی که از نقشه افتاده آن شرح شد، بکلی فا قد خصو صیات مسا جد به اصطلاح با سبك بدوی عرب میبا شد !

باری آنچه از جنبه های مختلف مطالعه نقشه افتاه نه گنبد میتوا ن یا داشت نمود اینست که درنقشه متذکره تا ثیرات مهندسی‌قبل‌از - اسلام وسده های مقارن ظهور اسلام را نمیتوان ازنظر دور داشته ، در حالیکه مساجد اولیه اسلام‌دربغداد، دمشق، سامره، کوفه ومدینه راکمتر میتوان در نقشه افتاده آن جستجو کنیم و این موضوع ما را ترغیب - میکند که در مورد تاریخ‌اعمارمسجد دقیق تر اظهار نظر کنیم وآنرازیاد تر به قرون اولیه اسلامی ودرجمله اولین مساجدی حساب کنیم که‌قبل از ایجاد يك سبك معین برای اعمار مساجد آباد شده است .البته بادرنظر داشت پس منظر تاریخ بلخ مقارن- ظهور اسلام وحملات اولیه اعرا ب به این خط واولین عمر انا تی که بعد از استیلای عرب در بلخ‌صورت گرفته است (و مختصری از آنرا در قسمت اخیر این مقال مطالعه‌خواهیم نمود) ما را به اظهار این نظر کمك زیاد میکند .

مواد سا ختما نی :

از باز مانده های مشهودخشت‌ها بروی خرابه و زیر آوار چنین بر- میاید که گنبد ها از خشت پخته‌بوده است .این‌خشت دارای‌اندازه(۵ر۳ در ۲۱در ۲۲)سا نتی متر میبا شد . همچنان ستون پایه های مدورمر - کزی و ستو نك متصل به دیوارنیز از خشت پخته است ، ولی در با بعضی خشت های که ابعاد شان (۵ر٤ در۹در ۱۰ الی ۱۵) سانتی متر است مقابل میشویم . خشت های طا قهای سه دیواز احاطوی اندازه ها (۳۰در۳۰ در٦) سانتی متر را دارند . این اندازه‌ها را در خشت های اکثر آبدات اسلامی قرون هشتم ، نهم و دهم میلا دی یافته میتوا نیم که بطور مثال از آبدات ذیل‌نام برده‌میتوانیم :مسجد مغاك عطاری قدیمی در بخارا،زیارت میر سید بهرام در خرابه های قدیمی شهر کهنه ترمذ ،در نایئن‌قرن دهم و در دامغا ن قرن هشتم یا نهم....

کچ ومواد چونه ئی ،گل، ریك ، خشت خام وغیره نیز در این بنا ها

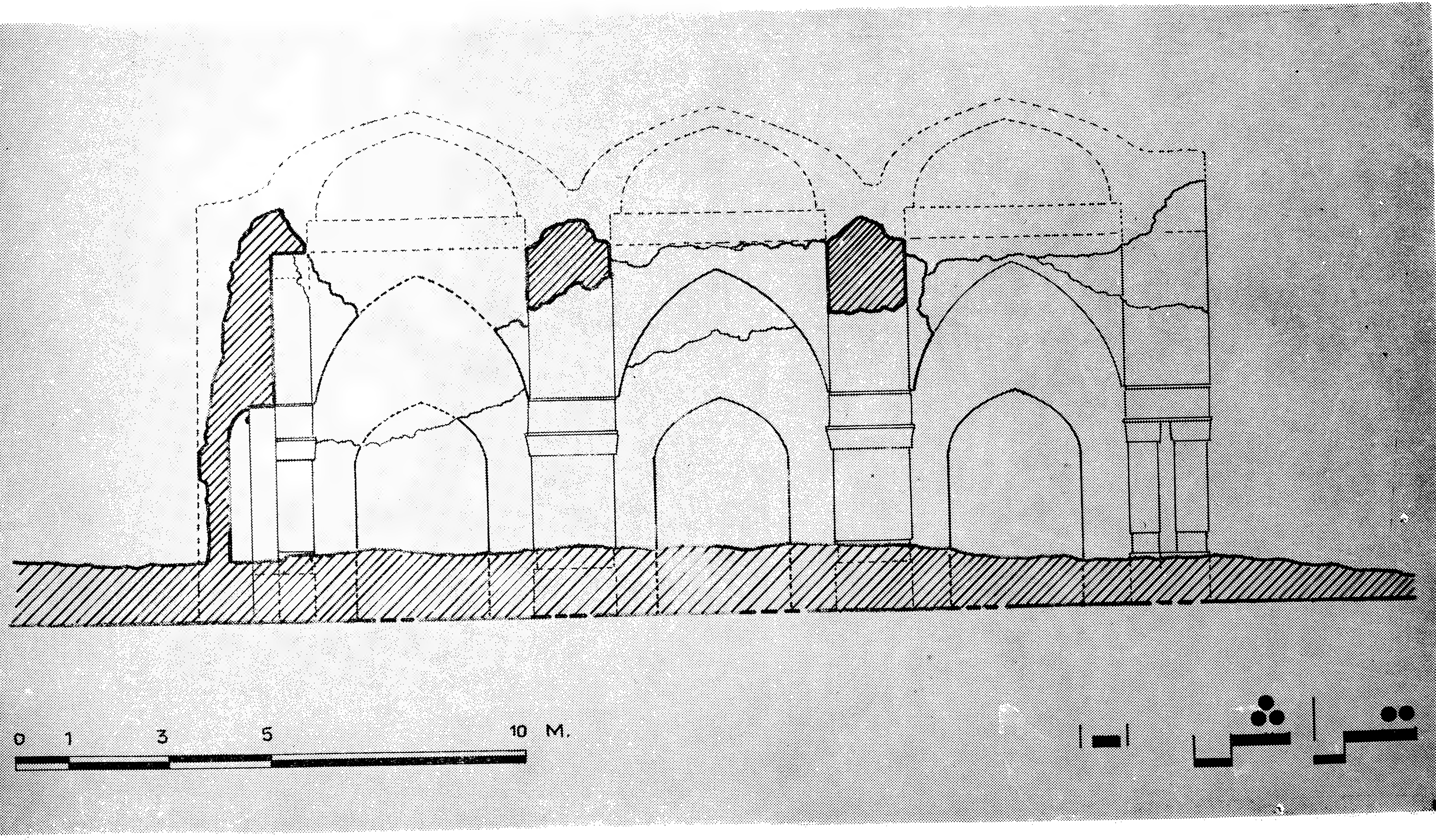
0 1 3 5 10 M.

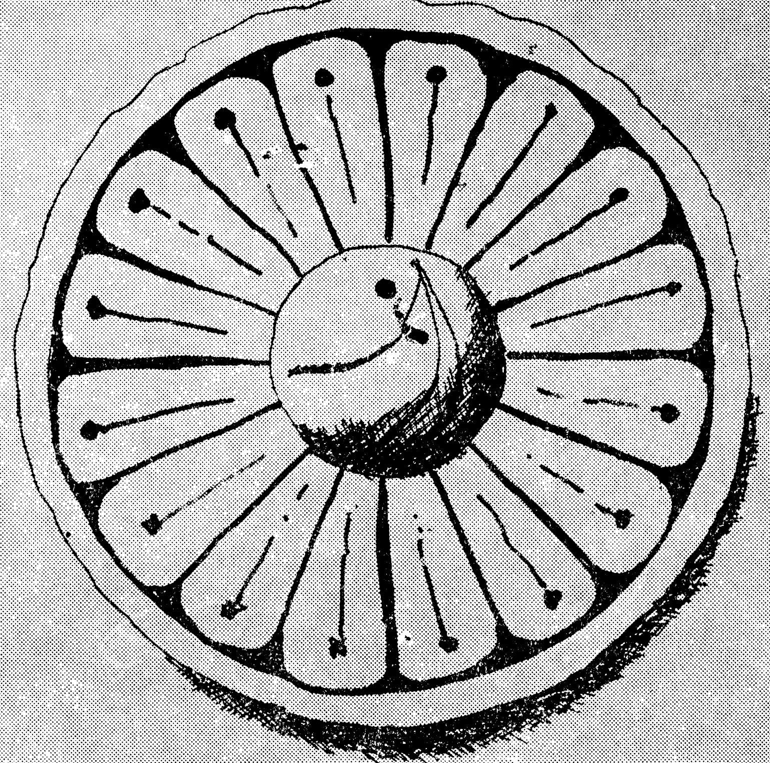

شکل [۳] ، طرح نیلوفر که در بغلی ها کار شده است

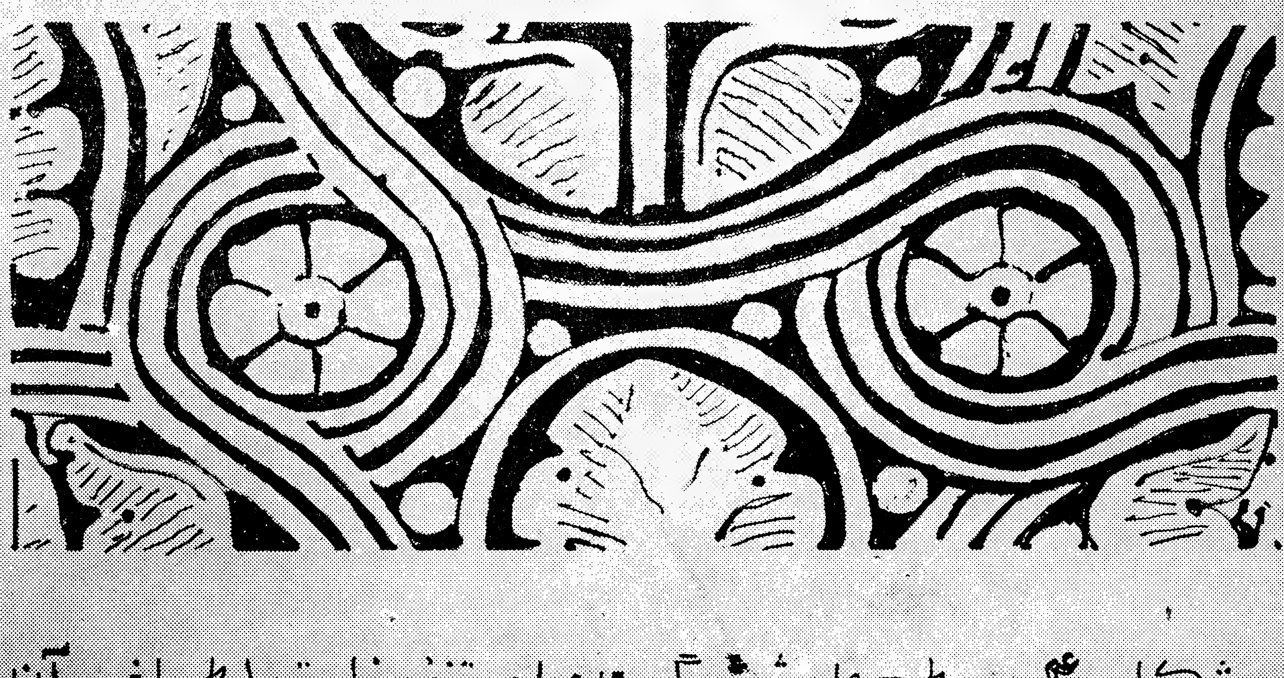

شکل ۴ طرح های شش برگی در میان تزئینات اطراف آن

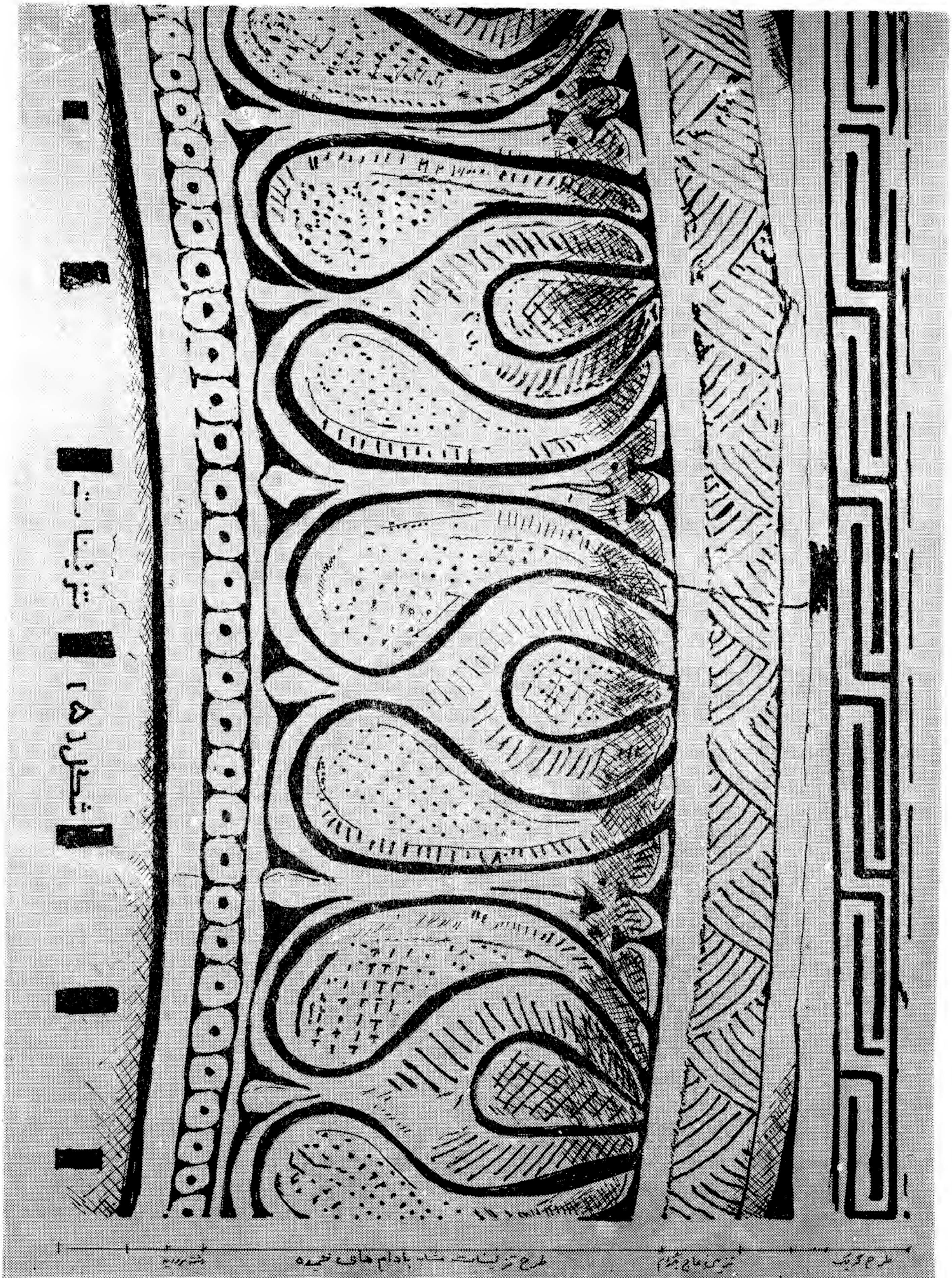
طرح تزئینات شاخ بادامهای خمیده

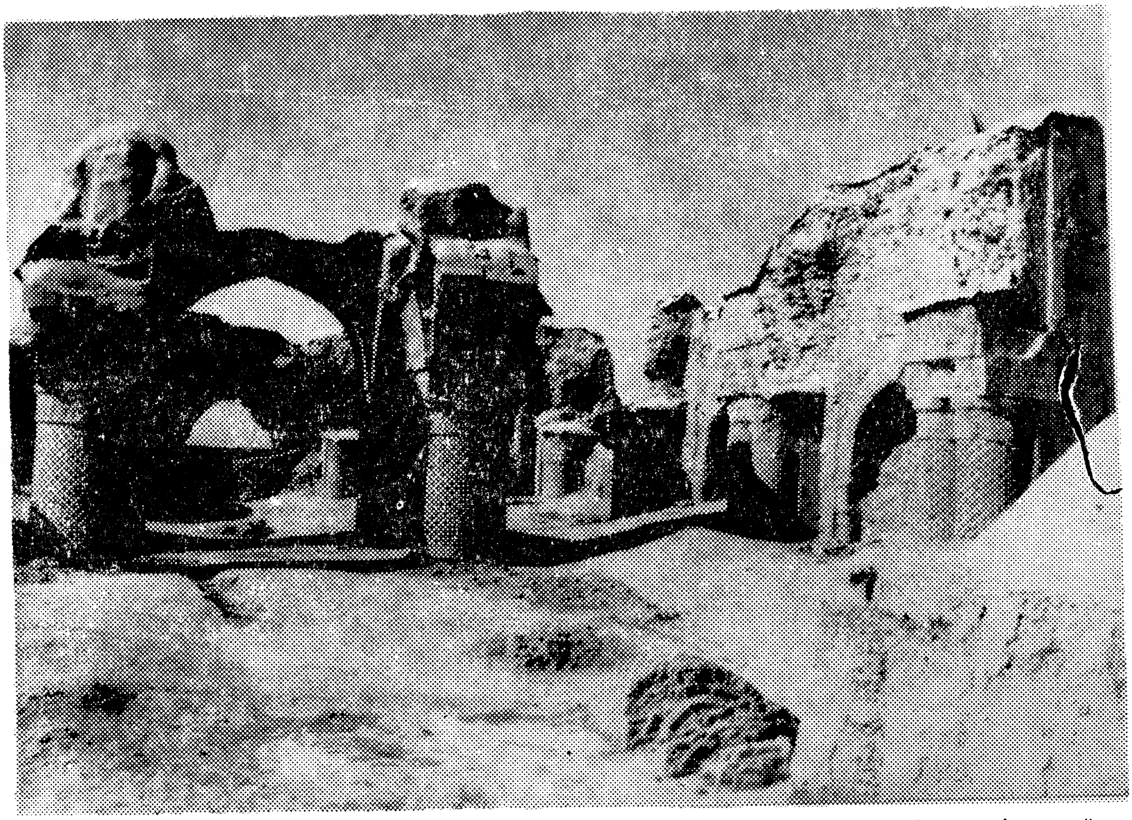

تصویر شماره‌اول: نمای عمومی مسجد. گل ها ی لو تس در بغلی هـا جلب‌تو جه میکنند .

جهت محکم نمودن خشت ها به هم دیگر ، اعمار دیوار احاطوی ، بـه حیث مواد تزیینی بکار رفته است و همه یی این مواد به نحو ی از انحا سابقه استفاده طولانی در منطقه ـ دارند .

آنچنا نیکه نتایخ تحققیقات‌لابراـ تواری نشان داده است گچ‌نخودی رنگی که از آن در این آبده استفاده بعمل آمده است از اثر پختن آن ـ توسط حرارت متعادل گیاهان وبوته ها بدست آمده (٥) که معمولا جهت تزیین و گچ بری بکار رفته است .

در تمام بنا جاییکه دیواربا ستون پایه متحمل بر داشت وزن و قوهـ وارده بوده از خشت پخته کار گرفته شده است ودر هر جاییکه این قوه عمل نمی کرده (مانند سه دیواری که مسجد را احا طه کرده است(از ـ خشت خام استفاده به‌عمل‌آمده است

ستو ن پا یه هـا :

ستون پایه های مرکزی باقطر (١٥٦) سانتی متر و ستونك هـای متصل به دیوار به شکل جوره‌ای‌هر کدام با قطر (٧٤) سانتی متـر ازـ خشت پخته یی که ابعاد آن قبـلا ذکر شد ، ساخته شده اند.ایـن خشت ها در محیط بیرونی ستـون ها به شکل شعاعی تنظیم شده اند،

طوریکه در قسمت نزدیك به مر کز دایره با هم متصل ودرد دور تر ین نقطه از مرکز دایره‌ستون پایه‌فاصله دار هستند . این خالیگاه مثلث نما در پلان افتاده ستون پایه در نمو د بیرونی طرح تزئین را بشکل منظم نمآ یان میسازد که یکنوا ختـی و یکد ستی خاص را در نمای ستون‌ها بو جود آورده است وبه ویژه اینکه در هر قطار خشت حفره مستطیلی اولی در فاصله میانی دوحفره زیرین قرار میگیرد . عمق این حفره هـا دوالی سه سانتی متر اندازه شـده و بخوبی میتواند در او قات مختلف روز سایه روشن ایجاد کنـــد. (تصاویر ٣ ر ٤ ر٥)

در قسمت پـا یین ستو نـ جاییکه در زیر آوار مدفون است‌یك حاشیه پهن تزئینی که طرح های‌آن بابقیه تزئینات‌مسجد هماهنگی دارد کار شده است . این قسمت تزئین راه‌ن در همان سفر قبلی خودبه‌کمك و سایل ابتدائی ازخاك بیرون‌نموده بودم . وآنـطوریکه پوگـا چینکـوا نگاشته است در قسمت های‌پائین برآمدگی یك زیر ستونی نیز مشخص است (٦) که فعلا زیر آوار مد فو ن میباشد به هر صورت در قسمت بالای ستون در ارتفاع تقریباء دو متری به قطر ستـو نچند سـانتی افزوده میگرددکه این‌افزودی توسط گچ وصرف جهت تطبیق طرح هـای تزئینی با گچ بری به وجود آمـده است وحدود ٣٥ سانتی متر ارتفاع دارد وتمام ساختمان تنها قسمتـی است که تزئین آن در ستون هـا ی مرکزی وجوره ستونك های متصل به دیوار باهم ویکی ومشابه‌میباشد (تصاویر (٨و٩) و شکل (٥)بالاتـر

از آن‌سر ستونی چار گوشی که‌طول هر ضلع آن مساوی با قطر ستو ن میباشد ، یعنی دایره سطح ستو ن به داخل مربع سر ستون محاط میبا شد قرار دارد .ارتفا ع این سر ستونی‌در حدود سی سانتی متر میباشد و اتکای کمان هایی‌میباشد که از همین قسمت شروع میشوند و ستون ها رابه‌هم‌وصل‌میکنند ودر عین حال‌مرکز تعادل قوه های‌وارده ایست که از وزن مجموعی کمان ها وسقف حاصل میشوند .(تصاویر ۳ر۴ر۵ر۸و۹)

کمانها : (تراش ۱-۱) دیده شود (۷)

از سر ستو نی ها آغاز میشوند و زیاد تر شکل هلالی یا نیم دایره را دارند و تنها در قسمت بالاترین (تیزه) خود کمی نوك دار میشوند (چناقی).این موضوع نه تنها در کمان های حامل گنبد ها،بلکه‌در طاقنما ها نیز صدق میکند . تمام قسمت های این کمانها به‌شمول بغلی های (۸) دو طرف وزیر طاقی ها همه با یك لایه گچ بری با طرح های نباتی و هندسی مزین شده‌اند. و در همین بغلی هاست که یك‌طرح تزئین به شکل یك گل نیلوفر (۱٦) برگی به‌صورت‌برجسته کار شده است.

متا سفانه از قسمت های با لا ی ساختما ن چیزی بجا نمانده تادرباره نوعیت سا حه تحول چار گوشی ها به گنبد اظهار نظر قطعی نمایم .که از نوع متك سقفی (۹) یا گوشوار، بوده ویا از نوع متك دامنی (۱۰) ؟ اگر چه پوگا چینکوا در جایی‌ازمتن خود آنرا از نوع دومی ذکر نموده است ،ولی درمورددلیلی‌نیاور ده و آنچه از تراش مربوط که در مقا له او رسم شده برمی آید، خلاف این‌گفته اش‌راثابت میسازد لذا به آن‌متکی‌شده نمیتوانیم (۱۱) به‌هر صورت‌چون اکثریت‌وحتی میتوان گفت عموم آبدات اسلامی که تا حال کشف و مطالعه شده اند از نوع متك سقفی یعنی گو شواربوده اند لذابا حدسی قریب‌به‌یقین‌میتوان حکم کرد که این آبده نیز نمیتوانند استثنا باشد وآنچه این گما ن را تقو یه میکند ار تفاع موجوده دیوار های عمودی وبلندی کمانها استچه متك نو ع دامنی از ارتفاع‌کم‌شروع میشود تا بتواند سطح مربع را به دایره گنبد تحول دهد .

در مورد گنبد ها که کاملا فرو ریخته است بمشکل میتوان ابرازنظر نمود که آیا نیم کره کا مل بوده یا دارای مقطع چناقی و نوك داریااینکه از نوع گنبد های‌هموار، در اصل اظهار این مطلب که پو شش سقف این مسجد تذر بوده یا گنبد خود قابل تامل است .ولی اسم مسجد که یقینا سینه‌به‌سینه‌به ما رسیده‌است و تقسیم ساحه به نه‌مربع کو چك (که در صورت تذر بودن به آن‌ضرورتی احساس نمی شد) این اجاز ه را به ما میدهدکه به صورت قطع‌در این باره حکم نماییم که مسجد توسط نه گنبد همسان مسقف‌بوده است

و هما نطو ریکه قبلا متذکر شد یم، منشا این نوع پوشش را باید در معماری قبل از اسلام در هنر های ساسانی‌و بو دایی جستجو کرد .

تصویر شماره دوم:نمای عمومی مسجد از یك زاو یه دیگر .

تصو یر شماره سوم :جفت ستـو ن های متصل به دیوار، در قسمت بغلی کمان به لوتس ها تـو جه کنیـد .

تز ئینا ت :

مهمترین و در عین حال دلچسپ ترین مو ضوع برای مطالعه‌شنا خت سبك این مسجد که تاحدزیادی‌دست نخور ده باقی مانده است تزئینا ت آن میباشد و از همین نگاه برر سی کامل آن جهت تعیین تاریخ دقیـق تربرای‌این‌مسجد با مقایسه‌به‌تزئینات همنوع آن در نقاط دیگر قابل دقـت و اهمیت است .

در بر خورد اول آنچه بیننده رابه خوَدجلب میکند،همگونی ویك‌نواختی خا صی است کـه در تز ئینـا ت سر تاسری مسجد به چشم میخـورد به صورت دقیق تر اگر مطلب رااداکنیم اینست که هیچ تزئینا ت بـه تنهائی و منفردانه میتواند نظر مارا به صورت مشخص به خود معطو ف دارد . در حالیکه در مجموع و بـه صورت کل هما هنگی خاصی‌راتجسم میدهند و به عظمت این مسجد که از لحاظ سطح افتاده ساحه کوچکی را اشغال نموده است (۳۹۰متر مربع) می افزاید .

تصو یرچارم :ستون پایه های‌مرکزی.

در تزئینات از طرح های نبا تـی به صورت عموم زیاد کار گرفته‌شده است .این طر حرا که شامل برگ‌های تاك برگ های درخت خرما، برگـ توت ،باد امچه ها، پیچك های‌تـا ك وغیره میشود بیشتـر پـس منظـر ومنشاء قبل از اسلام دارند .بر گ تاك مهمتر ین مثال میبا شد که ازآن به کثرت استفاده شده است ، طرحی است که هنر مندان سا سانی مقارن ظهور اسلام قبل از آن‌در تزئینـات خود آنرا بکثرت مورد استفاده‌قرار داده اند . رشته های مرواریدمانند و طرح های دیگر نظیر شعله نیـز چندان اسلامی نیستند. دلچسپ ترین موضوع در تز ئینات نه گنبـد تلفیق کا مل طرح های متذکره است با طرحهای هندسی چون دایره ،چار گو شی ،سه گوشی شش گو شی های‌فشرده شده‌از دو طرف، خطوط موازی تاب خورده.... وغیره که‌در کمتر بنائی از آن زمان به این‌مهارت و دقت صورت گرفته است وهمیـن ویژه‌گی است که به نه‌گنبدارجحیت خاصی می بخشد .

(لیزا گو لمبك) در مورد چنیـن ابراز نظر میکند :«طرح های‌تزئینی تقریباء تمام سطح را پر ساختـه اند . ودر آنها خطوط عمیقی بریده شده است در نتیجه پس منظـر در مقابل بر جسته گی های که به نظر می آیند خود به شکل یك طرح‌خطی با سایه عمیق شکل گرفته است‌که مو ثریت آن حتی در وقتیکه آنرا از نزد یك نیز مشا هده کنیـم کـم نمی شود. » (۱۲)

سایه های عمیق وپر کردن‌مطلق سطـوح بـا تزئیـن از مشخصـات مهندسی دوره امو یان میباشد کـه تا ثیرات آن بعداء در دوره عباسیان در سامره بخوبی مشهود است(۱۳)

پر وفیسور ارنست کو نـل در کتاب هنر اسلامی خود پیـرا مـون سبك امو یان چنین مینگارد:«آنچه در تزئین عمارات وتو لیدات‌صنایع مستظرفه اهمیت داشت این بود تا

تصویرپنجم:ستون‌پایه‌هااز زاویه‌دیگر

عبا سیان با استفاده ازخشت‌پخته در کار های سا ختمانی از پو شش گـچی جهت تزئین روبـنا استفاده میگردید .

تزئینات نباتی وهندسی مسجد نه گنبد نیز توسطگچ بری خشت پخته کار شده است . در مسجـد نه گنبد تز ئینا ت نبا تی به شـکل ریا لستیك آن با مقایسه‌به تزئینات انتزاعی (۱۷) بیسیار زیاد تر است. پرو فیسورکو نل‌مینویسد :«تزئینات نباتی که به واقعیت نزدیك تراست در اوایل دوره عباسـی زیاد تـر استفاده میشد که‌تا اندازه‌یی گرایشی به سوی طبیعت در آن مشاهـده‌ میشود .در مـرحله دوم عبا سیا ن طرح‌های نباتی تاحـد زیاد تغییر شکل مید هند بالا خـره سبـك از طبیعت دور شده برشی مایل (۱۸) با طرح های‌گویاجانشین آن میگردد این تکامل آخری در حقیقـت نشا ن

تصویر ششم :جفـت ستون هـای متـصل بـه دیوار.

سطوح را به طریقی بپو شا ننـد که در هیچ کجای آن تضاد خـاصی که به وسیله کنده کاری به وجودمی آمد به چشم نخورد و از همه مهمتر اینکه در هیچ کجا نمی بایستی‌طرحی به تنهایی نظر بیننده را جلب کند بلکه به دنبال هم قرار گرفتن‌وتکرار یك طرح بدون تاکید در برتری یك قسمت بخصوص مورد توجه بود تا به کمك آن بتوان تاثیر کلی از یـك اثر گرفت .» (۱٤)

مطا لب فـوق در مجمو عًا مسجـد مورد نظر ما تقر یبا بکلی وفق‌دارد واگر به آن اکتفا میکردیم بی شـك این مسجد را یك آبده دوره اموی‌می پنداشتم .ولی آنطوریکه پروفیسور کو نل تذکر میدهد (۱۵) در هنردوره امو یان قسمت اعظم طرح هـا ی آرایشی (۱٦) در تز ئینات سنگـی بظهور میر سد وحتی در دوره هـای بعدی امو یان در قرطبه نیز کا مـلا به چشم میخـورد ، ولـی در دوره

تصو یر هفتم :شروع کمان از سـرستو نی (تزئینا ت هند سی‌ونباتی)

دهنده يك جنبش هنری در سامره- است .» (١٩)

مو ضوع‌مهم دیگری که پروفیسور ارنست کونل به آن اشاره میکند اینست که او منشاء اصل این‌تکامل وجنبشی هنری را هنر اقوام جنوب روسیه وسواحل‌آمودریا جستجومیکند حتی مینو یسد :«که احتمال بـودن در مـنشـاء د یـگـر ی برای آن به هیچ وجه میسرنیست»

باری هما نطور که قبلا متذکـر- شدیم تز ئینات محدود واحد هـا ی هندسی بجز در قسمت بالای‌ستون جاییکه ستون با سر ستون‌به شکل ما هرانه پیوند میخورد . هـرگـز تکـرار نمی شود وهمیـن تز ئیـن که در قسمت ذکر شده تمام ستون پایه ها تکرار شده، باعـث میشو د تا در نگاه اول متوجه تفاوت‌تزئین‌در قسمت های دیگر نگردیم . تز ئیـن

فوق عبارت است از جوره بادام‌شکل که یکی به طرف دیگر ضم شده و ـ فاصله بین شان با طرح های شعله نما پر شده است و در قسمت پائین در حاشیه و در بین دو خط مو از ی حلقه های کو چکی که معمولا بـه رشته های مروارید تشبیه‌میشونـد قرار دارد که تزئین اصلـی را از- استوانه ستون پا یه مجزا می سازد. (شکل٥)

تصو یر هشتم :ساحه تحول ازستون، به سر ستـونی (تـزئییـن مشتر ك‌سا حه گو ل)

تصویر نهم:سر ستونی‌وساحه تحول (در بالای قسمتی از یك لوتس دیده میشود .)

مهمترین عنصر اساسی‌تزئینا ت نه گنبد را برگ تاك تشکیل میدهد که گاهی از روبرو گاهی از زاویــه جنبی و به اشکــا ل گــو نــه گون در تجسم های واقع گرا یانــه و یا انتزاعی نمودار شده است .در همه جا دقیقاء به شکل های‌حسا ب شده و منظم با مد نظر داشت‌محور تناظر ستون و یا شاخه اصلی‌و یــا حرکت ما رپیچی پیچك های تاك‌گچ بری شده است . در بعضی حصصی این برگها به صورت عمودی پهلوی هم و در همان محدوده هندسی‌معین تکرارشده اند .ما این نوع تزئینات را در قصر تیسفون ، در تز ئینا ت حکاکی شده تپه حصار (قرن سوم- و یا چهارم) در آبدات قدیم‌بخارا و بعد ها در دوره امو یان در بیــت- المقدس و در قصر المشتی یا فتــه میتو انیم .ولی مثال های کاملاقابل مقا یسه با مسجد نه گنبد رابه‌گفته ملکیان شیروانی در سا مره کــه - تقریبا در فاصله دو هزار کیلومتری غرب بلخ قرار دارد یافته میتوانیم. (۲۱) آنچه میخواستم در اینجاتذکر دهم اینست که سامره ونه گنبدهردو میتوا نندازیك منشاء(شاید ساسانی)

تصویردهم : تفصیل تـزئینات‌زیر کمان .

الهام گرفته باشند ویا اینکه‌نه‌گنبد از سامره متاثر است در صور تیکه اعماران بعد از سا مره باشد وحتی میتوان عکس قضیه را نیز بررسـی کرد . یعنی اینکه اعمار نه گنبـد مقدم است و سامره موخر ومهندس سامره تحت تاثیر معماری روایـت شده نه گنبد بلخ در تزئینات خود آنرا بکار برده است .

تصویر (۱۱): برگ تاك در هنر گندهارا (کاپی از کتاب هنرقدیم) افغانستان .

ملکیان شیر وانی در مورد چنین مینگارد : «دز نه گنبد عمل کرد متعادل طرحهای هندسی یك امتزاج عالی رامینمایاند اندیشه‌کنده کاری ییکه در اواخر دوره ساسانی ظهور کرد بالاخره باعث‌به وجـود آمـد ن انواع حکاکی ها شد و همین اندیشه بود که سراسر ایران و خراسا نرا و بعد تمام جهان هنری اسلام‌راتحت استیلای خود آورد .» (۲۲)

در با ستا سنا سی افغا نستا ن از ادوار قدیم تا دوره‌تیموری‌به نقل قول از لیزا گولمبك چنین آمـده است : « نوع مهندسی چنین به‌نظر میر سد که از خارج آمده باشدو مهندسان بلخ‌معماری روایت شده‌یی راکه‌درشرق نزدیك وآسیای مرکزی از اوایل قرن نهم مو جود بود دوباره سازی کردند .» (۲۳)

تا چه‌حدامکانات درست‌بودن گفتار بالا مو جود است ،ممکن است در سا ختمان عناصر مختلف نه گنبد جزئیاتی روایت شده از معماری‌خارج دخیل باشد ، ولی طوریکه متذکر- خواهیم شد خود این مسجد قبل از قرن نهم اعمار شده است و کدا م دو باره سازی ازالکوی‌سابقه‌وموجود زمان را نمیتو ان به آن قبول کرد.

مهمترین مو ضوعی که میخواستم در این جا از آن یاد آوری کنم ودر تمام تحقیقاتی که تا حال در بـاره مسجد مورد بحث صورت گرفته و نگاشته های که به چاپ رسیده ازآن هیچ تذکری نرفته است عبارتسـت از مطالعه تا ثیرات معماری محلـی و معماری بود ائی که مقار ن ظهور اسلام در ساحه مو جود بود . لـذا نخست پس منظر تاریخی بلخ را در آن زمان یك مرور مختصر مینمایم:

بلخ قبل از نه گنبد مقارن ظهور اسلام :

پوهاند حبیبی در مورد بلخ‌چنین مینگارد : «اوایل‌دوره اسلامی‌وهنگام سفر هیوان تسنگ که بلخ را بـه تاریخ بیستم ماه‌اپریل (۶۳۰)میلادی

تصو یر (۱۲) : تفصیل برگ تاك ازعکس شماره یازدهم .

دیده بود این شهر بیست‌لی مساوی شش ونیم‌میل‌محیط داشته و«راجگر» یعنی پایتخت کوچك شمرده میشد، نفوس آن کم و یکصد معبد بودائی دارای سه هزار زاهد مذهب کو چك بودائی در آن بودند » (٢٤)

و در مورد فتح‌بلخ بدست عربها چنین نگاشته آمده است : « شهر بلخ در فتوح وجنگهای لشکر یا ن عرب آسیب دید ونو بهار آن بعداز سال (چهلم هجری ٦٦٠ میلادی) از طرف قیس بن هیثم‌والی‌خراسان تخریب شده ومقر عسکری‌دربروقان دو فرسخی آن بود تا که در حدود (١٠٧ ﻫ ٧٢٥م) اسد بن عبدالله‌به امارت خرا سان مقرر شد وبه‌عمران مجدد بلخ توجه کرد و دیوانها ی حکومتی را با مقر عسکری به شهر بلخ انتقال دادویکی‌از عمایدخراسان ورئیس متو لیان معبد نوبهار بلخ ابو خالد برمك بن برمك را به‌تعمیر مجدد شهر گماشت وهم‌اواسد آباد بلخ را بنام خویش ساخت ٧٣٦ م» (٢٥)

و هم در ین کتاب راجع به ابنیه خیریه و مساجد اعمار شده توسط فغىل بن یحیی برمکی بلخی که‌در ٧٩٤ میلادی به امارت خراسان‌مقرر شد مطا لبی نگا شته آمده است . در باره نو بهار بلخ که

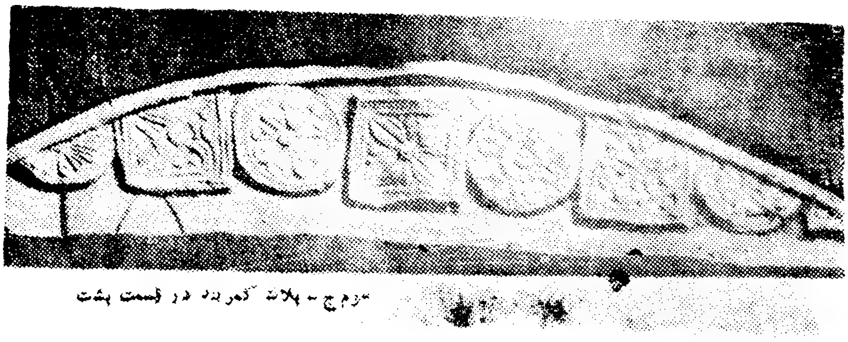

تصویر شماره (١٣) پلاك کمربند(کاپی از کتاب هنر کو شا نی) .

یك معبد بودائی بودچنین آورداست : «این بنای معبد نو بهار بلخ‌تایك قرن بعد از اسلام هم‌باقی‌بود.... (٢٦)

مرحوم میر غلام محمد غبار نیز راجع به ویرانی بلخ واعمار مجددآن توسط خود بلخیان در ٧٢٥مطالبی مفیدی نگاشته است .(٢٧)

آنچه قابل تامل است نقش مهم برمکیان در باره بغداد میبا شد . پوهاند حبیبی در افغا نستان بعد اسلام چنین مینگارد «... اما بر مکیان که در بغداد و در بار ،فرهنگ و ثقافت و محیط خاص علمی و احتماعی را بوجود آورده ورنگ در باره عباسی را بکلی تغییر داده‌بودند به خفظ‌مفاخر اسلاف‌و مبادی‌خراسان خود سخت می کوشیدند و حتی در این کار آنقدر غلوی کردند ، که به قول این ندیم اکثر بر مکیان‌زندیق بودند » (٢٨)

مطابق ٣١ حمل سال نهم هجر ی در جای دیگراز قول طبری‌چنین آمده است :«.... که در سنه١٠٧ﻫ ٧٢٥ میلادی اسد بن عبدالله‌حکمران اموی خرا سا ن لشکر گاه را از بروقان دو فرسخی بلخ به این‌شهر نقل داد و ابو خالد برمك بن برمك‌را امر کرد که شهر بلخ را بسا زد و تمام لشکریان اموی‌را که‌دربروقان منزل داشتند در بلخ‌همانطور مسکن داد و کسانیکه نداشتند به ایشا ن نیز منزل داده شد و برای بنای بلخ از تمام ناحیت های آن کار گران را به اندازه مالیات آنجا حشر کردند، و عین همین مطلب را این اثیرنیز نقل میکند .» (٢٩)

آنچه از تمام این نوشته هابرمی‌آید اینست که :

اول : در اوایل اسلام دین‌بودائی بقدرت تمام بر ساحه بلخ مسلط‌بوده است و یکصد معبد این مذهب در ساحه ، خواست های مذهبی را بر آورده میسا خت .

دوم : تا یك قرن بعد از هجر ت نیز آثار این مذهب در محل بوده و در همان اوان معبد بودائی نوبهاررا ویران کرده اند .

سوم : بعداز ویرانی بلخ‌درسال چلهم هجری یك اعمار سر تاسر ی بلخ در ١٠٧ ﻫ توسط ابو خالد برمك بن برمك به کمك اهالی بلخ درزمان زمامداری اسد بن عبدالله صور ت گرفته است .

تصویر شماره (١٤) پلاك کمربند قسمت پشت (کاپی ازکتاب هنر کوشانی).

چهارم : یك تعداد عمارات‌خیریه و مساجد توسط‌فضل بن یحیی‌برمکی بلخی بعد از سال (۱۷۸هـ) اعمار گردیده است .

پنجم : برامکه چه درآواخر دوره اموی و چه‌در دوره‌عبا سیان دردربار خلفا اقتدار داشتند و از بلخ‌بودند و سخت علاقه مند فر هنگ ومفاخر تاریخی خود ، آنجا که حتی ایشا ن را شاید همین علاقه به گذشته خرا سان به باد داده باشد .

احفاد برمك دارای دربار بودند وخلفا در هر موردی با ایشان مشورت مینمودند به‌ویژه در امور مهم چنانچه پوهاند حبیبی مینویسد: «در ۱٤٦ هـ هنگام بنای بغداد مورد مشوره خلیفه بود» (۳۰)این خلیفه منصور عباسی وزیر مورد مشوره او خالد برمك بود .

باری برمکیان با قدرت و نفوذ ی که در بار عباسیان داشتند علما دانشمندان مهندسین ومعمارا ن را نیز از سر زمین‌های مختلف‌خراسان جمع آوری و بغداد آوردند که ذکر همه شان به در ازا خواهد کشید. بطور مثال از میشی مروی نام‌میبریم که پوهان حبیبی در مورد ش چنین نگا شته است «اوبا نوبخت به سال (۷٦۲م ۱٤۵هـ) در پیمایش های تعمیر شهر بغداد سهیم بود.»(۱۳)

و از تمام آنچه نگا شته آمد یم میخواهم یك نتیجه کلی بگیرم وآن اینکه خر اسا نیا ن و بلخیا ن در تمام امور به‌شمول‌عمرانات بغداد وغیره نقشی بسی مهم و ارزنده داشتند وهم اینکه‌هرانچه‌دربلخ‌قرون اولیه اسلامی از ۱۰۷ الی۱۷۸هـاعمار شده است توسط خود بلخیان بوده است . به همین‌د لیل تز ئینات نه گنبد را یك بار دیگر از جها ت تا شیردین بودائی‌مورد بررسی‌مجدد قرار میدهیم .

تز ئینات در یك مطالعه دیگر :

مهمترین ترئینی که در اینجا میخواهم به آن اشاره‌کنم و تا حا ل در بررسی های قبلی به آن هیچ اشاره نشده است تزئینی است‌که‌به شکل گل نیلوفر (لوتسی) که‌درتمام بغلی های کمان های وصل کننده ستون پایه ها کار شده است . (تصاویر شماره (۱ر۲ر۳و۹) وشکل (سوم) دیده شود) .این تزئین که بدون تردید یك لوتسی است و بر خلاف تمام ترئینات دیگر که دریك سطح معین وهموار قراردارند بصورت برجسته و نمایان خلاف قوانین اصلی معماری اموی وعباسی (عدم جلب توجه به یك نقطه معین ومنفرد) طرح وتطبیق شده است . که نمیتوان منشا دیگری بجز بودیزم برای آن فرضی کرد . اهمیت لوتس یا نیلوفر در بودیزم از بد یهیات است با آنهم دو حکایت اسطوره ای ذیل را در اینجامتذکر میشویم : «خدای برهما در حالی‌که روی یك نیلو فرابی هزار برگی ایستاده بود به چهار جهت اصلی نظر انداخت» (۳۲) وداستانی‌نظیر این در باره بودا گفته شده است «در لحظه تولد بودا یك گل نیلوفر از زمین است وبودا به درون آ ن گام نهاد تا به ده جهت فضا خیره شود که نیلوفر در این مورد هشت برگ داشت » (۳۳)

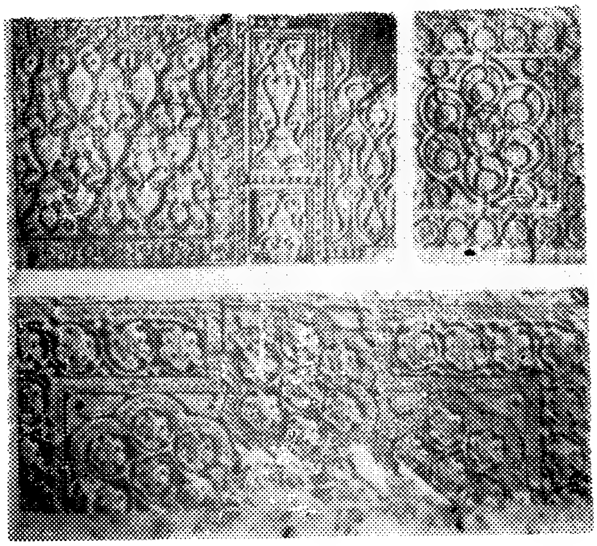

تصویر شماره (۱۵) : برگ های‌تاك در سامره (کاپی از کتاب هنر اسلا می)

مهمتران اینست که قبل ازتجسم بودا به شکل مجسمه در سمبولیزم «انی کونیك بود یزم » نیلوفر یکی از سمبو لهای تجسم بودا بود .... این مو تیفی که ما آنرا نیلوفر ی نامیم باعین شکل وطرح یعنی در میان هر برگ آن یك خطی که آنرا به دو قسمت نموده است در تزئین پلاك کمربند در قسمت پشت‌مجسمه (کشتنه) مهتورا با عین تعداد برگ یعنی شانزده برگی که توسط یك خط دایروی‌محاط شده‌ملاحظه‌میشود: (عکس های سوم‌وچ هنرکوشانی) همچنان در حاشیه قسمتی ازسرتاق سنگی مهتورا (عکس ٤۰) ودر مجسمه بودا در مهتورا در قسمت سنگپایه عکس شماره۳۳ هنر کوشانی (۳٤) همچنان میتوان‌آنرا در عکس های صفحات (۱٤، ۷٤و ۱۰۷) میتو لوژی هندبا تفا صیل مربوط ملاحظه کنید . (۳۵)

(جهت مطالعه بیشتراهمیت‌واستفاده از لوتس در دین بودائی میتواند به کتاب های که درلست ماخذ ذکر شده مراجعه کنید .) (۳٦)

علاوتا خود برگ تاك نیز دربود- یزم اهمیت خاص داشته است به ویژه در هنر گندهارا ، واین یگانه تزئین است که‌درنه‌گنبد به و فـر ت مورد استفاده قـرار گر فته است بنجامن راولند استاد صنایع‌مستظرفه پوهنتون ها رورد در مورد مینویسد «..... بطور مثال شاخه پیچ درپیچ تاك به نمونه های مختلف درگندهارا دیده شده و میشود کنده‌کاری‌عمیقی که درآن بکار رفته تمام این مکتب را به دوره انتونین ودوره های‌بعد از آن مربوط میسازد.....» (۳۷)

او در تشریح تصویر شماره ۷۲ کتاب خود که یك شاخه تاك اسـت چنین نگاشته است: «دراین پارچه سنگی هده مظاهر وممیزات کلاسیك به تمام قوت منعکس میباشد وبه‌این مناسبت شباهت های زیاد به‌نمایش خوشه های انگور وروبا دارد.... » (۳۸)

یك مثال بسیار مهم و قا بل تاکید برای نه گنبد در تصویرشماره ۷۳ همین کتاب (هنرقدیم‌افغانستان) میباشد (۳۹) که یك صحنه بـاده- گساری رانشان میدهـد در حصـه وسط این تصویر یکشاخه تاك است که یك برگ آن از روبرو وبرگ- دیگر ازززاویه‌جنبی حکاکی شده‌است هردوی این برگها بالای تمام‌تفاصیل و جزئیات خودکاملا همانند برگهای مورد نظر ما درنه گنبد بلخ است .

مظاهر نمود برگ تاك رادر خارج از حوزه گسترش هنر گندهاراکمتر یافته میتوانیم با آنهم به شکل‌مثال های نادر میتوان از تزئینات معبـد ویشنو واقع «سریرانگام» مر بـو ط قرق‌چاردهم یادکرد(۴۰) به‌مثال‌های دیگر ذرکتاب ا سطو ر ه سمبولها در مذاهب هندی نـو شته زمیـر ، مراجعه کنید).

تزئین نباتی دیگر که گل بادایره مرکزی وشش برگ در اطراف آ ن به زیر کمان ها در بین دایره کوچك کار شده است (شکل٤)نیزشباهت های کامـل با تـزئینـات شتـرك (عکس ۹۸)وپایتاوه عکس(۱۰۶)هنر کو شانی (۴۱) . به تزئینات معبد (هیلبمه میسور (۴۲) وبه‌عکس‌های صفحات ۲۰۵- ۲۰۶- بودای قرن(۵) دز مهتورا وعکس (۲۱۸) باربا دور کتاب (یك تاریخ جدید هنر جهان) (۴۳) دارد . همچنان این تزئین را در عکس صفه (۱۵۷) از چار سـده عکس صفه (۱۴۱) سر ستونی ها ی سرنت وعکس صفه (۱۳۰) در سـر ستون پتالی پوترا در کتاب شعلـه ها در پر سپویس (۴۴) یـا فتـه میتوانیم . در تزئینات عاجهای‌بگرام (مراجع کنید به عکسهـای صفحا ت شماره ۲-۵۳ -۵۴-و ٦٤ هنرقدیم افغا نستان) (۴۵) در مجسمه‌بودادر حالیکه از طرف سه برادر (کاسیابا ستایشی) میشود در شترك (عکس ۵۱) (۴۵) وعکسهای صفحات ۱۲٦و ۱۲۷ عاجهای بگرام در کتاب هنـر قدیم آسیای مرکزی (۴۷) نیزعیـن تشابهات را به شکل بسیار نز دیك به تزئین‌مورد نظر خود درنه گنبد بیابیم .

تزئین حاشیه قسمت بالائی‌ستون پایه هـا که بصورت مشتـر ك در تمام ستون پایه ها استفاده شـده است وقبلاء ذکـر آن رفتـه اسـت (شکل۵) را نیز میتوان به‌عین‌شکل و تفصیل درحا شیه عکس نمبر ۳۲ کتاب هنر قدیم افغا نستان (۴۸) که زنـی را در حالت نشسته زیـررو اق نشان میدهدملاحظه کنیم(عاج‌بگرام) همچنان در عکس شماره ۳۳ قسمت بالای رواق (کتاب متذکره) نیزآنرا دیده میتوانیم .

در مورد شاخه ها وبرگ هـا ی تاك قرار معلوم رولاند یك جلدکتاب به نام «شاخه های تاك گندهـا را » نگاشته است . اگر چه آنرا زیـاد جستجو کردم کمتر به نتیجه رسیدم ولی در هر صورت چنین عنـوانـی برای یك کتا ب میتواند اهمیت‌برگ تاك را در گندها را نشان بدهد .

تزئینات دیگر مانند بادامچه هـا رشته های مروارید گل های چنـد برگی وغیره نیز میتـوان در نقـاط مختلف گندهارا، متهوراوغیره‌مراکز بودائی جستجو نمود (برای مطالعات بیشتر میتوانید کتبهای را که در لست ماخذ ذکر شده است ببینید. که لست صفحات هر کدام در ایـن مختصر نمی گنجد.)

به طور کلی از تمام تشا بها ت متذکره با مد نظر داشت آنچـه در مورد پس منظر تاریخی بلخ ونقشی بلخیان و خرا سا نیان در دستگاه خلافت عباسی گفته آمدیم میتو ا ن چنین نتیجه گرفت که هیـچ نـوع استعباد وتاکید خاصی در قبول‌این اصل که به صورت یك نظرشخصی متکی به دلایل ذکره شده در بـا لا ارائه میشود ندارم و آن اینست‌که:

اول : مسجد نه گنبد بلخ کاملاء تحت تاثیر معماری ویژه رایج‌منطقه که متاثر از هنر ساسانی و بودائی میباشد ساخته شده است .

دو دیگر اینکه تاریخ اعمار ایـن مسجد بعد از سنه های (۱۰۷ هـ) ۷۲۵ میلادی یعنی نیمه اول‌قرن‌هشتم ویا در سال های ۱۷۸هـ ۷۹٤ میلادی یعنی اواخر قرن هشتم ساخته‌شده است که در هر دو صورت از قر ن هشتم خارج نمی شویم ولی باز هم با دلایلی که ذکر شده نیمه اول‌قرن هشتم را برای این مسجد به حیث تاریخ اعمار ترجیح میدهم .

در این جا قابل تذکر است کـه ملکیان شیرو انی نیز در موردچنین ابراز نظر نموده‌است:گمان میکنـم این مسجد در حدود سـال ۱۴۰ هـ

واندی در بلخ ساخته شده باشدبعد از انکه شهر بلخ در حدود سال های ۱۱۵ تا ۱۲۰ویران شده‌است»(۴۹) سه دیگر اینکه : اگر سال های متذکره را به حیث تاریخ اعمار- مسجد نه گنبد قبو ل کنیم . آیا این نظر را نمیتوا نیم‌ارائه کنیم‌که‌سامره بغداد که تشا بهات تزئینی آن با نه گنبد قبلاء ذکر شد است‌و۸۳۵- میلادی را به حیث‌تاریخ شروع‌اعمار آن ذکر کرده اند از سبک معمار ی ومهندسی نه گنبد بلخ متاثرباشد؟ باری در اخیر از احمد حارث «سالك» که در ترجمه منابع‌فرانسوی صمیمانه کمك نموده واز خانم‌شکور ولی که یك تعداد منابع کمیاب را در اختیارم گذاشته اند اظهارامتنان- مینما یم .

پا ورقی ها

۱- نه گنبد در بلخ، مجله افغا- نستان ، شماره اول سال بیست‌یکم ۱۳۴۷ ، کابل ، به قلم گالینا پوگا- چینکوا .

۲- Kushk

۳- با ستا نشنا سی افغا نستان از گذشته های دور تا ادوارتیموری ،اف. ار. الچین و نور من هاموند ، ۱۹۷۸ ، لندن صفحه ۳۰۷ .

٤-در مساجد ایران نقشه سبك بدوی عرب وجود ندارد ، مجله هنر و مردم شماره ۱۱٦ تهران ، صفحه ۲٤ نگارش داکتر عباس زمانی .

۵و٦- پوگا چینکوا ، مجله افغا- نستان صفحه ۲۰

۷- تراشی یا مقطع ضمیمه هذا که در شکل دوم نشان داده شده است به اساسی مقطع‌مقاله پوگا - چینکوا ترسیم گردیده است که‌تنها در قسمت کمانها با اصل‌ساختمان فرق دارد زیرا کمانهای نه‌گنبد طوریکه در عکسهای شماره(۱و ۲) دیده میشود دارای پاکارخمیده‌و- خیزان کم میباشد در حالیکه‌نقشه مورد بحث خلاف این رسم‌شده است

۸- بغلی یا لچکی عبارت از دو- قسمت مثلث نما میباشد که ساحه بین تیزه وپا کار را بامستطیلی که اصل کمان در آن واقع شده‌اشغال میکند خود تیزه عبارت از بلندترین نقطه کمان است که قوس ها ی دو طرف در آنجا وصل میشوند وپاکار یاپای کار عبارت از قسمتی است‌که کمان یا بهتر بگویم قوس کمان از- آنجا شروع میشود .قابل تذکراست که اصطلا حات مر بوط معما ری که‌به گنبد و کمان ار تباط میگیرد ودراین جا از آن استفاده بعمل آمده است اصطلا حات مروج ساحه بلخ‌وهرا ت میباشد که از معماران ومهندسین در خود ساحه جمع آوری گردیده- است .

۹- و۱۰ Sqvinch که درمعماری ایران بنام گوشوار یاد میشودتوسط داکتر فر هادی‌به متك‌سقفی ترجمه شده وهم او Pendentive رابه واژه متك دامنی به دری برگر دا ن نموده ، جهت معلومات بیشترراجع به این عنصر اساسی تحو ل چار گوشی به دایره گنبد به شماره۱۰٦ سال ۱۳۵۰ مجله هنرو مردم‌چا پ ایران مراجعه کنید .لازم به‌تذکر است که نوع اول یعنی متك‌سقفی بیشتر در هنر معماری مشرق‌زمین و بعد ها به ویژه در هنر معماری اسلامی بکار رفته است در حالیکه نوع دوم یعنی دامنی متك‌درمعماری بیزا نتین‌واروپائی‌مورد استفاده‌بود.

۱۱- Pendentif ، پوگاچینکوا، مجله افغا نستان صفحه ۲۰

۱۲- مسجد عباسی بلخ، مجله هنر شرق، جلد ۱۵۱۷۲- ۱۸۹ لندن ، نوشته لیزا گولمبك .

۱۳ر۱٤و۱۵ - هنر اسلامی ، پروفیسور ارنست کونل ،تر جمه مهندس هو شنگ طاهری ،۱۳٤۷، تهران صفحات (۸ر۹ر۱۳ و ۲۳)

Ornamental—16
Abstract—17
Schraschntt—18

۱۹و۲۰- هنر اسلامی ، ارنست کونل، به ترتیب صفحات ۳٦و ۳۸

۲۱و۲۲- بلخ قدیمترین‌مسجداریائی کشف شده ، مجله شناخت هنر، شماره ۲٤۵، جولای ۱۹۷۲ پاریس، ملکیان شروانی ، صفحات ۳۲و۳۳.

۲۳- با ستا نشناسی افغانستان، صفحه (۳۰۷)

۲٤-و ۲۵- افغا نستان بعد از- اسلام، پوهاند عبدالحی حبیبی ،طبع دوم ، ۱۳۵۷ کابل صفحه ٦۷۵ .

۲٦- همین کتاب صفحه ٦٦۷

۲۷- افغا نستان در مسیر تاریخ ،میر غلام محمد غبار ، مطبعه دولتی کابل ،۱۳٤٦ کابل ، افغا نستا ن صفحه ۷۱ .

۲۸- افغا نستان بعد از اسلام حبیبی صفحه ۳۹۹

۲۹- همین کتاب ۳۸۲

۳۰- همین کتاب صفحه ۳۸٦

۳۱- همین کتاب صفحه ۸۳۵

۳۲و ۳۳- انسان وسمبو لهایش کارل گوستاویوتگ، ترجمه‌ابوطالب صارمی ، ۱۳۵۲، تهران مقاله‌سمبو- لیزم در هنر های بصری از انیه - لایآفه صفحه ۳۷۹ ،

۳٤- هنر دوره کو شانی جان‌روز نفیلد ، تر جمه پو هنوا ل سرور هما یون ، ۱۳۵۸

۳۵- میتولوژی‌هند ،ورو نیکایون ،۱۹٦۸، پاریس صفحات ۱۰۲و۱۰۳

۳٦- به ویژه کتاب

L Art des Thanka et le Bouddhisme tantrique, seane Racle, Geneve, 1970

و کتاب Zimmer (H), Mythes et symboles dansla religion de l India, payto, 1951

۳۷و ۳۸- هنر قدیم افغانستا ن، بنجامین راولند ، ترجمه احمد علی

کهزاد، ۱۳٤٦، مطبعه معارف کابل، به‌ترتیب صفحات ۷٤و ۹۱

۳۹ـ همین کتاب صفحه ۸۷

٤۰ـ میتو لوژی هند صفحه ۱۰۳

٤۱ـ هنر کو شانی

٤۲ـ هنر در طول قرنها، هلن گار دنر، چاپ سوم ، ۱۹٤۸، نیویار ك صفحه ۳٦۳

٤۳ـ یك تاریخ جدید هنر جهان ، شلدون چنی، چاپ نـهم ۱۹٥٦ ، نیو یارك

٤٤ـ شعله ها در پرسپوالیس مورتسیر ویلر ،۱۹٦۸ ،ایتا لیا

٤٥ـ هنر قدیم افـغا نستـان بنجامین راولند .

٤٦ـ همین کتاب

٤۷ـ هنر قدیم اسیای مرکز ی ، تا مرا تا لبوت رایس ،۱۹٦٥،لند ن

٤۸ـ هنر قـدیم افـغـا نستـان ، بنجامین راولند ، صفحه ٥۳ .

٤۹ـ گنجینه‌ئی دردل بلخ، مجله ژوندون ، شماره ۳٥ سال ۱۳٥۲، کابل ، مصاحبه روستا باختری بـا ملکیان شر وانی ، (صفحه ۳٤) .

۱ـ افغا نستان بعد از اسلا م ، پوهاند عبدالحی حبیبی ،کابل،طبعه دوم ۱۳٥۷، جلد اول ، بخشی اول و دوم

۲ـ هنر دوره کوشانی، جان‌روز نفیلد ، ترجمه پو هنـو ال سـرور هما یون ، کابل ، ۱۳٥۸

۳ـ افغا نستان در مسیر تاریخ، میر غلام محمد غبار ، کابل،مطبعـه دولتی ، ۱۳٤٦

٤ـ هنر اسلامی، پرو فـیسور ارنست کونل ، ترجمه هو شنگـہ طاهری ، ۱۳٤۷ ، تهران

٥ـ تاریخ هنر سلامی کـریستن پرایسی ترجمه مسعود رجب نیا ، ۱۳٤۷ ، تهرا ن .

٦ـمشرق زمین گاهواره تمدن ، ویل دورانت ، ترجمه مهردادمهرین ، ۱۳۳۷ ، تهرا ن جلد اول

۷ـ مجله هنر ومردم، چاپایران شمـاره هـای (۱۰٦ر ۱۱٦ ر۱۲۱ ر ۱۲٦ر۱۲۷ر۱۳۱ر ۱٤۲)

۸ـ هنر قدیم‌افغانستان ،بنجامین راولند، ترجمه، احمد علی کهزاد ، ۱۳٤٦ ، کابل .

۹ـمجله ژوندون ، کابـل ،شماره ۳۷ سال ۱۳٥۲ .

۱۰ـ انسان‌وسمبـو لها یشـں ، کارل گو ستا ویـو نك، تـرجـمه ابو طالب، صارمی،تهران ،۱۳٥۲

۱۱ـ مهندسی اسلامی و تزئینات آن ، دیرك هیل و او لگ گـر ابر ، ۱۹٦۷ لندن (انگلیسی)

۱۲ـهنر اسلامی ،داوید تا لبو ت

۱۳ـهنر قدیم‌آسیای‌مرکزتامراتالبوت رایسی ،۱۹۷۷، لندن (انگلیسی)

تالبوت رایسی ۱۹٦٥لندن(انگلیسی)

۱٤ـ شعله هادر پرسپولیس،ـ مورتمیر ویلر،۱۹٦۸ ایتالیا(انگلیسی

۱٥ـ هنر در طول قرنها ،هلـن گاردنر ، چا پ سوم ،۱۹٤۸ نیـو- یارك (انگلیسی)

۱٦ـ یك تاریخ جدید هنرجهان ،شلدون چنی، چاپ نـهم ۱۹٥٦ نیورك (انگلیسی)

۱۷ـ با ستا نشنا سی‌افغانستان از گذشته های دور تا ادوارتیموری اف ار الچین‌ونورمن حاموند:۱۹۷۸، لندن ، انگلیسی

۱۸ـ مجله افغا نستا ن ، کابـل، شماره اول،سال ۱۳٤۷،(فرانسوی)

۱۹ـ مجله هنر شرق شماره۱۸۹ ـ۱٥۱۷۳ لندن (انگلیسی)

۲۰ـ مجله شناخت هنر،۲٤٥ سال ۱۹۷۲ ، پاریس ، (فرا نسوی)

۲۱ـ میتو لوژی هند ، ورونیکاـ یون ، ۱۹٦۸،پاریس، (فرانسوی)

۲۲ـ میـتو لوژی وسمبو لها درـ مذاهب هندی، زیمـراچ ،پاریـس، ۱۹٥۱ (فرانسوی)

۲۳ـ هنر تانکا در مذهب‌تانتریك بود یزم ، سیـن راسـل ،۱۹۷۰ ، جینوا (فرانسوی)

یادداشت : کتابهای که‌لسان آن ذکر نشده است به‌فارسی میباشد .

نو یسند ه ـ جمیز شیفر
متر جم ـ محمد احسا ن آرام

حفریات مقدماتی تپه سید قلعه چهل غور

هیات موزیم تاریخ طبیعی امر یکا در افغا نستا ن به اجازه دو لت و مدیر یت عمو می با ستانشناسی حفر یات مقدما تی را در تپه‌سیدقلعه از تاریخ سیزد هم دسامبر ۱۹۷۰ الی اول مارچ ۱۹۷۱ به رهنما ئی نویسنده آغاز و ختم کرد . ایـن حفر یات به کمك اسیستانت ها ی چو ن دکتور (ما یکل ها فمـن) و شرکت مو فقانه (متر جم) درعملیات از مو سسه با ستا نشنا سی و (جیم و ب و این زلر) که بدو ن معا وینت اشخا ص متذ کره نتیجه حفر یات به چنین مو فقیتی نا یل نمی آمد .

این راپور بسیار مقدما تی بو ده و البته تو ضیحات بیشتر در بـاره آثار و تغییر اتی که از نظر مواد و سا ختما ن در ساحه مربو ط رخ‌داده بعد از یك مطالعه و تحقیقا ت‌عمیق لابر اتواری در آینده بد ستر س قرار داد خواهد شد .

هد ف عمده این را پور صر ف معلو ماتی است در زمینه حفر یا ت ومطا لعات قبل التاریخی ساحه‌یی‌در افغا نستا ن . وهکذا دا نشمند ا ن با ستا نشنا سی وتار یخ‌افغانستان مدتی به انتظار خواهند ماند تـا مطا لعا ت ساحه مذکـور بـصورت علمی و مکمل رسید گی شود کـه امید وارم مورد استفاده و مطا لعـه محققین با ستا نشنا سی‌قرار‌گیرد.

سـا حـه . ـ

تپه سید قـلعـه معمـولا بنـام (چهل‌غور) مسمی است که درپانزده کیلو متری جنوب غرب شهرقندهار (مراجعه شود به نقشه) قراردارد . مساحت تپه مذکور هشتصد متـر بوده و هفت متر و پنجاه سا نتی‌از سطح زمین اصلی ار تفاع دارد . از حصه فو قانی تپه مذ کـور دشت ریگستان و دریای ترنك که نزدیك هم واقع اند به خوبی دیده‌میشود . در نزد یکی این ساحه سه حفریا ت دیگر قبلا انجام گرد یده که بنـا م دیمو راسی غندی (دو پره ۱۹۶۳) شمشیر غار (دوپره ۱۹۵۸) مندیگك (کزل ۱۹۶۱) یاد میشود وحفریا ت مذکور از نظر مواد و آثار مطابقت نزدیك با چهل غور دارد .و اصلاء این سا حات بنام ساحه های‌دوره برونز افغا نستا ن یـاد میشو د . در سال ۱۹۵۱ ساحه مذکور توسط یك هیئات از موزیم تاریخ طبیعـی امریکا مقطع گیری شده و مأ خذ ی در را پور های حفر یات د یمو راسی غندی از یك تعداد تیکر های‌ساحه مذکور داده شده اما راجع به دیگر مواد وساحه‌مذکور هیچ نوع‌نشریه یی در دست نیست .

مسایل مربوط به کاوش :ـ

۱ـ در شروع به خاطـر اینکـه معلو مات مختصر را جع به دور ه قبل التاریخی در ساحه مذکوریکجا با تمام مسایلی که در آینده ضرورت می افتد ، بدست آید یك ساند از امتحا نی زده شد که با ین ساند از با بسا مشکلات و مسا یـلـی بر- خوردیم و سه نوع سا ختما ن‌عمده دیده شد که شاید بعد از حفر یات مکمل و مطا لعه عمیـق حفر یـا ت سید قلعه حل گردد ـ قرار یك‌نوت که در سال ۷۸ـ ۱۹۶۳ تـو سـط هیئات تاریخ طبیعی امریکاداده‌شده امکان آن میرود قشر طبقه آخر ی

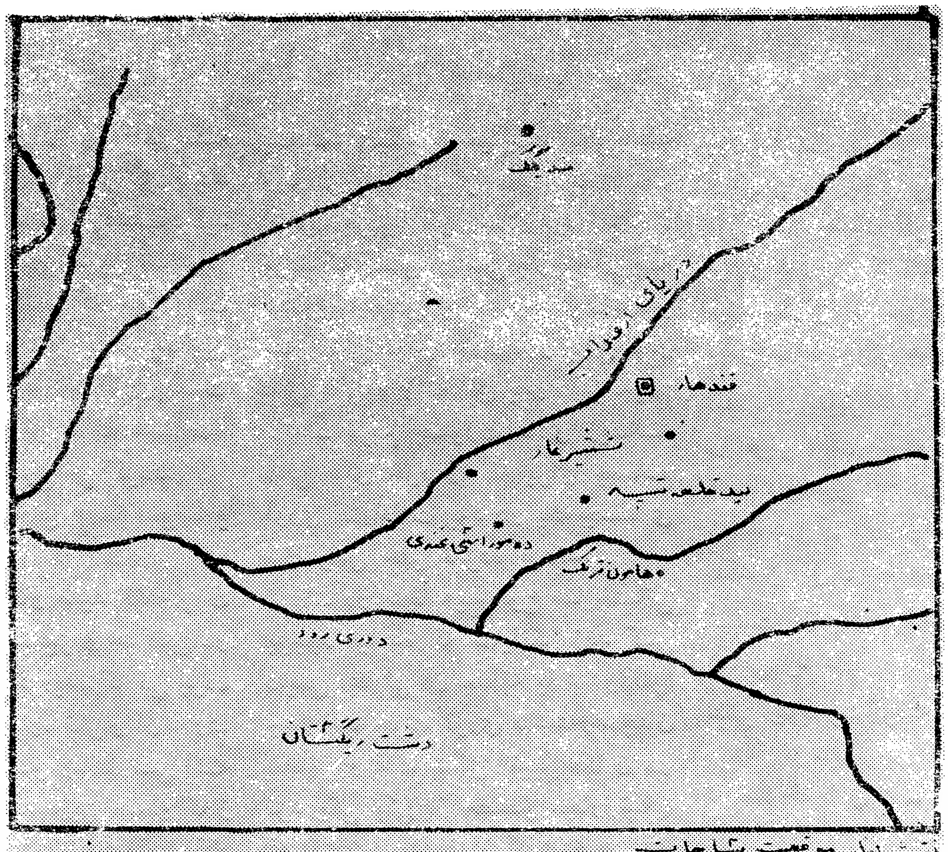

نقشه اول موقعیت ساحات

حفر یات ده‌مراسی غندی باطبقه‌اولی سید قلعه مطابقت کند در حفر یات ده مراسی غندی‌یک‌طبقه بندی‌توسط هیئات که‌شکل عمومی داشت‌صورت گرفت که این ردیف بندی از اوایل اسلام تقریباء تا هزاره چهارم‌پیش از میلاد مرتب گردیده و اگرمطالعه یـی کـه هیئات تاریخ طبیعی‌امریکا کرده واقعیت داشته باشد ،حفریات سید قلعه به ابعاد بسیار و سیـع برای روشن ساختن ادوار قبل‌التاریخ افغا نستان بر جسته میگردد .

۲ـ امکانات مطالعات مقایسو ی حفر یات مذکور با ساحات دیگراین حوزه در اصل خود دومین دلیل از مسا یل عمده میبا شد .

۳ـ هیئات موز یم تاریخ طبیعـی امریکا در سال (٥٦) نظرداده اندکه سید قلعه در حال حاضریك ده‌خورد بود که به شکل تپه بادیه نشیـن میبا شد . از جانب دیگر (کـزل) در سال ۱۹٦۱ در مندیگک طبـقـه بندی را مرتب کرد که‌در آن‌سیدقلعه را بنام یك شهر که در آن مدنیتـی بوده تذکر داده است . شکل دیگر و عمده اینست که آیا بعد ازحفریات مکمل سید قلعه میتوا نیم مسا یل ساحا ت دیگر ی که همجوار سا حه سید قلعه و سا حات آسیای مرکزی است حل نماییم ؟ و آیا این مطالعه و تحقیق میتواند جواب گوی تمام مسایل این سا حات باشدیاخیر .؟

حـفـر یـا ت : ـ

در تپه چهل غور در شـروع دو ساحه تحت کاوش قرار گرفته‌شد که جمعاء به نام (ترنج الف) یـاد میشود و در بلند ترین حصه ساحه مو قعیت دارد . در (ترنج الف) دو مربع (۱۰×۱۰) در نظر گرفته‌شد (که بعداً مربع (۳ـالف)با آن‌یکـجا شد. مربع بزرگ به چهار مـر بـع دیگر که هرکدام پنج‌مترمربع‌است‌که به اسمای (الف،ب،ج،د) یاد میشوند. و تو سط یك متر دیوار به شکـل سکشن هااز یکدیکر مجزا گر د یـده است .

در شروع بر مربـع بـه عمـق (۲۰ سانتی متر) از قسمت سطح حفر گردید وبعداء حفر یات اصلی شروع شد .

(در مجمو ع عمـق اعظمـی تما م مربعات به‌۳ر۲۰ سانتی‌متر میرسید) ووقتیکه دیوار های(بالك) حفر شـد مواد آنها علیحده گذا شته شـد .

از حفر یاتی که‌به عمق ۲۰سانتی متر صورت گرفت شواهد ودلایلی از مطالعه آثار یکه کشف شدوجود دارد که‌نمایانگرجدیدبودن آن‌میباشد حفر یا تیکه توسط یك ساند ازبه طرف شمال غـرب (ترنـج الـف) صورت گرفت و سانداژ مذکور به مساحت (۲×٦) متر بود هدف آ ن کشف آخرین قشر تمام ساحه بـود و سکشن شمال سانداژ مذکوربرای مطالعات وحل مسایل ساحوی‌وابعاد خیلی مثمر بوده و تراشیکه‌سکشن

مذکور شد و آثار آن علیحده به سیستم لیر بندی تفکیك گردید ادوار بصورت مشخص کشف گردید متاسفانه در قسمت آخرین ساند از مذکور آب ظاهر شد که حفر یا ت را توقف داد و در آخر ین لیریکه بین آب ودیوار سکشن بود ، آثاری بدست آمد که نما یانگر فر هنگ ساحه بوده ، بعداً تو ضیح می گردد.

تر نج الف -(مر حله کوشانو سا سا نی)

درین مرحله کار سید قلعه‌نو ت ها ییکه از طرف شفیر و ها فمن در سال ۱۹۷۰ نشر گردیده کا فی بوده و ضرو رت به دوباره تکرار آن‌ندارد. مختصراء روی گو رستا نی که میتواند مجزا باشد ازین مسله که‌از آن به شکل قبر ستانها ی‌فامیلی‌کار گرفته شده و چندین قبر که بعد از کشف حفر گردید یکجا با اسکلیت های آن که اشخا صی را به سنینی مختلف تمثیل میکرد یکجابا یك تعدا تیکر ها میتواند کافی‌باشد و اکثر پارچه تیکر های که کشف گردید مربوط گو رستان (ترنج‌الف) بوده که کمتر از سی پارچه آن به شکل مشخص به دوره کو شانو سا سانی تعلق دارد . و باقی‌آنقدر قابل مطالعه و تحقیق بدو دلیل‌نبود:

۱- مردم بصورت عادی زباله دانی های خود را که برای جمع آوری کشافا ت بود در یك جا ی مخصوص حفر نکرده بودند .

۲- در ینجا هیچ نوع سا ختمانی بوجود نیامده که نمایانگر زند گی دایمی اها لی آن منطقه با شدواکثرا جنبه مها جرت فوری داشته(همچنان بعضی او قات شکل تغییر مکا ن در نزد یکی یکی از حصص مجاورتپه) که این شا هد فقدان گذشته ها ی کلتور ی این سا حه میباشد .

مر حله دوره برنز !

مقد مه

با تغییر مکان در حلقه مرحله‌دوره برو نز در تر نج الف در اجا ق و شش زبا له دانی قسم گودال (ش یك) آکشف گردید . که معمولا برای انداختن کشافا ت‌از آن‌استفاده میشد درین جا تعدادی از پارچه‌های تیکر - استخوان هاو دیگر آثاردیده شد . و تغییر شکل در ینجا ادامه از تغییر مکان مسکو نین میبا شد . تنها دلچسپی که در گودال (٥)دیده شد در آن دو طبقه لیردر روی سکشن گل دیده شد وآنهم شا ید نسبت آن باشد که در ینجا آب‌دیر زمانی ایستاده و گل شکل آبی و- سبز را بخود گرفته است .

سا ختما ن : -

دو سا ختما ن به شکل تهداب‌کشف گر دید و تنها سا ختمانی است که در این مرحله دیده شده و درحصه فو قانی آن سنگ ها بصورت‌منظم کار شده (دیوار شر قی سا ختمان

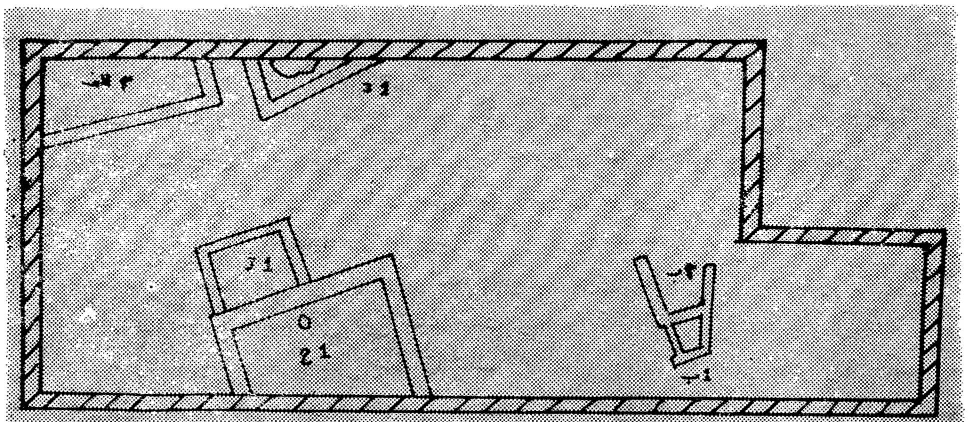

شکل (۴)، دوره برونز مرحله شکوتی III الف

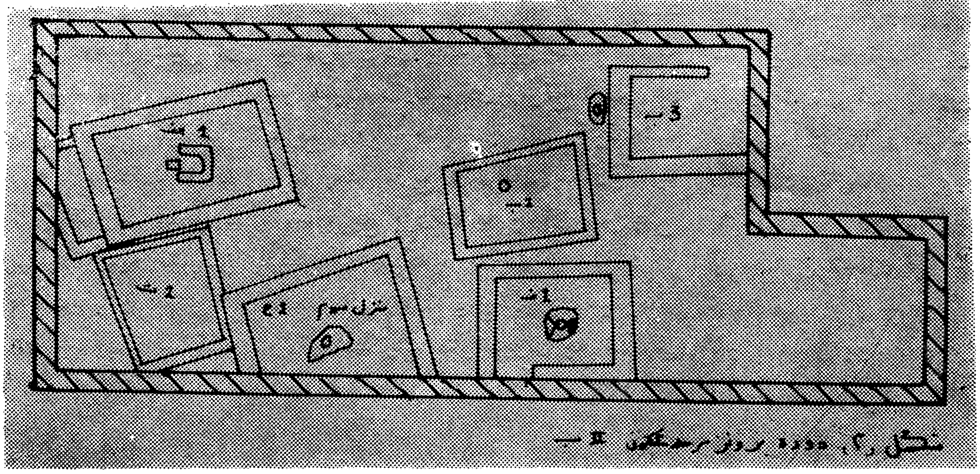

شکل (۳)، دوره برونز مرحله شکوتی II ب

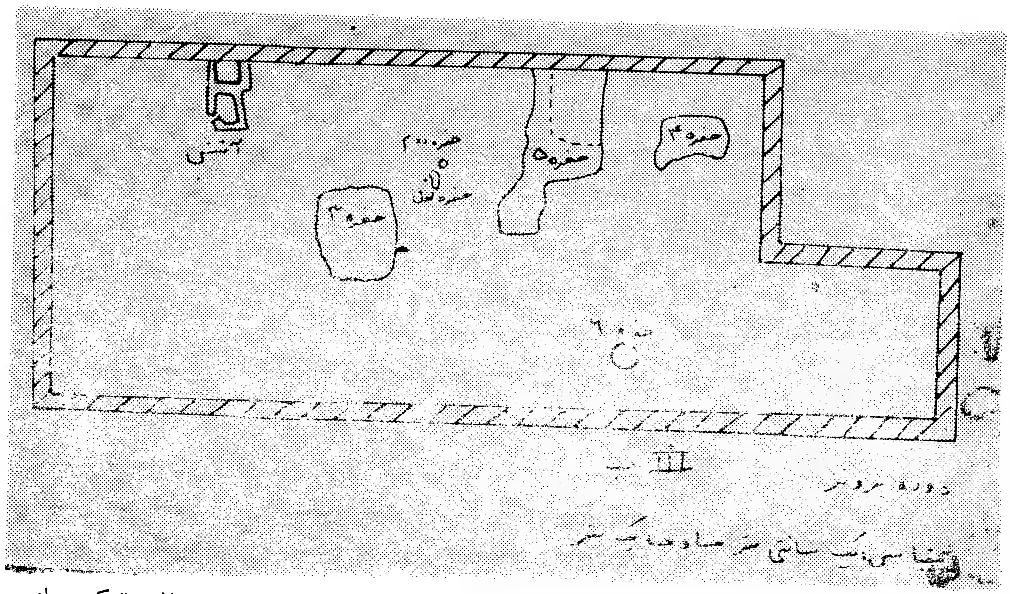

(۲ـالف) مراجعه شود به شکل مر حله (۳ـالف) که ادامه آن از لیر گلی که قبلا تذ کر داده شد شروع شده حصه فو قانی دیوار هموار و تمامی حصصی آن بو اسط برودت هوا خشك میبا شد در باره کار سا ختمان مذکور بصورت دقیق با مطالعه سا حات دیگر ابراز نظر مشکل است . که البته در بررسی عمو می در آینده تو ضیح میگردد ـ در پای یکی از دیوار های این سا ختمان تیکر های خم و سنگ ها شکل آسیاب کشف گردیده که شاید از آنجا قبلا برای ذخیره‌مواد استفاده میشد ـ

تیکر ها : ـ

پیش از آنکه اقدام فوری‌راجع به شنا سائی تیکر های این مرحله صورت گیرد لازم است تا را جع به معرفی عمومی وواضح سا ختن حلقه ها یی‌که از نظر سیرامیك این دوره است تو جه شود ـ شکل و سا ختمان این تیکر ها به یك مساحت بسیار مطول تعلق میگیرد، حتی تا جلکه های خشك ایران که طور حلقه بانجام‌سا حات دوروپیش سید قلعه و تا خود ساحه ، باآنکه حلقه در ذات خود یك ساحه بسیار بزرگ رااحتوا میکند باآنهم‌بایکدیگر بستگی دارند و آثار سا حات در موارد با هم تر کیب گردیده است. وهکذا درینجا کو شش گردیده تا تحقیق فعلی با مقایسه حفریا ت دیمو راسی غندی با در نظر داشت تو سعه تیکر هااز نگاه‌شکل‌ودیزاین مدنظر گر فته و بدستر س‌گذاشته شود و با آنکه بسیار کو شش‌شد تا یك بررسی علمی روی تیکر های سید قلعه دیمو راسی غندی شود نتوا نسیتم به یك نتیجه همه جانبه و مقنع بر سیم .

با آنکه تطبیقات لابرا تواری صورت گرفت به جز یك اختلاط بسیار نا چیز نتیجه دیگر بد ست نیامد . باآنهم ما را امید وار ساخت که بدین وسیله برای حل مسایل تقسمات حلقه ها و دوره ها بادر نظر داشت مطا لعات طبقات‌کلتور ی در آینده اقدام گردد .

اکثر پارچه های تیکر یکه در ین مرحله بو جود آمد ، پار چه ها ی فاقد تزئین اند که نسبت به پارچه ها ی حا وی تز ئین بر جسته تر است ـ وچهار شکل بصورت کل از تیکر ها درین‌دوره دیده شده است :

۱ـ تیکر های میوند که دارای رویه سرخ اند مکشوفه سا لها ی (۷۳ـ ۱۹۶۲ تو سط هیئات تاریخ طبیعی امریکا ـ

۲ـ تیکر های پنجوائی‌دارا ی‌رویه سبز مکشوفه سا لهای (۳ـ۷۲ـ ۱۹۶۳ـ

۳ـ تیکر های سید قلعه حاوی رنگ نصواری دانه دار مکشوفه سالهای (۷۸ـ ۱۹۶۳)

٤ـ سنگ ها ی خورد و بزرگ معمو لی ـ که این نوع سنگ هادر دیموراسی غندی را پور داده شده امّا در سید قلعه به کثرت دیده میشود یکجا با پارچه های تیکری بی رنگ و دیگر مواد بعضی از ین سنگ ها با هم چسپیده و بعضا به شکل لو حه سنگ بوده و دارای رنگ سرخ میبا شد . تعداد پارچه های که از پنجوایی کشف گردیده و رنگ سبز دارد از هم مجزا میبا شند . اگر تعداد تیکر‌های که از هر دو ساحه کشف گردیده طور فیصدی مقایسه کنیم درمجموع ازدو ساحه‌پانزده‌فیصدتیکر بدست آمده .تیکرها یی که حاوی تز ئینا ت میباشد‌تقریبا (۱۰ ـ۱۵) فیصد به صورت کل در هردوساحه تشکیل میدهد. پارچه‌تیکر ها یکه با رنگ سیاه‌بالای سفید درسال (۷۹ـ ۱۹۶۳) از دیمورا سی غندی بدست آمد و تیکر ها ی سیاه بالای نخوذی درسال (۷۹ ـ۱۹۷۳) کشف شد و تیکر های تجارتی که مربوط دیموراسی است و تیکر های سیاه

بالای سفید کویته از جمله بیشترین تعداد تیکر های این حلقه میباشند که از جمله همه تیکر ها یك تعداد کم آن بحساب فیصدی مربـــوط میشود به اقلام تیکر های تز ئیـن دار .

ناگفته نماند که مربوط بههمین حلقه یك تعداد تیکر های کـــه سیاه بالای سرخ کار شده و حایز رویه لشم میباشد از قلعه گل محمد خان ویك پارچه تیکر سرخ با لای زمین خاکی از قلعه فیض محمدخان و باقی تیکر های تجارتی بهکثرت در روی خاکستر آتش در سـال ۱۹۵٦ کشف گردید با پارچه های که فو قا طور مقایسوی تذکر داده شد همه مربوط همینمرحلهمیباشد از جمله مواد سنگی کـه از یـن مرحله کشف گردید میتوان سنگ های آسیاب چکش های سنگی رایاد آور شد و باقیمواد دیگر کهبدست آمده ایجاب یك تعامل لابر ا توارى را میکند که بعدا انجام میگیرد.

مواد دیگر :ـ

هکذا درین حفر یات پنج شکل حیوانی کشف شد کـه یـکی آن شکل یك گاو دیگر آن شکل پرنده و باقی سه عـدد دیگر آن پـا هـای حیو انات را تمثیل میکند ـ شاخ های استخوا نی ـ دو عدد کجبیل چهار عدد چکش سنگی ـ هفتعدد کاسه های رخام که بشکل تـو ته و پار چه بود ، که رنگ هــای اشکال فوق الذکر ۸۰ـ:۱۰۰ سبـز و سیاه است . گاو یکه پیدا شد از سنگ صابون میباشد (هکذا یك عدد سنگ صابونی دیگر که دوجانب آن مخروطی شکل است بدست آمد). آثاردیگری این مرحله چو ن مهـره کهربائی هموار ـ دو عدد مهره های استوانه ای که مربوط میشود به گودال (٥) همچنان به صورت کل ۳۳: ۱۰۰ مهره هایکه از سنگ صابون است مربوط همین مـرحلـه میباشد . یکجا با پارچه استخوان های استخوا نـی نــو کـــد ار پنج عدد پا رچه های برنزی نوك ـ دار سه عدد داس تیز که دو عدآن کشف گردیده از سا حه عمومی . ناگفته نباید گذاشت که بعضـــی ازین مواد یکه تذ کر یافت بشکل توته و پارچه و بعضا سالم است و بعضی پـارچـه هـای بر نـزی دیگریکه کشف شده قابل تشخیص نیست . اخر الا مر یك چراغ تیلی هم از همین مر حله بدست آمده است .

خلاصه :ـ

این مر حله و مخصو صا (ترنج الف) نمایا نگر یك زباله دانی ویا گودا لی است که در پهلوی آن اجاق های که دیده شده بیانگر آن است که در آنجا پخت و پز هـم صور ت میگرفته و اکثر تیکـرهای آن مربوط دوره برنز بودهو بعضی پارچه های که به شکل تجارتیدرین مرحله هویدا شده مربوط به حلقه کویته میباشد .

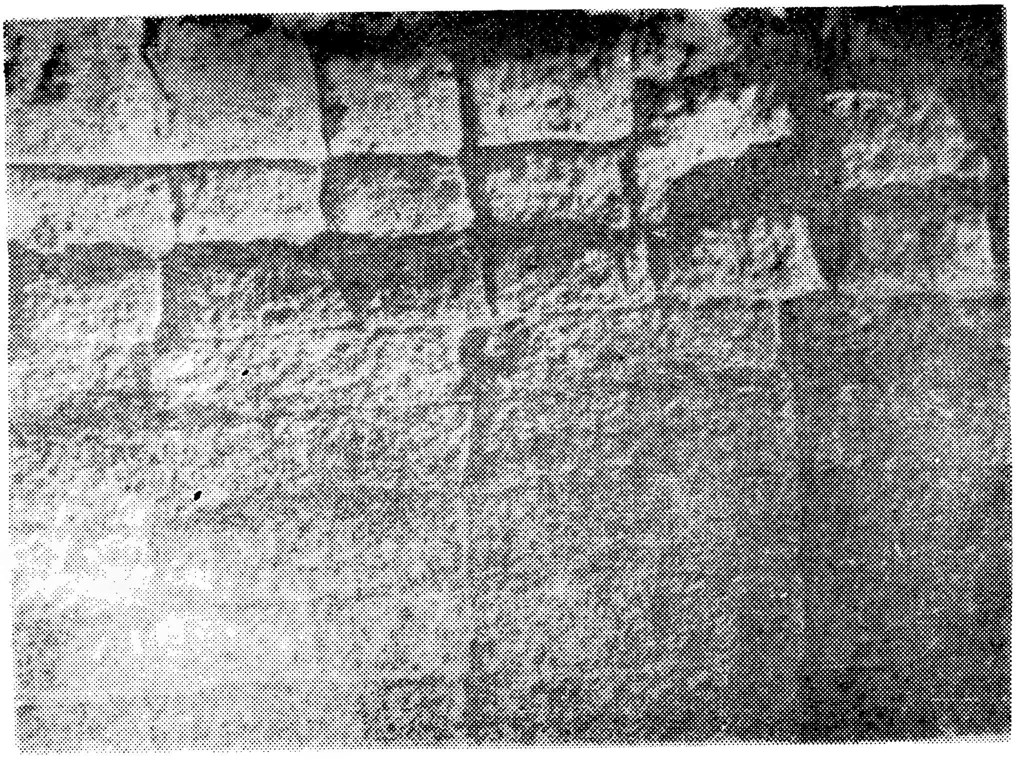

شکل ساختمان یك دیو ار (۳ـب)

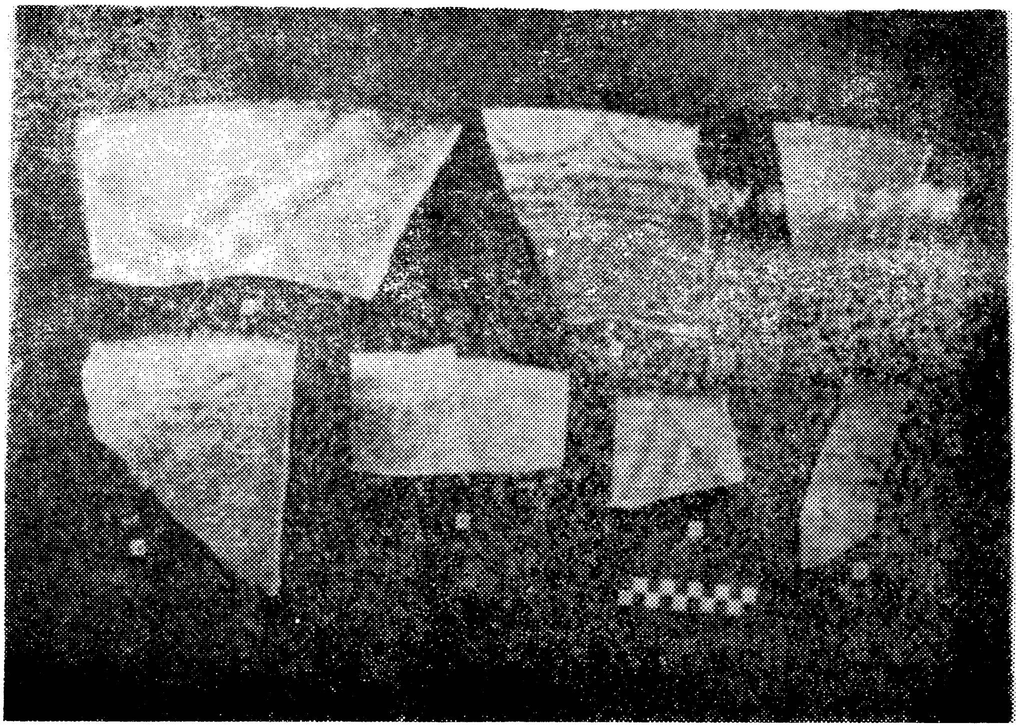

پارچه تیکر های سیاه بالای سفید .

دوره برونز :
مقد مه

درین مرحله آخرین بقایـــا ی سا ختمان دیوار ها مشا هده شد ، که ذر داخل ترنج الف ادامه دارد . سه روشی مختلف سا ختما نیدرین مرحله کشف گردیده که طـــرز سا ختمان آن از هم متفاو ت‌است. پارچه های تیکر د رسکشـــن (۳ــالف) به‌کثر ت‌دیده‌شده ومشابه به‌تیکر هاییست که از تر نـــج (۳ــب) کشف گردیده است.و عین تیکرها ی مذ کور به صور ت‌وضوح دربین پارچه ها ی‌تجار تی مختلط دیده شده است .

سا ختمان :

دیوار (۲ــ الف‌و ۲۵) در حصـه نها یی به‌سبك دیوار های‌ساختمان خانه‌های سا خته شده که هر دوی این دیوار ها حاوی تهـدا ب بـوده که‌بین آن‌به طور مستقیم دو خط از خشت خام د ر داخل دیوار کارشده مواد دیوار ها ی مذ کور از گـــل پخسه بوده ‌ودر روی آن یك قشـر نصوار ی پلاستر شده است.وهکذا (۲ــب) و (ال.ای) یاد مـی گردد .

درحصه آخرین این دیوار ها که به فرش ختم شده گودال های خو رد دیده شده که آنها هم حاوی دیوا ر های نازك می‌باشد که مجزا ازدیوار های‌فوق الذکر بوده که به نـــام

از فرش های که کشف گر دید تنها دوفرش آن مربوط این‌مر حلـه می‌باشد که‌یکی به مسا حت یـك اعشاریه بیست سانتی متر مر بع ودیگر به‌نودو پنج سا نتی متـــر

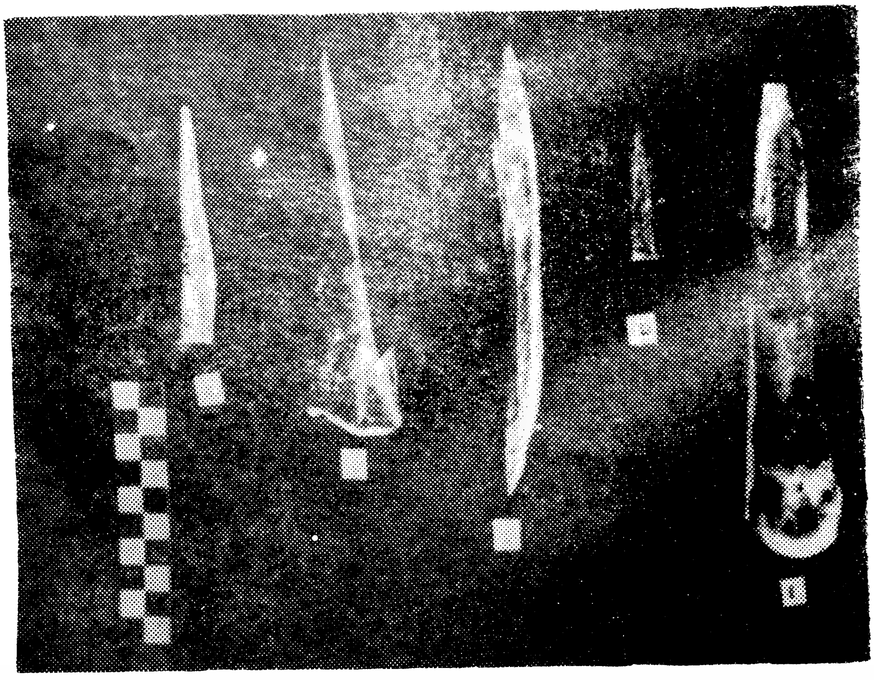

قلم های حکا کی استخوا نی .

پارچه تیکر هـای کـویته سیاه‌بالای سفید .

مربع است .فرش مذکور خیلـــی ستره بوده ودر روی آن یك قشر نازك گل قسم رویه کارشده است. که این‌فرش تنها شیوه مخصو ص ومشخص است که درچهل غـو به‌وضاحت دیده شده که‌شکل مذکور به‌سا حات همجوار معمو ل نیست. هکذا در زوایای فرش مذ کوراجاق

ها که برای‌پخت وپز است دیده‌شده ویك آتشکده مدور که در دیوارهای خطوط مستقیم گلی نصـــو ار ی وخاکستری است بوضو ح جلب‌نظر می‌کند.

دیوار ها ی (اـی)و (اـج) د ر مقابل یکدیگر شمالا وجنو بـــا واقع‌اند وازروی مطا لعه اقشار و

آثار چنین برمی‌آید که دیوار(اـی) نسبت به دیوار (اـف) پیشتـــــر اعمار گرذیده و در تهـدا ب دیوار (اـی) بالا ی (اـج) به صـو ر مایل آمده که این‌خود دلیل ادعا ی قبلی می‌باشد . ودرنهایت امـــر چنین نتیجه گرفته می‌شود کـه از دیوارهای مذکور به‌شکل اطـــاق

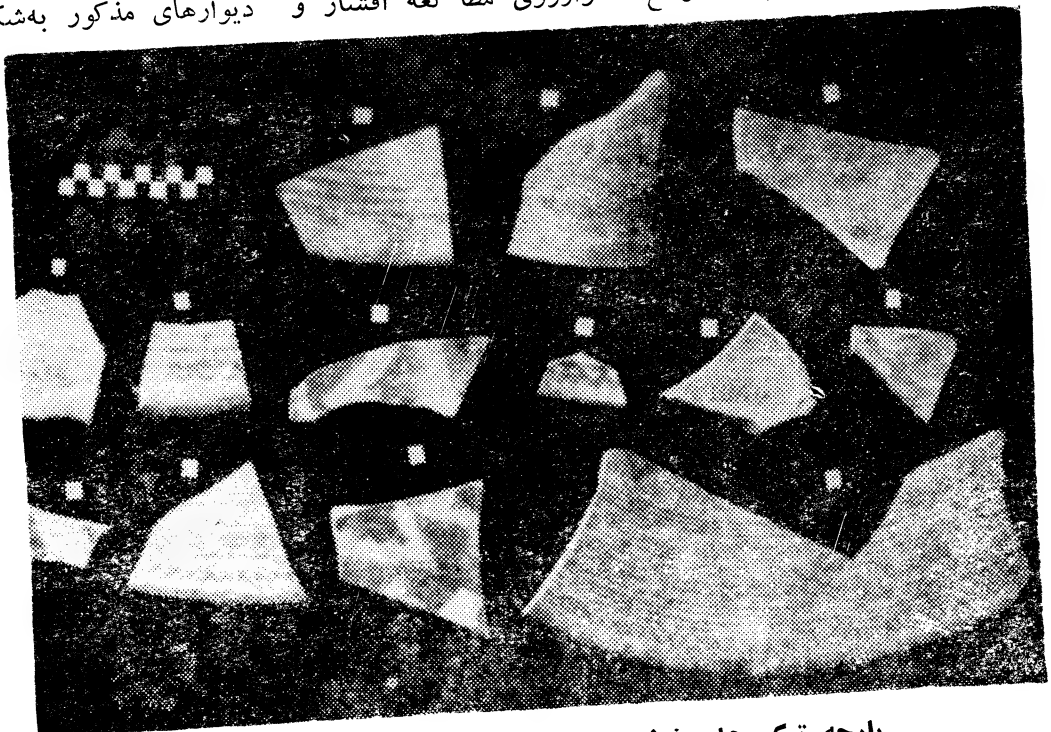

پارچه تیکر های فیض محمـد ـ سرخ بالای خاکستر ی .

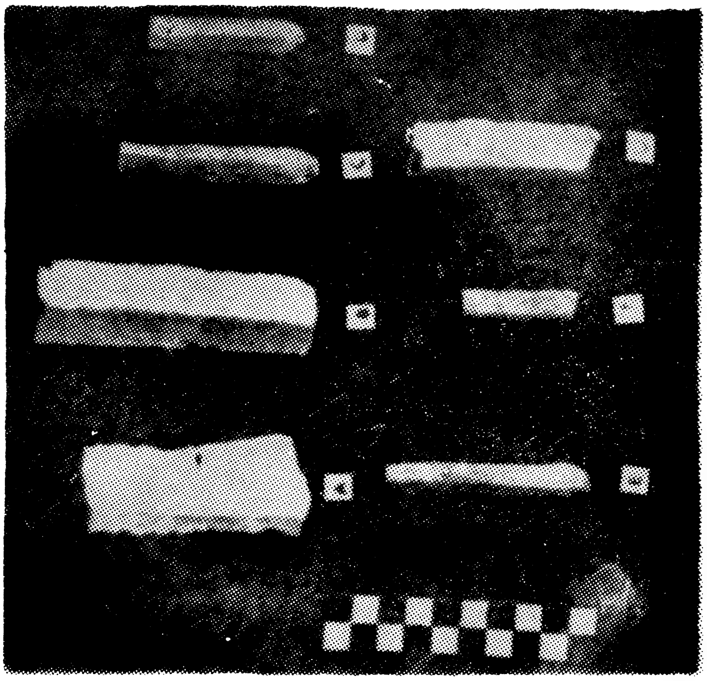

تیغه های چقمقی

نشیمن استفاده شده است . دیوار (۱-د) که میلان آن به طــــرف باك شمالی می‌باشد به صورت‌بی مانند و به‌سبك یك نارسا حتمانی مخصو ص نارشده ودیوار مذکور درتهداب بادیوار های‌که‌میلا نآ ن به طرف جنوب است رابطه دارد. دیوارمذکور حاوی تهداب‌مکمل ،و محکم بوده‌و توسط یك لیر که‌به‌نام فونه‌یشن تیرنیج یاد می شــود ازفرش جداشده است . در دا خل دیوار مذکورچند ین خشت خام به صورت منظم کارگردیده ودا خــل دیوار توسط هر نو ع مــواد پرشده ورویآن پلاستر گل کار گر دیده خشت های مذکور به‌صور ت دقیق هنگاف‌شده‌است .در حصه نها یی دیوار مذ کور هم اجاقها ی دیده‌شده که‌برای‌آتش کردن ازآن استفا ده میشد که‌بلندی آن‌نه‌اعشاریه‌سه ـ سانتی مترمی باشد که‌عین عمق را می توان سکشن (۲ـالف) وفرشـ دوم(۱ـی) مشا هده‌کرد.

دیوارهای (۱ـالف)و (۲ـب) در ردیف دیوار های است کــه از نظر سا ختما ن خوب کارشده آنقــدر سالم نیست دیوار (۲ـالف) بــا دیوار های دیگر رابطه ندارد‌تهداب آن نسبت رطو بت مضمحل گردیده وسا ختمان فوقانی دیوار به شکــل قدیمه خو دحفظ گردیده است . از سا ختمان دیوارها یکجا بادیوا ر های که‌درنوا حی دیوار مذ کــور واقع است چنین نتیجه گر فته می شو دکه‌ازسا ختمان مذکور بر ای اقامت‌گاه استفاده نمی‌شد ، درديوار های‌مذ کور ازخشت خام کار گرفته شده وپلاستر گل گردیده‌وساختمان نشان دهنده‌آنست که‌ازآ ن بر ای مخزن حبوبا ت و یا انبار خا نــــه استفاده میشد.زیرا این حقیقــــت را افزاری به اثبات میرساند که از آن برای آردکرد ن گندم استفا ده میشد.

تیکرها :

مطالعا ت لابراتوار ی نشا ن می دهــد در تیکر که حاو ی تــزئیین است کدام تغییر کلی نیا مده وعین تزیین درسا حات نوا حی تپه‌مذکور هم به‌کار رفته اماز تعداد تیکر های این‌سا حه کاسته شده است.پارچه های تزئین که درین مرحله دیده شده به‌حســاب (۱۰نسبــت ۱۰۰) تیکر هااست .پارچه های‌تجار تــی چه از نظر نوعیت‌وچه از تعداد درین مرحله به‌ندر ت دیده شد. پار چه های تیکر سیاه که بالا ی سفیـــد کارشده درین مرحله مثل‌دیگـــر مرا حل ادا مه داردو یك‌تعدادتیکر های دیگری که‌به‌رنگ‌سر خو سیاه است‌ومکشو فه قلعه فیض محمدخان وتیکرها یی‌که ازیك‌گودا لی ا یــن مرحله کشف شده با هم همر دیف

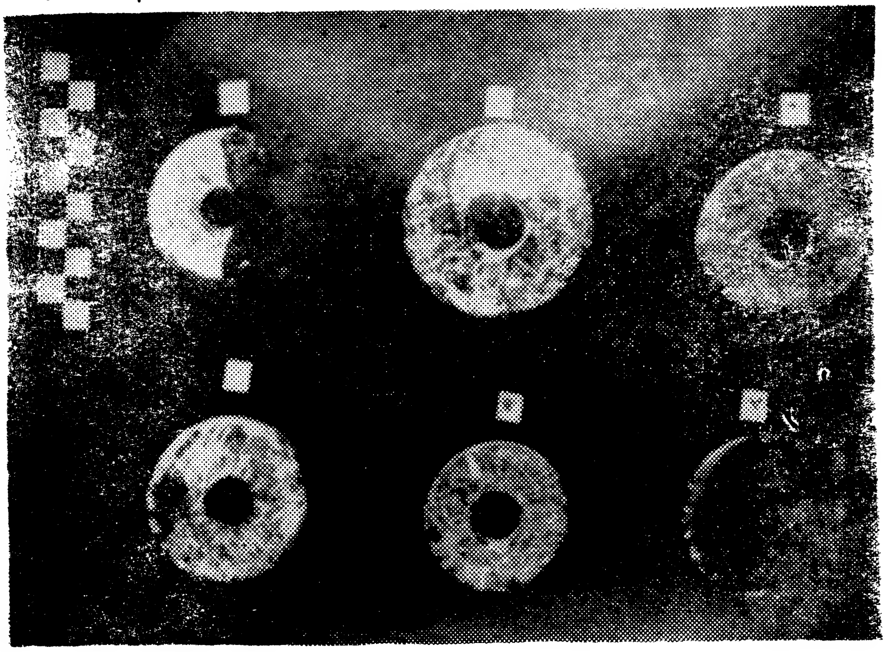

مهره های مسطح

بوده و تعداد آنها آنقدر زیاد نیست وتیکر های سر خ‌وخاکستر ی‌برای اولین مر تبه درین مر حله کشف گردیده. درین‌جا دونوع دیگر تیکر ها به‌شکل‌عمومی دیده شده یکی ان تعلق دارد به‌تیکر های مر حلـــه گذشته که همردیف تیکرهای میوند می‌باشد وحاو ی‌رویه‌سر خ‌می‌باشد ودیگرآن‌تیکرها ی غیر منقوش بوده وساییده شده‌است.

دیگرآثار :

یك تزئین حیوانی بدست آمده‌که نصف پیش روی یك گاورا تمثیـل می‌کند .هکذا یك عدد کج بیل ـ سنگی وسه عدد چکش سنگی یکی از سکشن (۱ـد)و دیگری ازسکشن (۲ـالف) کشف گردیده این مرحله با مقایسه مراحل دیگر ی دو عدد سنگ رخام جامها، جامهای‌مذ کور به‌شکل مدور بوده‌و حصه تحتا نی آن هموار می‌باشد .دو عدد اثـر مخرو طی شکل که ازگل آهکـــی ویك‌تعداد خورد زیورا ت خورد ، بیضوی شکل ،سنگها ی آبی شکل حاوی خطوط مستقیم ،سه عددمهره هموار ازفرش‌دوم(الـف) ،تیغه ها ی سنگ چقمق ازحصه آخر ین‌مرحله بدست‌آمد ،یك‌عدد تیشه که‌ازچقمق نصوار ی سا خته شده ،اما دسته آن ازآن‌به‌صور ت مجزا کشـــف گردید ،افزار استخوا نی در ین مرحله‌بوفرت دیده شده تنها یـك قلم‌حکاکی استخوانی باپار چه های خورد وبزرگ استخوا نی بد ست آمد .پار چه های برو نز ی در ین مرحله کمیاب بوده تنها یك پارچه برونز نوکدار یك قلم برونز بدو ن تزئین ویك دانه قلم یاشایداسکنـه کشف گردیده است.

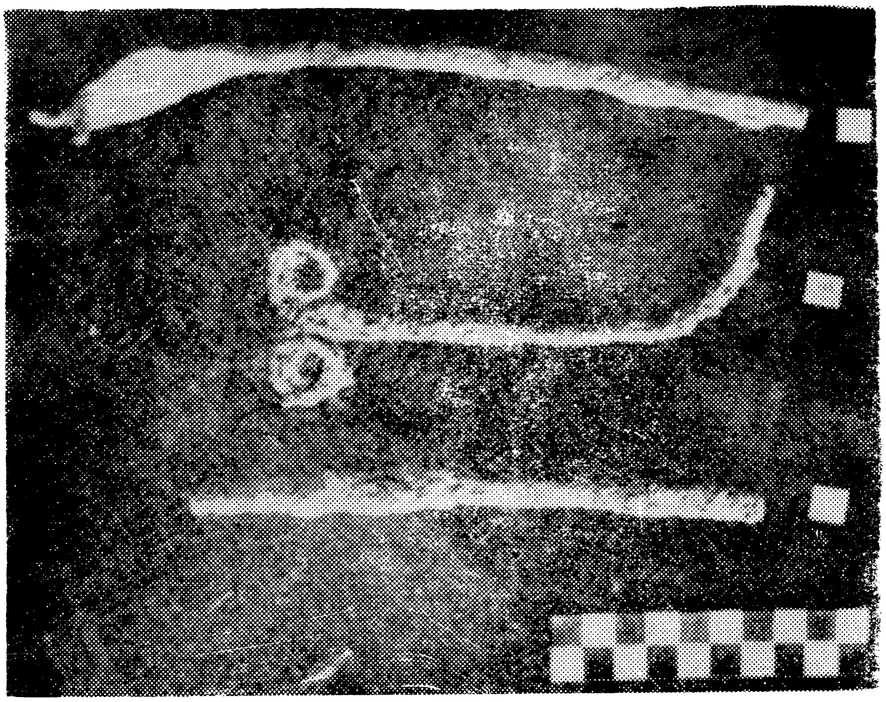

قلم های برو نزی

اشکال حیوا نی گاو هـا

خلا صه:

باآنکه این مرحله ازنظر موا د آنقدر غنی نبوده مگر گودالهـا یی که درین مرحله دیده‌شده وآثار ی که ازآنها بدست آمده می‌توا ند، نمونه خوبی از نظر کلتورو سکونت آنها به‌طورمشخص‌با شد ،دریـن مرحله دوسا ختمان به صو ر ت مشخص مربوط مناز ل رها یشـی یعنی(۱ـ ی)و ۲ـالف) و هکـــذا ساختما ن های(۱ـب)و(۲ـب) برای آسیاب کر دن مواد غذا یی‌استفاده می‌شد می‌توا ن به‌آن اسم انبارخانه را اطلاق کرد.

متاسفانه باحفریا تی که در کناره سا ختمان (۱ـد) بوقوع پیو ست آنقدر آثار مشخص به این دوره‌دیده نشد که‌راجع به‌آ ن ابراز نظـــــر قاطع گردد .درسا ختما ن(۱ـج) دیوارهای دیده‌شد که از (۱ـی) مجزا می‌باشد به صور ت عمو مـی تیکر ها ،مواد آهنی ،استخوا نی سنگی که درین مرحله دیده شد با مقایسه مراحل دیگرسا حه قلیـــل است.

باقیدارد.

Fig. 46. Bronze sickle blades

کارد هــای برو نز ی

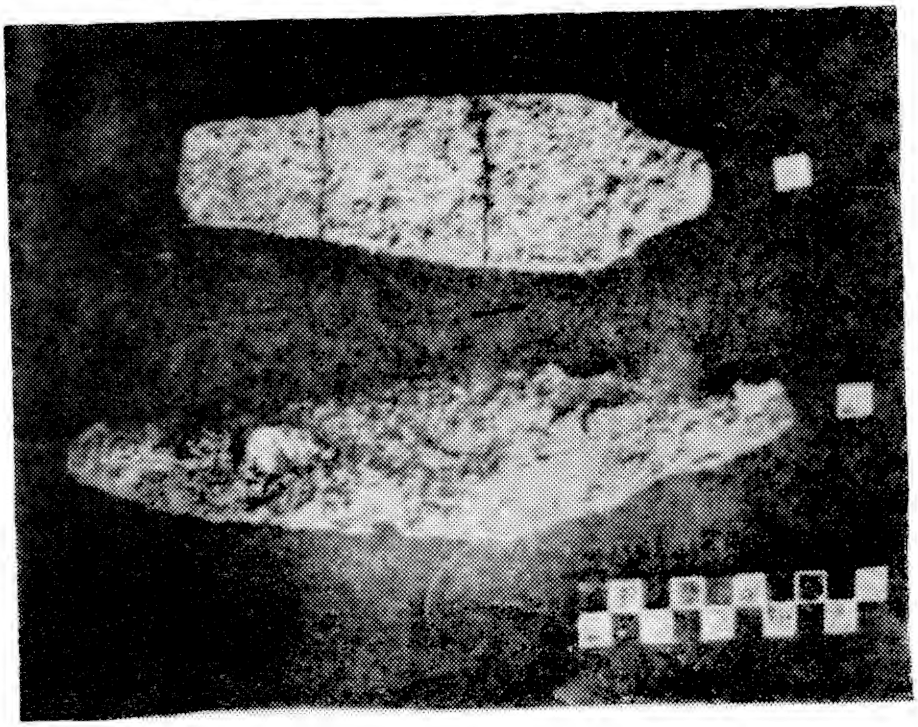

پارچه های برو نزی نوکـدار .

نویسنده : و.ا سریانیدی
مترجم : حبیب اعظمی

پیوسته بگذشته

افغانستان درعصر برونز

درآثار منتشره از ینکه نو کهای نیزه که دارای دنده می‌باشند بـــه مشکل می‌توانند از خنجر ها فر ق شوند. چندین بار بحث گردیـــده است که‌باعث پیچید گی اصطلاحات می‌گردد . به مقصد گریز ازین‌مو ضوع مناسب دا نسته می شود در صورتیکه دوتیغ داشته باشد د ر جمله خنجر محسوب می‌گردد اما باید متوجه‌بود که‌بعضی از آ نهـــا می‌توانند نوك نیزه نیز باشد.

خنجر ها :

دو تیغه بوده و دارای دنده و یا دسته می‌باشند. تیغ آنها معمو لا مسطح بوده و دریك حالت دنده آن نسبتا طولا نی است. از آنجاییکه شکل تیغ آن شدیدا مربو ط بـــه سیستم کارآن می‌باشند لهذا می‌ توا ن دو نوع اساسی آ نرا مشخص نمود:

نوع اول ـ خنجر های که شکل لوزی داشته ودارای قبضه مسطح گا هی‌قسمت اخیرآن قات شـــده است .

نوع دوم خیلی معمو ل ـ ایـــن خنجر ها دارای فورم مسطـــح طویل بوده‌و دسته آن مسطح‌مستقیم است .قسمت اخیر دسته‌آن گا هی تیزبوده که‌برای گذا شتن در جا یی مناسب تشخیص شده استو گاهی به‌شکل مار پیچ مستقیم که‌قسمت قطع‌شده آن کروی می باشد . د ر یکی از آنها قبضه آن به طور جدا۔ گانه تهیه‌شده است ودر حا لـــت دیگر دسته آن پهن‌بوده‌وسورا خی دراخیر آن وجود دار د. این خنجر ازدشلی‌ـ۳ـ کشف وتاحال مشا به دیگر آن بدست نیا مده‌است.

نوع اول در مند یگك پیدا شده است (۱۵۸) اما نوع‌دوم‌مخصو صا با دنده مار پیچ تاحال صرف‌درآثار غارت شده قبور صفحات شما ل ـ افغا نستا ن دیده شده است.دنده مارپیچ راعمو ما جهت استوار نگه داشتن آن دردست درست میکر ده اند. مشابه یکی ازین نوع خنجر ها ازجنوب ترکمنستا ن(نماز گاه‌تپـه) (۱۵۹) بدست آمده است .در باره موجود یت تعداد کثیر نو کهـای نیزه وفور م‌های مختلف آن(مثـل کروی ویا میله مانند) می توان در مورد آثار بدست آمده از حفریا ت غیر قانو نی قبور باختر قضاو ت نمود.

کاردها :

دارای یك تیغ بوده که تیغ آ ن مسطح ودر قسمت اخیر خودمنحنی شده است .دسته آن مستقیم است که معرو فتر ین آن از دشلی ـ۳ـ کشف شده است.

داسهـــا :

دارای تیغ دندانه دار بوده‌نسبتا منحنی می‌باشند قسمت اخیر دسته آن همیشه قات شده است.از نگاه تیپولوژ ی مشابه ترین دا سها از اناو (۱۶۰) وسیا لك:یکصدوشصت ویك) بدست آمده است ،اما دا س۔ های شما ل افغا نستا ن از ینکـــه تیغ شان صا ف نبو ده بلکـــه دندانه دار می‌باشد ،نمایند گی ا ز نوع پیشر فته را مینمایند. ا گـــر چنین فرض گردد که دا س ها ی بـــا تیـــغ ها ی صـــا ف در جنوب افغا نستـــان ، ایـــران ، میزوپوتا می وآسیای وسطی (۱۶۲) موارد استعمال زیاد داشته اندوداس های دندانه دار صرف در شما ل افغا نستا ن وجود داشته استلهذا می‌توان تصور کر د که این تخنیك

عالی به خصو ص استادان آ هنگر خود منطقه بوده است.

گروپ خاص ازوسا یل تو لید فلزی را ابزار سه شا خه ما نند تشکیل میدهد که‌شا خه ها ی آ ن مستقم : گاهی قات شده)و نده آن طویل می‌باشد ،علاوه برآ ن ابزا ر یك‌شا خه نیزو جود دارد که دنده آن مسطح نبوده بلکه مدور مـی باشد .امکان دارد این پدیده‌مربوط خود منطقه یعنی ازفرآورده ها ی با ختری باشد ،اما عین همین نو ع ابزار درشما ل ققفاز از آغـا تمدن مایکوپ به‌تعداد زیاد دیده‌شده است که محل مشترك به‌وجودآمدن آنراخار ج از امکا ن‌نمی‌ساز د.درین پلان منطقه وسطی وجود دارد که‌اگر آثار شان کا ملا مشابه نیستند اما نزدیك‌بهم بوده واز تولیدا ت‌خرا ـ سان ایران (گنجینه آستر آبـاد) (۱۶۳) بشمار رفته وامکا ن توسعه واستفا ده ازآنها را از عر ب بـه شر ق تعیین مینماید . دلچسپـی خاص را سه شاخه ها ی بز ر گـ به خود جلب می‌کند که طول آنهابه هفتاد الی هشتاد سا نتی متـر رسیده‌واز قبور غار ت شده باختری بدست آمده اند ،مشابه آن‌ازسیالك کشف‌شده است که درآنجا به حیث وسایل غذا خور ی در مراسم تدفین تعریف شده است :۱۶٤).مطا بقت بین ابزار فلز ی ایران و با ختـر در همین تولیدا ت خلا صه‌نگردیده بلکه شبا هت‌ها ی بوتلها ی‌برونزی (درسیالك آ نها چرا غ تعر یـف شده اند)ملاقه ها، میخها،ظرو ف، تبرها ،آیینه هاوداسها در آن‌علاوه می‌گردد (۱۶۵).

وجود تما می تولیدو سا یـل حیرت آور فلز ی در دو مر کـز جهان شر ق باستان که می‌توا نند در ارتباط متقابل کلتوروا قعی تـا مها جرت قبایل که آورنده‌تولیدا ت

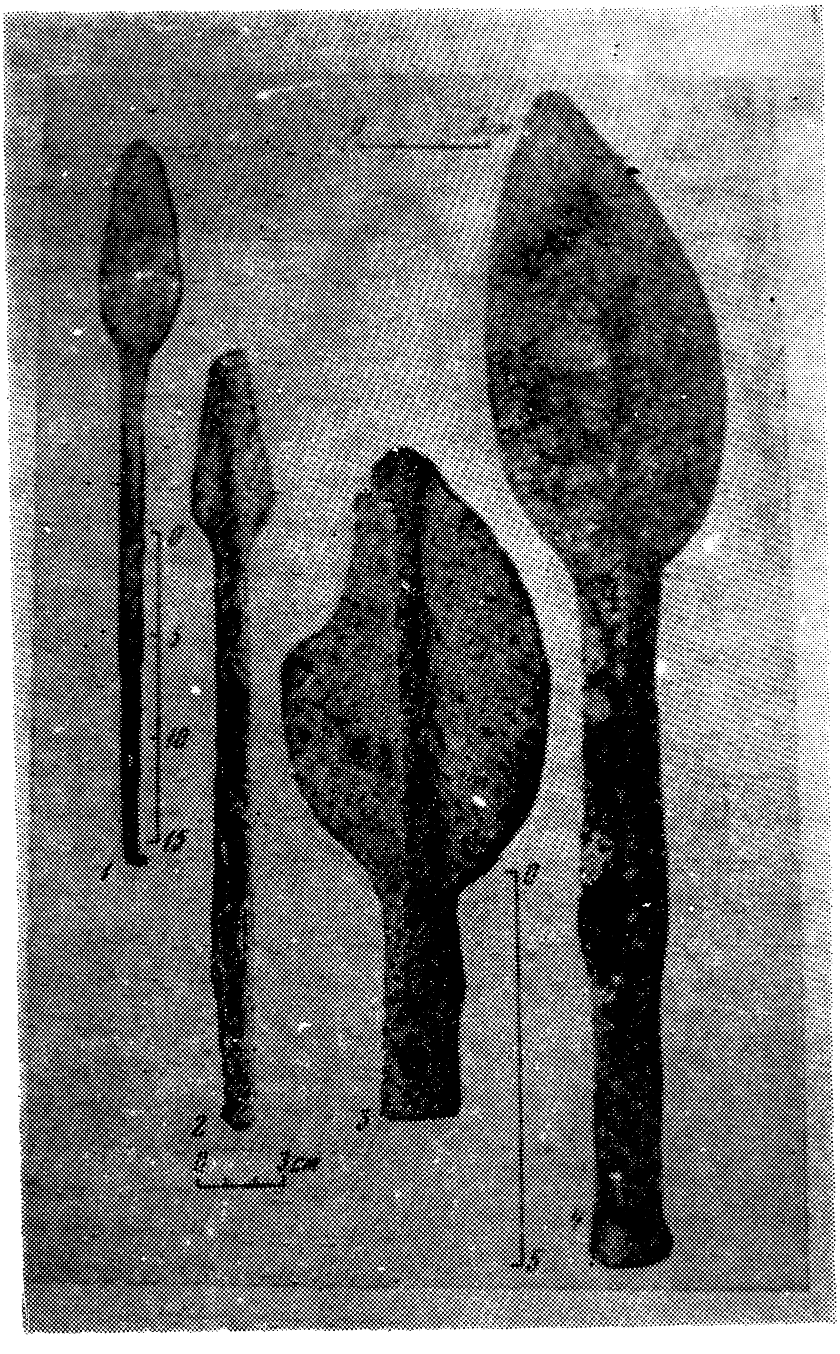

آثـار مکشوفـه د شـلـی تپـه (عصر برونز)

وابزار رزمی مشابه باخود هستنـد پنهان بماند.

تیغ :صورت تراشی) :

یك‌تعداد محدود ازآنها تا حا ل کشف شده است که‌تیغه شان‌راست بوده اما دسته آنها منحنی می‌باشد. گرچه تیغ های صورت ترا شی در دیگر ناحیه های آسیای نز د یـك (۱۶۶) نیزو جود داشته است اما نمو نه های تیغ صورت ترا شی شمال افغا نستا ن نمایند گی‌ازتیپ جدید مینمایند که شبیه آنها تاحال کشف‌نشده است .

نزدیکی نسبی را نمو نه هـای تیغ صورت ترا شی قبورتو لخا ر بدست میدهد گر چه آنها خیلـی بزرگ بوده (۱۶۷) واز همه او لتر برای قطع کردن استفا ده‌میشده‌اند.

يك‌نمونه تيغ قطع كن و يا برش كاری از دشلی ـ٣ـ كشف گر ديد :١٦٨) اين وسيله بز رگ با تيغ تيزو دسته منحنیآ ن به قدر كا فی شبيه تيغها ی قبور تو لخار(١٦٩) وباكمی تغيير شبيه با اناو (١٦٩) باشد وامكان دارد بانماز گاه تپه :يكصدو هفتادو يك) نيز شبا هت داشته باشد .فكر می شود اين‌همه نمو نه ها دراصل تيغها ی صور ت تراشی نبوده بلكه طوری كـــه ژ.ديشايز پيشنهاد نموده اســت وسايل قطع كردن می‌باشند .

باآغاز وسايل تز ئينی، خا طـر نشان مينماييم كه آيينه هاوميخهای طويل در جمله معمو لتر ين هدايادر قبور سا حه دشلی و فاروق آبادبه شمار می‌روند.

آيينه ها :

دونوع آن مشخص گرديده است: مدور، اندك مقعر كه‌جوا نب خارجی آن دارای لبه مدور می باشد . نوع دوم‌مسطح بوده‌دارای دستـــــه هستند.

نوع اول از قبور دشلی‌ـ٣ـ‌كشف گرديده كه قطر آنها از هفت‌سانتی متر شروع و تا چارده الی پانز ده سا نتی مترميرسد .اين نو ع آيينه ها در منديگك (١٧٣) ،حصار سوم (١٧٤) جنوب از بكستا ن :١٧٥)و درجنوب تركمنستا ن نيز (١٧٦) ديده شده اند .قديمتر ين آيينه كه مر بوط حوا لی هزاره چهار موهزاره سو م قبل از ميلاد می‌گردد ازجنوب تركمنستا ن :١٧٧) بدست آمـد ه است كه از همين محل در تما م آسيای وسطی تاصحرا هـــا ی تمدن اندرو نوف پخش گر ديــده است(١٧٨).

نوع دوم آيينه های دسته دار:

اين نوع آيينه ها به‌نو به خود به‌دو نوع ديگر تقسيم می‌شو ند : آيينه های كه دارای دسته سا ده‌ومستقيم می‌باشند وعلاوه برافغا نستا ن در سيا لك (١٧٩)وحور فينه :١٨٠)نيز كشف شده است .تيپ دوم آ ن عبار ت از آيينه های دسته دار می باشندكه دسته های آنها تو ســط مجسمه ها ی انسانی و عمو مـــا فيگور زنها مزين گرديده است .تا حال سه انه آن واضح شده است كه از قبورميخی (بلوچستا ن)(١٨١) سپالی‌تپه «جنوب ازبكستا ن»(١٨٢) واز قبور غارت شده شمال افغا ـ نستان بدست آمده اند .اس.پيكوت در ارتباط باآيينه ها ی تمدن‌كولی، خاطر نشان می‌سازد كه اين آيينه ها دربين آيينه ها ی‌آسيای غر بی منحصر بوده و به نظر او تو ليد خود منطقه يعنی بلوچستا ن مـــی باشد (١٨٣)به اساس شبا هــت های نز ديك اين نو عی كميا ب ، بايد ارتبا ط جالب آ نها راتنظيــم نمود. چنانچه فكر می شود كــــه نمو نه ها ی‌باختری وبلوچستا نی به‌طور عمو م منعكس كننده‌ی‌آنست كه ايران مر كز توليد آيينه ها ی مشابه بوده است . دراين پـــلان برونز لرستا ن در بين منا طـــق كه دارای چنين آيينه ها ی‌دسته‌دار باتزئين فيگورز ن (١٨٤) هستنـد بهترين تشخيص گرديده است .

ظروف :

ظروف نيز ما نند ميخهاو آيينه ها در جمله اشيای معمو ل مراسـم تدفين به‌شمار مير فت و به‌اسا س شكل به‌چندنوع تقسيم می‌شوند:

نوع اول بوتلها :

بدنه آنها گا هی مدورو گا هی برخلاف آن بوده گردن شا ن طويل وياكوتاه می‌باشد كعب آنها بخو بی مشخص شده می‌تواند . تما مـــی نمو نه ها ی آن از قبور غـــار ت شده شمال افغا نستا ن بدست‌آمده است .شوا هد غير مسقيم كـــه موجوديت آنهارا در عصر برو نزبه ثبوت ميرساند نمونه ها ييست كه از سپالی تپه (١٨٥) از يكطر فـو از حصار سوم از طر ف ديگركشف گرديده اند .زيرا در طبقات پيشين موجوديت شان معلوم نبود(١٨٦) ظروف مشابه درواد ی هند نيـز وجود دارد كه‌به نام لوازم آرا يش معروف هستند (١٨٧) وهمچنـا ن درجنوب تركمنستان :در آخر يـن تحليل در جمله اشيای وارد شـده

آثار مكشوفه دشلی‌تپه (عصربرونز)

از حصار تعر یف شده اند (۱۸۸)، بااین همه از تولیدات خود منطقه مستثنی نبوده وتحت تاثیر غر ب دا نسته می‌شود . دریك حا لت ، بوتل با ختری درقسمت بدنه خود توسط مجسمه حیوانی تز یین شده است .

ایجاب مینماید دریکی از جزئیات به خصو ص تو جه شود اکثرا دیده شده است که درگردن این نو ع بوتلها ، میخها ی طویل قاشق‌مانند قرار داده شده است که ازشد ت زنگ فلز ،کا ملا بهم چسپیده به نظر میرسند (۱۸۹) اما در اصل از همدیگر جدابوده یادر پهلوی هم قرارداشته و یا در گردن بو تل آویزان میشده است .به همین ترتیب بوتل های چسپیده با میخهای راست در آلتین تپه ،شما ل شر ق ایران (۱۹۰) و قبور شمال‌افغانستان مشخص گردیده است .در قبو ر دشلی -۳- ظرف کوچك سفا لی کشف گردید (کا ملا کاپی بوتلهای فلزی) که درگرد ن آن میخ‌آویزا ن بوده است .به ارتبا ط به این‌مو - ضوع بوتل مشابه که میخ طو یل درآن فروبرده شده از قبور دوره اینولیتیك گیو کسور -۱- کشف گردیده است .با درنظر دا شت‌لوازم حیرت آور مراسم تد فین دیده می شود که‌تقر یبا در یکنیم هزار سال دریك منطقه‌و سیع این لواز م مورد بر رسی قرار دا رند ،فکر می شود که این مطابقت ها مشترك بود ن تمدن تاریخی شمال شر ق ایرا ن، جنوب غرب آسیای و سطی و شمال افغانستا ن رادر عصر برونزبه‌ثبوت رسانیده و تصاد فی بودن آ نرا رد مینماید.

نوع دوم دارای شکل استوانه‌یی کش شده بوده که در قسمت گردن‌ظرف خوردشده میرود . این نوع ظرو ف ازحفریا ت غیر قانو نی‌قبور سا حه دشلی‌و فاروق‌

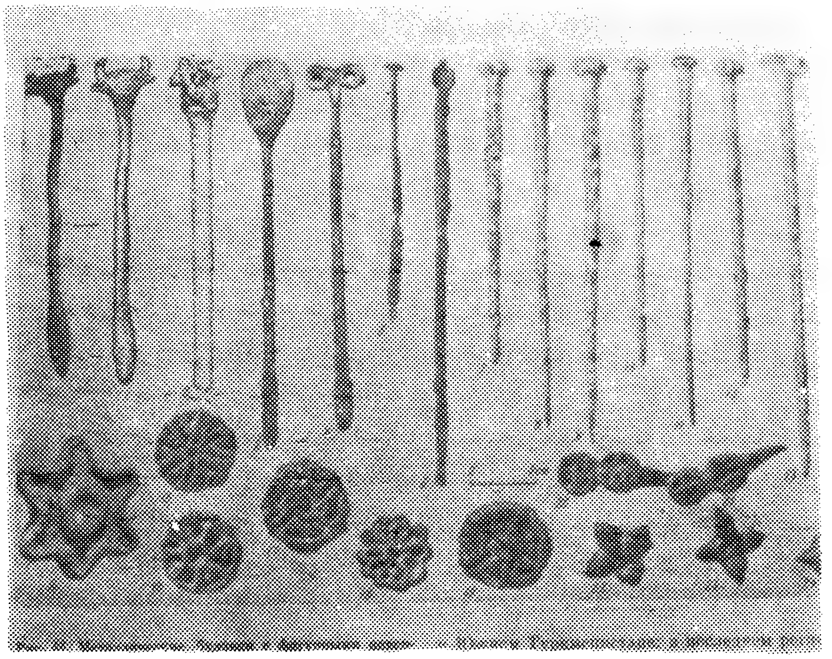

آثار مشکوفه‌دشلی‌تپه(عصربرونز)

آباد بدست آمده اندو شبیه آ نها صرف در دکانهای انتیك فرو شی شهر بلخ دیده می شود .

نوع سوم عبار ت ازظرو فی است‌که‌د ارای شکل قو طی بوده قسمت گردن وکعب شان نسبتا ، خورد می‌باشد ، از قبور دشلی-۳- کشف شده و کاپی های سفالی آن نیز مو جود است .در منا طق‌آسیای وسطی صرف درسپا لی تپه(۱۹۱)و در وادی هند (چانهی دره) «۱۹۲» پیداشده استو این نوع ظر و ف در دوره ها ی‌قبل درین سه نا حیه وجود نداشته است .به طور عمو م ازظروف نوع‌سوم (گلدانهای بمقصد پایه‌دار ،کاسه ها وقوطی ها)بمقصد کار های روز مره حیا تی استفا ده میشده است.

دربین بوتل ها موادی کشف گردید که‌شاید ازآن در آرا یش - صور ت استفا ده میشده است و تاحدی می‌تواند سوال مو جود یت میخهای طویل را که‌بابوتل ها متمم اند حل نماید و همچنا ن ارتبا ط این موضوع را می توا ن در قاشق های کوچك فلزی جستجو کرد که از قبور تولخار بدست آمده‌و عموما در قبور زنها باپار چه ها ی کوچك سرمه گذاشته شده اند ومی توا ن آنهارا به حیث‌ابزار باالواسطه‌تعریف نمود (۱۳۹) .

میخهــــا :

در جمله تولیدا ت مهم تزئینا تی فلزی به شمار رفته واز نگـــاه خصو صیت سر ها ی شان به چند نوع تقسیم می‌شو ند .چون اکثریت آنها باانوا ع میخها ی که تو سط ای.ای. کوز مین برای آسیـــای وسطی طبقه بندی شده اندمطابقت دارد. لهذا این صنف بندی با کمی تغییرا ت می‌تواند اسا س تیپو - لوژی میخهای افغا نستا ن‌باستا ن را تشکیل دهد.

میخهای که‌سر های شا ن‌بشکل مخرو طی و یا هرمی می‌باشد د و حالت نوع اول را تشکیل مید هند. در جنوب تر کمنستا ن تعداد کثیر آنها کشف گردیده است که‌ازآغاز عصر نیو لیتیك (حوا لی چهار الی پنجهزار سال قبل از میلاد) شروع

گردیده و تا اواخر عصر برو نـز (حوالی یك دو هزار قبل از میلاد) ادا مه پیدا مینمایند و نا حیه‌عمومی فلز کاری این نو ع تز یین راتشکیل می‌دهد.

میخهای‌که‌سر شا ن بیلچه‌ما نند است (نوع دوم) نسبت به دیگرمیخ ها برتری خا صی داشته وعلا وه‌بر شمال مملکت د رجنوب (مندیگك) (۱۹٤) نیز موارد استعما ل دا شته است ، از میله های تهیه شده اند که یك طرف آن ضخیم و طرف‌دیگر آنها به‌شکل بیل مسطح می باشد. قدیمترین آنها مر بوط به جنـوب تر کمنستا ن می شود که قدا مت آن‌به چهار تاسه هزار سال قبـل از میلاد میرسد و تا اواخر عصـر برونز ادا مه داشته است از یـن نوع درحصارسوم (۱۹۵) و شاه‌تپه دوم(۱۹٦) نیز دیده شده که بازهم مرکز مشترك تولید ، ایران ـ تر- کمنستا ن رابه ثبوت میرساند .

میخهایی که سر ها ی مار پیچ دارند(نوع سوم) به‌شکل تهیه شده اند که‌یك انجام آ ن به‌یك سمـت بشکل گره تاب خورده است . این نوع میخها تصاد فا درآسیا ی‌نزدیك به‌تعداد زیاد قابل استفا ده بوده که دلیل آن ساده بودن آن است و تهیه آن در همه نوا حی امکـــان پذیر بوده است .از مناطق نز دیك به افغا نستا ن می‌توا ن ازجنو ب تر کمنستا ن (۱۹۷) که صر ف یکی آن کشف گردیده است واز حصار نام برد(۱۹۸) اما در حوا لی هنددر درجه اول اواخر تمد ن هر په و بعد ازآ ن (جوکها ر) و در طبقا ت چانهی دره به تعداد زیاد کشـف شده است ، که‌به نظر ای. مکـی شاید از میزوپو تا می و یاایرا ن‌به این جاهاوا ردشده است .فکر می شود به‌و جود آمدن همز ما ن ا ین نوع میخها در شما ل افغا نستا ن وشمال غرب هند تصاد فی نبو ده بلکی باورود تعداد زیاد آ نها ا ز مناطق غربی تر ارتباط دارد.

میخهای دوشا خه (نوع چها رم) که به دو تیپ تقسیم شده‌می توانند.

۱ـ میخها ی که شا خه ها ی آنهابه خار ج تاب خورده است.

۲ـ میخها ی که‌شا خه ها ی‌آنها بداخل تاب خورده است . تیپ اول را میخها ی‌تشکیل‌مید هد که یـك انجام آن بدو قسمت تقسیم شده‌و بدو جهت مانند حلقه تا ب خورده است‌و این حلقه ها به طور کمیا ب به‌شکل مسطح سپر ما نند درشمال وجنوب مملکت نیز دیده شده‌است. تما می اشکال که تحت این تیـپ قرار می گیر ند از شما ل افغا ـ نستا ن بدست آمده اما تنها د ر مندیگك چهار م هر دو تیپ آ ن کشف شده است (۱۹۹).درمیزو ـ پوتا می میخها ی دو شا خه کا ملا وجود نداشته بلکه‌تعداد زیاد آ نها درایرا ن وآسیای نز دیك کشـف گردیده است. از جمله منا طـق که‌نز دیك افغا نستا ن واقع شده‌اند می‌توا ن از جنوب ترکمنستا ن نام برد که درآنجا بیشتر از دو هزا ر قبل از میلاد قدا مت ندارند (۲۰۰) تاحال یك‌نمو نه قدیمتر ین آن از حصار دوم (۲۰۱) بدسـت آ مده ولی درصور تیکه از طبقا ت با لا مخلوط نشده باشد و دو نمو نه آن دروادی هندو جود داشته است،اما اسا س نظریا ت موجود است کـه پیدا یش آنرا در ایــــــرا ن تایید مینما ید (۲۰۲)

میخها ی که‌سر های شان‌نعلبکی مانند است(نوع پنجم) دارای سطح افقی در یك انجام خود هستند،این سطح افقی گا هی‌به‌شکل چند یـن بر گه ، اکثرا شش بر گه‌و گا هی مدور که‌لب‌ها ی آن صا فـویـــــا دندانه دار می‌باشد در دا خل بـه دایره‌ای کوچك تقسیم شده اند که مهرهای جدار دار را به خا طر می آورند.

به همین سبب مشابه این میخها، درسپالی تپه به‌نام میخها ی مهر ی یاد می شوند (۲۰۳) میخها ی کـه سر ها ی شان از دو دایره‌ولبه های شان دندانه دار می‌باشد مجزا می گردند و تاحال دراکثر منا طق‌کشف نه‌شده بلکه تما می آنهااز حفریات غیر قا نو نی بدسـت آمده اند،لاکن از سپالی تپه و جنوب ترکمنستان (قبور عشق آباد ، مرغاب) عیـن همین نوع کشف گردید که امکا ن شامل نمودن آنها را در دوره برونز میسر سا خت .

میخهای که‌سرهای شا ن دند ه ما نند می‌باشد (نوع ششم) و ا ز حفریات غیر قانو نی به د سـت آمده اند از میله های تهیه‌شده که یك انجامآ ن تیز بوده و در مقطـع خود مدور است .قسمت بالا یی‌دنده آن دارای بیرو ن بر آمدگی بشکل غده می شد، شبیه آن ولی ازخمیره سفید از دشلی-۳- پیدا شده است. علاوه بر آن عین همین میخها ازقبور عشق‌آباد عصر نمازگاه ششم(۲۰٤) کشف گردیده است . مشابه آن در گیان نیز دید ه‌شده که در آنجا به نام تزئینا ت برونز ی کمر بنـد معروف می‌باشد (۲۰۵) شبا هـت کمی را می‌توا ن در آثار آسیا ی نزدیك و بین النهر ین مشا هد ه نمود که قدا مت آنها بیشتراست. میخها ی شمال افغا نستا ن‌وجنوب تر کمنستان مربوط نیمه دوم هزاره دوم قبل از میلاد میگردد.

میخهای که دارای سر هـ کرو ی می‌باشند(نو ع هفتم تعداد

شان محدود بوده واز کاو ش های غیر قانو نی بدست آمده‌اند .

از کاوشهای غارتگرا نه میخهای بدست آمده است که درقسمت‌سر آنها فیگور های مجسم شده است (نوع هشتم) مایکنوع آنرابرگزیدیم که از میله کج شده تهیه گردیده، یك‌انجام آن نسبتا ضخیم و درانجام دیگرآ ن سر حیوا ن ریشدار ی‌مانند گاو میش مجسم شده است.چشم های آن ما نند انسا ن،گوشها بدو سمت کش‌شده که‌بالا ی آ نها دوشا خ کج بلند شده است. بطور دقیق می‌توا ن گفت که میخ‌موصوف از جای دیگر ی واردنگردیده است زیرا فورم ان به‌شکل میله طو یل که‌یك انجام ان ضخیم می‌باشد به حود منطقه مورد مطالعه تعلق می گیرد.

گاو میش ریشدار درآثار گنجینه فلول نیز مجسم شده که آنهم ا ز شمال افغا نستا ن کشف گر دیده است طوری که معلوم است انگیزه تجسم حیوانا ت در کلتور ا سیا ی نزدیك به از منه باستا ن ارتباطمی گیرد اما تجسم انسانی نسبتا به زمان بعدی یعنی برای تمثا ل‌شناسی مربوط به دوره پروتو دیناستی می شود ومدار ك مستند نیزو جود دارد مثلا ترتیب دیکور معرو ف ـ ارف ازقبور یکهزارو دو صدو سی وهفت مقبره دور و همچنا ن‌درصحنه افسانوی مهرها.

آثار میزو پوتا می که به آ نها اشاره گردید درحوا لی دو هزارو چهار صد الی دو هزاروشش صد سال قبل از میلاد تاریخگذا ری‌می شو ندلاکن میخهای شما ل افغا ـ نستا ن هزار سا ل بعد تر از آ ن تاریخیگذار ی گردیده که در ین صور ت دیده می شود که انگیزه میزوپوتا می هنوز در یك مـد ت

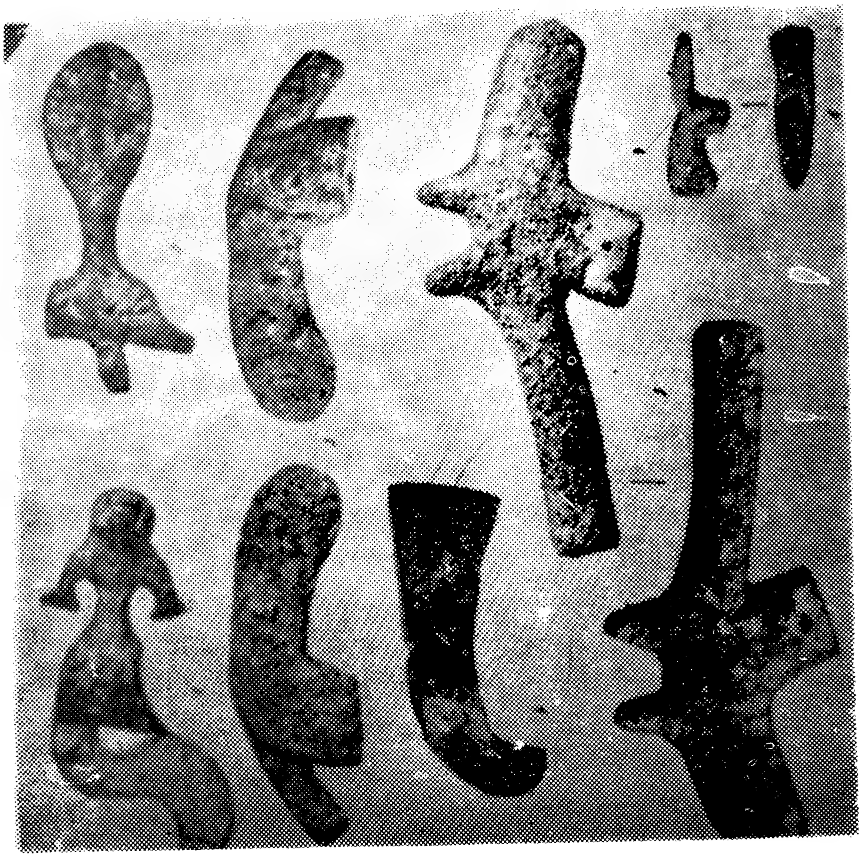

آثار مکشو فه دشلی تپه (عصر برونز)

طولانی در شمال شرق به حیـات خود ادامه داده‌اند .طور ی که‌گنجینه فلول باآثار مکشو فه از قبور مالیك مقایسه گردید (۲۰۶) که مربو طبه آغاز دو هزار قبل از میلاد می‌باشد ودرینجا نیز مد ت طولا نی‌مشابه دیده می شود که این انگیزه ها در صنعت افغا ن وایران زنده مانده‌اند.

درآثاری که‌به طور غیر قانو نی از قبور بدست‌آمده‌اند میخهـا ی دیده می‌شود که‌سرهای شا ن بشکل پرنده ها ،بز ها ،گوسفند های‌کوهی ودریك حالت گاو ماده باچوچه اش مجسم شده است.

میخ دیگری از سطح بالا یی تپه دشلی ـ۳ـ بدست آمد که از میله تهیه‌شده که‌یك انجام آن ضخیم و در انجام دیگرآ ن دو گوسفنـد نشسته مجسم شده است. بصورت عموم(ضخیم بودن یك انجام) این میخ از همه او لتر میخ رابه خا طر می‌آورد که ازطبقا ت حصار سو م (۲۰۷) بدست آمده ودرسر آن‌تجسم حیوانی به ملاحظه میرسد . ازطرف دیگر شبا هت آن با میخهای دیده‌می شود که درسر آنهاکله دو حیوا ن مجسم شده و از وادی هند کشـف شده اند (۲۰۸).

واضح است ، میخها ی که‌دارای سر های به‌شکل حیوا نی مـی باشند در آسیای نزدیك (میزوپو ـ تا می ،جنوب غرب ایران، میکین و آسیای نزدیك)(۲۰۹)موارد استعمال زیاد داشته اند، اما در سیا لـك وگیا ن هیچ‌وجود ندارند .لاکن در شمال‌شرق ایران وجنو ب‌ترکمنستان میخها ی دارای سر های‌حیوا نـی در هـرار دو م قبـل از میلاد مورد استعمال بود ه‌است ،چنا نچه مطابقت آنها را می توا ن‌درانگیزه

های سفا ل منقوش خود منطقه که
مربوط به دوره اینو لیتیک می‌باشد
مشا هده کرد (۲۱۰)

کره ها :

تعداد شان خیلی کم بوده و به
سه نوع تقسیم می شو ند :نو ع‌اولی
که‌زیاد تر موارد استعما ل دا شته
مدورو در قسمت انجا مهای خود باز
می باشند .در آسیای نز د یـــک
وهمچنا ن درایران‌و جنوب‌ترکمنستان
وسیعا مشخص شده انلو درمنطقه
آخر ی به دوره برونز تعلق مـــی
گیرند .با در نظرداشت شکـــل
سا ده آ نها و جود این نوع کره
هامربوط به‌منطقه خا ص شـــر ق
نزدیك نگر دیده اما با آنهم گره‌که
مر بوط به‌سه هزار قبل از میلادمی
گردد واز کره تپه (جنوب تـــر ـ
کمنستا ن) وسو س کشف گردیده
است موجودیت مر کز ایـــران‌ـ
ترکمنستا ن رابه اثبا ت میرساند.
انجام ها ی‌کره نو ع دو می نیزباز
بوده اما خیلی تیز می‌باشد.

کره ها ی ناودانی (نوع سو م)
که‌تاحال صر فـ‌یك‌نمو نه آن‌ازگردی
تپه سا حه دو لت آباد کشف‌گردیده
است این نوع کره ها به تعداد زیاد
در تمام آسیا معمول بوده ز یـــرا
نظریات ارائه گردیده است که این
کره‌هاتحت تاثیر نو ع‌او لی تهیه
شده‌اند (۲۱۱). نمو نه شمـــا ل
افغا نستا ن نشان دهنده موجودیت
هردو نوع کره درسنن تمدن‌کشا‌ـ
ورزی‌قدیم به‌شمار میرود .

درجمله ابزار تزئینا تی انگشتر
نیز شا مل میگردد که‌یك نمو نـــه
آن از قبور کشف گردید . مدو ر
بوده و انجام ها ی آن بهم پیوست
نمی باشند در بعضی‌موا قع دید ه
شد ه‌است که انجام های‌آ ن هـــا
به‌شکل مار پیچ یکی با دیگر ی‌یکنیم
دور تاب خورده است.

ازبررسی تشر یحا ت فوق مـــی
توان چندین نتیجه گرفت در تما م
افغا نستا ن عصر برو نز ازابزار
مشابه کارگر فته شده اما فلزا ت
آن از منابع مختلف استخرا ج مـــی
گردیده است. گرچه جزئیا ت‌سامان
آلات فلزی جن وب افغا نستا ن تا
حال بقدر کافی تشر یح نگردیده
است امابرای شمال افغا نستا ن‌می
توان بایقین کا مل‌گفت که ابزا ر
فلزی شمال افغا نستا ن شا مـــل
مدار ناحیه‌و سیع ذوب فلزا ت‌ایران
وترکمنستا ن می‌گردد(۲۱۲).منطقه
ذوب و استفا ده ازفلزا ت ایرا ن،
ترکمنستا ن به احتما ل قوی ا ز
پنجهزار قبل از میلاد آغازو تـــا
حوا لی دوالی یك هزار قبل ازمیلاد
ادامه داشته که نشان دهنده‌تخنیك
پیشین وحیرت انگیز ذوب فلـــزات
به‌شمار می‌رود وتصور می شود از
نگاه منابع قلعی وارسنیك فقیـــر
بوده‌است.

درواسط دو هزار قبل از میلا د
درشمال افغا نستا ن نا حیه ذ وب
فلزات بمیان می‌آید که تعقیـــب
کننده مر کز ذوب ایران ـ ترکمنستان
شنا خته می شود که البته ازتاثیر
مناطق همجوار تا میزو پوتا می در
امان نمانده است ، وا قعیت که
ذوب فلزات همراه با آمدن قبیلـــه
جدید آغاز یافته است ثابت مـــی
ماند. علاوه برآن بعضی از انـــواغ
ابزار فلز ی که هنوز در منا طـــق
چون شمالشر ق ایران ،جنو ب ـ
آسیای وسطی ، افغا نستا ن، بلو ـ
چستا ن و وادی هند معلوم نبو د
همزما ن به‌و جود می آید که دلیل
آن عملیه‌و سیع پخش سا ما ن‌آلات
فلزی در جنوب غرب آ سیا مـــیـ
باشد . فکر می شود این پدیده ،
تصاد فی نبوده بلکه توسطمهاجر ت
قبیله ها ی همجوار (اگر در تمام
منطقه نبوده) در قسمت و سیـــع
آن‌پخش شده است.

اگر از مرکز ذوب ایـــران‌ـ
تر کمنستا ن وابزار تهیه شده آن
بگذریم می‌بینیم که ابزار فلز ی ،
تهیه‌شده شمال افغانستا ن‌درارتباط
باجزئیا ت مناسبا ت تولیدی پیش
رفته تر مشخص گردیده است ،
چنانچه داسها ی دندانه داروبعضی
دیگر از انواع ابزار ، به حد کا فی
دقیق تهیه‌شده اند .رویهمر فتـــه
ناحیه ذوب فلزات شمال افغا نستان
در انتخاب انواع ابزار ، ابزاررزمی
وزیورا ت یکی از مراکز مهم‌و پیش
رفته جهان شر ق باستا ن به‌شمار
می‌رود و تنها غیابت منابع بهتـــر
سنگهای معد نی وپذ یر فتن مقدار
زیاد قلعی وارسنیك مانع ریخـــت
بهتر برونز می گردید که به‌صورت
واضح دارای اهمیت خا صی‌بـــر
ابزار مسی می‌باشد .

(ادامه‌دارد)

ماخذ:

131) Casal J.M. Fullies de Mundigak.. Fig, 40, No. 23.

خاطر نشان میگردد که شبیه
این‌نوع نوك‌های نیزه درآثـــار
بدست آمده ازکاوشهای غیـــر
قانونی قبور شمال افغا نستـــان
نیز دیده میشود .

۱۳۲ـ همان نشریه ،تصویـــر
۱۳۹، شماره ۹و۱۰ .

۱۳۳ـ همان نشریه تصو یـــر
۱۳۹،شماره ـ۴و۱۸ ، تصویـــر
۱۴۰ـشماره ۱۹و ۲۰

۱۳۴ـ ان.ان .تیری خو فـــه
محصولات فلزی کشاورزان قدیم
ترکمنستان درکتاب شرح مختصر
تخنیك قدیم محصولات مســـکو
۱۹۷۵ صفحه ۴۱

۱۳۵ـ ان.ان. تیری خوفه .
محصولات فلزی..صفحه ۳۴ـ۳۸

۱۳۶ـ ای.ای. کوزمیـــنه.
افزار فلزی دوره اینو لیتیك و
برونز آسیای وسطی نـتا یـــج

تحقیقات باستانشنا ســـی سال ۱۹۶۶ .

137) Casal J.M. Fouilles de Mundigak., V.I.P. 107; V.II, Fig. 139 No; 10. 10 a;

۱۳۸ ـای ای . کوز میـــنه. ابزار فلزی.. صفحه ۹۰

۱۳۹ـ ا.ا. اسکروف سپا لی تپه،صفحه ۹۲جدول ۲۵

۱۴۰ ـ ای.ای. کوزمینه. ابزار فلزی صفحه ۹۰

141) Schmidt E. Excavation at Tepe-Hissar. P. 205, Fig. 120.

۱۴۲ـ و.ا. سریا نید ی، باختر درعصر برونز، صفحه ۶۸۰

۱۴۳ ـای.مدکی تاریخ بعدی را گذاشته استچنانچه تبرمعمولی راازعمق یکنیم متراز سطح تپهموهنجو داروپیدا نموده بودند

(Mackay E. Further Excavation at Mohenjo-Dara,)
(Dehli. 1937, V.I.P. 457; V.II, pl. CXX, No. 27).

144) Wheeller R. The Indus Civilization. Cambaridge. 1968. P. 126-134.

۱۴۵ـ ا.و. وینو گـــرادوف .ای .ای کــوز میـــنه فــو رم هـــا ی ر یـــخــت از لـیا و لیاکانه باستا نشناسی شورو ی سال ۱۹۷۰ شماره ۲صفحه۱۳۰

146) Michael H. N. Ralph E.K. Dating Techniques for the Archaeologist Cambridge-London. 1971.

147) Bovington C., Dayson R., Mahdivi A; Masoumi M. The Radiocarbon Evidence for The Terminal Date of Hissar - 14 C culture.

"Iran" 1974, V. XXI. P. 195-198.

148) Casal J.M. Fuilles de Mundigak., VII. Fig. 139. No. 9.

149) Heinrich E. Fara, Berlin. 1931. p. 88, Fig 49. pl. 39; Schaefer C.F. Stratigraphie Comparce. London. 1968, Fig. 90.9

150) Schmidt E. Excavation of Tepe-Hissar. p. 205.

151) Arne T.J. Excavation at Shah-Tepe, p. 305. Fig. 603.

152) Ghirshman R. Fouilles de Sialk. Paris 1938. V. II, p. 47, pl. XCIII.

۱۵۳ـ ای.ی. کوزمینه. ابزار فلزی ....صفحه ۱۴

154) Parrot A. Le Palais, paris. 1959, Fig. 65. No. 733. 933.

155) CP: Vanden Berghe L. La Necropole de Bani-Surmah "Archeologia". 1968. No. 24, p. 58.

156) Contenau G.. Ghirshman R. Fouilles..., 1935, pl. v. No. 4.

157) Schmidt E. Persopolis II, pl. 80. No. I.

158) Casal J.M. Fouilles de Mundigak..., Fig. 139, No. 3; Fig 140. N. 30.

۱۵۹ـ ای.ای. کوزمینه ابزار فلزی جدول ۸ـ۱۰

1601 Pumelly R. Exploration..., V.I pl 39.

161) Ghirshman R. Foulles de Sialk.... p. pl. II.

162) Deshays J. Les Outils de bronze de L'Indus an Danube, V. I-II. Paris, 1969. pl. XVI. XI VII.

163) Bode C.A. Ona Recently opened tumalus in The neighbourhood of Asterabad Archaeologia. V XXX 1844; Ghirsman R. Fouilles de Sialk. V. II. Paris. 1939, pl. LVII.

164) Ghirsman R. Fouilles... pl XXIV, No. 10.

165) Ghirshman R. Fouilles... pl. XXIII. No. 4; pl. XXIV, No.I pl. XXVII, No. 4, XXIX. No. 8.

166) Deshayes I. Les outils.... V.I.p. 311; V. 11. p. 141-143

۱۶۷ـ ا.ام. ماندلشـــتام.یاد گار های عصر برونز جنـــو ب ترکـــمنستان (آثار وتحقیقا ت باستانشناسی شوروی) ۱۹۶۸ شماره ـ۱۴۵ـ جدول ۷،۴ و۸

۱۶۸ـ همان نشریه

۱۶۹ـ همان نشریه جـدول ـ۴ـ۷

170) Schmidt E. Archaeological Excavation in Anau and Oid Merv. In: Exploration in Turkestan, V.I. Washington. 1965, pl, 153. pl. 39.

۱۷۱ـ ای.ای.کوزمینه .ابزار فلزی صفحه ۵۰جدول ۱۰ شماره ۵و۸

172) Deshayes I. L'outil..., p. 141-143.

173) Casal J.M. Fouilles de Mundigak.... Fig. 139,17.

174) Schmidt E. Archaeological Excavations..., pl. LIV. 3192.

۱۷۵ـ ا.ا. اسکر وف . سپالی تپه جدول ۲۵ ،۱۵،۱۶

۱۷۶ـ مندشتام .ا.ام. یـادگار های ...جدول ۵،۸

۱۷۷ـ و.ا. سریا نید ی .یـاد گار هایاواخر اینولیت جنـــوب شرق ترکمنستان (نتایج‌تحقیقات باستانشناسی)۱۹۶۵ صفحه۴۰

۱۷۸ـ ای.ای.کوزمینه. ابزار فلزی ..صفحه ۶۷ـ۶۸

179) Ghirshman R. Fouilles de Sialk..., pl. XXIX. No. 8.

180) Vauden-Berghe L. La Necropole.... p. 45.

181) Stein A. An Archaeological Tur... pl. XXXII.

۱۸۲ـ ۱.۱. اسکروف. سپالی تپه جدول ۲۵و۱۴ .

183) Piggott S. Prehistoric...,p 144. 146 fig. 11.

184) Godard A. Les Bronzes du Luristan-In: Ars Asiatica. V.XXIII. Paris, 1931. pl. XXXII. No. 141; pl. 157; Auden-Berghe L. La Necropole...

۱۸۵– ا.ا. اسکروف .سپالی تپه جدو ل ۲۵، ۱–۷ .

186) Schmidt E. Archaeological Excavation..., pl. LVII, No. 34-97, No. 4014.

187) Mackay E. Chanhi-Daro..., pl. LXXVI. 32; Marshall L. Mohenjo-Daro and Indus civilization. V.I. London. 1931, pl. CXL. 16.

۱۸۸– ای.ای. کوزمینه ابزار فلزی صفحه ٦۷ .

۱۸۹– همان نشریه صفحه٦٦

190) Khan F. A. The Indus valley and Early Iran. Karachi 1969, pl. XLVII, No. 5.

۱۹۱– ا.ا. اسکروف. سپالی تپه صفحه ۸٤جدول ۲۵،۷

192) Mackay E. Chanhi-Daro... p. 177;pl. LXXIII; LXXV. 6.

۱۹۳– ا.ام. ماندلشتام. یـاد گار های... صفحه ۸٤در ارتباط باخصوصیت بوتلها ومیخ های وادی هند وشمال شرق ایران.اف .خان آنهارا ضمیمه بالـوا سطه تعریف نموده ونظردارد که جهت سرمه نمودن چشمها ازآنها کـار گرفته شده است.

Khan F.A. The Indus valley..., p.

F. A. The Indus Valley..., p. 35 36. fig. 4, pl. XLVII.

194) Casal• J.M. Fouilles de Mundigak.... fig. 140. 20.

195) Schmidt e. Archaeological Excavation; pl. III, No. 1856, 2746.

196) Arne T.J. Excavation at Shah-Tepe..., p. 298.

197) Pumpelly R. Exploration ..., fig. 269.

198) Schmidt E. Archeological Excavation..., pl. LIII No. 3141.

199) Casal J.M. Fouilles de Mundigak.... fig. 139.4. 18.

۲۰۰– تاریخگذاری خیلی قبل (اواسط سه‌هزار قبل از میلاد) که‌ایجاب تحقیق بیشتر رامینماید (ای.ای. کوزمین ابزار فـلزی. ...، صفحه ۷۸–۷۹)

201) Schmidt E. Archeological Excavation..., pl. XXIX, No. 4856.

202) Mackay E. Chanhi-Daro .... p. 195; Piggott S. Notes on certain Pins and Machead from Marappa.-"Ancient India", 1947-1948, No. 4. p. 26-32.

۲۰۳– ا.ا، اسکروف ،سپالی تپه ،صفحه ۹۸جدول۲٦، ۲۲،۲۳

۲۰٤ – ای. ای کوز مینه،ابزآر فلزی،،، جدول ۱٦،۱۲ ،

205) Contenay G., Ghirshman R. Fouillse.... p. 35-36. pl. 31. 8.

206) Dupree L., Goin ph., Omer No. The Khash-Tapa Hoard from North Afghanistan-"Archaeology". 1971, t. XXIV, No. I, p. 32-34.

207) Schmidt E. Archaelogical Excavation.... pl. XLVI. XLVIII.

208) Mackay E. Further Excavation at Mohenjo-Daro. New Dehil. 1937, pl. c, No. 3.

۲۰۹– جهت معلومات مزیـــد دیده شود:

(Khan F.A. Indus Valley..., p. 37.)

210) Sorianidi V.I. the Most ancient Art of South Turkmenia and The Iranian Parallel.-In: The Memorial volume of the International Congress of Iranian Art and Archaeology, V.II. Teghran. 1972. p. 389.

T?Jn v cmfwyp etaoi mhti

۲۱۱– ای،ای،کوزمینه، ابزار فلزی ،،،، صفحه ۷۱،

۲۱۲– براساس آثار ریدانی معلوم میشود که‌در درجـــه اول شمال شرق ایران ویابشکل وسیع آن خرا سان ایران بشمار میرود.

نویسند گا ن : لــو یــز دوپری،فیلب گوین ونجیب الله عمر
مترجم : عبدالواسع فیروزی

گنجینه خوش تپه شمال افغانستان

درسپتمبر ۱۹۶۶ یك گنجینه غیر قابل تصور ظروف طلائی ونقره ئی نزدیك قریه سای هزاره (منطقه برقا) واقع شرق بغلان (۱۳ر۳۶درجه عرض شمال و۴۶ر۶۸ درجه طول شرق) کشف گردید . ساحه مذکور تپه کوچك خاکریزه یست که هفت متر ارتفاع داشته و مساحت آن۱۴در۱۸ متر میباشد . خوش تپه یا«خوشحال تپه» به شمال گذرگاه خاواك موقعیت داشته ویکی از هزاران تپه کو چك مشابهی از جلگه ها ودره های افغا نستان محسوب میشود .

چگونگی دقیق این مکشوفه شاید هرگز فهمیده نشود،اما ممکن است دهقانهای محل مواد یا آثارمذکوررا حین کندن خاك تپه وانتقال آن جهت تقویه مزارع بدست آورده باشند. ویك چنین عملی که سالانه بطور عام صورت میگرفت در نتیجه باعث کشف تصادفی وخر ابی بسیاری از آثار گرانمایه باستانی شده است . دهقانان محل مواد یا آثار مذکور را معمولا هنگامیکه مردم قریه یك چنین گنجینه ای را بدست می آوردند آنها ظروف آنرا قطع نموده وفلـزات گرابهای آنرا به زرگر هـا و نقره فرو شان بازار های نزدیك بفروش میر سا نیدند .

بعد از کشف مذکور هیئاتی جهت مطا لعه گنجینه از مو زیم کـابـل به سای هزاره سفر نمود این گنجینه شا مل پنج ظرف طلائی و۱۲ ظرف نقره ئی است که تقریبا همه شکسته ناقص وپارچه پارچه اند. وزن آثار طلائی بین ٤و٥ پوند واز نقره ئـی بین ۲و۳ پوند میباشد .

هیئـ ت دو تر نج را در خوش تپه حفریات کرد که اولی بطول هشت متر وعرض یك ویکنیم متر و دومی بطول ۱۲ متر عرض یك ویکنیم متر بود . در ترنج دومی موصوف یـك قبر را به عمق یك ویکنیم متر بـا ز کرد که در آن اسکلت (استخوانها) به حالت نشته طوری قرار داشـت که بازوان بالای سینه قرار گرفته بود وجمجمه سالم بوده بحالت سرچپه قرار داشت دو سنگ عمودی بزرگ به طرف چپ وراست اسکلت بشکل استاده دیده میشد .یك قشرخاکستر در قسمت پائین قبر بمشاهده رسیده و نظر به گفتارهیئات شواهدتیکر و سفال ازین دو ترنج متذکره بدست نیامده است. بزودی بعداز بازگشت به کابل یك هیئات با ستا نشنا سـی فرانسه در افغا نستان به سرگردگی پاول بر نارد همراه بانماینده افغانی ازین ساحه دیدن نموده و نه تنهـا از خوش تپه بلکه از چندین سا حـه دیگر نیز باز دید بعمل آوردنـد ضمنا بر نارد او لین کسی بود که خصو صیات ما قبل التاریخی ایـن گنجینه را تشخیص داد .

پیش از اینکه از مبحث متذکره نتیجه گیری بعمل آوریم لازم میافتد تا یاد آور شویم که قریه سای هزاره بین معادن لاجورد بدخشان واراضی حاصل خیز تر کستان موقعیت دارد و از آن چنین استنباط میشود که این ناحیه بگمان اغلب در نزدیك شاهراه بزرگ تجارتی قرار داشته است که مربوط هزاره سوم پیش از میلاد بوده واین تاریخیست که ازعهدزیست در قسمتی از خوش تپه نیز حکایت میکند .در سال ۱۹۶۸ به لوئی دو پری اجازه داده شد تا از این آثار عکس بر داری نماید. در بهار۱۹۲۹ دو پری سلاید های رنگه این آثار را در سمینـار یکـــه تحت عنو ا ن

(باستا نشناسی مدیترانه شرقی ، اروپای شرقی و شرق میانه) زیر نظر پرو فیســور (یتی‌اورادا) در پوهنتون کولمبیا دایر شده بـود. به نمایش گذاشت عکس های‌مذکور مورد دلچسپی زیاد شاملین‌سیمینار قرار گرفته وفیصله بعمل آمـد تـا عکس های مذکور طبع گردیده وبه اختیار دانشمندان وعلا قمندان‌قرار داده شود، ازطریق آن پیرا مـو ن تاریخ وکر ونو لوژی منطقه‌تحقیقاتی صورت گیرد . در ین مقاله سعـی بعمل آمده است تا بیشتر فوتوهای آثار کشف شده تقدیم خوانندگا ن گردد، البته‌مطالب‌نشر شده‌پیرامون آنهـا نا چیز بوده و جـوابگـو ی نیاز مندی کا مل‌در زمینه‌نمی باشد.

جهت تشریح مقد ما تی خویشس ظروف را ازنقطه نظر استعمال مواد و روش ها ئیکه در تز ئینا ت بکار رفته است به چندین دسته تقسیم نموده ایم . دسته اول عبار تاند از ظـروف طـلائـی زرد کـمر نگـک (شکل ۱ـ۳) دستـه دوم ظـرو ف طلائی زرد خالص ، که شایدنسبت به ظروف طلائی زرد کمر نگک ازطلای خالص ساخته‌شده باشد(شکل۴و۵) و سومی عبارت انداز ظروف‌نقره‌ئی است (شکل ۶ـ۱۷) . دسته سومی به اجزای‌دیگری منقسم گردیده‌است : ظرف هائیکـه دارای تز ئینـا ت داخلی و خارجی است(از۶تا۸) . ظرف هائیکه تنها دارای تزئینـات دا خلی است (از ۹ الی ۱۲)و ظروف ساده (از ۱۳ الی ۱۷) .

پر مایکی گنجینه خو ش تپـه و تر کیب اصل ها یا موتیف هـا ی هندی ، ایرانی و بین النهرینی آن احتمالا تاریخ آنرا به دوره تجا رت سنگک لاجورد وانمود میسازد ایـن گنجینه در حدود یك صد میل‌دور از معدن معـروف سنگـک لاجـورد بد خشا ن‌کشف شده است.دردوره مهم آن ختم هزاره دوم‌قبل از میلاد (در حدود ۱۳۵۰و ازاواسطدالی‌ختم هزاره سوم‌قبل‌از میلادبوده‌است » طوریکه این مطلب را ج، هرمن در مقاله اش تحت‌عنوان «سنگک‌لاجورد :نخسین مراحـل تـجـارت آ ن » در نشر یه عراق شمـاره۳۰ ســال ۱۹۶۸ صفحه ۱۱ الی ۵۷ گزار ش داده است .

چو نکه از چگو نگی کشف‌گنجینه خوش تپه ما صرفا کلمه روستائیان محلی را داریم که تمام آثار ازیك‌تپه بدست آمده‌است اینکه‌آثاریافت‌شده از چنـــد یـــن تـپـــه آور ده شده باشد امکا ن حداقل دو دوره را غیر محتمل به نظر می رسا ند مخصوصا در روشنائی‌سبك‌وستایل های مشخص که‌نشانداده‌شده است

نمونه ها میتواند عموما (وبطور آزمایش) توسط مشخصات یا سبك های عمده وبرجسته قبل التاریخی ذیل مشخص شوند : بین النهر ین (ظروف شماره ۲،۴،۱۱،۱۲،۱۴ و ۱۶) هندی (ظروف شمـاره ۷،۸، ۱۳و۱۷) ایرانی(ظروف شماره۵و۹)

و چا لکو لتیـک آسیای مـرکـزی (ظروف شماره ۱ـ ٦و۲۰).

در بسیاری آثار تشا بــهــات بخصوصی ملاحظ میشوند چنا نچه گیلاس پایه دار طلائی شماره (۱) وجام نقرهٔئی یا پارچه هــای پیالــه شماره (٦) تزئیناتی دارند کــه از نمونه های‌ده موراسی وچا لکولتیك مند یگك اقتباس شده طوریکه این مطلب را لوئی دو پری در مقاله‌تحت عنوانی (ذب‌موراسی‌غندی) وچالکو- لتیك۱۹۳٦ ـرنیویارك وج،م،کسل‌در (فرلیس دمندیگـك) ســال ۱۹٦۱ درپاریس گزارش داده اند ا خیــرا (تاریخگذ اری کاربن ١٤، پـ۱٤۹۳

لابرا توار رادیو کار بن ،دآنـشگاه پنسلو انیا) برای اوج دوره دو م موراسـی حدود ۲۵۹۷ ق،م جمـع ۵۵ سال را تعیین نموده است .

بر علاوه اشکال گاوریش‌دار(٤) و پیاله طلائی ساده (۳) بـــه «اور» شباهت دارد و حلقه‌ها وپیچ وتا ب های تنه گاو ریش دار نسبتا مشابه به آن حیوانا تیست که در سوسه کنده کاری شده وتاریخ آنها تقریبا به اوایل هزاره دوم قبل از میـلا د

میرسد و جام طلائی مارلك که‌بتاریخ تقریبی آن بین۱۲۰۰ الی ۱۰۰۰قبل از میلاد میباشد .(مشاهـده م،ج ، سیتو ، «سوسه: کشفیـات اخیــر ار کو پولیس» تحقیقات با ستا ن شنا سی (۱۹٦۸) صفحه ۱۳۰ـ۱٤٤ و ای ، او ، نگهبان «مارلك» هما ن شماره صفحه ۵۹ـ٦۲) قسمت د م بسیاری ازگاوها (٤،۷،۸)تشابهاتی به وادی سند و همچـــــنان بــه لور ستا ن دارند .

مر تیف های جام طلائی با اشکال گراز (۵) تقریباء به صفحات طلائی

هخا منشی پرسی پولیس‌مخصوصا آن قسمت بر جسته کار یهای‌طلاکه در کناره یا لب صورت کمی‌شباهت دارد .لیکن‌گراز جام شبا هت‌نزدیکی به ستایل های مارلـك و کـالوراز مربوط به اواخر دوم اوایل هــزاره اول ق،م شمال ایران دارد .

با در نظر داشت منابــع دســت داشته درمجموع‌میتوان گفت‌که‌تاریخ گنجینه خوش تپه مر بوطبـه۱۳۵۰ ق،م و یا ۲۵۰۰ قبل از میــلاد می باشد و یا در صورتیکه آثــار مکشوفه از تپه های مختلف بد ست آمده باشد هر دو تاریخ فوق‌الذکر صدق می نما ید یعنی یك تاریخ‌برای یك بخشس و تاریخ دیگــر بــرای بخشس دیگر . بهر حال بیك تحلیل کامل ونتیجه آخری و مثبت زمانــی دست یازیده میتوا نیم که‌مطالعا ت مقا یسوی خویشس را با در نظــر داشت جز ئیات مو ضوع در زمینه

بسر بر سانیم . آنچه درین مطا لعه و ارز یابی مهم تلقی میشود تحلیل و تجز یه همه جانبه سبك و خصو- صیات تز ئینات گنجینه خوش تپه میباشد در حالیکــه در قــدم او ل تشخیص و یژه گیهای گفته شده امر یست مهم و نه آسان . زیــرا این ویژه گیهای ازیك شیوه‌مشخص خود آثار منشاء میگیرد .

شرح اشکال ظروف
ظر ف اول :

دو منظره ورسم گیلاس پایه‌دار طلائی زرد کمرنگ یا پیاله . دسته آن شکسته و همراه نقره باقسمت بدن گیلاس لحیم گردیده اســت . تز ئینات یا دیزاین های نا منظم هندسی بالای بدنه ظرف که‌باروش خاصی نقشس گردیده و به صو رت منظم با بر جستگی های خفیف‌بخش بخشس شده است .

ظر ف دوم :

گیلاس پایه داریا کعب دارطلائی زرد کمرنگ کـه در آن اشکـال و تصاویر مار ها شکل متموج وخشن نقش گردیده است .البته تصاویر مار ها بعضاء در ظروف در هـزاره سوم و دوم قبل از میلادیدر وادی سند بین النهرین، سوریه وایرا ن نقش میگردید . ستاره هشت ر خ (گوشه) و کر گس پرنده ما ننداین گنجینه بی نظیر هست .افزارنوکدار گند شاید جهت تزئین روی بـد ن مارها با نقاط استعمال شده باشد.

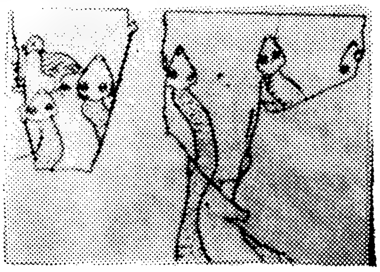

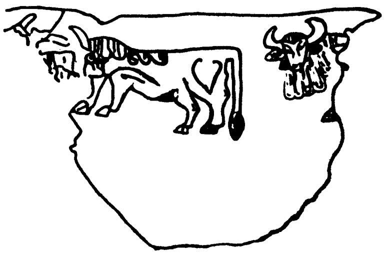

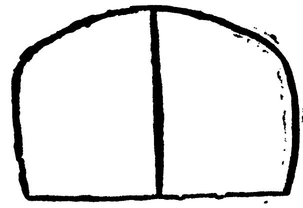

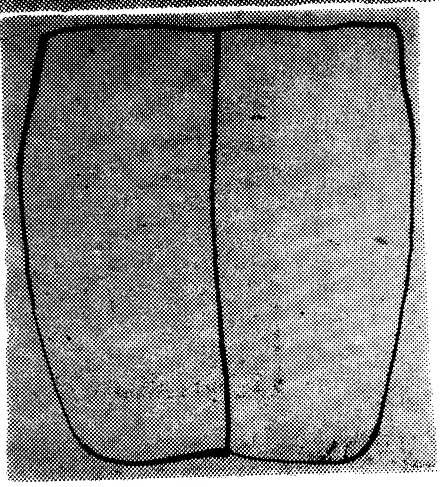

ظرف سوم :

پیاله طلایی زردکمر نگ‌غیر تزییـن (ساده) که نسبت به ظرف‌اول‌ودوم از طلای نسبتاء عالی ساخته شده ظامراء با پیاله طلائی که از آرامگاه سلطنتی(اور) بدست آمده یکسا ن است .

ظرف چهادم :

جام طلائی زرد کو چك كه‌قاعده آن مدور است . گاوریشں دار بـا دقت خاصی شده است . مخصوصا جزئیات ریش وحلقه‌ها یاطره های بدن آن . تزئینات سایر حصص کمی بر جسته است .

ظرف پنجم :

جام طلائی زرد بزرگـک دارا ی پروفیل تقریباء مربع شکل که‌درآن دو گراز بواسط برگ درخت شکل از هم جدا شده تزئین گردیده‌است. واز آن صرفاء يك گراز خوب‌وبطور کامل از خوابی نگهـدار ی شـده گراز ، درخت و تزئینات کناره هـا

تصویر ظرف پنجم

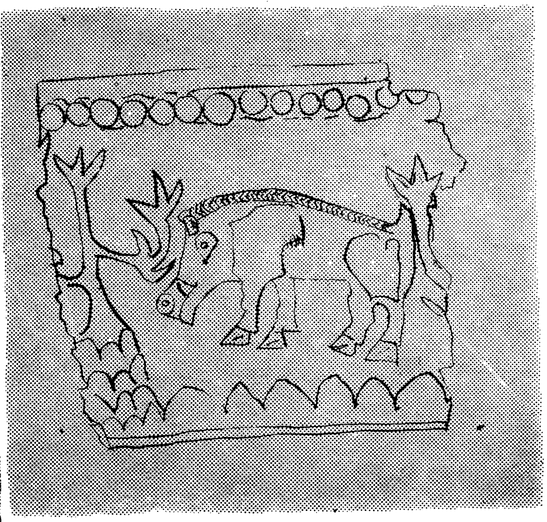

و قلم زنی سایر حصص نسبتاً برجستگی بیشتر داشته وسایرآن توسط افزار نوکدار تیز صورت گرفته باشد .

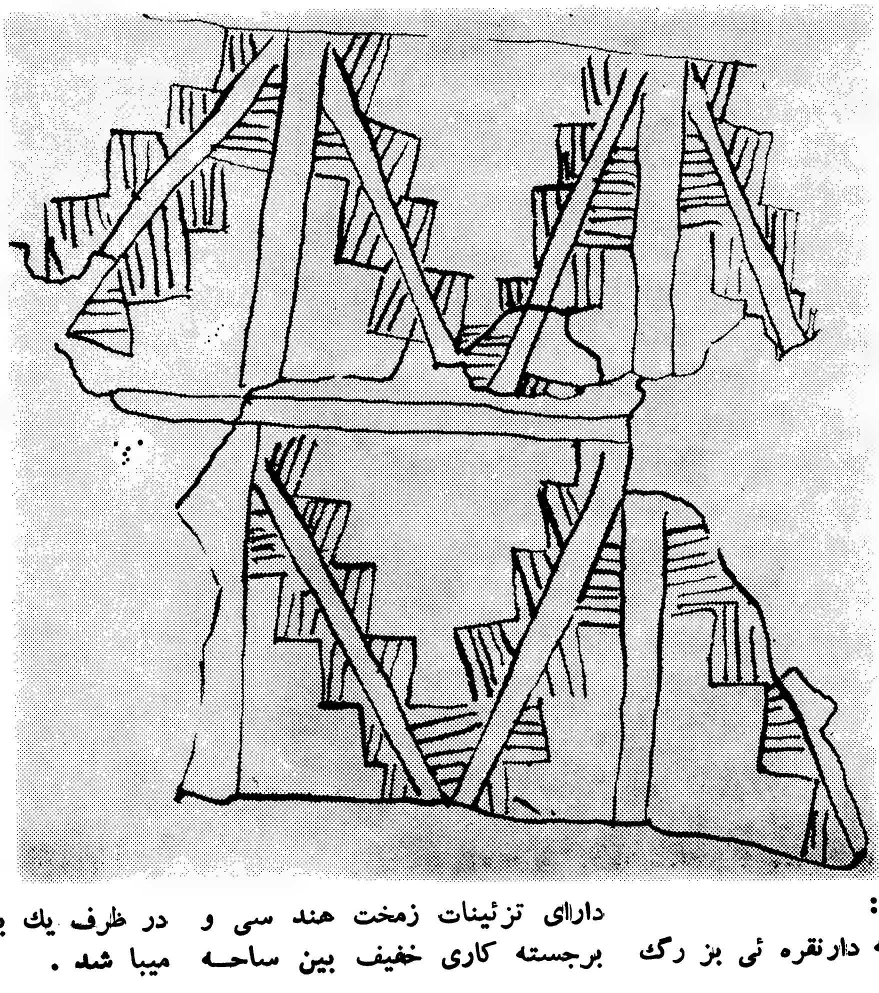

رسم ظرف ششم

ظرف ششم : دارای تزئینات زمخت هند سی و در ظرف یك بكار رفته یكسان
گیلاس پایه دارنقره ئی بز رگ برجسته کاری خفیف بین ساحه میبا شد .

ظرف هفتم :

جام نقره ئی بزرگ که بانقوش گاو ها که بواسط درخت خـــرما (درخت زندگی ؟) جدا گردیده تزئین شده است. در هریك از دو طـرف درخت سه گاو بنظر میرسد .ریزه کاری های عمومی و جز ئیات (حلقه های زیرین) شاید بو اسـط نو کدار ضخیم کند کنده کاری شده اما قسمت سر ها ی گاو و در خت بسیار ظریف ونفیس کار شدهاست گاو ها که متهور رانه ایستاده انـد

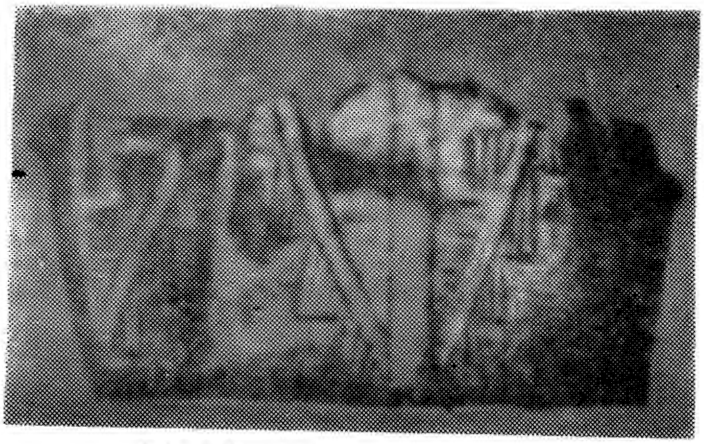

تصویر ظرف ششم

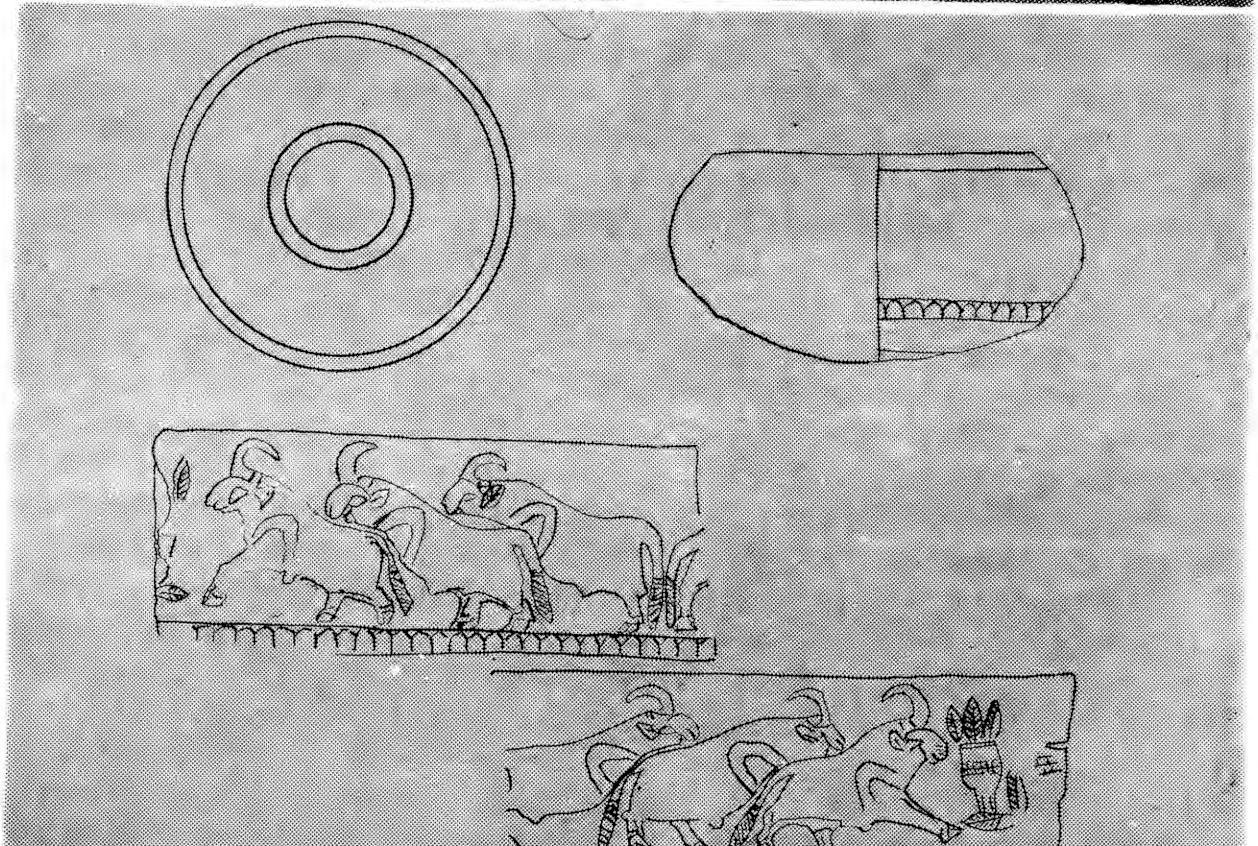

بطور بر جسته در آورد شد وتخنیك تزئینی آن مقایسه با ظرف(٥) میشود . اما سبك آن ظاهرابه هندی می ماند تا بین النهرین .

ظرف هشتم :

یکی از دو ظرف بسیار نفیس این گنجینه میبا شد (البته ظرف دیگر آن ظرف چهارم است) . این جام کو چك نقره ئی که بطورظریف کنده کاری و بر جسته کاری شده مخصوصا در قسمت قالب بدن شانه ها وسم های گاوها بسیارنفیس کارشده.دو جوره گاو مقابل یکدیگرقراردارند و هر یك ازین جوره ها توسط

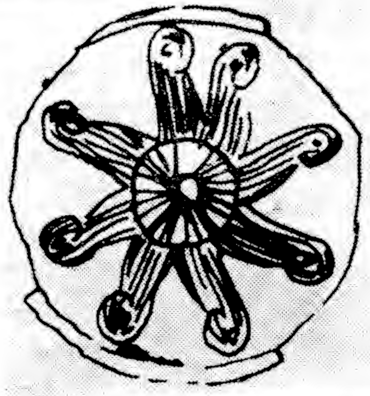

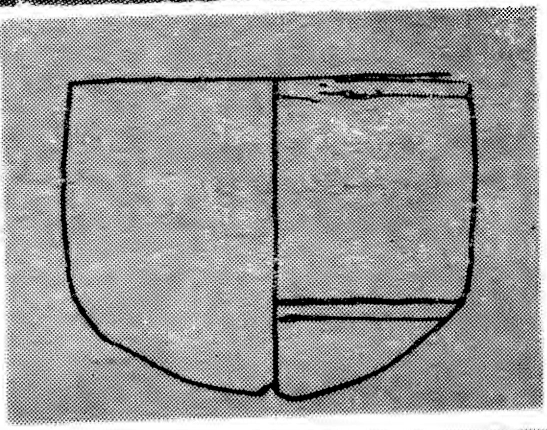

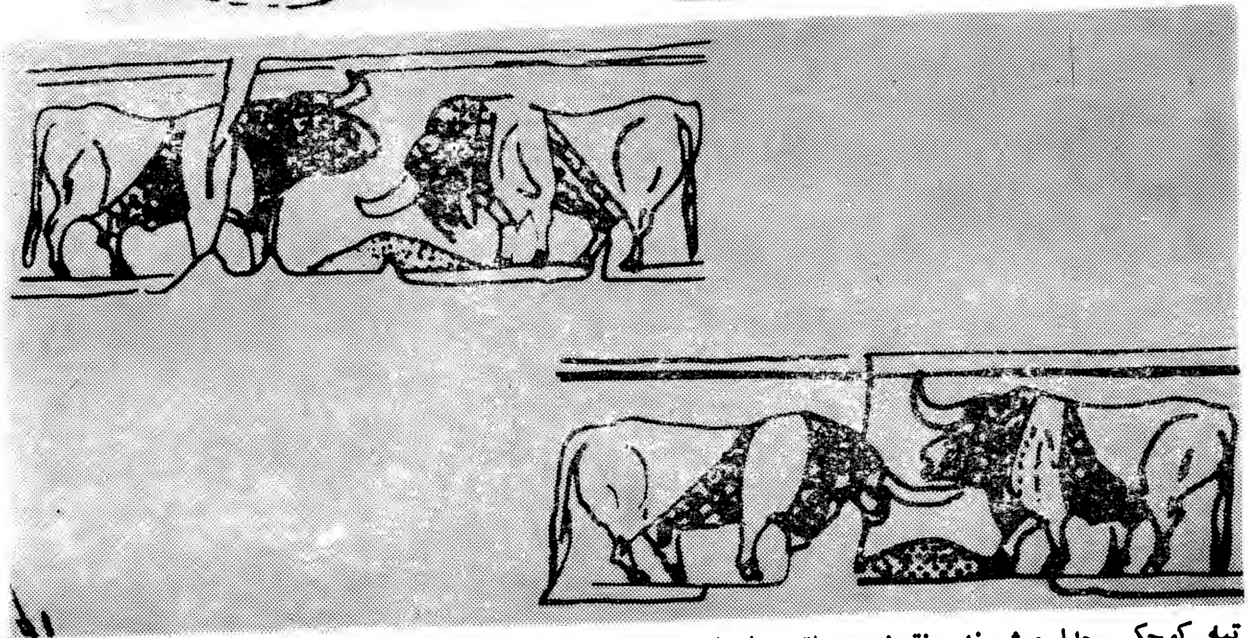

تپه کوچکی جدا میشوند .نقوش حلقه ها یا پیچ وتاب های گردن ،شانه و پهلوی گاو ها شاید سبك ایرانی هندی شده ای ظرف ٤ راوانمود سازد.قاعده مدور آن باهشت بازو (به شکل ستاره ؟)که از یك دایره مرکزی ناشی شده بر جسته کاری شده است .

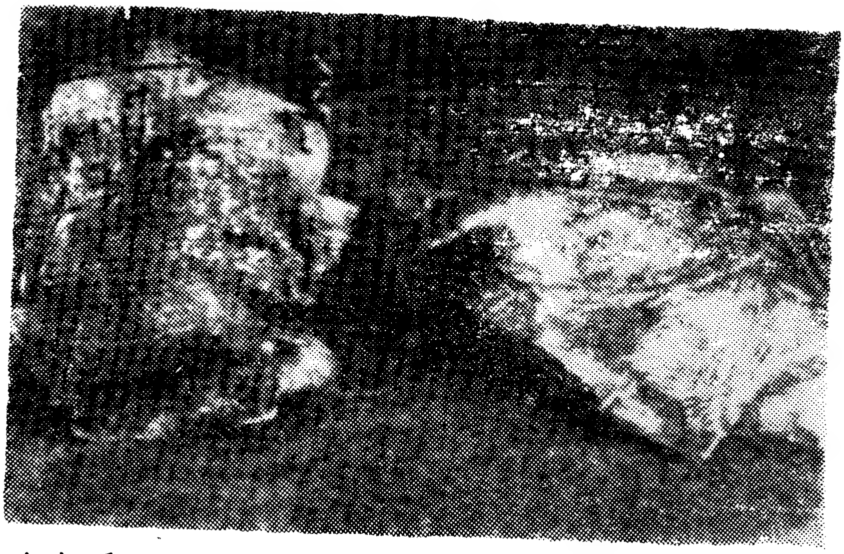

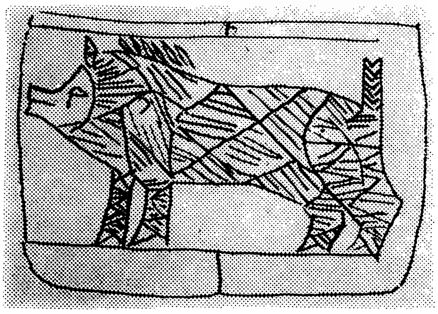

ظرف نهم :

جام نقره ئی کوچك که با سه گراز یکه رخ همه آنها بطرف راست بوده و یکدیگر را تعقیب مینما نید تز ئین شده است .اشکال غیرجازده شده . در بدن بشکل خطوطمتقاطع و چند بخشس حك گردیده است .

نو عیت حکاکی و کنده کاری یاقلم زنی در آن بشکل کاریست که در ظرف اول صورت گرفته .بسیار ی مثال های سنگ صابو ن ایرا نی با دیزاین های مشابه حك شده بدن دیده میشود .

ترسیم ظرف دهم الف :

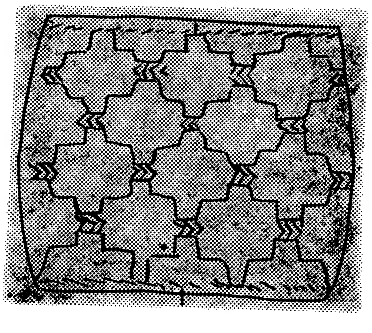

یك جام کوچك نقره ئی است با اشکال هندسی ناقص (طرح دار)که تخنیك آن شبیه ظرف۹ میباشد .

و از چندین پارچه های کوچك است که دو باره آنها ترمیم شده نتوانستند ، اما معلوم میشود که یك قسمت آن سم گاو ویا قچ بوده است .

ظرف دو ازدهم :

پارچه گیلاس کعب دار نقره ئی (؟) است که تصاویر گوزن ذرآن حك شده . تصاویر ظروف ۱۳ ، ۱٤ ، ۱۷ تماما جام های غیر تزئینی

است .ظرف ۱۷ از نقطه نظر تخنیك سا ختمان شبیه ظرف ۱٤ میباشد. اما صرف قسمتی ازبدنه آن باقیمانده که ترمیم مکمل آن غیرممکن میباشد. آنچه که ترمیم شده است نشانمیدهد که قسمت وسطی ظرف غیر مهیابوده است .

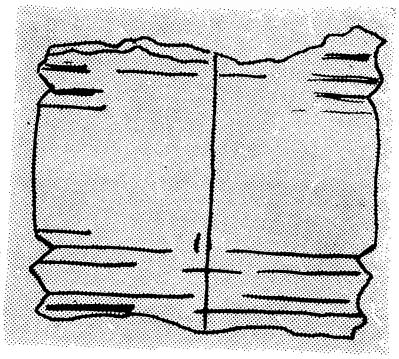

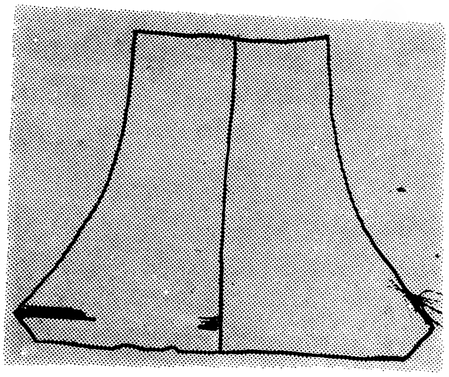

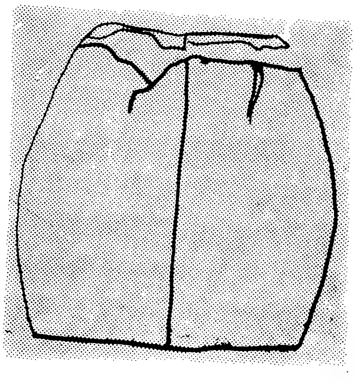

ظرف ۱۵و۱٦ (توصیح نگردیده است)دارای عین پر وفیل یا نیمر خ های مشا به ظرف ۱٤ میباشد .

ظرف ۱۱ در اینجا تشریح نگردیده

تبصره :

اندازه های جدا گانه ظروف برای کسانیکه دلچسپی دارند ذیلا ترتیب گردیده است . باید یاد آور شدکه بسیاری اندازه ها تقریبی است .زیرا با در نظر داشت طبیعت پارچه های این نمونه ها گرفته شده است.

ظرف اول :

قطر دهن آن (تماما اندازه گیری هااز قطر دهن میباشند) ٩ر٥ سانتی متر. ارتفاع از نقشه ٨ سانتی متر.

ظرف دوم :

ارتفاع پارچه وسطی در تصویر چپ ٨ سا نتی متر.

ظرف سوم :

قطر تقریبا ٧ سانتی متر ،قطر تحتانی ٥ر٥ سانتی متر، ار تفا ع ٩ سا نتی متر .

ظرف چهارم :

قطر تقر یبی ٨ سا نتی متر ،ارتفاع ٥ر٥ سا نتی متر .

ظرف پنجم :

ارتفاع ١١ر٥ سانتی متر .

ظرف ششم :

قطر تقر یبی ١٠ سا نتی متر ،ار تفاع تقر یبی ١٢ر٥ سانتی متر.

ظرف هفتم :

قطر تقریبی ١٠ سانتی متر، ارتفاع ٦ سا نتی متر .

ظرف هشتم :

قطر تقریبا ٩ سانتی متر ،ارتفاع تقر یبا ٧ سا نتی متر .

ظرف نهم :

قطر تقر یبا ١٠ سانتی متر ، ارتفاع ٧ سا نتی متر .

ظرف دهم :

قطر تقر بنا ٩ سانتی متر ، ارتفا ع ٨ر٥ سا نتی متر .

ظرف یازدهم :

تشریح نشده است .اندازه گیر ی غیر ممکن است .

ظر ف دو ازدهم :

اندازه گیری غیر ممکن است .

ظر ف سیز دهم :

قطر ٩ سا نتی متر ، ار تفا ع تقر یبی ١٠ سا نتی متر .

ظرف چهار دهم :

قطر ١١ سا نتی متر ، ار تفا ع ٩ر٦ سا نتی متر .

ظرف پا نزدهم وشانزدهم

تو ضیح نشده است ، نیم رخ عموما شبیه ظرف ١٤ .

ظر هفد هم :

ار تفاع پارچه تقریبا ٩ سا نتی متر.

ضمنا این ساحه به تبه فلول ارتباط دا شته است .

نویسنده: ج . ج موجمدار
مترجم : نعیم جیلانزی

پیوسته به‌گذ شته

اهداف باستانشناسی

حفاظت و نگهداری آثار فلزی

۱ـ فلزا ت عمو ما در نتیجه دو عا مل عمده تخر یب میگردند:

الف ـ تخر یب فلزا ت تو سط جریان آب و هوا .

ب ـ بودن آن در زیر خا ك برای مدت‌دوامدار.

۲ـ جلوگیری از تخر یب‌تدریجی فلزات .

۳ـ معاینه مقدماتی نمو نه‌تخریب شده(زنگزده) که از نگاه فز یکـــی اندازه تخر یب رانشان میدهد .

٤ـ میتودها ی نگهداری فلزا ت به‌طور عمو م طریقه های ذ یل رادر بر می‌گیرد.

میتود کیمیاو ی ،طر یقه هـــای میخانیکی، طریقه کیمیاو ی بر قی، طریقه‌ها ی برقی، تخنیك شستـــن وطریقه خشك کردن آثار فلز ی، باستانی .

٥ـ استعما ل طریقه های‌عمو می بالای فلزا ت خالص‌ومرکب.

طریقه های خا ص:

١ ـ حفاظت آثار مسی و فلزا ت مرکب آن.

۲ـحفا ظت آثار طلا یی وفلزات مرکب آن.

۳ـ حفاظت آثار نقره‌ای و فلزات مرکب‌آن.

٤ـ حفاظت آثار سر بی‌و فلزا ت مرکب‌آن.

٥ـ حفاظت آثار جستی وفلزات مرکب‌آن.

٦ـحفاظت آثارآ هنی و فلز ات مرکب‌آنه.

معرفی فلزات :

١ـ فرق بین فلزات و غیر فلزات.

خواص فز یکی عبارت اند از: درخشند گی جریا ن حرار ت‌جریان برق قابلیت چکش خوردن و تورق برق قابلیت چکش خوردن و تورق قابلیت لوله شدن، خا صیت عا لی مخصوص وزن در جه غلظت قدرت صیقل شدن توانا یی انعکا ســـ روشنی قدر ت تولید صدا (دروقت تصادف) وغیره.

خواص کیمیاوی :

اکساید ها عمو ما به اسا س حل کردن تیزابها ی‌رقیق تو سط تکامل تدریجی هایدرو جن‌و طی نمو دن تخریب تدریخی زنگ به‌و جودمیاید. او کساید (زنگ) به طور عمو م‌بر اساس عملیه حل کردن محلول‌رقیق تیزابها به کمك هایدرو جن صورت می‌گیرد ،تخر یب می‌گردد.

۲ـاهمیت‌فلزات بر اسا ســـ قابلیت فز یکی و خواص کیمیاوی آنها مورد استعما ل قرار می‌گیرد. به همین اسا س انسانهای او لیه به جای مواد سنگی به تدریج‌ازمس استفا ده نمودندو به مرور زمان به جای مس استعما ل آهن روا ج‌یافت به خا طراینکه‌آهن نسبتا خوا ص عالی داشت که‌به این ترتیب ســه عصر یعنی عصر سنگ ،عصر مس وعصر آهن به وجود آمد .

۳ـ پیدا یش فلزا ت :

در طبیعت به منظور مطا لعا ت مقایسوی درحصه خوا ص طلاو آهن هردو نوع فلز برای مد تـــی در هوای آزاد گذا شته شدو در نتیجه معلوم گردید که‌طلا بدو ن نقصـــ وزنگ زد گی باقیما ند ه‌در حالیکه آهن ز نگ(اوکساید)را حاصل‌نموده وتخریب گردیده بود.

بعضی از فلزا ت در طبیعـــت به صورت خا لص و بعضی دیگرآن ها به صورت مر کب یافت‌میگردد این مرکبا ت حالت ها ی مختلفـــی رابه‌و جود می آورند مثلا هایدریت اکساید ، کاربونیت سلفاید، هالید، فاسفیت ، سلکیت وغیره‌واصطلا ـ حات جیالوجیکی آنها ما نند کلوخه سنگ معدن (Ore) گنگو (gangue) تفاله Salg) عا مل کاهش سوخت گیری کرد نودر کـــو ره نهادن .

٤ـ مرا حل استخرا ج بوا سطه کم‌سا ختن کلوخه سنگ معدن و متمر کز سا ختن فعالیت بالای حصه

مفیدآن و بعد از جدا سا ختن وعملی نمودن میتود ها ی دیگر ما نندآهکی سا ختن خشك سا ختن (Roasting) ذوب کردن تصفیه کرد ن عملیــه ترکیب آنها اجرا می شود .

٥ـ سلسله دو باره فعال‌ساختن فلزات: (درپایین فلزات مذکور نظر به بلندی درجه فعالیت آنها به ترتیب قرار ذیل می‌باشند):
جست،آهن، قلعی‌یا حلبی سرب (هایدروجن) مس ،نقره وطلا.

اصطلا حات فلزا ت :

فلزات اساسی ،فلزات نجیبــه ، فلزات مسکوکا ت، فلزات ترکیبی وفلزات مخلو طی وغیره.

حفاظت‌ونگاهدار ی آثار فلز ی باستانی:

تخریب فلز: در نتیجه عملیه کیمیاو ی ویا پروسه بر قی‌کیمیاو ی فلزا ت و خصو صا قشر خار جی‌آن ها خصو صیا ت و مقاومت‌خودرا از دست داده وتغییر شکل در آنها به وجودمیاید.

تخریب فلزات مربوط اندبه:
الف- به خواص فلزات به طور مثال (آهن،طلا ...)
ب- حالت یا چگو نگی قرار داشتن فلز در هوای آزاد.

حالا تی که‌فلز باچه نوع خطر و تخریب در هوایی آزاد موا جه شده قرار ذیل می‌باشد:

١ـ تخر یب توسط شرا یـــط اقلیمی.
٢ـ تخر یب فلز قرار داشتن زیر خاك.
٣ـ تخر یب فلز به‌اثرآ ب.

درجمله حالا ت و انوا ع تخریب فلزات که در بالا گفته شد رطو بت اکسیجن و کاربن دای او کسا ید نقش عمده و اساسی دارددرصورت علم مو جود یت این عوا مل فلـــز تخریب نخوا هد شد.

باید افزود که‌تخر یب فلزا ت‌به سبب‌زیر خا ك بودن آنها مربوطاند:
١ ـ در جه تیزابیت خاك .
٢ ـمسام‌داربود ن وجذا بیـــت خاك ازآب .
٣ـ موجودیت نمك درخاك .
٤ـ اندازه رطو بت خاك.

٢ ـفلزا تی که دراثر ز نگـــ گرفتن تخر یب می‌گردد،شاید د ر محتوی خود محلول نمك داشته‌باشد ودر بعضی اوقات امکان آن موجود است که این مك هاخود شی فلزی را به صور ت کا مل پوشیده‌باشد. باین ترتیب شاید تخر یب تازه در نتیجه هوایی‌آزاد توسط رطو بـــت به‌و جود آیدوآنهم در صور تی‌رونما می شود که رنگ یا قشر مذ کوربه طور کا مل برطرف نشده باشد.

شك نیست که‌زنگ زده گی فلز به‌آسانی ازبین نمی رودوخصو صا وقتیکه فلز ثابت و مستحکم نگاه داشته شده و دارای شکل پیچیده بوده باشد و یاهم شی مذ کور ا ز جمله اشیای تزئینی و زیورا ت‌باشد که رنگ سبز و آبی را جذب کرده باشد.

٣ـ تخر یبی که توسط عملیــــه کیمیاو ی بر قی صورت میگیرد درمنشاو اساس این تیو ری تا کید می شود که‌سلسله کیمیاو ی‌بر قی فلزا ت‌ازجریا ن منفی به طرف‌جریان مثبت برق به‌ترتیب ذیل قرار دا ده شده طلا ، نقره، مس، حلبی ،آ هن، جست .

قوه‌سا ده برقی زما نی تولید می شود که دونو ع فلز با هم تصاد م کند، چه این دو نو ع فلزا ت‌در بیرون‌باشدویاهم در محلو لی کـه جریان برق ازآ ن عبور کرده می‌تواند ما نند محلول نمك اکسایدو القلی (این محلول ها قابلیت عبور جریان برق رادارد).وقتیکه چار ج مثبـــت فلز (اصل نمك) حل گردد با ین ترتیب برق مقنا طیسی فلــــزا ت (فلزات نجیبه) ذخیره می‌شود .

عمل نکاهدار ی جست به‌و سیله نقره صور ت می‌کیرد در حالیکه‌همه روی‌آنها درصور ت تصاد م تخریب می شود .اگر شکل تجز یه جست وانحلال آنرا‌به دقت مورد بررسی قرار بدهیم می بینیم که محلول‌نمك (زینك کلوراید) تشکیل می شوددر حالیکه نقره ته نشین وذ خیره می شود و به قسم فلز در خشنده به وجود میاید.

عملیه تخر یب کیمیاوی دراشیای فلزی زیر خا ك در نتیجه تماس بـا محلول نمك صورت می‌کیرد در حالی که بعدا درنتیجه تماس ومجاورت‌با اکساید خاك تحتانی عملیه تخر یب کیمیاو ی جریان پیدا می‌کند.

مرکبا ت فلز به اندازه ز یـــاد قابلیت و حساسیت تخر یـــب کیمیاو ی بر قی رادارد . که ایـــن قابلیت‌به مقایسه فلزات خا لـــص چندین مر تبه زیاد تر است، لا کن دربعضی حالات مر کبا ت فلزی‌نسبت به‌فلزات خالص واصلی کمترقابلیت تخریب و تجز یه کیمیاو ی را دا را می باشد .

٤ـحفاظت و نگا هدار ی فلزا ت طرز العمل های مهم ذیل را در بر می گیرد:

١ـ معلوم کردن علت تخریب .
٢ـ تخمین کرد ن انداز ه‌تخریب.
٣ـ تلاش در حصه از بین بردن علت تخریب آن هم قسمیکه شی مذ کور ارزش باستانی خودرا از دست ندهد.
٤ـ در حصه نگا هدار ی وحفاظت شی که‌سبب ثبا ت و مقاو مت ان در آینده گردد ، فعالیت ز یا د ، صور ت می‌گیرد.

٥ـ میتودو طرز العمل عمو مـی برای حفاظت و ترمیم اشیا تخریب شده فلزی قدیمه و با ستا نی:

الف امتحان و معاینه اولیه :

منظور از امتحان و معاینه اولیه اشیاء فلزی تخریب شده قدیم این است تااندازه تخریب ومقاومت وتوانایی فعلی آثار مذکور تا چه حد باقی مانده است وبرای بر - آورده شدن این هدف وسایل ذیل ضرورت است:

- به منظور کلان نشان داد ن اثر باید از لینز(عدسیه) کلان کننده استفاده به عمل آید .

- در صورتیکه هسته اثر فلزی باقی باشد ، باید اندازه تخریب اثرتوسط سوزن فولادی تثبیت وتعیین گردد.

- استفاده از مقناطیس خصوصا برای آثار آهنی.

درجریان امتحان و بر رسی اولیه اشیاء فلزی موجودیت هسته اثر فلزی تشخیص می شود.همچنان در حصه اندازه ضخامت طول وعرض قشربیرونی چگونگی زنگ زدگی تخریب به قوت باقیمانده فلز معلومات مفیدو ضروری بدست میاید .

اکسری رادیو گرافی در این (x-ray radiography) زمینه کمك کرده می‌تواند و توسط آن می‌توانیم تزئینات و دیکور پنهان شده راکشف و مشاهده کنیم.

۲- توسط میتود وطریقه کیمیاوی :

امروز دراین زمینه از محلول کیمیاوی استفاده می‌شود وآنرا بالای فلزات زنگ زده وتخریب شده استعمال می کند ،تابه این ترتیب از فلزات باستانی وتخریب شده مواد اضافی پاك گردد.

۳- میتود کیمیاوی برقی :

توسط این طریقه یك فلز فعال با مناسب ترین جریان برقی ترکیب و یکجا می شود ، باین‌ترتیب فلزفعال به محلول بدل میشودودر نتیجه آزاد شدن وتجزیه گاز هایدرو جن قشر فلز نرم شده و به آسانی می‌توانیم که توسط برس آنرا از سطح آن دور کنیم.

٤- کم کردن الکترو لیت :

توسط این‌طریقه و عملیه‌جریان برق مستقیم(دی.سی) توسط سامان مخصوص برق از حصه چارج مثبت (کتود) اثر فلز عبور می‌کند به این ترتیب هایدرو جن آزاد می‌شود که این عملیه سبب نرم شدن قشر می گردد و آنرا به قسم گل رسوب کرده فلزی بدل میسازد که در نتیجه پاك کردن و بر رسی کردن سطح فلز آنها نیز پاك واز فلز دور می‌گردد.

٥- طریقه میخانیکی :

در میتود میخانیکی معمولا از وسایل سخت‌و تیز مانند سوزنها ، اسکنه ها و غیره استفاده به عمل میاید. واین نوع وسایل زمانی مورد استفاده قرار میگیرد که قشر اثر به اندازه سخت‌ومحکم باشد که در مقابل طریقه های فوق مقاومت نشان دهد.

٦- شستن آثار ترمیم شده :

وقتیکه بعد از اجرا و عملی‌نمودن عملیه های گوناگون از سطح اثر تمام ذرات و اشیاء اضافی پاك گردیدو جای تخریب شده فلز به خوبی‌آشکار و روشن شد بعدا اثر مذکور توسط محلول مناسب به‌طریقه مناسب ذریعه عملیه هایی شسته می شود .

٧- خشك کردن :

قسمیکه پیشتر یاد آورشدیم رطوبت در تخریب اثر نقش فعال واساسی دارد بهمین اساس باین نکته تاکید می‌شود که‌بعد ازشستن حتماشی ویافلز مذکور به خوبی خشك گردد. ودراین مورد باید از احتیاط زیاد کارگرفت.

٨- نگاهداری و حفاظت سالم :

بعد از آنکه اثر از مراحل فوق گذشت لازم است که‌آن رادر جای مصوون گذاشت که هیچنوع اشیاء دیگر به‌آن تماس نکند تا دو باره تخریب نگردد زیرا تمام فعالیت های قبلی باین منظور صورت گرفته تاآثار تاریخی و باستانی برای‌مدتی زیادی سالم باقی بمانند.

حفظ فلزات به طریقه کیمیاوی برقی:

پودر درشت‌و دانه دار جست با محلول سوزنده سودا ترکیب گردیده و در یك ظرف یا تیوب آهنی انداخته می شود .سپس عملیه به‌وسیله حرارت جریان آغاز می گردد درجریان این عملیه به‌مواد ذیل ضرورت می‌افتد:

۱- سودا محترقه و سوزنده به اندازه ده الی بیست فیصد در آب حل گردد (اگر سودامذکور در آب تقطیر شده حل گردد بهتر خواهد بود).

۲- پودر دانه دارو درشت‌جست باید موجود باشد.

۳- عملیه وطریقه استعمال :

الف - اشیارا زیر جست قرار بدهید و آنرا در یك ظرف یاتیوب آهنی بیندازید.

ب -بعدا به اندازه کافی سودا محرق انداخته شود و شخص موظف باید موادواشیاراکاملا درآن فرو ببرد .

ج- مواد مذکور باید برای مدت تقریبا یك ساعت جوش داده شود ووقتا فوقتا بایدآب مقطر باآن علاوه وآضافه گردد تا همان حجم رانگاه کند.

د - اگر اشیای ظریف ونازك باشد در آنصورت باید پروسه وعملیه‌حرارت‌دادن تا تولید بخار ادامه پیدا کند.

هـ - تمامی عملیه های که ذکر شد تاوقتی دوام میکند که سطح

فلز ازمواد مخرب به‌صورت کا مل پاك گردد.

نتیجه :

درنتیجه قشر فلزا ت نرم شده‌و درآخر به‌اسانی می‌توا نیم که‌تو سط برس اشیای ا ضافی را از سطح انها دور کنیم .رنگ سبز محصول تخریب‌شده ناپدید می گردد(مس) درآخر توسط برس کرد نشستن وخشك کردن سطح فلزا ت ازهرنوع مواد اضا فی و لکه ها پاك گردیده‌و کا ملا صا ف و روشن میشود .

به‌و سیله عملیه فوق اگر بازهم بعضی بقایاو لکه ها از سا بق بالای سطح فلز باقیمانده و به‌خوبی پاك نکردیده باشد در آنصور ت‌باید توسط سامان آلات منا سب‌تخنیکی قشر آنرا خراش نماییم یابه‌عبار ه دیگر از میتود میخا نیکی استفاده نماییم. شك نیست که این نو ع عملیا ت میخا نیکی بسیار مشکل است و بسیار زیاد احتیاط وحو - صله به‌کار دارد و همیشه باید به کمك ذره‌بین منا سب اجراگردد. گردد.

بعضی او قات تحت قشر فلزیك اندازه محلول‌نمك با قی میماند. تمامی این نوع اثرا ت و نشانه ها بایدبعد ازآشکار شدن توسط شستن ا ز بین برود . اگر باز هم مقاو مت نشان دادو از بین نر فت درآ ن صور ت دو باره از برق و عملیه های بر قی استفا ده به عمل آید، تابه و سیله عملیه فوق اثـرات‌و نشان های مو جوده بالای قشرفلز به خو بی پاك و نابود گردد. پرو- سیجر وطرز العمل فوق نظر به‌محیط وشرایط مخصو ص می‌توا ند با طریقه های مختلف اجرا گردد .

طریقه اصلی و اساسی آ نعبارت از عملیه است که می‌تواند به کمك سامان آلات مخصو ص و موا دمورد ضرورت هم‌درلابرا توار و هم د ر سا حه و دشت انجام داده شود. که به طور عموم مطابق تقاضا ی محل صورت می‌گیرد.

۲، عملیه تخفیف :

(Elecroltic reduction)

دراین عملیه از نو ع جریا ن مستقیم برق(ډی.سي) نه از(آ.سی) یعنی‌جریان متناوب بر قی استفا ده به عمل میاید تا به این و سیله‌عملیه تبدیل و تقلیل صورت بگیرد .اثر تخر یب و تجز یه شده چارج منفی برق کتودرا در مناسب تر ین جریان برق (بوسیله محلول برق - تولید می‌شود) میسازد . در حالی که چارج مثبت برق‌یعنی انود در صفحه آ هن‌و فولاد ضد ز نگ مو جود است .

وقتیکه جریان برق از سیستم مذ کور عبور می کند در نتیجه گاز هایدرو جن درسطح کتود آنا ر آزاد می‌شود . این گاز بالای قشر فلزاثر می‌گذارد و هم زما نی باآن مواد ترش‌ونمك دارتجز یه میگردد. بالا خره قشر اشیای مذ کور نرم شده و در نتیجه به کمك بر س به آسانی می‌توا نیم مواد اضا فی آ ن را دور نما ییم تا سطح‌فلز پـاك وشفا ف گردد.

وقتیکه پرو سیجر وطرز العمل معیاری و استندرد، مورد قبول‌واقع شد، بعدا این میتود به حیث یـك عملیه موثر برای ترمیم و نگـاه- دار ی اشیاء فلز ی‌تخر یب شده محسوب می‌گردد . باید به انداز ه زیاد و کوشش به عمل آیدتا این کار به احتیا ط باعملیه و معیارهار قبول شده وفق و تطابق داده شود. شایدپیچیدگی و بغر نجی نا شی‌از عکس العمل دو می‌آ ن گرددونتیجه مطلوب بدست نیاید.

ساما ن آلات بر قی شده :

درقسمت تهیه رساند ن بر ق باید از نوع جریا ن مستقیم بر ق استفاده گردد. برای این‌منظـــور باید از مخز ن و برق ذ خیره شده که معمولا جنبه دا خلی و جر یا ن متناوب دارد استفا ده به عمل آید وجریان برق از اندازهٔ اصلی‌آ ن (درحدود دوصدوسی یا دو صدو - چهل ولت) به دوازده ولت جر یان متناوب‌تقلیل یابد . این کار را می توان به‌کمك مناسب تر ین ترا - نسفار مر تقلیل یابنده انر ژی‌برق انجام‌داد .بعدا این دوازده‌ولت(جر- یان برق متناوب) به جر یـا ن مستقیم برق بدل می شـو د (اصلاح وتصفیه شده)

وقتیکه به‌و سیله سا مان آ لا ت تصفیه وتقطیر دوازد ه‌ولت(جریا ن مستقیم) برق به‌و جود آوردیم در جریا ن عملیه تخفیف برق ایـن به مقدار جریان‌برق مربوط است به (فشار بالای امپیر) که از مدارخارج می‌گردد واین مسا له دارای‌اهمیت بزرگی است قسمیکه دربالا یادآور شدیم باید به‌آن توجه جدی‌نماییم. مقدار جریا ن عبور کننده مربو ط ومنوط به‌سایز و اندازه قطب‌مقنا - طیسی الکترود است که در جریان پروسه تبد یلی قشر اثر مو ردنظر هم تغییر میکند.

درعمل به اندازه قوت بر ق‌سو- دای محر قه که‌قوت‌آ ن پنج فیصد باشد و ډو تا الکترود (انوډ) آهن ویافولاد ضد زنگ به فاصلـه مساو یانه بر هر دو طرف شـی (کتود) گذا شته شود ، قسمیکـه فقط چند انچ از کتود فا صله‌داشته باشد. تحت این حالت و شرا یط معیار ی وقبول شده اندازه‌تقلیل وتبدیلی اساسا مربوط است بـه جریان وغلظت آن که می توا نند با مقاو مت های مختلف توسط آ لت تنظیم جریا ن برق (descication) تنظیم‌و ترتیب گردد ،که تقر یبـا ده امپیر بر قی مربع دیکا مترساحه مربوط کتود تحول گاز ها یدرو جن

به‌و جود میاید ،که این شکل‌جریان غلیظا (جریان مستقیم) برای شی آهنی و یافولا دی به‌و جودنمی‌آورد بلکه‌بالای مس و نقره تاثیر مــــی گذارد ، در حالیکه جریان مستقیم بهتر است زیرا می توا ندد ر هردو متر مربع سا حه دو امپیر را حفـظ کند. از طر ف دیگر شاید تما یل به طرف مس زرد رنگ که درسطح فلز قر ار گرفته باشد به‌و جـود آید وآنهم درمرحله او ل درسا حه کلوراید قشر مذ کور در حالیکـــه ازبین بردن آن کاری مشکل‌است . اول اینکه مقاو مت قشر اثربسیار زیادو محسو س استلا کن درجریان عملیه پاك کردن ونگا هدار ی‌توسط بالارفتن امپیر این واقعیت روشن‌می شود که مقاو مت قشر پایین رفته وتدریجا کم شده همچنا ن تو سـط آلات مخصو ص جریان برق(روس- تیت) معلوم می شود که قشــــر مذکور پاك واصلاح شده‌است .

شستن قشر :

بعد ازآنکه قشر مواد فلز ی‌توسط آنها بالای سطح فلز با قی خواهد عملیه ردیکشن شکست بقایا یـــی آنها بالای سطح فلز باقی خـواهد ماند .گل ولای اکساید حل نشده‌و پودر فلزی بالای‌آ ن باز میماند که با هم یکجا شده محلول رقیق کلو- راید رابه‌و جود میاورد که‌باز هـم عملیه‌بر قی را ایجاب میکند.

بعدا می‌توا نیم گل ولا ی مذ کور راتوسط برسی ازاثر دور کنیم و این کار رابه کمك آب خو بترانجام داده می‌تو انیم. به این تر تیـب چر ك‌وکثافات سطحی هم از بین می رود ودر آخر کلوراید با قی‌میماند که‌آن نیز در آینده سبب تخر یـب فلز می‌گردد ، باید از سطح فلزپاك وشسته شود ودراین صور ت اثر فلزی ازتخر یب مجدد مصوو ن ، نگا هداشته می شود.

خشك کردن اثر :

به طور عموم درحصه خشك‌کردن آن هم به صورت عاجل دونوع‌طریقه ومیتود مو جود است بعد از آنکه آثار فلزی شسته شود احتیا ج به خشك کرد ن عا جل‌ دا ر د. یـا به‌واسطه حرار ت خشك می شودو یا هم توسط آله مخصو ص خشك کردن به‌و سیله عملیه (descicator)

طریقه اولی نظر به‌طر یقه دوم آسا نتر است یعنی خشـــك کرد ن اثر تو سط حرارت آنهم در صورتیکه در جه‌حرار ت اضافه ا ز یکصدو پنج در جه سا نتی گرید، باشد .این طریقه برای مواد آ هنی مس ، ونقره نسبت به هر طر یقه دیگر رضایت بخش تر است .وقتی که برای مدت زیادشی به منظــور خشك شدن زیر حرار ت قرار گیرد این‌خطر نیزو جود دارد که درتنورو داش بالای شی مذ کور یکنوع‌پرده به شکل اکسا ید پیدا شو د . این احتمال خصو صا در مورد خشك سا ختن‌مخلوط نقره‌و مس به‌انداز ه زیاد موجود می‌باشد.

موادیکه باید خشك گر ددباید به‌صور ت عا جل توسط اسیتـو ن شسته شود وبعدا در آله مخصوص خشك کردن به‌نام دسکتورگذا شته شود که‌هوا یی آله مذکور قبلاتخلیه گردیده است .خلاء دسکتور برا ی این کار بسیار مفید وضـرور ی پندا شته شده ومعمو لا بالای آ ن سلیکا ن ،کلسیم کلو رایدوسلفو - ریك اسید علاوه می‌شود .

حفظ ونگا هدار ی آثار تو سـط طریقه میخا نیکی :

وقتیکه یك شی فلز ی علا یـم تخریب آشکار داشته باشد ، پـس هیچ سوا لی با قی نمی ما ند که درحصه حفاظت و تداوی آن طریقه موثر تر عبار ت از میتود کیمیاو ی است .لاکن بعد از اجرا ی عملیـه کیمیاو ی بالای سا حه شی تخریب شده که توسط مقاو مت زیاد تـا اندازه زیاد مواد اضا فی ازاثـــر دور می‌شود .درآخر این عملیـــه کیمیاو ی وتحفظ کیمیاو ی میتو د وطریقه میخا نیکی بسیار مو ثـر ومفید خوا هد بود که‌توسط ایـــن طریقه اکساید اثر دور شده‌وتوسط تراشیدن سطحی روی فلز پـا ك وشفاف می گردد. بعدا قشر زنگ زده آن که کا ملا زنگ گر فته‌تحت کارو عملیه پاك کردن قرار میگیرد که این کارو فعالیت تناسب عملیه کیمیاوی وقت زیادتراذربر نمیگیرد.

عملیا ت زیر به طور عموم همه طرق نگا هدار ی وپاك کرد ن‌فلزات باشکل میخا نیکی احتوا میکنند.که این نو ع فعا لیت ها عمو ما به کمك یك تعداد سامان آلات میخا نیکـــی صورت می گیرد که از آنها قبـلا یاد آوری نمو دیم ودر جریا ن‌توضیح هر عملیه می‌توا نیم باآنها اشیا یی حاصل‌کنیم.

١- کندن یابرداشتن ز نگ‌ومواد فاسد شده (Picking)

این عملیه را می توا نیم تو سط انواع مختلف از سوز نها انجام‌داد.

٢- رنده کردن وبر س نمود ن: برای اجرای این عملیه سا مان‌آلات ذیل ضرور است .

اسکنه ،چکش سا مان تراشیدن، انبر چوب نوك تیز وغیره که‌تو سط افزار فوق سطح فلز تراشیده‌بریده وما لیده می‌شود .

٣-آسیاب کردن یاسایید ن :

چر خ‌آسیا ب یا مخرو ط معکوس ساما ن خراشیده مثلا ریگما لها ی کاغذی وغیره سامان آلات در اجرای این عملیه باید موجود باشدومورد استفا ده قرار بگیرد .

٤- برش کردن : این عملیه را می توا نیم به‌کمك افزار وسا ما ن آلات ذیل انجام داد سنگر بیلچـــه اره دار، اره جالی دارو پیچتاب‌دار، سیم مسی ،اره برش کردن و دیگر

سا مان آلات خراشنده به کاربرده می‌شود .

۵– برس کردن :

دروقت‌برس کرد ن اشیای کهن فلز ی به انوا ع برسی ها از قبیل برس نایلو نی ،برس فولا دی،برس فولادی‌چوبی ،بر س شیشه یی، برس برنجی ،برس دوره میخانیکی وغیره‌ضرورت محسو س است .

۶– باد زدن Sand blosting که‌به‌نام Shot-blasting نیز یاد می گردد این طر یقه بو سیله تخنیك عا لی مورد استفا ده قرارمی گیرد .که از آن جمله وسیله کی توسط آن هوا به‌فشار زیاد پمپ می شودودر اثر آن ریگ پرا گنده می‌گردد ،این فواره هوا به طرف قشر اثر سو ق دا ده می شود، که آ هسته آ هسته ضر به میدهد ودر نتیجه به‌کمك ریك خصو صا سطح فلز از ذرا ت و مواداضا فی پاك گردیده و شفا ف معلوم می شود.

۷– صیقل کردن وداغ نمود ن:
(Polishing and burnishing)

برای این طریقه سامان آ لات‌ذیل ضرورت است : آرد سنبا ده (emery) سر خاب (rouge) الماس چربوی آب شده (Tallow) لبا س مخصو ص، المو نیم نرم شده و غیره که این عملیه هم به‌و سیله دست انسا ن انجام شده می‌توا ند وهم توسط‌آلات میخا نیکی از قبیل چر خ‌که بر محور خوددور می خورد ،صورت گرفته می تواند .

یاد داشت در حصه حفظو نگاه داری فلزات مخصو ص (حفا ظت طلا ومر کبات آن) :

طلا به‌شکل یك فلز طبیعی یافت می شود . این فلز معمو لا با فلزات دیگر از قبیل نقره و مس مخلوط می شود . مخلوط طلا ونقره رنگ زرد روشن دارد که به نا م الکتروم (Electrum) یاد می شود که هردو نوع‌آن یعنی طلا خالص‌و الکترو م درسا ختن سکه هاو زیورا ت مورد استفا د ه قرار می گیرد وقتی که طلابا نقره‌و مس مخلوط شود ز نگ آ ن به اندازه زیاد زرد می گردد درحالی که اگر باحلبی وقلعی مخلوط گردد رنگ‌سطح فلز مذ کور زیاد ترتیره می شود.

وقتی که خواسته باشیم شی طلایی راپاك کنیم باید ازتراشید ن سطح آن جلوگیری کنیم . قشر لحیمی آنرا می توا نیم به کمك اسید هاتوسط و سا یل عاد ی و محلی پاك‌کنیم یعنی می توا نیم آنراتوسط خاشه گو گرد ،برس‌عادی تیوب شیشه یی مجهز با فلز (قطره چکان)وغیره صاف و روشن کنیم.

برای‌زدودن قشر گل‌ولا ی یا مواد سلیکا نی ازروی آثار می‌توا ن آنرا در محلول که درآ ن دو فیصد مواد پاك کننده از قبیل لایز پو ل موجود باشد برای مد تی جاداد.و یا اینکه به منظور پاك شد ن درست شی باید در محلول که دو فیصد سودای محرق درآ ن حل گر دید ه باشدبرای‌چند دقیقه گذا شته شود وبعد از چند دقیقه خشك شد ن می توا نیم‌آنرا توسط خاشه گو گر د به خوبی پاك نماییم .لیکن باز هم اگر بعضا قشر کدا م فلز سختی و مقاو مت نشان بد هد و به کمك عملیه های مذکور به صور ت‌درست پاك نگردد ایجاب می کند آ ن ر ا توسط آلات مخصو صی کار خا نه فلزات به‌کمك فواره بخار پا ك و صاف‌نماییم.

سکه های طلا یی از لبا س‌توتن- کا من از مصربدست آمده در تجز یه آ ن نشان مید هد که در ترکیب آن نقره یك اندازه مس و تقر یبا هشتادو پنج فیصد آهن مو جو د است که از نگاه رنگ جز عمده آن را حلبی تشکیل می داد ، لذا رنگ آن‌زردروشن بود . سکه ها ی طلا معمو لا بازنگز ده گی طلا هری که‌رنگ‌سر خ داشته باشد یا فت‌می شود ولی می‌توا نیم این ز نگك ورنگ سرخ آ نرا به آسا نی توسط مالش از بین برد. لاکن ز نگك مذ کور برای جمع کننده و تهیه کننده کلکسیو ن هابسیار ارز ش-مند است .

پاك کردن سکه های طلا یی :

الف – برای پاك کرد ن این نوع فلز قیمتی طر یقه کیمیاو ی بر قی و طر یقه تبد یل برق قا بل اعتماد نبوده و خطر ناك تلقی می شود.

ب –بعضی او قات لازم است از عملیه محلول نمك استفا ده به عمل آید(به بحث تحت عنوا ن مس مرا جعه شود).

ج– اگر اثر تخر یب شده باشد وبه این ترتیب روی طلا پوشا نیده شده باشد دراین صور ت بر ا ی پاك کر د ن آن یگا نه طر یقه ممکن و مناسب عبار ت از طر یقه میخا نیکی است که‌به کمك میکرو-سکوب دور بین دار (Binocullar microscop) می‌توا ن آنرا انجام داد.

د – به کمك محلو ل رقیق یك فیصد تیزا ب شوه‌ر یانایتر یك اسید می توا نیم در قسمت پاك کرد ن اشیاء طلا یی استفا ده به عمل آوریم لاکن تو سط این تیزاب فقط‌وفقط می توا نیم طلا را معلوم‌و آشکارسازیم‌ولی‌نمی‌توانیم به کمك اسید قشر آنرانرم کنیم.

هـ – بقایای دودو خا ك را می توانیم به‌کمك محلول رقیق‌امو نیا به‌آسا نی ازاین نو ع فلزات دو کنیم.

و – اشیای شکسته تنها و قتی ترمیم شده می تواند که در نتیجه

امتحان اولیه آشکار گردد که شی مذکور به مرورزمان شکسته‌و به کلی تخریب نشده باشد. حتی بعد از آن درحصه آب داد ن وطلا کوبی کردن باید از احتیاط زیاد کار گرفته شود ،تااثر به شکلی اصلی نگاه داشته شود.

٦- پوشش های محافظوی.

الف - فروبرد ن موم یاپارافین در داخل اثر.

ب- پوش کرد ن به‌و سیله ما ده نرم پلاستیک.

٧- عملیه میخا نیکی.

الف - برداشتن‌یاکندن‌مو ا د زنگ‌زده‌ازاثر.

ب- رنده کرد ن یاکندن مو اد زنگ زده ازاثر.

ج- برش کردن یا خراشید ن.

د - سایید ن توسط سنگ ریزه ها و یاپاشید ن ریگ بو سیله‌فشار باد.

٨- به منظور نمایش گذ اشتن که درین حالت باید از استعمال چوب مرطوب موسمی جلوگیری به عمل آید .واستفاده نگردد.

حفاظت و نگهداری آثارباستانی آهنی‌و فولادی

١- عدم قابلیت تحفظ

٢- ماده نرم و ساینده.

الف-پودر نرم خالص سنگ سرمه (امری پودر)

ب-پودر کار پورندم

ج- فولاد و پشم.

٣- نرم کننده زنگ:

الف- موم پارا فین روغنیات ، روغن نفوذ کننده باگاز مایع (برطرف‌کننده زنگ)

ب- نفت خام روغن ماشین وروغن مخصوص ساعت‌سازی.

ج- مرکبات لونولین.

د -دای‌اوکسایدن جینولایت.

ه - تیزاب ترشک
(Qxalic) acid

و- جوهر آب لیمو که نصف آن همرای امونیا خنثی‌شده باشد.

ز- عمل غیر ترکیب باآکیژن.
(Jenolite)

٤ - تقلیل و کاهش:

الف- جست و کاستیک سودا.

ب- عملیه تجزیه‌برقی در کاستیک سودا.

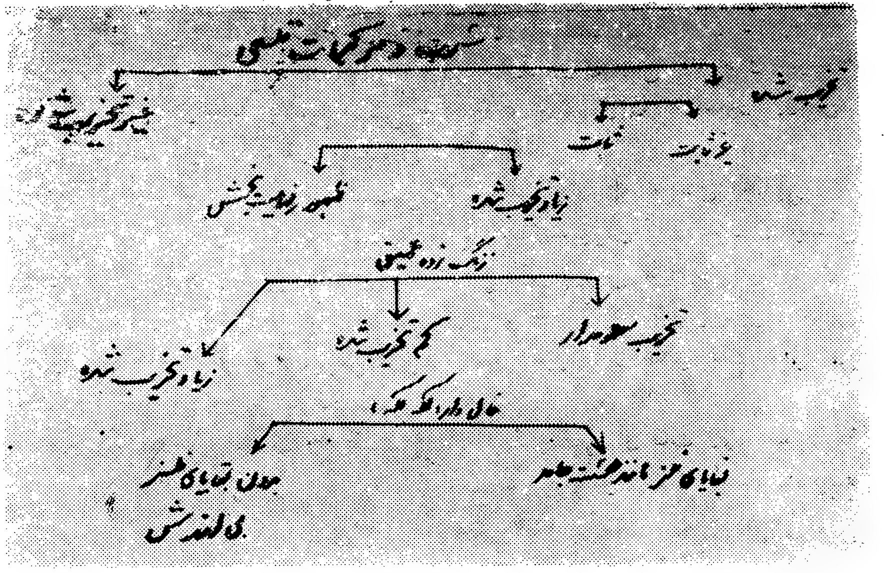

حفظ ونگهداری آثار سربی و مرکبات حلبی (قلعی) آن(١)

طریقه های حفاظت آثار

١- عدم حفاظت.

٢- شستن.

الف - آب تازه جوش خورد تقطیر شده.

ب- آب‌تازه جوش خورده در سیستم پایپ یالوله رهنمایی شده.

٣ - طریقه تبدیل ایون.

٤- محلول ها :

الف - تیزاب جوهر نمک به ادامه امونیم استیت جریان نمی یابد.

٥ -عملیه تبدیل یاکاهش.

الف - جست‌و کاستیک سودا (سودامحرق)

ب- تجزیه برقی در کاستیک سودا(ماندن اثر برای مدت کم در محلول کاستیک سودا که این عملیه فقط برای وقت کم به کاربرده می‌شود).

حفظ و نگهداری آثار باستانی آهنی‌و فولادی(٢)

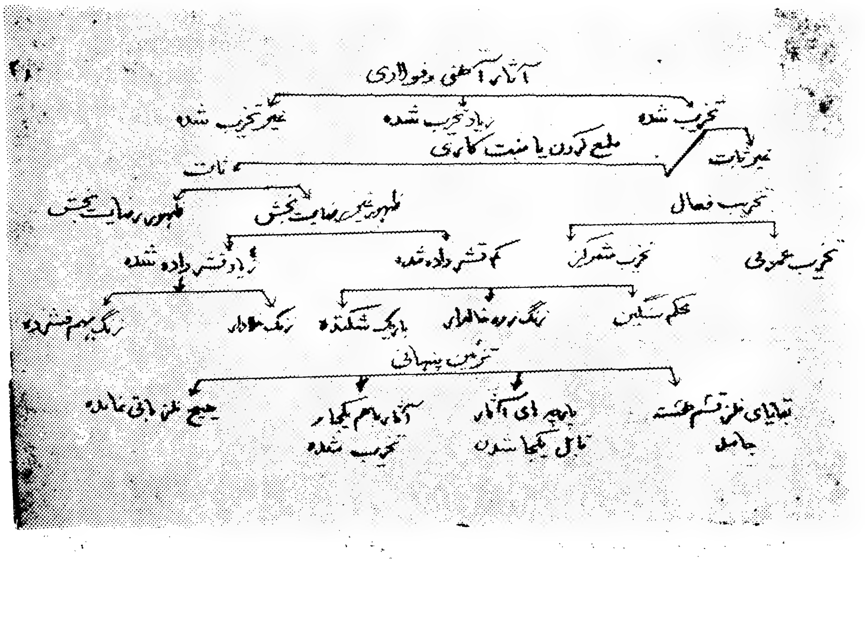

ج- دلمه سا ختن نفت خــــام
واسیلین.

٥- پوشش های محا فظوی:
الف - رنگ قیر گون .
ب- ترکیب لو نو لین.
ج- دلمه سا ختن نفت خــــام
واسلین.
د- لاك سا ختن.
هـ - فروبرد ن موم پارا فیـــن
در داخل آن.
و- پالش مو م مایکرو ستالین.
٦- عملیه میخا نیکی :
الف- برداشتن یاکندن موادزنگ
ازاثر.

ب- ریزه ریزه کردن .
ج- آسیا کرد ن یا میده‌کردن.
د- خراشیدن و برس کردن .
هـ - داغ کردن.

٧- به منظور برداشتن محلــو ل
کلورایدها عملیه شستن‌درآب‌مقطر .

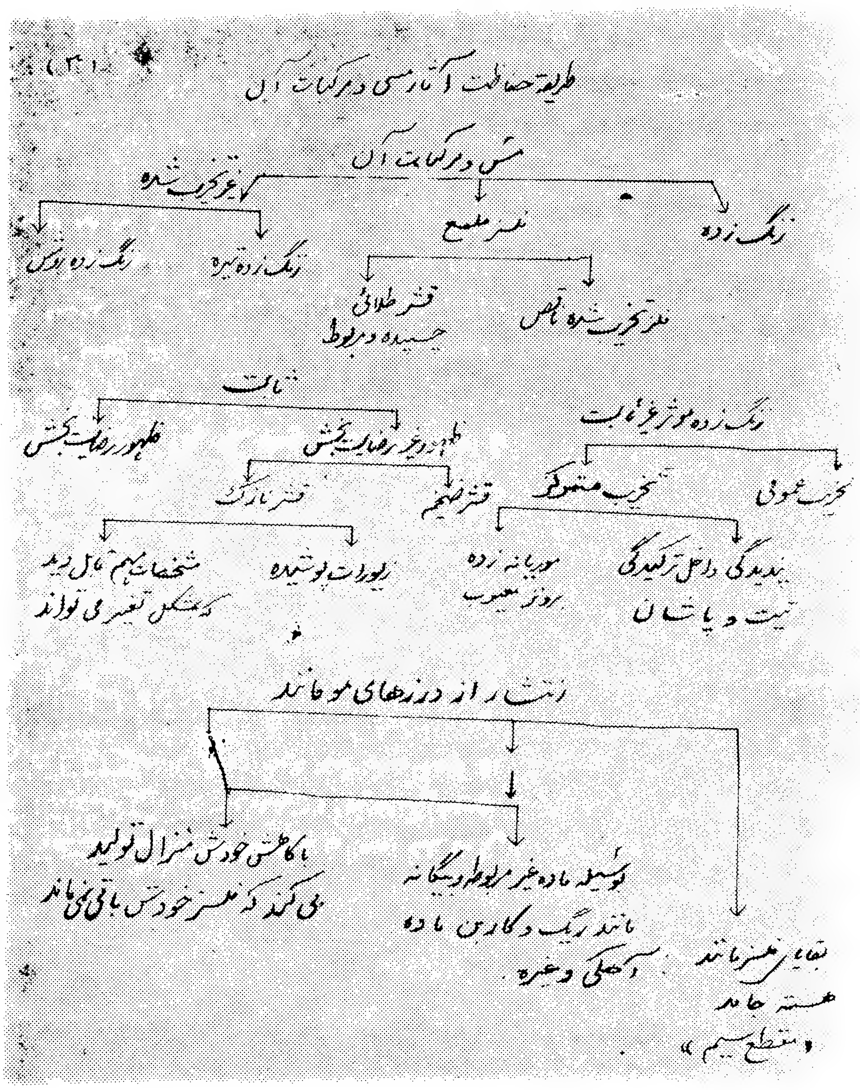

طریقه حفاظت آثار مسی‌ومر کبا ت آن(٣)

١- عدم تحفظ . (Notexeatment)
٢ - الف :آب گرم صا بون‌دار
ب- ترکیب پاك کننده بیرو نی
ماده‌پاك کننده مصنو عی کف دار.
٣- ماده نرم سایید‌ه:
الف - سنگ یاپودر نرم سنگ
سرمه
ب- پالش فلز ی یا صیقـــــل
کردن فلز.
ج- ملمع سا ختن دوامدار.
د - باتکه های مخصو صــــــ
پوشاندن.
٤- محلولها :
الف- تیزاب گو گرد(سلفو ریك
اسید) از(پنج الی ده فیصد) .
ب- تیزاب گو گرد از پانز د ه
فیصد تا بیست‌فیصد.

ج-تیزا ب سر که (ستر یــــك
اسید) پنج‌فیصده.

د - سو دیم سیسکوی کار-
بونیت پنج‌فیصده.

هـ - تیزاب مورچه فور میك اسید
سی فیصده.

و- به‌کار بردن نایتریك اسید یا
تیزاب‌سرکه یك فیصده به قســـم
قطره‌دار.

ز - القلی شا مل نمك نرم پاك
کننده (Ro-chell) به‌کمك
تیزاب پانز ده فیصده گو گر د و
جوش‌ترش (Tartaric acid)

ح - القلی شا مل ده فیصده‌نمك
نرم پاك کننده دارای هایدرو جن-
پر اوکساید.

ط - سودیم هکسا میت فاسفت
ها(کالکان) پنج فیصده.

ی - سودیم هکسا میت هـــا
فاسفیت یکصدوپانز ده فیصده .
٥- تقلیل و کا هش :

الف المو نیم و کاسیك سودا
ب-قلعی و کاستیك سودا.
ج- قلعی و سلفوریك اسید یـا
تیزاب گوگرد رقیق.

د- قلعي وتيزاب گوگرد نو د فيصده تنها براى استعمال دا خل (منحصر به‌يكجا).

هـ - تجزيه بر قى در كاستيك سودا.

٦- آب‌دادن ودو باره به شكل اصلى آوردن.

٧- پوشش ها ی‌محافظوی :

الف- لاك ها پولى و نيل استيت

بيد كريل ،پو لى ميتا يل ميناتريلت پو لى ميتايل ميتا كريلت .

ب- فروبرد ن موم پارا فين در داخل‌اثر.

ج- فروبرد ن موم ميكرو كر- ستا لين ياپا لش دادن آن .

٨- عمليه شستن بو سيله‌منتشر سا ختن محلول كلورايد .

الف -آب تقطير شده .

ب- سوديم سسكوى كاربو نيت پنجاه فيصده .

٩- طريقه هاى تيره سا ختن اثر:

الف - جوش دادن اثر در آ ب مقطر براى مدت دوامدار .

ب- برس كردن درزير شيرد هن جارى بواسطه المو نيم سلفا يد بسيار رقيق.

ج- پوشاندن اثر تو سط پلا ستيك.

١٠- تحكيم كردن اثر .

الف - توسط نايترو سلو لوز دوروفكيس.

ب- بيدگريل. (Bedacryl. 122x)

ج- پولى و نيل استيت.

د- ليم (لحيم)نرم

١١- محافظت ميخا نيكى :

الف - چيدن ياكندن .

ب- خردياريزه ريزه كردن .

ج-آسيا ب كردن يا ميده كردن.

د- برس كردن.

هـ - باد خورده كردن ياساييد ن توسط سنگريزه هاو يا پاشيد ن ريگ‌بوسيله باد.

و- پالش و يا صيقل كردن.

ز - داغ‌كردن.

١٢- به منظور نمايش گذا شتن. در جاى خشك و بدون گرد و خا ك ماندن.

٤- محلول ها:

الف- امو نياى غليظ گرم

ب- پوتاشيم سينايد.

ج- تيزاب سر كه پنجاه‌فيصد ه.

د -تيزاب گرم سر كه سى‌فيصد

هـ - الكلى نمك روكيل .

و - تيزاب گوگرد پنج فيصده

ز- فروبرد ن نقره درآ ب.

ح امو نيم تا يو سلفيت جمع مواد تركيبى پاك كننده.

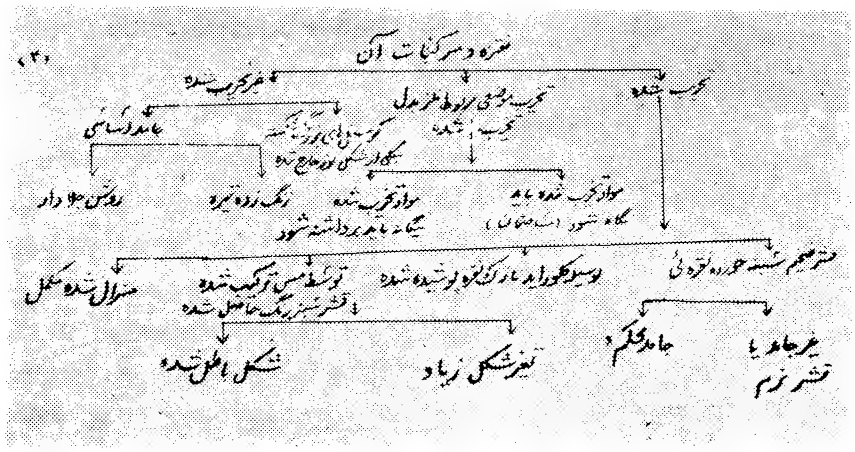

حفاظت آثار نقره و مر كبا ت آن

١- عدم تحفظ آثار :

٢- الف- آب‌گرم صابون دا ر (به‌شكل محلول).

ب -ليزا پول يا مواد تركيبى‌پاك كننده كف‌دار.

٣- ماده نر م ساييده‌وخراشنده:

الف - تباشير فرانسوى .

ب - سر خاب يا گردزنگ آهن.

ج-پودر فلز پوش.

د- سنگ پايا پودر نزم امير ى ياسنباده.
Lissapol

هـ - پالش فلزى.

و - ملمع دوا مدار.

ز - پارچه هاى تكه ها ى مخصوص.

ط - با مقدار مواد تركيبى پا ك كننده.

ى - تيزاب سر كه پنج فيصده.

ك- تيزاب بيست فيصده نقره‌به منظور برداشتن مس از نقره.

ل- تيزاب نمك علاوه بر عبو ر دادن كلورايد از(١ر١٠) براى نر م سا ختن مواد تجمع شده بالاى اثر نقره يى.

م - تيزا ب منجمله سر كه جمع هايدروجن پر او كسايد براى‌همين طور آثار.

ن - نمك بلور با اكسيجن‌تركيب شده ده‌فيصده.

٥- عمليه تقليل ياريد يكشن :

الف- المو نيم و كاستيك سو دا (سودا محرق)

ب- جستو کاستك سودا.
ج- جست و تیزاب مور چه .
د - جست وتیزاب رقیق گوگرد.
هـ - امونیم و سو د یـــــم کاربونیت.
و - تجز یه بر قی کاستیك‌سودا.
ز- تجز یه‌بر قی در تیـــز اب مورچه.
٦- آب دادن و به شکل او لی‌دو باره آوردن.
٧- پوشش ها ی محا فظو ی.
الف - لاك
ب-فروبردن‌درموم پارا فین .
ج- فروبرد ن در موم کرستلها.
٨- طرز شستن جهت حـــل سا ختن و انتشار محلول نمـــك (کلورایدها)
الف - ظرف آب یا ظرف تقطیر
ب- سودیم سسکوی کاربو نیت پنج‌فیصده.
٩ - تحکیم کردن:
الف- نایترو سلولوز .
ب- بید گریل
ج- پو لی و نیل استیت.
د- لحیم نرم شده.
هـ - استحکام و تقو یـــــت فلزی.
١٥- طریقه میخا نیکی :
الف - چیدن توسط سوزن .
ب - خرده یاریزه کرد ن‌تو ســط اسکنه.
ج- آسیاب کردن‌و میده کر د ن توسط (سوها ن، چراغ ،الت خراش وغیره).
د -بر س کردن.
هـ - پاشیدن سنگریزه و ریـــگ به‌و سیله فشار باد.
و- پالش یاصیقل کردن.
ز - داغ کردن .
٢١- نگهداشت و نما یش :در حالات بدون گردو خا ك همرای‌سلفر در هوای آزاد.

حفاظت‌ونگهداری نقاشیها :

نقاشی که در چوکا ت تابلو ها جا داده می‌شود عبار ت از نقا شی است که‌بالا ی تخته (تخته مخصوص نقاشی) صورت می‌گیرد . و یا هــم توسط تات نخی (تات مخصو صـــ نخی نقاشی) و یابه‌و سیله ر نگـــ روغنی یارنگ لعا بی روی گـــچ انجام می‌شود.

برای حفاظت این نو ع نقا شـــی ورنگ آمیز ی ها نکات آ تی درنظر گرفته‌شود:
١-پیکره های نقاشی شده .
٢ - رنگ.
٣- کیفیت وچگو نگی نور.

ترمیم نقاشی ها مهار ت‌وتجر به کافی را ایجاب مینما ید که حتی به متخصصی این رشته ضرو ر ت ، احسا س می‌شود.

سا ختمان نقاشی : در بخشـــ عمو دی رنگ آمیز ی سا ختما ن تشکیل طبقا تی به‌سلسله اقشاربنا یافته است .که‌پیچیدگی و مغلقیت مخصو صی به خود دارد . که این اقشار عبارت اند از:

الف - تهیه کردن چو کـــا ت مخصو ص نقاشی یاتات نقا شـــی که به منظور حفاظت‌ولایه دادن‌تابلو استعمال می گردد.

ب- سا حه سفید رنگ بی اثـــر تابلو که‌بالای‌آ ن سر ش انتشـــار داده شده.

ج- قشر رنگ که درسا حه‌نیمه پوشانده شده موجود است ترا کم ذرات رنك که وسیله منا ســـب تنظیم پراگنده گردیده.

د - قشر جلادار به‌خا طر زیبایی ومحافظت نقوش تابلو مورداستفاده قرار می‌گیرد در تخته های‌مخصوص نقاشی ایتالوی ازآ هك پلستــــر استفا ده‌می‌شود . در حالیکه اروپای شما لی به استعما ل تبا شیـــر ترجیح میدهدوبعضی او قا ت ازیك نوع‌گل‌وتنه در خت استفا ده به‌عمل میاید.

درنقا شی های رنگ لعا بی روی گچ از زردی یاسفیدی تخم مر غ‌ویا بعضی اوقات حتی ازرو غنیـــا ت خشك ـم استفا ده میگردد . د ر صور تی‌که نقاشی مربو ط رنگـــك روغنی باشد دراین‌و قت اساسا از روغنیا ت خشك شده هما نطـــور به‌و سیله رنگ آمیز ی های به‌کار برده می‌شود.

ثبات و استحکا م از جلو گیر ی نواقص به‌ثبا ت واستحکا م نقا شی مربوط و منوط است به‌و سیله‌وحالت استعمال‌و نو ع بستن ر نگ بالا ی تابلو.

اگر چه تجر به قناعت بخش در این مورد بااستفا ده از تخم مر غ رنگ لعابی روی گچ‌ورو غنیا ت خشك‌به دست آمده که دو نقصـــ عمده دارد وآن اینکه برای مد ت زیاد درنقاشی باقی میماند.
١- تمایل به انقباض.
٢- شکسته شدن.

که این هردو نو ع در مجمو ع در کهنه شدن نقاشی هاشنا ختـــه شده است .همچنا ن در مر حلـــه ودوره پیشر فته سطح تابلو معمولا درزهای خورد و ریزه جدا گا نـــه ظهور می‌کند . که در نتیجه درزهای مذکور از مواد خار جی پر میشود وبه قسم خطوط موی ما نند بار یك به‌و جودمیاید . که‌بزود ی ازسایه اصلی تشخیص می شود ویك شبکه به‌نام کر کولر یاد می شودتشکیل می‌گردد.

شبکه مذکور مربوط به‌کا هشـــ یاانقباض ونا توا نی فلم شکننده که‌به مقاو مت حرکات موزون استقا- مت نشان داده‌است .واین شاید به طبقه رنگامیزی که دراشکال مختلف تخته و تات نقاشی مو جود است

توسعه یابد .درشبکه مذکور شا ید این اشتباه رخ دهد که‌به کمـــک وسایل تخنیکی عملیه خشک کر دن تدریجی‌قشر رابه خشك كـــر دن سریع تبدیل نماید که این عملیـــه رابه نام پیت‌کرکولر یاد میشو د طبق ادعا یا اشتباه مذ کور در این مورد از موادمعدنی سوزنده به نا پیتو من یا اسفلیت (قیر طبیعی) استفا ده می‌کند.

علاوه براین تو سط عملیه فو ق درزشدن و شکاف شدگی و خیـــم نواقص پیشر فته هم در تخته‌مربوط نقاشی وهم درتکه تات مربوط رنگ آمیزی به‌و جود میاید .که بعـــدا درزها درقشر تابلو ر نگ آمیز ی به‌طر ف دا خل و زاویه راســـت سطح آن انتشار یافته و معمو لا به سوی تمام اقشار تصو یر سرا یت ونفوذ میکند .که این سبب به‌و جود آمدن‌عیوب‌ونوا قص درسا حه تا بلو ولوازم نگه داری آن میگردد.

شگاف ودرز در حقیقت خطرناك ترین شکل ازبین برد ن و زوا ل تابلوی نقاشی محسو ب میگردد که معمو لا منتج به از دست دا د ن پیوستگی رنگ‌آمیز ی پاشیده شده بالای‌قشر تابلو از تصو یر میگردد

که این درزدا ت خودبه شکل لکه ها معلوم می‌شودواگر به طرف شکستگی حرکت‌نماید بالاخره سبب ار بیـــن بردن رنگ می گردد . هردوی آ ن هایعنی درزها و شگافها در هرو خت ومرحله تصویر به‌و جود میاید لاکن معمولا درو قتی به‌و جود میاید که تابلو رنگ آمیزی کهنه شده باشد. یعنی وقتیکه وسیله بستن حود راز دست داده‌و خا صیت الا ستیکـــی شان ضعیف گردد که این کار هـــم در نتیجه تغییرا ت کیمیاو ی به وجود میایدو بعدا توانا یی زیاد تر گرفتن وچسپاند ن خود آ نهاازبین میرود و قدر ت‌آن در نتیجه حر کت وتغییرتبدل شرایط از دست مـــی دهد. وقتیکه در شرایط اقلیمـــی ورطوبت هوا تغییر نا گهها نی رخ‌می دهد . این حالا ت به‌رو شنی آشکار گردیده و درز ها ی مذ کور انتشار می یابد . حالت نگا هدار ی وعکس العمل آن در مقابل شرایط محیطی سبب ثبا ت واستحکا م قشر بالای تابلو رنگ میگردد.

رنگ آمیز ی هابالای تخته :

تخته اساسا از چوب سا ختـــه شده . برای تهیه کرد ن تخته های رنگ آمیزی که دارای ابعادبزرگتر باشد لازم است از مواد چسپند ه ما نند کلسیو م کاسنیت استفا ده به عمل آید . مو جود یت آ هن یا چوب و یا میله های‌آ هنی یاچو بی به‌شکل افقی و مایل در عقب تخته هابه‌خا طر تقو یه کردن تخته ها ی رنگ‌آمیز ی سا خته شده و مو رد استعمال قرار می‌گیرد .

ارتباط میخا نیکی تخته های رنگ آمیزی شده منوط به‌نز دیك تر یـن ارتباط شرایط محیطی می‌باشد . به طور مثال:

۱ـ حالات ثابت گدام که در آنجا هم‌در جه حرار ت و هم رطو بـــت هوا درنظر گرفته شده باشد د ر حقیقت برای حفاظت تابلو ها کمك می‌کند و باعث خرابی تابلو ها ی رنگ‌آمیزی می‌گردد .

۲ـ د راین مرحله تغییر شرا یط محیطی سبب تغییر حر کت درتابلو می‌گردد که درزها شرو ع به‌ازدیاد وپیشر فته مینماید که این پیشرفت در قشر رنگ زیادتر احسا ســـ می‌شود.

۳ـ تغییر نار مل و عادی روز-مره درآب و هوا و تنا ســـب رطو بت (آر.اچ) فشار ز یاد رابالای حمایه آن واردنمی آورد . مگـــر تغییرات مو سمی بالای حفا ظـــت وحمایت آن وارد سا خته وبنابرا ن باعث بروز علاما ت چون آبله و درز می‌گردد.

نویسنده : جم.ج. شیفر
مترجم ـ عبدالظاهر یوسفزی

مندیگک

کاوشهای کزل در مندیگک (اشکال ۲۰ر۱ـ ۲۰۵) هنوز هم نمایانگر تحقیق و تلاش عمده یی است که با دوره های اخیر ما قبل التاریخ ارتباط می گیرد. در اواسط واواخر سال ۱۶۵۰ هیات باستان شناسی فرانسه (د.ا.ف) کاوشهای مداوم و همه جانبه رادر مندیگک به عمل آوردند. دراثراین کاوش ها هفت مرحله مسکونی مشخص گردید که تنها مرحله اول تاپنجم آن درینجا مورد مطالعه قرار می گیرند. از نگاه مدت زمانی این دوره ها تقریبا سه هزارسال دوام نمود که از هزاره چهارم قبل المیلاد اغاز و تا هزاره دوم قبل المیلاد رادربر گرفت درین مدت زمانی مندیگک ازیک قریه کوچك زراعتی انکشاف نموده (دوره اول تاسوم) تا اینکه به یك مر کز عمده تجارتی (دوره چهارم تاپنجم) مبدل گردید ودر عصر آهن خالی از سکنه گردید. سلسله مکمل اشغال آن تنها در تپه (الف) (شکل ۲۰۵) تعریف گردیده می تواند. اما در دوره شهری آن چندین تپه مجاور آن توسط ساکنین آن تصرف وساختمان های عامه احداث گردید. در مورد مندیگک این نکته مخصوصا قابل یاد آوری است که اکثر اطلاعات ومعلومات و مقدار بیشتر دانستنی ها در باره آن دراثر این کاوشها کشف گردیده است. اما در مورد مفروضات و دانستنی های تمام ساحه جهانی چه گذشته و حال گزارشیکه قبلا از بین رفته بود دو باره تجدید حصول گردید. راپور مندیگک پانزده سال، کاوش آن بیست سال وفعالیت کزل بیشتر ازین تاریخ ها قدامت دارد با در نظر داشت این محدوده مواد فعلی مندیگک مورد مطالعه و مناقشه قرار می گیرد.

لایه‌بندی و مهندسی :

اولین ساحه اشغالی مندیگک یعنی دوره اول به پنج مرحله دیگر تقسیم می گردد. (ی، ۱ـ۵) واین تقسیمات به اساس ساختمان و ارتباط فرهنگی صورت گرفته است. دوره (ی، ۱ ـ۳) نامکمل است. زیرا تمام نمونه های آن تنها از سنداژ که ده در شش متر بوده و تمام مواد ذخیره یی عمق آن کمتر از یك و نیم متربوده بدست آمده است. مراحل چهارم وپنجم بیشتر واضح است زیرا نمونه های آن بیشتر می باشد(حد اکثر اندازه آن ۲۹ × ۱۸ مترو ۵ر۲ متر ذخیره داشته) از ینرو آگاهی در مورد آن بیشتر می باشد. قسمت بیشتر مرحله اول و دوم مستقیما در قسمت بالای خاك دست ناخورده واقع گردیده بود. مراحل سوم تا پنجم بالای یکدیگر قرار گرفته بودند.

مراحل اول ودوم عاری از بازمانده های کدام ساختمان اساسی بودند. ازینرو تنها به اساس ذخایر خاکهای مختلف و محتویات ابزار کشف شده سیمای آنرا می توان تعریف نمود. کزل امکانات ساختمانهای خیمه مانند را درینجا حدس میزند، اما طوری که ازشواهد برمیاید هیچ اثر قانع کننده در مورد موجود نیست. اولین ساختمان اساسی یادایمی درمرحله سوم به مشاهده رسیده که مرکب از دیوار پخسه بودند. خمیره یی است که در روش ساختمانی ازآن استفاده می جویند. (خمیره) مذکور مخلوط ازگل است همراه با مواد مزاج دیگر (اکثرا کاه) از مخلوط مذکور بنا ی به اندازه کمتر ازیك متر میسازند وبعدا میگذارند تا خشك گردد، به همین ترتیب یکی بالای دیگر بناء

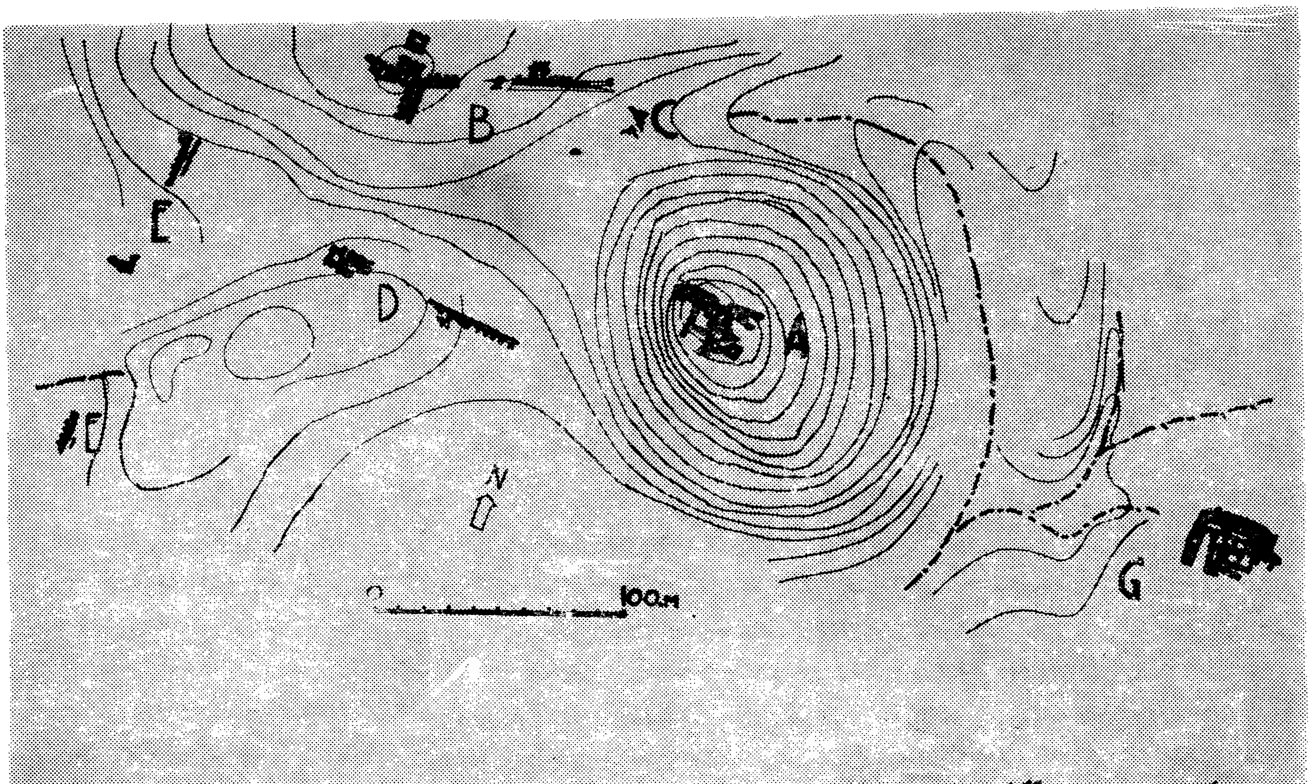

شکل 3.5 منديگك: پلان عمومی حصارها و ساختمان مرحله اول دوره چهارم

می‌شو ند، تاآنکه ارتفاع مطلـــوب حاصل گردد .او لین مناز ل ازخشت خام در مراحل چهارم و پنجم دوره اول بمشا هده رسیدند ساختما ن های مرحله چهارم تما ما مستطیـل شکل یك اتاقه بوده و اندازه های آنها از یکدیگر متفاوت است.دواتاق کاوش شده۳ × ۲ متر به مقا یســه اتاقها ی‌که کا ملا کاوش‌نگردیده‌اند کوچك به‌نظر میایند . دیوار هـــا توسط یك یادو قطار خشت اعما ر گردیده اند.دو سا ختما ن تکمیل‌شده آن دارای راهرو نیز می باشد.

دیوارسا ختما ن ها اکثرا درداخل وخارج توسط تکیه یا اتکای تقویت ومحکم گردیده اند .تنورهایا اجاق ها مستطیل الشکل در دا خل هر سه واحد موقعیت دارند . ایـــن ترکیب ها ازپخسه سا خته‌شده اند. درداخل و چند سا نتی متر بالا تر از فرش واقع گردیده‌اند. آگا هی

ما درباره مرحله چهار م ساختمانی مکمل نبوده ز یرا آنها تو سط سا- ختما نهای مرحله پنجم مغشو ش گردیده اند. اصلا حا ت باشکو ه‌در طرز سا ختمان مرحله پنجم بمیا ن آمده (شکل۳، الف ـ٦)مشخصا ت برازنده این سا ختمانها اینست‌که همراه باپخسه سنگ نیز درتهدا ب سا ختمانهای مذ کور به‌کار رفته که این طرز کار، دیوار هارابصورت قابل ملاحظه محکم نگهمیداشت ، اعمار منازل به صور ت مستطیـــل الشکل ادا مه داشت وهرسه آ ن توسط دیوار های دا خلی از هـــم مجزا میگردند .سا ختمانها ی‌مذ کور دارای راهرو هایی بودند که‌ازداخل یك سا ختما ن بدیگرآ ن دا خـــل شدن راسهل میسا خت . دا خـــل شدن بدا خل سا ختما ن از طریق راهرو های مجاور صور ت مـــــی پذیر فت . هر چند دربعضی سا-

ختمانهاشواهد چنین را هرو ها به ملاحظه نرسیده پس فکر می‌شودکه داخل‌شدن بداخل سا ختما ن یا از طریق دروازه های بلند و باارتفاع یا ازطریق سقف سا ختمانهاصورت می‌گرفت .دو مثال تنور مستطیل- الشکل از پخسه در داخل ثبـــت گردیده است . چیز ی به خصو ص ودلچسپ دیگری عبار ت ازموجودیت دوتنور بیضوی یابشکل(یو) ی‌لاتین می‌باشد که از خشت خا م و پخسه خارج از سا ختما ن ودرسا حـــه آزادسا خته‌شده اند تجز یه ایـــن تنور نشان میدهد که درسا ختـــن آنها حرار ت زیادی به کار برده‌شده (شش‌صد الی یازده صد در جـــه سانتی گرید) است مو قعیت آ نها درفضا آزادو بیرو ن امادر مجاورت ساکنین شاید نشان دهنده این امر باشد که دراوایل کاروفعا لیـــت ویژه و معین در محل ساحه مذ کور

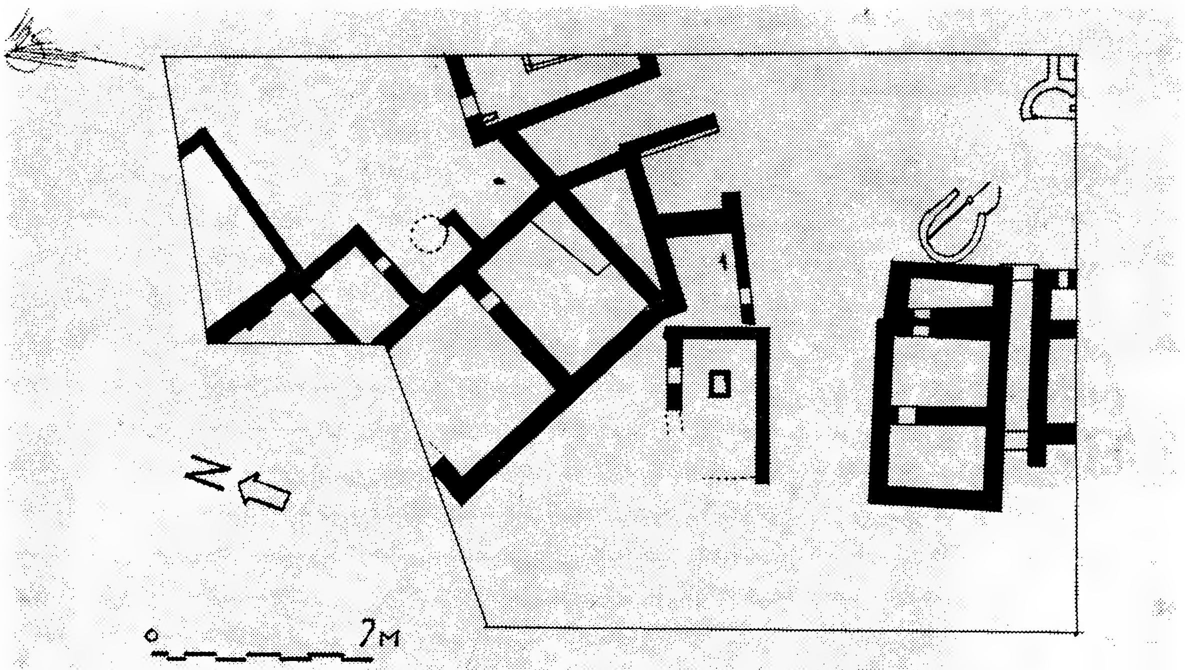

شکل 3.6 (a)، منديگك A: پلان ساختمان‌های مرحله پنجم دوره اول

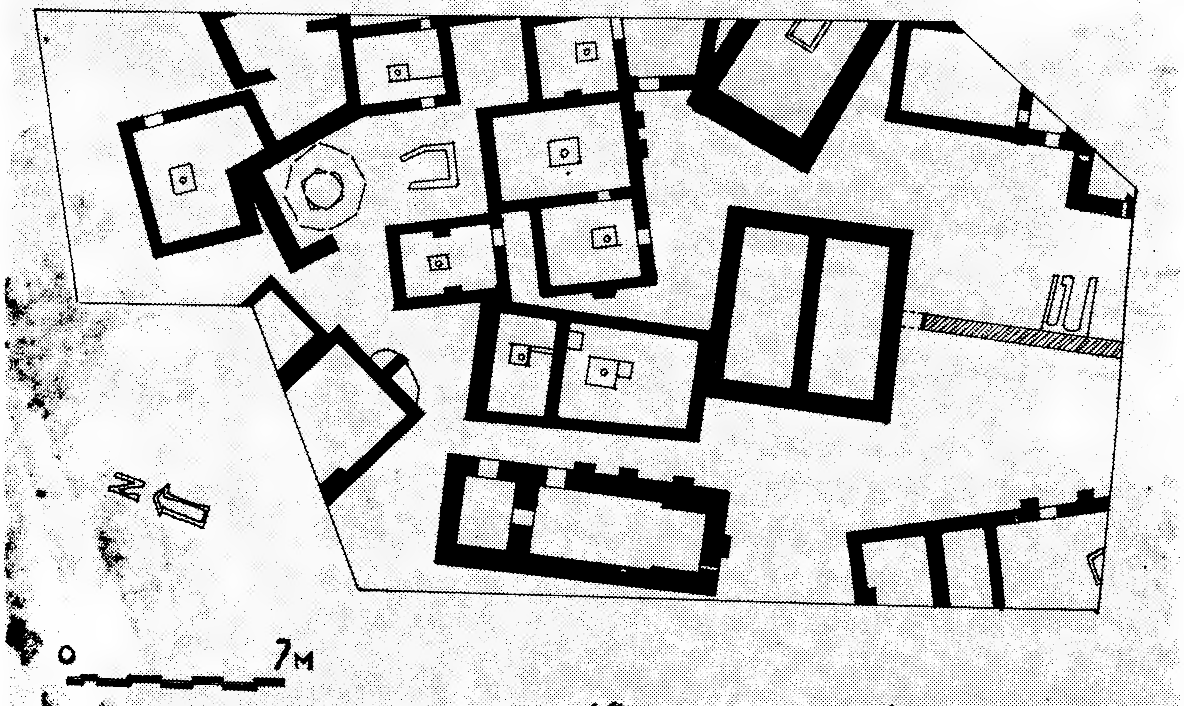

شکل 3.6 (b). منديگك A: پلان ساختمان‌های مرحله دوم دوره سوم

صور ت می‌پذ یر فت . از نمو نه‌های معدو دیکه در ین جا کشف گردیده چنین برمیاید که‌توسعه و ازد یا د عظیم واساسی درسا ختما ن مرحله پنجم انجام پذ یر فته است که سه

چندبزر گتر اند (٦ × ٩ متر) مرحله پنجم دوره او ل از نگاه قشرآ ن‌که مواد مختلف را در خودذ خیره دارد اظهار کننده این مساله می‌باشد که این محل به‌خصوص دریك‌مدت‌زما نی

توسط ساکنین سا حه مذ کو ر اشغال نگردیده است . نوع‌ساختمان مناز ل مراحل چهار م و پنجم‌دوره اول نشان دهنده و تشر یح کننده این‌واقعیت است که آنها منحیـــث

نمو نه بوده‌وطوری که دیده میشود این طرز پیو سته و دوا مدار تـا دواره چهارم ادا مه پیدانمود . این نکته‌را باید در نظر داشت که کزل نه‌به‌خا طر مجزا نسا ختن صر یح بین مراحل اول تاسو م و مرا حل چهار م و پنجم دوره اول(فیر ـ سر فیز ۱۲۷:۱۹۷۱) بلکه به خاطر تفاو ت و شوا هدی که در طر ز سا ختمانی و تیکر های آن موجود است مورد انتقاد قرار گرفته است. تیکر ها بعدا مورد مباحثه قـرار خوا هند گر فت اما از نگاه معر فی طرزسا ختمان یك دور منفردنظریات کزل درست تلقی گردیده است .با درنظر داشت نمو نه های اند کو رویت مراحل اول تاسوم دوره او ل با مقایسه مرا حل چهارم وپنجم دوره مذ کور و یابا دوره ها ی پیشین دیگر قبل ازو قت خواهد بود کـه تقسیما ت لایه‌بندی آ نها تنهـا براساس مواد موجود یادرغیا ب سا ختمانها ی اساسی آن تقسیم بندی گردد.

دوره‌ی دوم دارای سه مرحله می باشد که مرحله اخیری آن به د و بخش فرعی تقسیم گردیده است شکـل (۳.ب ٦ـ ج) د یـوار های‌آ ن از خشت خام بوده که‌تهداب دیوارها ی آن توسط پخسه پـر ساخته شده ویا اینکه از د یـوار قبلی سا ختمانها (دوره او لمر حله پنجم) به حیث تقو یت اضا فـه استفا ده شده است .تنها ساختمان های مستطیلی آن تشخیص شده می تواند امانه مانند دوره او ل آ نها بدواتاق تقسیم گردیده اندکه یکی از دیگران کوچکتر می‌باشد(٤ر٤ × ۲ مترو دیگر آ ن ٥ر٤ × ٦ متر) و با رهروی ارتباط دارند . در مر حلـه اول و دوم اکثری اتا قها دارای‌مدخل بیرو نی بودند در حالیکه درمر حله سو می تنها یك مد خل کشـف گردیده است . در دیوار های‌داخلی وحار جی اکثر نمونه کوچك کلکین هاو تاقها مشا هده گردید ه‌است . یکی از مشخصا ت وصفا ت‌برجسته ای ن‌دوره‌تراکم در ترتیب ساختمان های‌آ ن می‌باشد.

پنج سا ختما ن در مرحله او ل دوره دوم در مرکز فرش خو یشـ دارای اجاقها مستطیل الشکل مـی باشند که از پخسه سا خته شده‌اند باوجود اینکه این اجاقها در مر کز حفره های آتشی مو قعیت دارند.با آنهم اجاقهای مذ کور یکـی از مشخصا ت باز ما نده ها ی سا حه اشغا لی می‌باشند . سا ختما ن‌منفرد کشف گردیده که در داخل آن‌حفره مستطیلی از پخسه سا خته شده ،

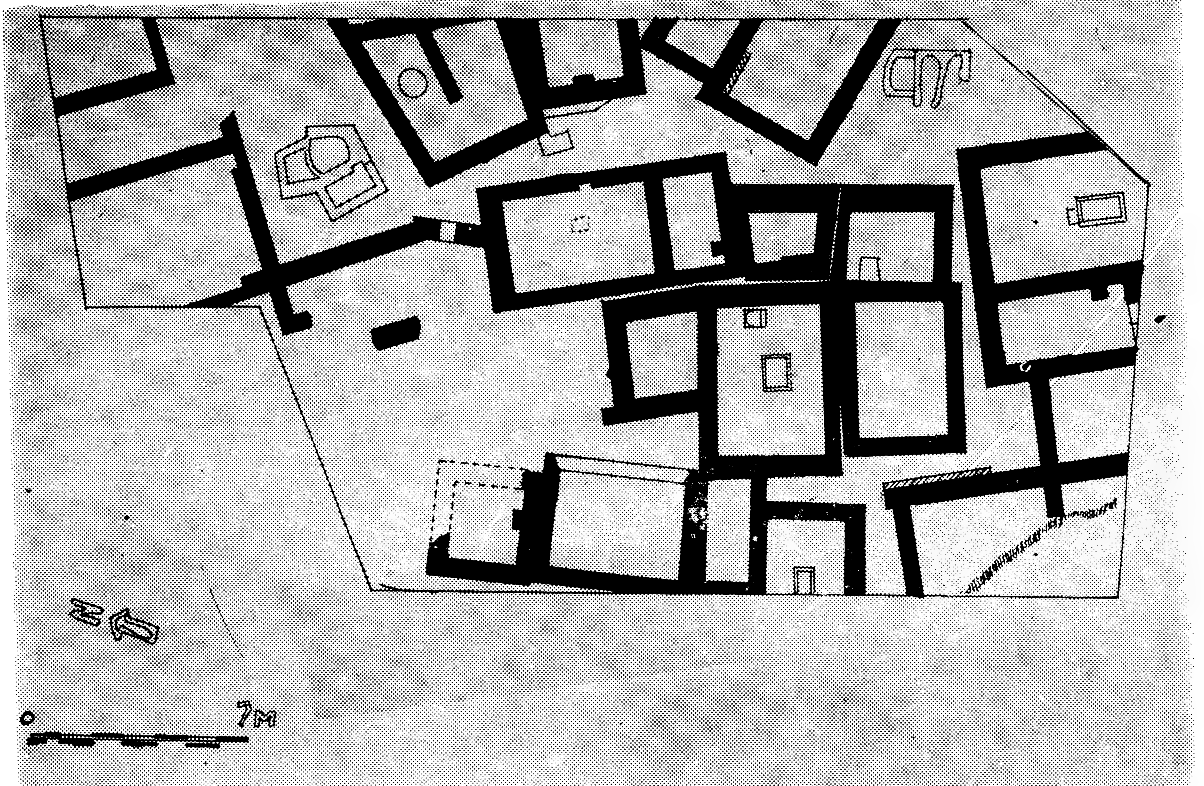

شکل 3.6 (C) منديگك A : پلان ساختمان های مرحله سوم (ط) دوره دوم

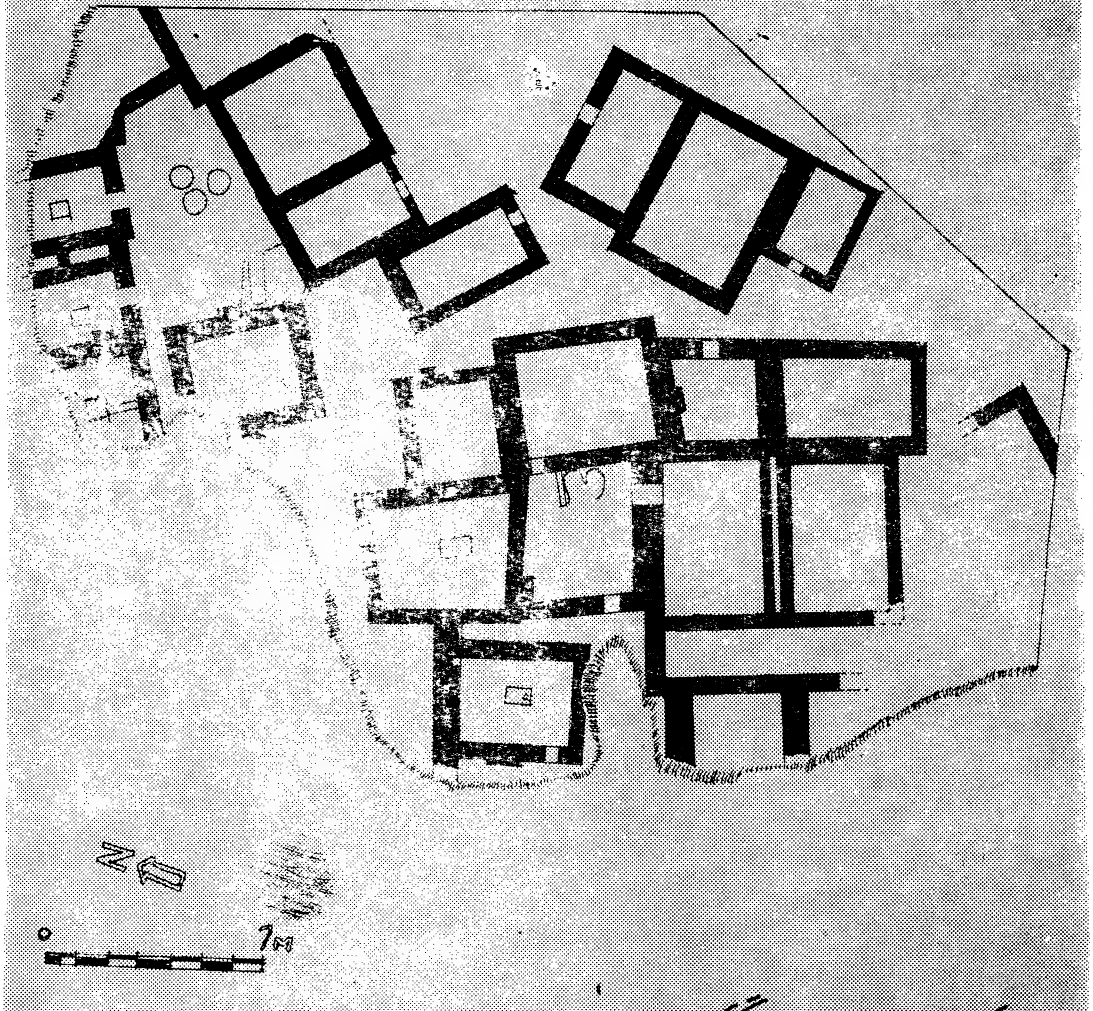

شکل 3.7 (a) ترنچ A : پلان ساختمانهای مرحله دوم

حفره‌مذ کور توسطٔ خاکستر ومواد زاید پر گردیده وقسمت بیشتر از سا حه فرش را اشغال نموده‌است. موجودیت چنین حفره دال بر یـــن است که به منظور خا صی‌استفاده مینمودند (پختن؟) سا حه بز رگ آزاد وباز د لالت بر آغل رمه هامی نماید . اتاق دیگر نیم دایروی شکل که درساختما ن آن از پخسه استفاده شده و بایکی از دیوار های‌ساختمان وصل می‌باشد ، به حیث کنـــــدو حبوبا ت ازآ ن استفا ده می‌گردیده است.

تمام‌ساختمانها در مرحله دو م دوره دوم انکشا ف و توسعه‌یافتند اماسا حه بزر گی بدون سا ختما ن آزادباقی ماندو هرچند در مو ردشکی موجوداست که‌آیااین سا حه بدو ن سا ختمان تازما ن سا ختن تنـــور مستطیل الشکل ودو تنور (یو)شکل به حیث‌آغل‌رمه‌ها به‌کار میرفته‌یا نه؟ مجمو عه سا ختما نهای قسمـــــت شمال باحفر نمودن چاه‌آ ب که‌یك متر قطر و هشت متر عمق داردو در سا حه‌ز مین دست‌نخورده کاو شـ گردیده از دیگرا ن تباین پیدا مـــی نماید اشکال (۳،ب-٦ و۳،الف-۸)

درساختمان قسمت بالا ی چاه آ ب خشت ها ی‌هشت‌ضلعی بکار رفته ویك متر ارتفاع دارد درد اخل چاه مذ کور از پخسه استفا ده شده‌است سا حه که چاه را از سا ختما ن‌های نزدیك آن مجزا میسازد تو ســـــط سنگها ی ساییده شده فرش‌گردیده است در فاصله نز دیك جنوب چاه دریك‌فضای کوچك‌آزاد تنورمستطیل الشکل که در مرکز واقع گر دیده سا خته‌شده و ممکن استفاده‌مشترك ازآن مینمودند چیز ی دلچســــــپ دیگری که‌باین سا ختمانها ارتبا ط

داردعبار ت از داشتن یك اجاق دا خلی دربین هر سا ختما ن مـــی باشد اجاقها ی مذکور اظهارکننده این مساله است که سا حه مذ کور از نگاه ترتیب عمل ووظایف از یك دیگر مجزا بوده‌اند.

در مرحلهٔ سوم (الف) دوره دوم‌در تعداد ساختمانها کاهش ودرساحات

باز یا آزاد آن تـز یید به عـمـل آمد. تنها یك مد خل خار جی معیـن در مرحله (۳ـالف) و جود داشت اما در مرحله (۳ـب) هیچ به نظر نمی رسید، عدم موجودیت چنین مد خل کزل را بدان واداشت . تا تصور نماید که این دیوار ها به منظور تقو یت سا ختمانهای روساز چو بی یا قسمت بالای سا ختمان به کار رفته اما موجودیت اجاقها ی داخلی و فر ش خشت خام حاکی برین است که داخل شدن دراتا قها ی مذ کور ازطریق بام صورت می گر فت عا ملیکه کمتر به آن توجه شده است کثر ت و محل موقعیت اجاقها ی داخلی می باشد.

درمرحله (۳ـالف) تنها یك اتاق که دارای اجاق داخلی و داری یگا نه مدخل بیرو نی و در مرحله (۳ـب) تنها سه تاق همراه با اجاقها ی آن مشاهده گردیده که یکی آن فاقد مدخل خارجی می باشد و از طر ف دیگر ساختمان های مذکور همراه با اجاقها ی آن کاملا کاوش نگردیده ازینرو نمی توا نیم ردنماییم که آنها دارای مد خـل خارجی نبودند . نکته مهم دیگر این است که در دوره های بعدی بندرت می توا ن اتاقها رابدو ن مد خـل خار جی و اجاقها ی داخلی دریافت.

از مجمو عه این عوا مل چنین برمیاید که اتاقها ی قبلی تنها به منظـور ویژه مانند ذخیره نمودن غله جا ت استفا ده میشدنه برای رها یش

ازین سبب داشتن مدخل بیرو نی چندا ن ضرور ی و مطلوب پنداشته نمی شد .تنور مستطیل الشکـل ازخشت خام همراه با دواحاطه (یو) شکل در سا حه آزاد مرحله (۳ـالف) نیز سا خته شده بودند استفا ده از تنور مذ کور بااضا فه سه احا طه (و) شکل تا مرحله (۳ـب) ادا مـه داشت .علاوه بر احاطه غیرمتنا ظر از خشت خام سه تنور احا طو ی در یك فضـا با ز متفـاو ت

شکل 3.7 (ط) منډیگك A : پلان ساختمان های مرحلهٔ پنجم دورهٔ سوم

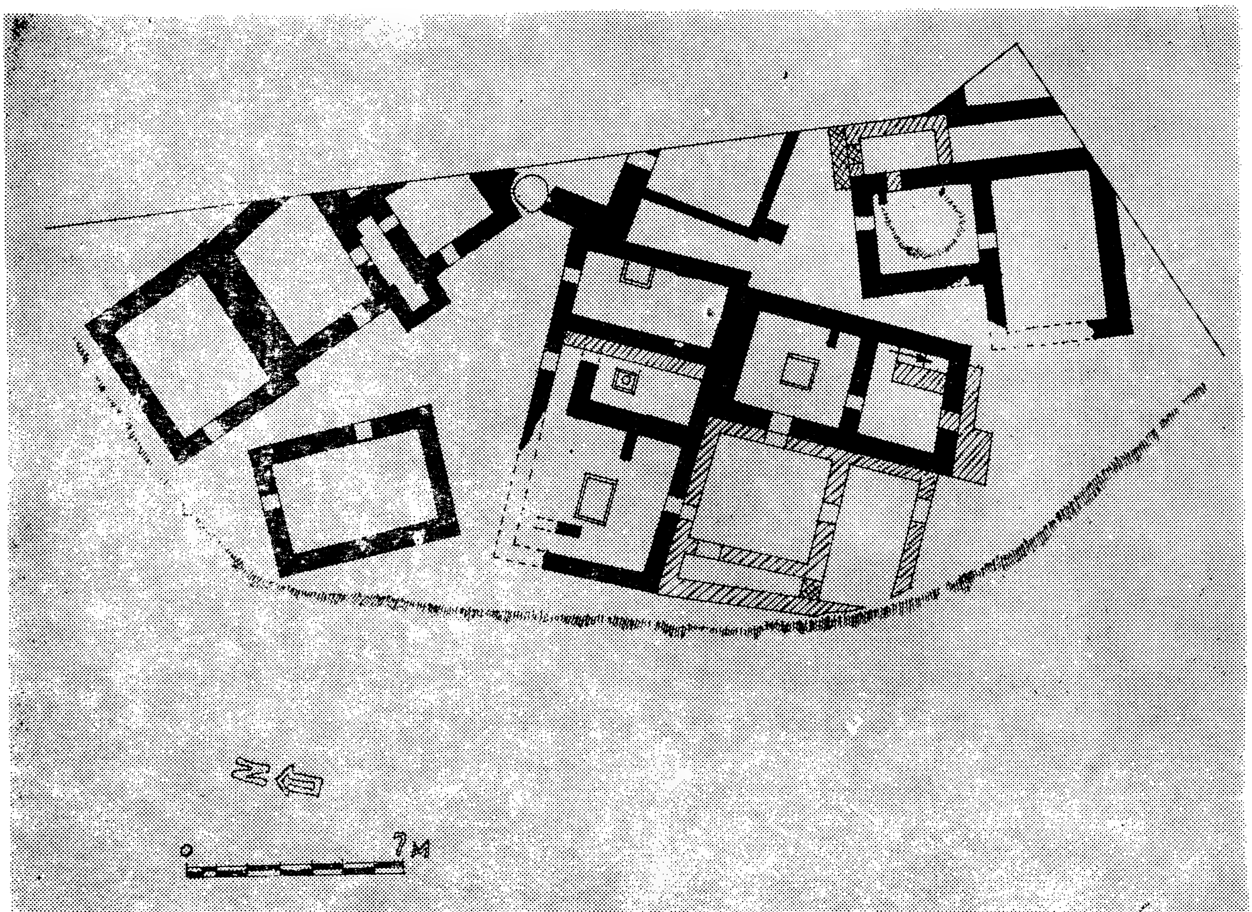

شکل 3.7 (c) هنگک A: پلان ساختمانهای مرحله ششم (a) دوره سوم

درمرحله مذ کور (۳ـب) اعمار گردید. یك حوض بی مانند دایروی در داخل یکی از ساختمانهای مرحله (۳ـب) اعمار گردیده درین جا دلیل باقی نمی ماند که در باره تعیین لایه‌بندی دوره دوم که توسط کزل صورت گرفته سوالی به‌عمل آید یك پیوستگی محسوس دراتکشاف مهندسی دوره اول ودوم به نظر میاید که همین تشابه پیوستگی دراکثر مواد فرهنگی دوره های مذکور نیزوفق مینماید . از شکل وطرز کار مداوم مجدد ساختمانها چنین بر میاید که نفوس بیشتر افزایش یافته ودراثر آن به قریه ها تغییر مکان نموده ومسکن گزین گردیدند .از مشخصات انکشاف باشکوه دوره دوم یکی هم تباین در موجودیت وظایف ساحات و ساختمانها در محل اقامت گزین می باشد.

باز مانده های دوره سوم در مجموع اثرا مقابل دوره دوم قرار ..... و شرح آن نمایندگی ازدوره ((نیرو زیست و توسعه)) که خود «راکد» بودن دوره دوم می‌باشد می نماید . دوره سوم باوجود آنکه شاهد بعضی تغییرات باشکوه در مواد فرهنگی‌خود می باشد. نمایانگر پیوستگی بالایه بندی و مهندسی دوره دوم نیز می‌باشد .کزل دوره سوم رابه‌شش مرحله تقسیم نموده که مرحله اخیرآن به‌سه مرحله فرعی دیگر تقسیم گردیده .ساختمان های خشت خام دوره سوم شباهت اساسی بادوره اول‌ودوم دارد .با وجود آنکه ساختمانها اتاقهای قبلی که‌یکی آن بزرگ ودیگر آن کوچك بودند درین دوره ندرتا به‌نظر آمده (تنها یك نمونه در مرحله اول و دیگری در مرحله ششم دوره سوم ملاحظه گردیده) است . در اثر کاوش این یقین حاصل گردیده که در دوره سوم کثرت ساختمانها بیشتر گردیده ازدیاد ساختمانها تشریح کننده این واقعیت است که تکثر وتراکم نفوس درین دوره بیشتر گردیده است .اما بانهم این مساله رابایید درنظر داشت که تمام ساختمانها دوره‌مذکور محل رهایش نبودند . مراحل اول تاپنجم دوره سوم نمایانگر بعضی تغییرات مجددساختمانی از قبیل اعمار دیوار های اضافی

تغییر درشکل داخلی ومر مت کاری می‌باشد .(شکل ۲۰۷) دیوار هـا در مراحل اول تاپنجم دوره سو م مانند سابق دارای تهداببهای محکم نبودند .در سرا سر دوره سو م چندین ساختمان مشترك و یابا هم مجاور تشخیص گردیده است ـــه شاید ساختمانهای مذکور دلالت برنمایندگی از یك فرهنگ‌واحد اجتماعی نماید .فاصله های منظم که دربین این مجمو عه سا ختما ن هاو جود دارد .این کمان را بار می آورد که این واحد سا ختما نـــی اتفاقی وتصادفی بوده ویا اینکـــه تر کیبی است از مراحل فر هنگی. داخل شدن درچنین سا ختما ن از طریق دروازه کناری یااز طر یـــق بام صور ت می گر فت . این‌مساله دلچسپ رابایدبه‌خا طر دا شت که تمام سا ختمانهای که دارای اجا ق های داخلی بودند رهرو درواز ه ی کناری دا شتند .سا ختما نهـای بدون اجاق دا خلی درین مو ر د متنوع بودند .تنور های و سیـــع مستطیلی چندین احاطو ی از خشت خام دراواخر مرحله چهار م دو ره سو م تشخیص گردیدند . بنا بـــر اظهار کزل اگراین تنور های‌گنبدی کوره ها ی تیکر ساز ی بوده‌باشند لذا ظهور یابه‌و جود آمدن آ نهـــا درین دور ه بدو عا مل مهم‌واساسی ارتباط پیدا مینموده است : اول انکشاف متنوع و مغلق صنعت تیکر ساز ی در دوره چهار م همراه بـــا ناپدید شدن کوره‌ای درسا حـــه مسکونی و یاشاید نمایی ازگسترش صنعتی سا ختن این قلم بوده‌باشد. دوم ناپدید شدن‌آنهاذر دوره چهارم شاید به‌طرز العمل ویژه سا ختما نی که درین دوره گزارش داده شد ارتباط داشته است .سا ختما ن مربعی مراحل اول ودو م دوره‌سوم

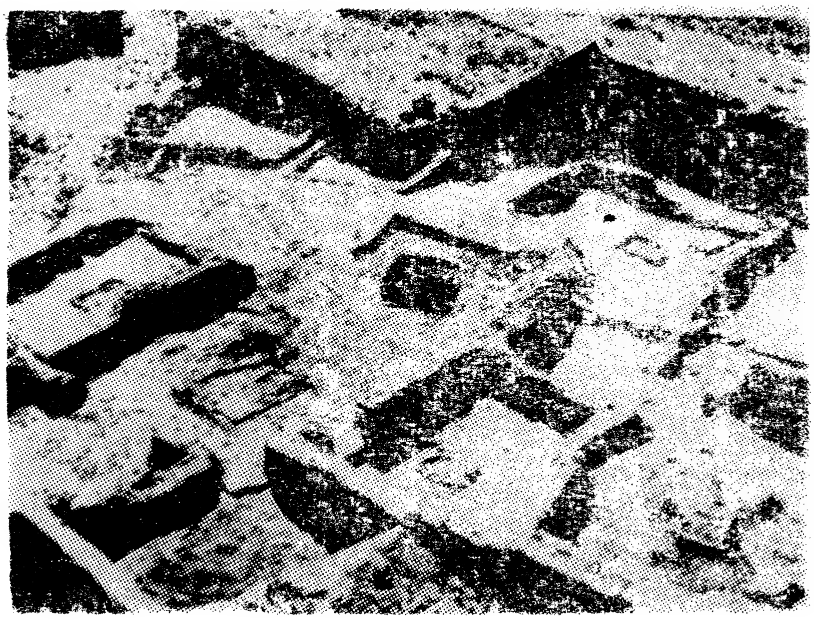

تصویر (۸الف ـ ۳) مند یگك،(الف)، دوره دو م . ساحه کاوش شده قسمت شمالی مرحله دوم‌دوره‌دوم که چاه درمرکز به نظر می‌آید.

معلوما تی در باره اینکه چطور بامها تقویت می گردیدند ارائه دا شته است همراه با یك دیواری که‌دربالا موقعیت دارد.مجموعه‌یی ازدیوارهای تاقدار به‌شکل زینه های مثلث‌الشکل باپار چه های تیر ك چوبی در محل مذکور مشا هده گردیده است .تیر اصلی در قسمت پایینی زینه‌جاگزین می‌گردید و تیرك کوچك در قسمت زینه در انجام تیر اصلی به صور ت عمو دی‌نصب می‌گردید .تا قـهـای مذ کور توسط همین تیر ها تقو یت می‌گردیدند و اتاقهای دارای چنیـن تاقها کمتر از یك اعشاریه هفتادو پنج متـر ار تفـاع د ا شتـنـد وایستاد ن به طور قدراست درآ نها مشکل بود .در سراسر دوره سو م کلکین‌های‌کوچك به نظر رسیده و هم یك نمو نه پنجره ازخشت خام در محل مذ کور کشف گـــر دیده است.

سه چاه یاسه مرحله سا ختمان‌که دارای چاه های منفرد بودنددردوره سوم کشف گردیده (شکل ۳ـ۷ الف) برخلاف چاههای‌دواره دوم‌این چاه هاساده و به‌شکل دایرو ی در یك زمین دست نخورده حفـــر گردیده بودند .چاههای مذکورمانند چاه قبلی در حیاط که توسطسا ـ ختما ن ها احا طه گردیده موقعیت داشتند و تنور ها ی از خشـــت خا م که دارای چندین احاطه بودند نیز در حیاط همین سا ختما نواقع گردیده بودند . خصو صیا ت‌دلچسپ ساختما نهای دیگر این دوره عبارت بودند از ستو ن مر کز ی از خشت پخته در داخل اتاق مر حله سو م دوره‌سوم و مسند طویل که‌دراطراف سه دیوار اتاق مر حله چهار م‌دوره سو م امتداد داشته بود .

شکل سا ختما نی زیا د مهمـی مرحله چهار م دوره سوم عبار ت‌از دیوار استناد ی صفه جنو ب غربی بوده دیوار مذ کور از پار چه ها ی تیکری آتش زده اعمارگر دیده‌وبعدا سا حه‌عقبی دیوار مذ کور پر کاری شده بود ،کزل برین‌عقیده است که سا حه مذ کور به خا طری وسعت

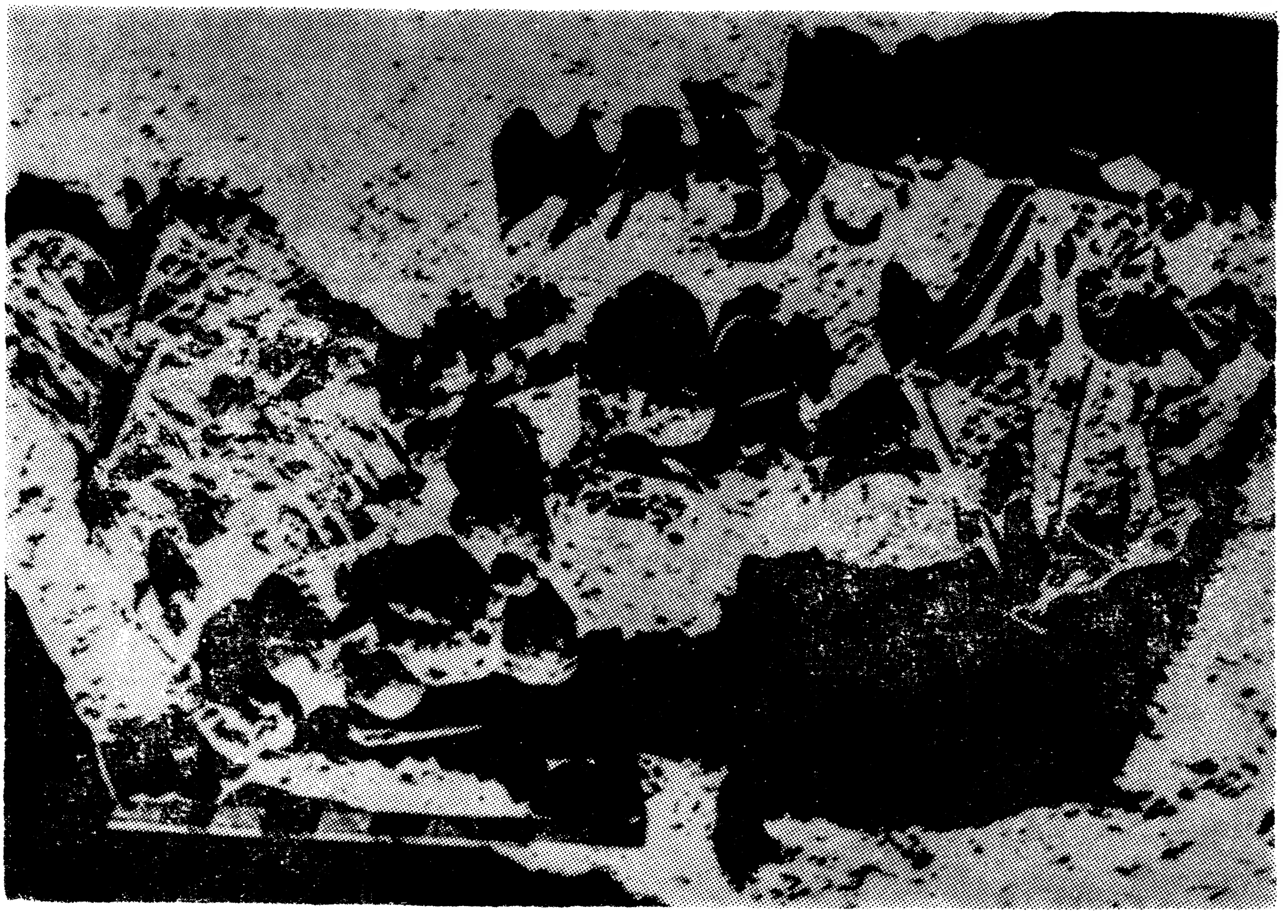

تصو یر (۸ب– ۳) مند یگك‌تپه (س)، قبرستان،سر دابه (س–۲۷).

داه شده بود که اعماروا حد های سا حتما نی دیگری درانجا میسر گردد. وظیفه اصلی یا اساسی‌دیوار ها موضو عیست که باید تعیین گردد مو جودیت آنها اهمیت‌وارزش درانکشاف بعد ی دوره چها ر م داشته است .

مرحله ششم دوره سوم از نگا ه لایه‌بندی واضحا از سطوح با قی مانده سا ختما نهای مرحله پنجم دوره سو م مجزا شده می تواند . به همین ترتیب ختم مر حله ششم دوره سو م عمدا هموار گر دید ،تا شکل سا ختمانها دوره چهار م به سهو لت و آسانی مطالعه گردد . سا حه اشغا لی مرحله ششم(الف) دوره سوم تفاو تها ی اندکی بامراحل قبلی دوره مذ کور دارد (شکل ۳–۷ س). فرش بعضی‌ازسا ختمان ها بیست‌و پنج سا نتی متر عمیقتر از سطح سا ختمانها دیگر می‌باشند. نمونه های مدخل های مکمل که بسیار کوچك بودند کشف گردیده (ارتفاع آنها کمتر ازیك متر بوده) است . سا ختما ن دیگرمرحله ششم (الف) دوره‌سوم که‌حفره در روی (سطح) دا خلی خو یش داشت کاوش گردید. در قسمت غربی سا ختما نها مقبره‌یی ازخشت پخته اعمار گردیده که تنها یك‌میت درآن دفن شده است .دو دیوارمقبره مذکور در مجاورت سا ختما نهای دیگر واقع گردیده ودر درواز ه دخولی آن محکم شده وبعدادیوار ی دیگری در پیشرو ی درواز ه دخو لی آن اعمار گردیده بو د. تنها یك ظرف تیکری همراه با میت کشف شد، اماخارج از مقبره مذ کو ر یگانه نمو نه تبر ها و تیشه های برونز ی مندیگك بدست آ مدمقبره کشف شده یگانه مقبره است که‌در داخل سا حه مسکو نی مو قعیت داردووسیله فرا هم آور ی ارتبا ط لایه‌بندی با دفنگاه های که در تپه دیگر واقع گردیده می باشد . د و دسته پی در پی دفنگاه در تپه (س) که‌در قسمت پایین سا ختمانها دو ره چهارم واقع گردیده تشخیص شده اند .قدیمترین (شاید پیشتر از مرحله ششم دوره سوم) مقبره های منفرد روپوش باشکل حفره های غیر منظم درسا حه زمین دست نخورده وسالم کاوش گردید . هیچ مواد قابل تشخیص همراه با قبور پیشین کشف نگر دیده است . اشیایی که از قبور مذ کور بدست آمده تنها محدود به ابزار چقما قی یك گردنبندازدندانها ی گاو و یك بازو بند مهره یی می‌باشند . دسته بعدی (؟) مردگان که در مقبره ها

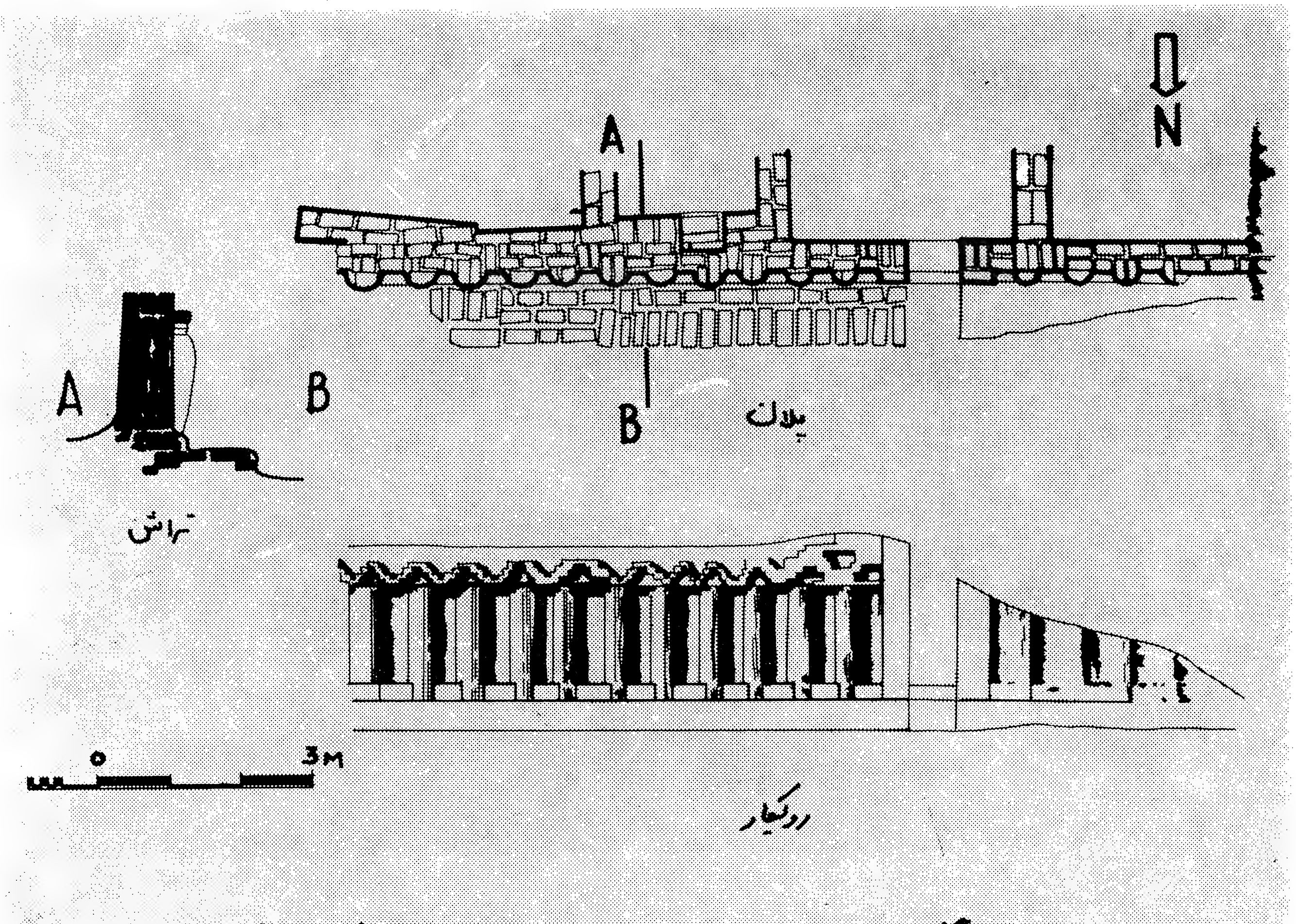

شکل 3.9 (a) منزلک A : پلان و روکیار ستون بندی غرب تپه - مرحله اول دوره چهارم

دفن گردیده مشابه به آنها می‌باشد که در مرحله ششم دوره سوم تشخیص شده اند .شکل (۳ـب۸) این سردابه هاکه استخوا نمردگا ن درآن دفن گردیده مستطیلی بوده و ازخشت پخته اعمار گردیده اند . سردابه ها ی که دارای فرش‌تیکری می‌باشند اولا اعمار گردیده و بعدا دیوار های خشتی بالای آن بناءیافته است. اینها بر جسته تر ین شکل دفنگاه هایی که دارای چند ین قبربوده اند، می‌باشد .علاوه بر آن قبر منفرد نیز کشف گر دیده‌است. جمجمه ها به‌صور ت دقیق دریك قطار به امتداد دیوار ها تر تیب گردیده اما قسمت های دیگراسکلیت بدن در داخل مقبره پراگنده گردیده است فقط استثنا آنها یی قا بل شمردن و حساب نمود ن هستند که در کنار یا حاشیه واقع گردیده‌اندو طوری به‌نظر میایند که جمجمه از گرد ن جداگردیده وبعدا در آنجا جاداده شده و با قی وجود قطع ویا اینکه به طریق مخصو صی پوست شده و بعد در مقبره گذاشته شده است .بقایای چنین انسا نی‌که به عین طریقه با او عمل شده ا ز ذخیره مقبره کشف گر دیده است . گذ شته از اینها چند ظرف تیکری منقوش ، گو شواره های علیحده وچند مهره یا دانه های‌آبی وسفید نیز کشف گردیده ، اما اشیاو سبا ب قبور ندر تا بملاحظه رسیده است .به جز از همین قبور چیزی دیگری که مشخص کننده وضع اجتماعی آن زمان باشد بدست نیا مده است . متاسفا نه اندازه یا سا حه کاوش‌شده در تپه (س) محدود بوده واین مساله قابل تذکر ویاد آوریست که تپه (س) بعد ا ز تپه (الف) معلوما ت بیشتر را در باره دو ره‌قبل از دوره چهار م‌تهیه داشته است .تمر کز مو قعیت آن دور از تپه(الف) شایدخاکی از آ ن بوده باشد که‌تعیین سا حه مذ کور مخصو صا برای دفن مرد گا ن‌در آن زمان خیلی و سعت یا فته بود .

مرحله ششم(ب) دوره سو م تنها چندسا ختما ن دارد وطور ی به‌نظر میاید که تمام اتاقها ی آن د ر یك ردیف واقع گردیده است. لیکن چند

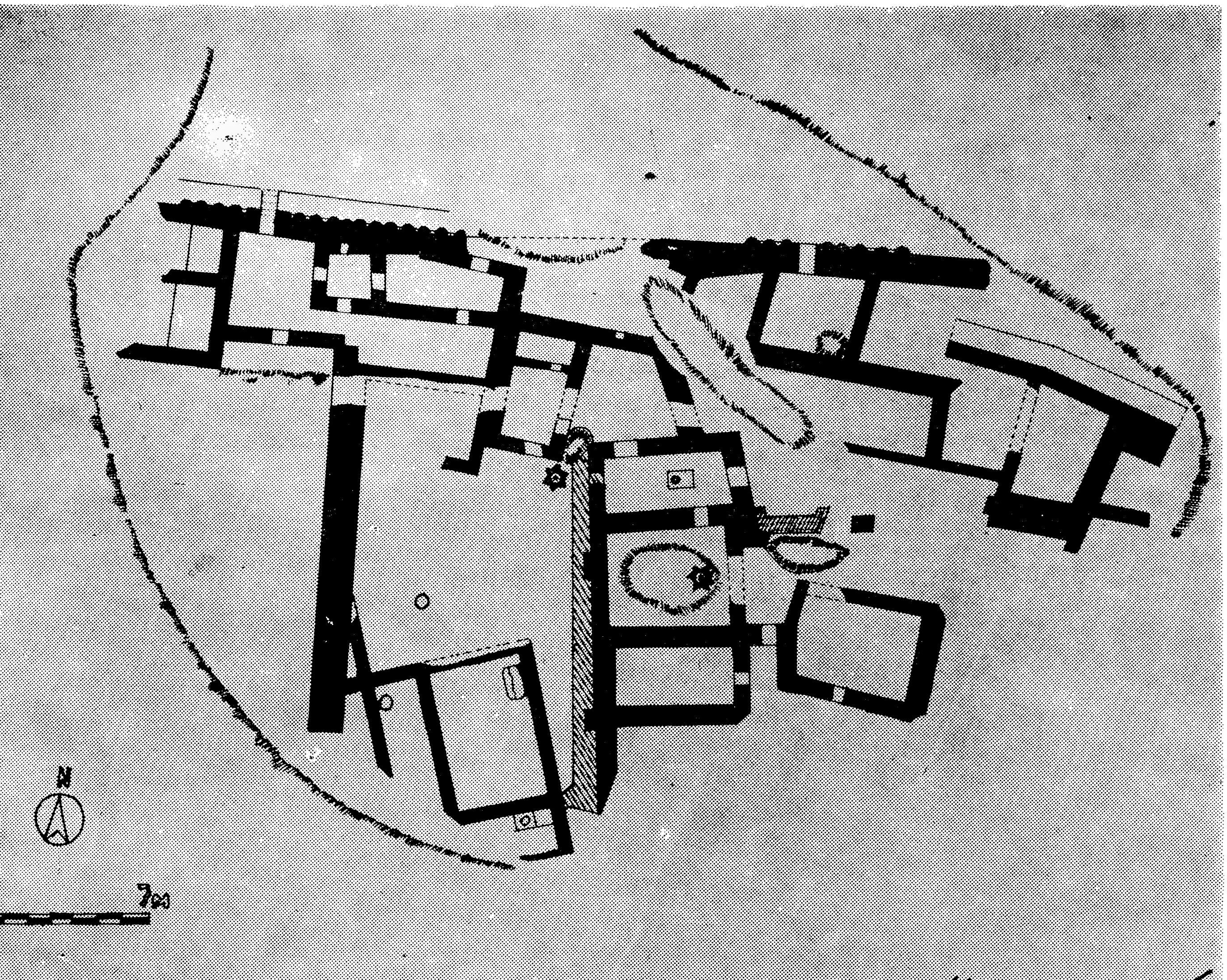

شکل 3.9 (b) : مندیگک A : پلان قصر ، ساختمان مجدد مرحلهٔ اول دورهٔ چهارم

دیوار بدون اتکا بالایی که‌به سمت شما ل امتداد دارند نیز کشـــف شده است . بعضی ازین سا ختمان ها دراثنای فعلیت های‌سا ختما نی دوره‌چهار م ذریعه خشت هـــا ی پخته پرانه کاری گر دیده‌اند. چند سا ختمان اخیر مر حله ششـــم (ب) دوره‌سرم قابل تعر یـــف وتشر یح می‌باشد ، که دربین آنها سا ختما ن مستطیل الشکل می‌باشد که اتاقها ی آن به اندازه هـــای کو چك و بز رگ تقسیم گردیده اندانین سا حه اشغا لی اخیر چندین بار متحمل تغییر و اعمار مجـدد گردیده به تدریجا در مرکز آ ن افزایش یا اصلا حا ت صورت‌پذیرفت ودراثر این افزایش فضای ازادوبار آن‌توسط سا ختمانهای مجز ا و یك پارچه احاطه گردید .بعد ازمر حله ششم (س) دوره‌سوم تغییری قا طع در طرز سا ختما ن تپه (الف)رونما گردید. از دوره اول تا مر حله‌ششم (س) دوره‌سوم تاثیر یانشانه کلـی عبار ت از سا ختمانها وخا کریزه هاییست که دراثر فعالیت های طرز زندگی همه جانبه مردما ن زرا عت پیشه غیر مها جر به میان آمـــده است .بعد از دوره‌سوم تفاوت‌زیادی در شکل ا نها ظهور نمود .

سا ختمانهای مرحله ششم دور ه سوم که از نگاه مهندسی سنتـــی باشکوه و متفاو ت باسا ختما نهـای قبلی بودند ، هموار گردیده اند . طرز وشیوه اینها دال بر مر تبـــط بودن آ نها بر بخش یا قسمـــت به خصو ص جا معه یاشکل بـــــه خصو ص آن مینماید . مسا حـــت اشغا لی سا حه جدیدوسا ختما ن بخصو ص حر فوی ازنگاه اهمیت هردو با هم مساو ی وبرابر اند . این سا حه اشغا لی جدید شا مل

تپه های ب،د،ی،ف،ج،چ،آ ، می گردد .

شکل (۵ـ۳) متاسفانه این ساختمان های دوره چهارم دراثر عوارض جوی ساییده شده ، اما با آنهم بعضی از آنها که‌ازخشت پخته اعمار گردیده بودند ،تقریبا **پابرجا مانده اند و دیگر ها ی آن بکلی از بین رفته اند.**

مشکل دیگر عدم ارتباط بر ش های لایه‌بندی بین ساختمانها ی عمده و اساسی می باشد که مانع **ارتباط قطعی بین آنها شده‌است .**

(کزل) براساس تیکر های کشف شده‌ارتباط هم عصر بود نساختمان های مذکور را ثابت‌نمود . دوره چهارم به‌سه بخش یا مرحله عمده تقسیم گردیده که مرحله اول آن‌بی اندازه موثر گیر نده‌و بی‌ما ننددر دوره های ماقبل ا‌لتاریخ‌افغانستان است.

مرحله اول دوره چهارم راکزل (مبدایاتاریخ قصر) نا مید که‌توسط **ساختمانها بزرگ یاد گار ی‌شگفت** آورو احاطه‌دیوار ها **مشخص** گردیده‌اند.(**شکل ۳،۱۳ـ۳،۹)**

«قصر» یك ساختمان **شگفت** آور بزرگ است که نصف ستون **بندی آن در تپه (الف) واقع‌گردیده** ومتحمل چندین مرحله دوباره ـ **سازی نیز گردیده است. شواهد** اندك موجود است که‌به طور قطع مشخص نماید که این ساختمان یك (قصر) بوده اما در یاد گار ی‌بودن آن شکلی موجود نیست ساختمان **مذکور به تمام معنی ازساختمان** های قبلی و معاصر خویش **متفاوت بوده و ازنگاه فرهنگی خیلی با ارزش می‌باشد . اگر این**

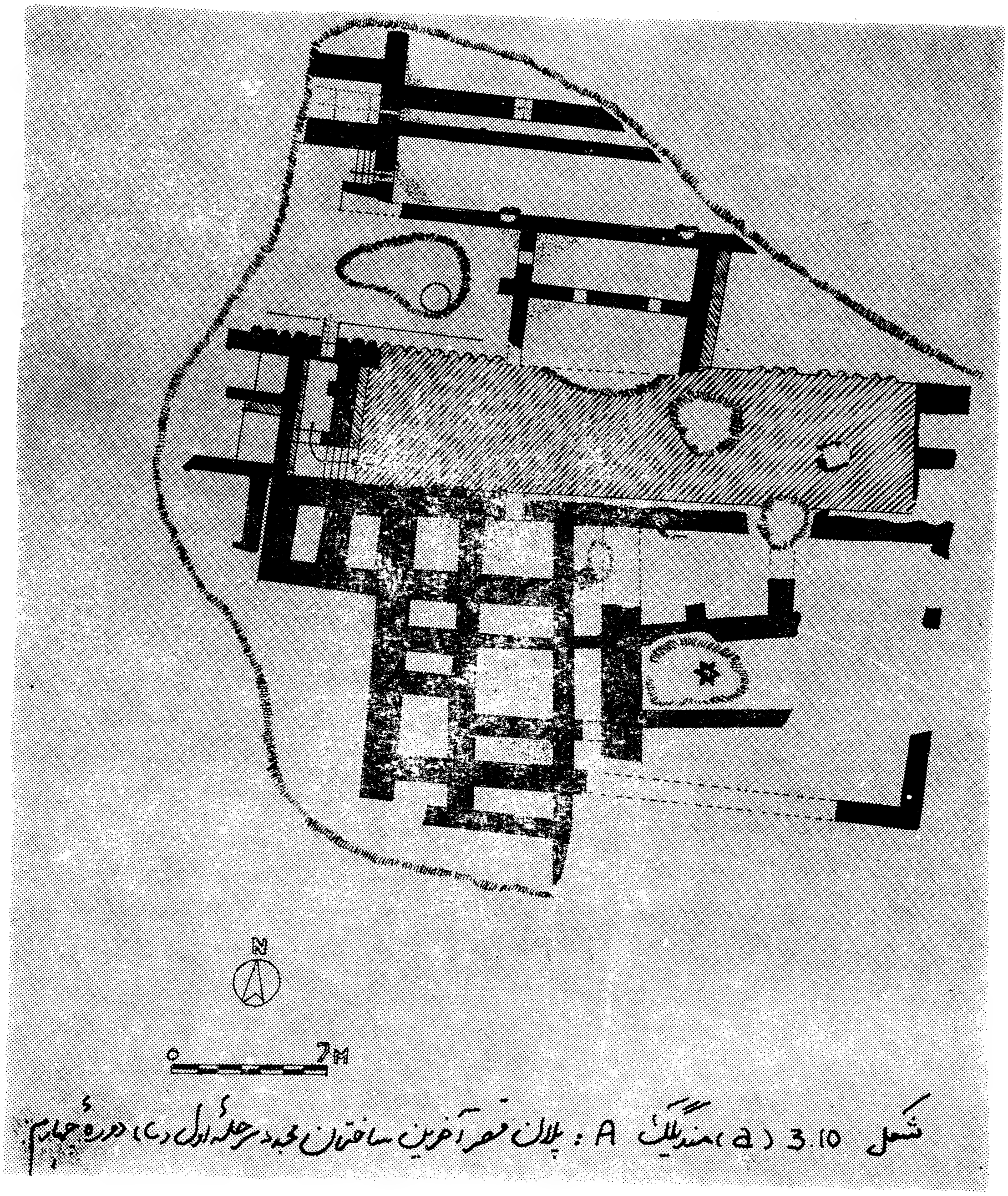

شکل 3.15 (a) منډیګک A : پلان قصرآخرین ساختن مجدد مرحله اول (ت) دوره چهارم

ساختمان را (قصر) بنا میم در آ ن صورت مستلزم در جه یاسطح تشکیلات سیاسی خواهد گردید که فعلا این مساله قابل تایید نمی باشد .

این ساختمان مهم درنقطه بالای ساحه مذکور موقعیت دارد(تپه الف) . هنگامیکه این عمارت بنا می‌یافت تپه(الف) یك ساختمان بزرگ بود، بارتفاع یازده متر که این ارتفاع در نتیجه ساحه اشغالی و ساختمانی قبلی با دیوار های احاطوی که در دور ء سوم اعمار گردیده بودند ، به میان آمده بود .از نقطه بالای تپه نه تنها ساختمانهای دیگر ساحه مذکور معلوم می شوند بلکه حومه شهر نیز قابل دید می‌باشد .پلان یا طرح اصلی ساختمان سه بار متحمل دوباره سازی گردیده که تنها تغییر آخری آن قابل توجه می باشد .

تا اخیر دو باره سازی ساختمان ستون بندی های ساحه شمالی از ساختمانهای دیگر مجزابودندو به همین سبب ساختمان مذکور دور از ساحه تپه یك برابر رقابل رویت‌بود .تنها دیوار های شمالی همراه با بقایای ستون بندی‌اشکال (۳ـ۹،۳ـب۱۳) قسمت شرقی وغربی آن این امکان رابه‌وجود آورده تاستون بندی های روی عمارات معلوم شوند . به همین ترتیب یگانه بقایای مدخل ازطریق ... شمالی کشف گردیده است‌و این‌بدین معنی نیست که‌موجودیت

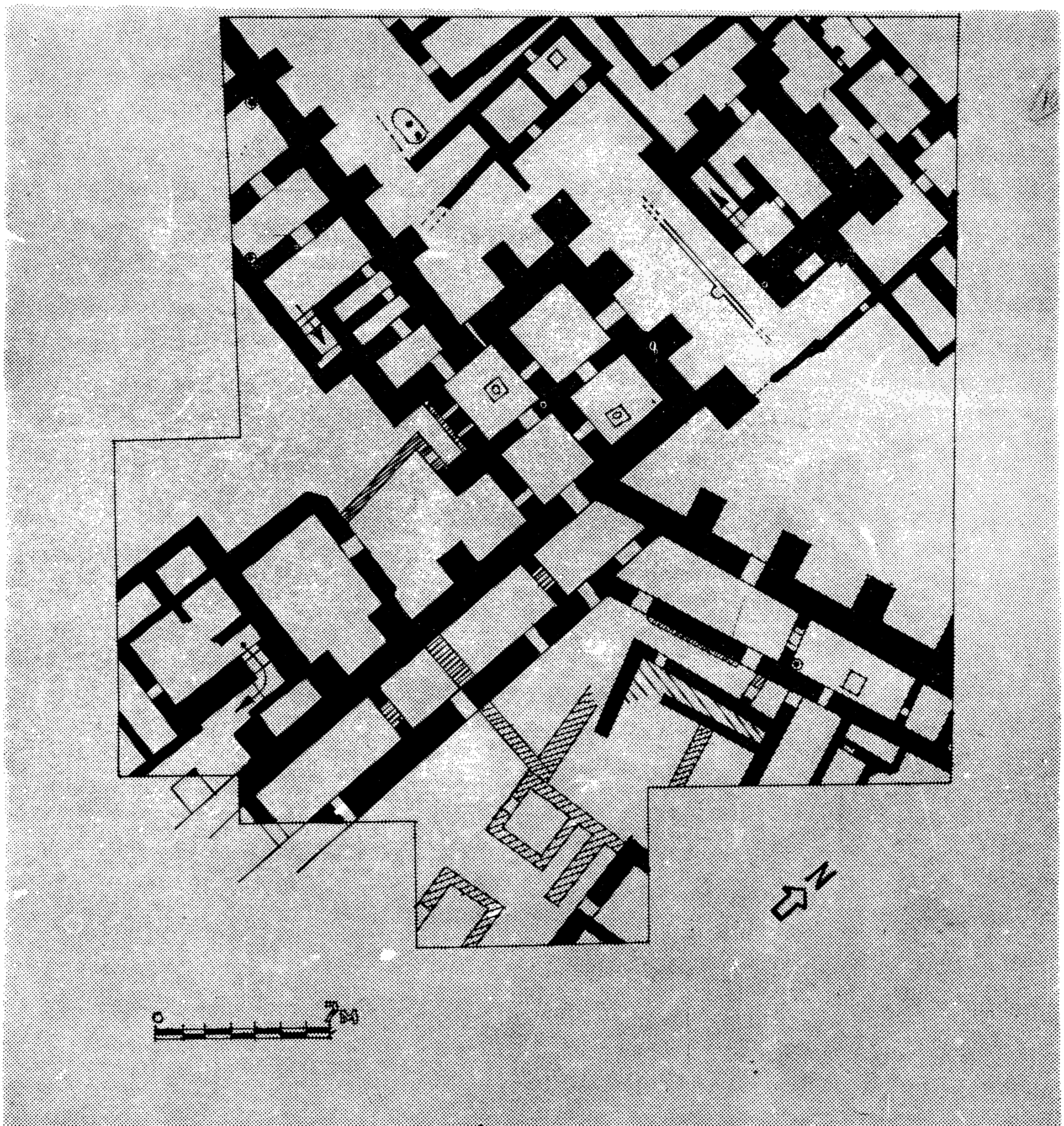

شکل 3.10 (b) مندیگک B : لنار حصار و ساختمان های محاصر

مدحل های دیکر را ردنماییم . از ساحتما ن دیوار ها ی دا خلـــی چنین بر میاید له انها دریك ردیف باچهار سمت اصلی سا حـــــه ساختما ن مرتبط بوده اما مسا له در قسمت دیوار ها ی خار جی چنین نیست .صف بندی مشابه را د ر ساختما ن باشلوه دیگر دوره‌چهارم غیر از قسمت بزرگ زاو یه دیوار های شمال شر قی می توان معیـن نمود. تعیین مو قعیت (قصر) و (معبد) بنابر عقیده کزل نتیجـــــه ساختما نهایی است کـــه‌به صورت موازی ما نند ساختمانهای قسمـت شر قی وغر بی دریك ردیف تو سط دیوارها ی احا طوی احاطه گردیده، سا خته شده اند. این مسا لـــــه مشکوك به‌نظر میاید ز یرا این‌صف بندی نتیجه یك امر تصاد فی بوده واز مشا هده ابتدا یی این‌ساختمان چنین بر میاید که دیوار هــــا ی بزرگ بیرونی آن و ستون بند ی نا تمام یاجز یی سا ختما ن مذ کور با هم مقابل بوده که فعلا دیوار شمالی آن‌پابر جاه‌مانده‌است.ستون بند ی قسمت دیوار ها از خشت پختـــه اعمار گردیده . ستو ن بندی ها ی بیرو نی پلستر سفید شده اند و قسمت دو قا نی ان تزئین خشتـــی گردیده که در نقطه مقابل زاو یه های زینه‌قرار دارد .(شکل۱۳الف‌ـ۹) دیوار ها ی باقیمانده دواعشاریه سه سانتی‌متر ارتفاع دارند که‌در اصل بلندتر ازین اندازه بودند . دیوا ر شمالی دارای ر هرو بر جسته‌خشتی می باشد . قسمت جنو ب دیوار،و بعضا دیوار های پیو سته دارا ی چند اتاق مستطیلی(؟) بودند که این ساختمانها مشابه ساختمانهایی می باشد که در دوره ها ی قبلی‌تشریح گردیدند .داخل شدن بلین ساختمان ها یا ازطریق زینه که به(حیاط)راه داشت صور ت می‌پذ یرفت و یا از طریق مد خل دیگری که مستقیمــا با این اتاقها ی داخلی کوچك را داشت صورت می گر فت . ایـــن منازل داخلی چندا ن تفاو ت مهم‌از سا ختمانهایی‌که درمر حله ششـــم دوره‌سوم کشف گردیده اندندارند. به‌جز ازوضع ترتیب آ نها که‌تو سط ستو نبند ی دیوار هاو (حیاط) به صور ت‌اتفا قی تنظیم گرد یـــــده است . دو سا ختما ن او لی‌آ ن که مجددا اعمار گردید(مر حله او ل دوره چهار م‌الف و ب) که تنها به سا ختما نهای دا خلی مر تبط می باشند . اعمار مجدد سا ختمانهـــا منتج به‌کثرت تعداد سا ختما نهـــا وضخیم شدن دیوار ها گردید . (شکل ۱۳الف ـ۱۰) در انجام‌شمالی حیاط دو دیوار اساسی عمو دابالای دیوار های ستون بندی شده قبلـی اعمار گردید و دراثر آن مجمو عه از اتاق ها منقسم گردیدند . ایـن سا ختمانها جدید در فعالیت هـــای منازل سازی تغییر واردنمود که می

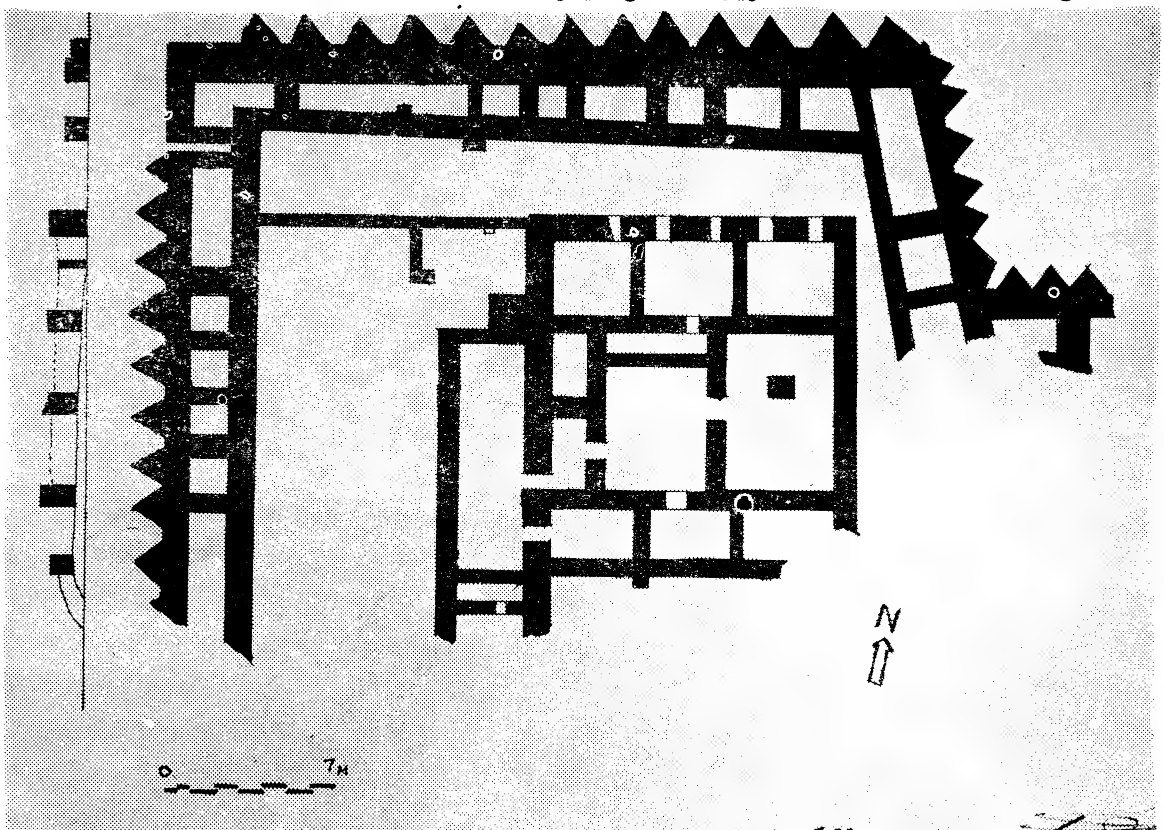

شکل 3.11 (b) مندیگک G پلان وتقطع معبد ، مرحله اول دوره چهارم

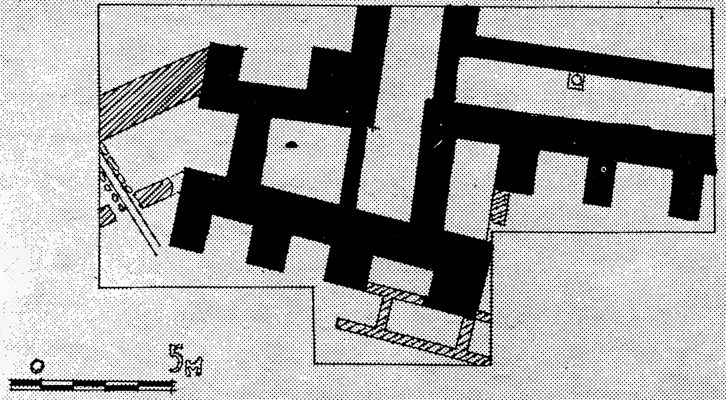

شکل 3.11 د) مندیگک D : برج و ساختمان های مجاور آن در مرحله اول دوره چهارم

توان آنرا در طرز سا ختن تنور های داخلی، آبرو، چراغهای تاقیوبالاخره ساحه آشپز خانه مشا هده نمود . فرقی که در مرحله اول(س) دو ره چهار م نمایان گردیده عبار ت ا ز طرز مهندسی باشکوه و تغییـــــر وظایف در مجمو عه ساختمانی آ ن می باشد.

در مرحله او ل (س) دورهچهارم ساختمانهای عمدهدر شمالستونبندی های دیوار اعمارگردیداین ساختمان های مستطیل الشکل سو ین ارسطه نظر و یا از لحاظ سکو نت گز ینی دیوار ها ی ستو ن بندی شده را کا ملا مشکوك و غا مض سا ختـه است.علا وه برین سا ختما نها ی که بدو طرف ستو نبند ی دیوا ر اعمار گردیده اند ، با فعا لیت ها ی سا ختمانی مناز ل مر تبط بود ندو آنقدر دیر پانبو دند . اینساختمان های جدید به طور کلی فاقـــــد بعضی طر حها ی داخلی هستند که درساختما ن های قبلی مشخصـــــ گردیده بودند ، به طور مثال دریکی از اتاقها مقدار غیر معمو ل کاسه های مر مرین سفیدو نو ك هایتیر برونز ی کشف گردیده اســـت.

موجودیت زینه ها در بعضیازسا ـ ختمان هادلا لت بردو منز له بود ن آنها مینماید و یاحد اقل دستر سی بهبام های مناز ل با اهمیت تلقـــی میگردید . ستو نبند ی دیوارهای قبلی پیو سته و مداو م قایـــــل استفا ده بودند ، اما بعضــــــیاز سا ختمانها یجنوبی به منظـــور وسیع سا ختن صحن توسط خشت هایپخته پر گردیدندوسا ختن يك تعداد زینه ها دران اضا فه گر دید نارسیدن رابه مد خل سابقه میسر وآسا ن گرداند . به فاصله پنج متر در عقب سا ختمان قدیم و مواز ی بهآن ستو نبند ی دیوار جد یـــــد اعمار گردیده، سا ختمان دیوارهای بلندو جدید بر شکوه تپه (الف) افزایش رابه عمل آورد . صحـــن مذکور چندین بار توسط پلستـــــر سفید و یاسرخ روکش گر دید . برش دیوار به منظور تهدا ب این دیوار جدید کاوش گردید (ازطریق دوره چهار م مرا حل (۲الف ــب) قطع گردید و بعد از بناءدیوارتوسط سنگ های بزرگ پر کاری گردیده. سا ختمانهای کهبهسمت جنو بیاین دیوارها ی جدیدوا قع گردیده اندبه صورت تصاد فی ترتیب و تنظیـــــم نگردیده بلکه همراه باطرح نقشـــــه شبکه ها که دارای اتاقهایمختلف الشکل میباشد یکجاسا خته شده اند (شکل ۳الف ــ۱۰) این اتا ق هابی نها یت کو چك بوده و بدو ن کدام طرح دا خلی میباشند. دیوار های باقی مانده دلالت براینمساله مینماید که آنها هیچگاه آنقدرارتفاع نداشتند .لذا سکونت گز ینی د ر آنها شك و تردید رابار میاورد . فرش های این واحد سا ختما نی به صورت دقیق پرکار ی و هموا ر گردیده است . متاسفانهآخریناعمار مجدد آن زیاد فرسوده گردیده ازین روکارفرا هم نمودن پلان جا مع آن را مشکل سا خته است.

غرب تپه(الف) و تپه ها ی(ب ود) بقایای مکمل دیوار احاطو یو «برج» را ارائه نموده است.(اشکا ل ۳.ب و ۳ . الـــــف ـ ۱۱ وب) این سا ختما ن ها مستقیما بالا ی زمین دست نخورده اعمار گردیده ودارای دو دیوار ضخیم ازخشت پخته و مواز ی باهم میباشند که تهدا ب آ نها از سنگ و گل ر س اعمار شده است ، فاصله هـــــای

منضم انکاهای دیوارها ی بیرو نی را مشخص نموده اما در قسمت دا خلی دو دیوار به اتاقها ی کو چـــک منقسم گردیده که شایدباشندکا ن مندیگك درآن اقا مت می‌گزیدند فرش این اتاقها به طور قابــل ملا حظه بالا تر از سطح قســمت بیرونی آ نهابودند . مو جود یت زینه پایه ها که‌باین اتاق ارتبا ط داشتند و سیله‌یی بوده برای با لا شدن به بام اتاقها ی مذ کور یااینکه استفاده از مناز ل دو می آ نها مهم می بوده‌است . دو نمو نه کا مــلا مجزا چنین دیوار های احاطو ی‌قسمت غربی تپه را محدود سا خته است. نمو نه ها ی نز دیکتر ین و زیاد وسیع کاو شها تقر یبا صد متــر دور بوده در حالیکه نمو نه دوم آن به فاصله یکصدو پنجاه متر دورتر از او لی به‌صورت موازی فا صله دارد. هردو نمونه یا مثال شما لاو جنوبا اعمار گردید ه بودند و عین موقعیت‌وسمت‌اصلی دیوار هـا ی (قصر) و دیوار های تپه الف قرار داشتند . دیوار ی نز دیك تپـــه الف دریك بلندی طبیعی وا قــع گردیده و به طورقابل ملا حظه‌ازدیوار دو می‌بلند تراست و شاید سهــم مهمی در تما می قطار دیوار ها یا زینه هاو مقطع های عمو دی تما م سا حه مسکونی‌طوری که حا لا به نظر میرسد داشته است .

زاو یه انجام جنو بی نز د یك ترین دیوارها ی احاطه غر بــی راست بوده و عینا ما نندسا ختمان دیواریکه‌شرقا وغربا مو قعیت دارد اعمار گر د یده است. عین‌تشریح‌و تعر یف را می توا ن در قسمت‌انجام شما لی دیوار غر بی به کار برد به استثنایی زاویه دیواری‌که شرقا وغر با اعمار گر دیده است، ز یرا زاو یه مذ کور به‌سمت دیوا رشمال شر قی منفر جه بوده ، امتداد ا ین دیو ر ها دردور تر ین نقطه شرقی آن معلوم نیست اما بادلا یــل معین و معقول می توا ن ار تبا ط آنها راباتپه (الف-ج) وباساختمان «معبد»(اشکال ۱۳ب-۲و۱۱ ب-۳) ودر داخل احاطه یا محیط آ نهــا تثبیت نمود . در هردو زاو یــه سا ختمانهای برج ما نند به عیــن طر ح و شیوه مهند سی که‌دیوا ر ها ،عمار شده آ نها نیز اعمارگردیده اند . بر ج جنو بی اتاق سا ده مستطیلی بوده‌و دارای اتکاء هــای بیرو نی می‌باشد .نمو نه یا مثا ل شمالی‌آ ن به چهار اتاق دا خلــی تقسیم گردیده و ممکن دومنز لــه نیز بوده باشد . اتاق مشا بــه سا ختمانهای برج ما نند دردومتری قسمت شر قی همراه با مسطــح بیرو نی هردودیوارشرقی‌و غربی واقع‌شده‌است. سا ختمان بــرج مانند در دو متری قسمت شر قی همراه با مسطح بیرو نی هر د و دیوار شر قی و غربی واقع شده است . سا ختمان برج ما نــند همگو ن اما مجزا در قسمت شما ل کنار شمال شر ق بر ج کشــف گردیده است . در انتهای مقا بــل این برج یك دیوار احاطوی عمو دی وجوددارد و احتمال میرود که به سمت غرب ادا مه پیدا نموده‌باشد.

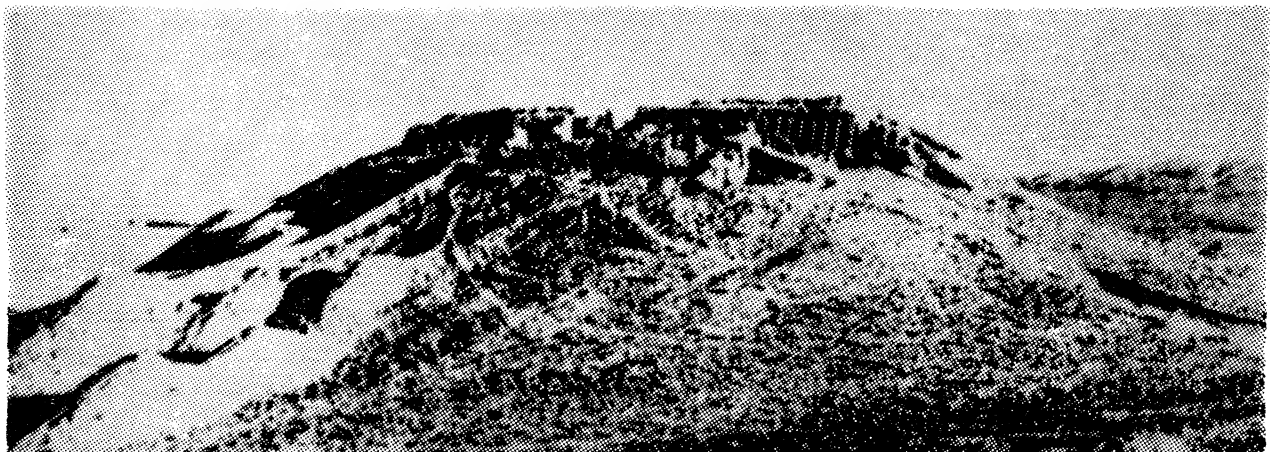

تصویر (۱۲-۳) : مندیگــك-(الف) منظره عمومی ، مرحله او ل دوره چهارم .

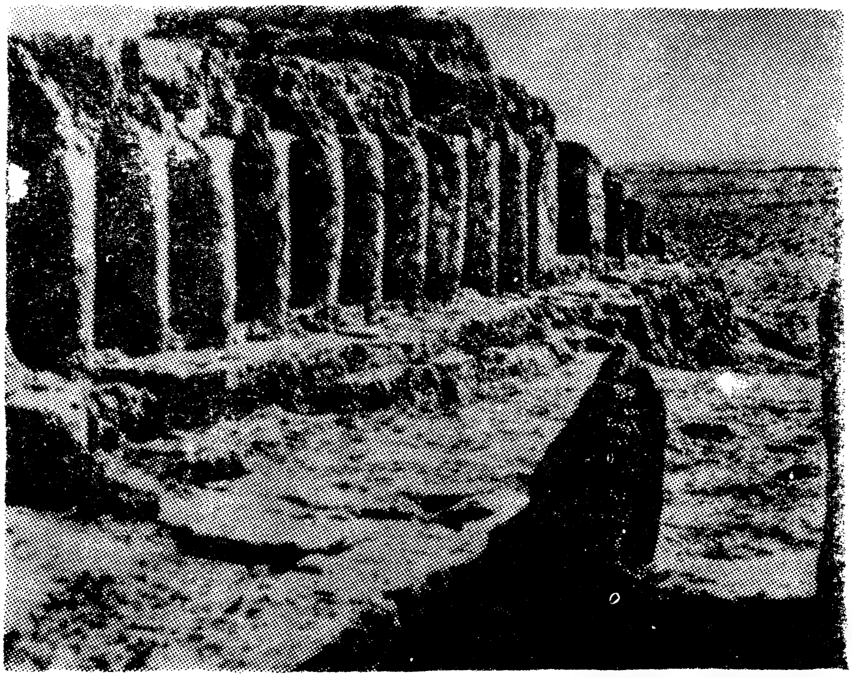

تصویر (۳ـ۱۳. الف) :مندیگک(الف ستو بندی قسمت غربی قصر، مرحله اول دوره چهارم

دیوار مذ کور در انتها ی غر بی دیواری که شمالا و جنو با وا قع گردیده وصل گردیده است. کاوش ها درساحا ت همجوار ونز د یک باین دیوار ها و بر جها ،سا ختمان های به خصو ص خانه ما نند ی را آشکار سا خت . ترتیب وتشکیل این ساختمانها به صورت وا ضح معلوم نیست مگر اینکه از دیوا ر های بزرگ همجوار ضرو ر ت آنرا در ك نمود . این سا ختما نها توسط تعداد از نشانه ها ی به خصو ص چون اجا قها ی دا خلی مشخص گردیده است. در ساحه جنوب غر بی کنار بر جها چندتنور مختلف الشکل (بیضوی ، مدو ر، مستطیل ، منفرد و چند احاطو ی) کشف و چنین اظهار گر دیده که شاید محل مذ کور سا حه صنعتی بوده باشد . در بعضی از سا حات نمو نه ها یی از آبرو هانیز به نظر رسیده است .حفریا ت محدو د تپه (س) که در بین تپه(الف و ب) واقع گردیده نشان دهنده این امر است که ساحه مذکو ر ذریعه دیوار ها ی بز رگ احاطه گردیده ونفو س ز یاد ی درآن مترا کم ومشغول به کار بوده اند .

به سمت شر ق تپه (الف)(ج) واقع گردیده و درائر کاو شها در تپه مذ کور سا ختما ن باشکو ه و بزرگ نمایا ن گردید(کز ل) آنرا **«معبد» نامید (اشکال ۳ـب۱۱ و ۳ ب ـ۱۳**

این سا ختما ن موازی با قصر وا قع گردیده و بایك مسیر شر قا وغر با به آن ارتباط دارد. ساختمان مذ کور اساسا بالا ی يك ز مین دست نخور ده اعمار گر دیده ، و تخنیك سا ختما نی آن مشا به به دیوار ها ی احاطوی می‌باشد .

متاسفانه قسمت جنو بی آن بسیار زیاد فرسوده گردیده اما به هیچ صور ت قابل قبول نخوا هد بود که این قسمت آن باق سمت کاو ش شده ساختمان مذ کور تفاو ت قا بل ملاحظه داشته باشد دو دیوار بز رگ موا ز ی به هم احاطه سا ختمانی را محدود نموده است .سا حه بین این دو دیوار به اتاقهای کو چك منقسم گردیده اما برای سکونت گز ینی مورد استفاده قرار نگر فته اند .

ستونبندی بر جسته مثلثی نا تما م از خشت پخته به امتداد نما ی بیرونی دیوار ها ی محوطه مذ کور اعمارگردیده است .تنها يك مرحله سا ختمانی معین شده می‌توا ند و آنهم مانند مر حله سا ختما ن مجدد(قصر) که نمایانگر در جه عالی ترتیب و تنظیم می‌باشد. محل مد خل تعیین شده نتوا نست.شاید مد خل مذ کور در قسمت جنو ب دیوار بوده باشد اما آ نهم به کلی فرسوده گردیده و از بین ر فته است. سا ختمان بز رگ مستطیلی که دو بر سه قسمت آن به تاقهای کوچك منقسم گردیده و مر کز

تصویر (۱۳ـ۳.ب): مندیگک (ج) منظره عمومی معبد مرحله اول دوره چهارم .

«معبد» را استیلا نموده نیز کشف گردیده است . قسمت غربی این ساختمان شامل یك ساحه آزاد ویاحیاطی باشد. در انتهای شمالی قسمت مرکزی حیاط حوض و جرد دارد که ارتفاع آن به طور قابل ملاحظه بالاتر از سطح ساحه احاطه شده می باشد . ساحه نزدیك به آن از خاکستر پوشانیده و مستقیما در عقب حوض واقع گردیده آبرو تیکری که شرقا و غربا بین دیوار اصلی و دیوار کوچك (ل) شکل امتداد داده شده و با قسمت داخلی ساختمان مرتبط می باشد این دیوار که حدود غربی اتاق را تشکیل میدهد. به حیث ترکیب یا مجموعه یك زیارت تعبیر شده است . در کنار جنوب شرقی ساختمان نسبی بزرگ مستطیلی قرار دارد که دارای مسند های پلستر شده سفید می باشد . مسند مشابه به امتداد دیوار شرقی نیز کشف گردید . در مرکز حجره یا اتاق، اجاق مستطیلی بر نگ سرخ همراه بازینه کوچك در قسمت غربی آن نمایان گردیده است . اندازه های اتاقهای شرقی متفاوت بوده و دارای چندین اجاقهای داخلی و بعضی طرحهای کوچك می باشد. باآنکه مواردی وجود ندارد که مذهبی بودن ساختمان را معین نماید .حتی به طور یقین این ساختمان محلی برای سکونت نیز نبوده هر آنچه از ساختمان مذکور کار گرفته میشد دلچسپ بوده واز ساختمانهای دیگر ساحه تباین دارد .

مرحله اول دوره چهارم نمایانگر دوام و تغییر در دوره های قبلی مندیگك می باشد . شاید تغییر زیاد واضح و روشن در وظایف به خصوص مهندسی ظاهر گردیده باشد .

(اشکال ۳-۱۲ و ۳-۱۳)

به طور یقین این تفاوت در باز ماندههای تمامی مدتانکشاف فرهنگی تعیین شده می توانند . (کزل) برین عقیده بود که مرحله اول دوره چهارم اشغالی ومسکونی بابر خورد شدید پایان گرفت ، نتیجه آنکه قسمت ازساحه متروك گردید . نمونهها و مثالها پراگنده تعمیرات حریق شده و شواهد دیگری که توسط کزل ذکر گردیده نشان دهنده یك آتش سوزی بزرگ درین ساحه می باشد .هر چند این شواهد قانع کنندهنیست باآنهم (قصر)و«معبد» طوری بهنظر میایند که لغزیده اند ودیگر از آنها استفاده نشده ودر دوره چهارم دوباره اهمیتخویش راحاصل کرده نتوانستند .درمقابل چندین ساختمان که با دیوارهای احاطوی مرتبط بودند ، چنین به نظر میایند که به طور پیوست در تمام مدت دوره مذکور برای سکونت گزینی قابل استفاده بودند . در واقع مشکلات که بوسیله مقدار زیاد فرسودگیوعدم موجودیت کافی مفروضات لایه بندی خلق گردیده تقسیمات سهمرحله این دوره رابهتردید واداشته است . تازمانکاوشهای اضافی یابیشتر تقسیمات آن مشکوك خواهد ماند . مرحله دوم دوره چهارم به صورت عمده در تپه(ب) که عمق آن کم میباشد کشف گردید و ساختمانها پیوستگی و ارتباط آنرابا مرحله اول دوره مذکور آشکار نموده است . چند ساختمان جدید با دیوارهای کهنه به شمول دیوارهای احاطوی پیوست واقع گردیده ومورد استفاده قرار گرفتهاند . تهداب کنونی آنها باریك بوده وبنا یا ترتیب اساسی آن ساده وهمسطح نمودن باخاك یازمین اصلی بوده است .سنداژ کوچکی دور تر از دیوار های احاطوی این مسأله را مشخص نموده که قبلا افزایش دروسعت ساحات غیر مسکونی صورت پذیرفته است. تیکر های این دوره نشان دهنده ادامه همان رسم هاو اشکال ظروف پیشین بوده اما بعضی تغییرات واصلاحات در آنها واردگردیده است. اشیای فلزی به طور محسوسی بهکثرت ازدیاد یافته اند . این مرحله بیشتر به اساس تیکر ها نسبت به مفروضات لایه بندی آن قابل تشخیص است.کزل چنین ارائه میدارد که مرحله دوم دوره چهارم دراثر زلزله پایان یافته و ساحه مذکور در ین دوره برای مدتی کوتاهمتروك گردیده است .چنینزلزلهمی تواند دلیلی برای ویرانی و ختم مرحله اول دوره چهارم نیز باشد.

آگاهی در مورد مرحله سوم دوره چهارم بیشتر از تپه(ب)حاصل گردیده ساختمانها بر جسته بیشتر در اطراف دیوار های قبلی اما دیوار احاطوی جدید موازی کمی به طرف شمال دیوار های قدیمی متمرکز اند . دیوار جدید باسه دیوار عمده موازی هست .دو دیوار بیرونی توسط سنگپارچه های کوچكپر کاری شده اندوازین رو یك دیوار بزرگ و مجرد راساخته اند . در مورد مراحل قبلیبا ید یاد آورشد که خلاء یافضای داخلیباقیمانده به اتاق های کوچك تقسیم گردیده اند و برای سکونت گزینی از آنها استفاده میشد . زینه هایدرونی یکبار دیگر دلالت کننده ، بر راهیابی به منازل فوقانیویابام میباشدکهیکی از طرح یا ترکیب منازل بوده است . در شمال دیوار فضای باز وسیع واقع

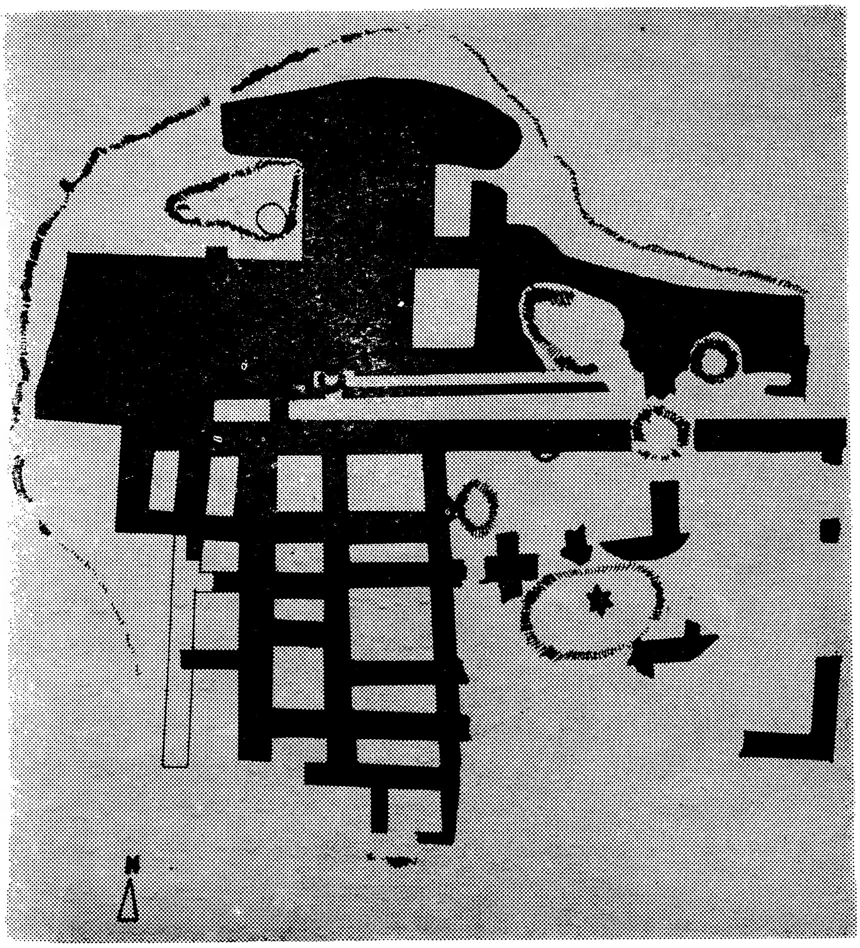

شکل (۱٤ـ۳) مندیگک (الف) پلان

گردیده که موارد استفاده از آن چندان روشن وواضح نیست. اکثری ساختمانهایی که‌تشریح گردیدند به مقایسه ساختمانهای قبلی در ساختمان آنها چندان‌دقت به خرج داده نشده، اما از جهات وموضوعات دیگر بسیار مشابه می‌باشند. تباین و یافرق عمده که درین مرحله‌به‌نظر میاید در مورد ساخته‌های تیکری، ناپیدایی نمونه ها و اشکال قبلی می باشد (بصورت برجسته اشکال حیوانات). ساختمانهای این مرحله در تپه های دیگر نیز معین گردیده اما آنها غالبا کم عمق یعنی سطحی بوده و بسیار فرسوده و ساییده شده اند.

پارچه از مجسمه سنگی پانزده سانتی متر بالا تر از ته نشین‌شده هاکشف گردیده و آنرا به مرحله سوم دوره چهارم منسوب میدانند. مرحله اخیر دوره چهارم باکدام حادثه شدید پایان نپذیرفت، و تفاوت آن و دوره پنجم دوباره در مشخصات تیکری و اشغال مجدد تپه توسط ساختمان یادگاری دیگری به ملاحظه رسیده است.

باوجود نمونه های اذیت کننده و مشکلات لایه بندی تباین مرحله تسلسل اساسی و اصلی انکشاف فرهنگی مندیگک‌پیوسته وآشکار گزارش داده شد. هرچند دوره پنجم تفسیر کننده بسیاری از مشکلات مهمی می‌باشد که ماقبل التاریخ بعدی افغانستان رامتاثر گردانیده اما در عین حال هیچ اشاره برای حل مشکلات پیشکش ننموده است. تقریبا تمام طرح هانقشه ها و مباحثات در مورد انکشاف فرهنگی ماقبل التاریخ افغانستان باوجود تسلسل، و پیوست سه دوره عمده دیگر باختم مرحله سوم دوره چهارم منتهی می گردد.

تعبیر و تفسیر در مورد اینکه ترک بیشتر ساحه بعد از مرحله سوم دوره چهارم صورت گرفته‌با کاوشهایی که در سید قلعه، دهموراسی، شهر سوخته‌و وادی کویته صورت پذیرفته این‌مساله رابیشتر تقویت نمود. زیر دنباله نوع موادد دوره چهارم مندیگک در آنها تصریح وتعیین شده نمی‌تواند علاوه بر آن این وقفه در انکشاف فرهنگی طوری به‌نظر میاید که با انکشاف کامل فرهنگ هرپه در وادی اندوس همزمان بوده است. عدم موجودیت تاثیر متقابل واضح بین فرهنگهای (هرپه) و ماقبل التاریخ بعدی افغانستان موضوعی است تعجب آور، در حالیکه چنین ارتباط در قسمت شرقی ایران (لمبرک-کارلوفسکی و توسی ۱۹۷۳) و آسیای میانه اتحاد شوروی (مسوون وسریانیدی ۱۹۷۲ : ۸ ـ۲۸!) گزارش داده شده است. درسراسر دوره سوم و چهارم مندیگک بعضی شواهدی وجود دارد که تاثیرات متقابل فرهنگی آنهارابا وادی اندوس نشان میدهد ووقتی محلات پیچیده و بغرنج می‌شوند، عدم تشابه قطعی بین مواد فرهنگی دوره چهارم و پنجم مندیگک یابین دوره پنجم و فرهنگک دیگری ماقبل التاریخ در ساحه مذکور معین شده نمی توانند. ازین رو تسلسل فرهنگی مندیگک بعد از دوره چهارم نهایت مشکوک است. بدون شک بعضی ازمشکلات تفسیری یا تشریحی را می‌توان به ساییدگی شدید نسبت داد، این موضوع را در قسمت سطوح

بالای ساحه که بالا یه بندی مغشوش شده در ارتباط است مشاهده نمود. (کزل) امکان آنرا بهزلزله ها که یك حادثه طبیعی غیر معمول در ساحه نیستند محول مینماید) تپه (الف) دو باره اشغال گردید و قسمت راست بالای باقی مانده مرحله اول (س) دوره چهارم برای ساختمانهای وسیع وبزرگ مورد استفاده قرار گرفت (شکل-۴-۳) ساختمان مذکور از خشت پخته بالای تهداب سنگی اعمار گردیده ساختمانهای ستون بندی شده قدیم و صحن بزرگ قسمت شمالی تپه کاملا از خشت‌پوشانیده شده اند. در قسمت بالای این صحن دو اتاق کوچك که بلند ترین ارتفاع را درساحه داشتند واقع گردیده بودند. مستقیمابطرف جنوب در قسمت مقطع عمودی این اتاق ها دو اتاق دیگری طویل وباریك مستطیلی که تقریبا تمام فاصله شرقی و غربی قله تپه را احاطه نموده بودند قرار داشتند. در قسمت جنوبی همین اتاقها مجموعه دیگری از اتاقها مستطیلی کوچك قرار داشتند و میتوان آنها را بدو دسته تقسیم نمود: اتاقهای کوچك در غرب و اتاقهای کمی‌بزرگتر درقسمت شرق. درواقع پلان بخش جنوبی به طور عجیبی مشابه به آخرین اعمار مجدد مرحله اول (س) دوره چهارم می‌باشد. درساحه نزدیك بهقله تپه منازل پهلو به همی می باشند و این واضح هست کهاحاطه تمام این ساختمانها توسط دیوار های همین منازل احاطه گردیده بودند. متاسفانه سطوح بالایی‌شدیدا فرسوده وساییده‌شده مانع ترسیم پلان جامع‌ساختمان های آن می‌گردد. درین شکی‌نیست که‌وضعیت عالی تمام ساختمان منازل چند قطاری، صحن بزرگ یا اتاقهای عالی در بالای آن رنگامیزی شده بارنگهای سرخ و یاسفید برای چنین ساختمان یك حالت جاذب و گیرنده می‌بخشد. موارد استفاده از ین آبده معلوم نیست، اما دلایل معقول و معین وجود دارد که این ساختمان برای اقامت گزینی نبوده و کاملا عاری از هر گونه صفت مشخصه چون اجاقهای داخلی که برای اقامت گزینی لازم است می باشد. گذشته از ین ها نشانه یاعلامت وجود ندارد که نوع از بام این اتاقهارا تعیین نماید. یگانه مشخصه که دلالت بر استفاده احتمالی ازین ساختمان مینماید عبارت از محل (قربانی انسان) است که بیرون از تهداب احاطه چند اتاق کهپهلوی هم قرار دارندواقع گردیده‌است. همراه با تهداب دیوار های اتاق مذکور چند استخوان انسان به شمول استخوان الاشه طفلی کشف گردیده است. (قربانی)انسان بازینه های هر شکل که بواسطه دیوار اتاقهای که پهلوی هم قرار دارند بمیان آمده، پیوست می‌باشد وعظمت خود ساختمان درواقع دلالت بر همان اصل مینمایدکه کزل گزارش داده است یعنی مانند (زیکارتها) بین النهرین، استفاده یی که ازین ساختمان دلچسپ مینمودند باید معین‌گردد. گرچه یگانه ساحه وسیع کاوش شده دوره مذکور همین ساختمان تاریخی است و این یگانه ساختمان نیست که با دوره‌پنجم مرتبط می‌باشد. کزل معتقد است که تمام سلسله منازل از سمت شرقی تپه (الف) کشف گردیده‌و تاسمت شرقی دریا ادامه پیدا نموده اند. و طوری که به نظر می آید که منازل در ساحه مذکور بلا فاصله خارج از دیوار های منازل پهلو بهم واقع شده اند. این نکته نیز قابل یاد آور یست که خود ساختمان اصلی حد اقل برای یك مرتبه ساختمان مجددا متحمل شده است.

از نقطه نظرمهندسی و لایه بندی کدام تفاوت فاحشی بین دوره های پنجم و چهارم نظر به تفاوت که بین چهارم و سوم وجود داشت، موجود نبوده، و تفاوت عمده دوره های چهارم و پنجم در تیکر های مشاهده‌گردیده است کهبایگانه صنعت تیکر سازی قابل مقایسه است که از نگاه‌جغرافیایی بعید و از نگاه تاریخی‌بعدی می باشد. مباحثه کزل هم باساس همین تیکر هاصورت گرفته و معتقد است که دوره واگذاری یا متروك شدن ساحه دوره های چهارم و پنجم را از هم جدانموده است. اگر دوره پنجم را در نظر داشت یك مدت زمانی به تعقیب دوره چهارم آمده باشد، در ین صورت احتمال دارد که معاصربا فرهنگ هرپه بوده‌باشد. موادی به ارتباط این دوره موجود نیست که ارتباطفرهنگی و یا تاریخ همزمانی آنهارا‌تشخیص ومعین سازد. از نگاه‌اصطلاحات ترتیب تاریخی بازهم مطلبی موجود نیست که معاصر نبودن آنرا با دوره پنجم معین نماید.

ارتباطات‌فرهنگی ولایه بندی دوره پنجم به صورت بی‌نهایت مشکوکی باقی مانده است. گرچه بعضی پیوستگی هاو ارتباطات بین دوره های پنجم و ششم موجود است. اما دوره ششم مندیگك شامل مباحثات ماقبل - التاریخ افغانستان نمی گردد. ظهور تکنالوجی آهن وارتباطات فرهنگی‌وپیوستگی تیکری آن تاریخ بعدی رابرای این دوره تعیین میدارد. دوره ششم داخل حلقه اسناد ثبت شده تحریری‌می گردد و از ینرو از لحاظ اصطلاحات فنی این دوره بخشی ازماقبل - التاریخ افغانستان بوده‌نمیتوانند.

(ادامه دارد)

«سیستان» کی د لرغونی پیژند و نکو څیړنی

دغه سروی د دووسیلو په واسطه تر سره شوه یو داچه د د حمل او نقل په برخه کی په زیاته پیمانه د حیوانا نو او ژوو څخه گټه اخستل کیدل او بل هم د عکاسی او نخشی تهیه کولو په هکله ډیوه ټکر څخه چی اوږ دوالی یی لس مترو ته رسیدی کار اخستل شوی دی . پر نو موړی ټکر باندی د هغه سیمی ټوله نخشه ثبت شوی او هغه هم د داسی یوه لوړ بام څخه چی لواړوالی یی اوه متروته رسیدی عکاسی شوی ده ځکه چی دنو موړی سیمی پراخی عکاسی نسبتاً دلو ړی زاویی څخه عکس اخستلو ته اړتیا لرل .

ددغه سیمو په ورانو شوو زړو ودانیو کی یوشمیر داسی د کلالی لوښی چی دهغه نورو د باند نیو دښتو نو او سیمو په برخوکی دموندل شوو کلالی لو- ښو په پرتله په ډیری ښه ډول جوړ شوی ، ترلاسه شوی دی . چی دغه لوښی حتی تقریباً د اوسنیو یا نژدی وختو نو د کلالی دلوښو سره سیالی کولی شی .ځکه چی نوموړو وښو ته یو ډول ځلا او بریښ هم ورکول شوی دی . چی دغه راز بریښند- وکی لوښی په ډول ډول رنگونو سره دیکور ، دیزاین او ښکلی شوی وه .

دغه راز هغه کلالی لوښی چی د هموارو دښتونو او یا هغه سیمو څخه چی دوښو په گیدیو باندی پوښل شوی‌دی، څخه ترلاسه شوی دی ، ډیرو اړه او کوچنیی دی ځکه یی نو ددغه سمسور و سیمو څخه را ټولول او موندل گران کار دی .

دبلی خوا ددغه راز لوښو دو- رانیدو او د توږل کیدو څخه دمخنیوی مسئله دیوی خوا څخه پخپله دلوښی په سایز او ډول پوری اړه لری او دبلی خوا څخه په هغه مځکه پوری چی نو موړی لوښی پکی موجود دی .

لنډه داچی په مجموعی ډول دهغه ټوټو شمیر چی دلرغون پیژندنی له پلوه د ٤٥ لمبر مځکی او ساحی څخه تر لاسه شوی دی ۱٤۷۳ دانوته رسیږی چی ددغه ټوټی څخه داسی ښکا- ری چی هغوی دکلالی د صناعت په برخه کی د بیلا بیلو رنگو نو څخه استفاده‌کول لکه چی څرگنده شوی ده دنو موړو موندل شو و ټوټو د جملی څخه یو زر دوه‌سوه اوه ټوټو سوررنگ دوه اتیا ټو ټو تور رنگ او یوسل یو څلو ینبت ټوټویی ژیړ بخون نارنجی رنگ در لودی . دغه ژیړ بخون نار نجی رنگ لرونکی تاریخی آثار او ترلاسه شوی ټوټی دختو څخه جوړی شوی او زیاتره یی دروغ او جوړولو ښو په برخه کی موجود دی . لاکن نور سری او توری ټوټی بیا د نارنجی لوښو په نسبت یولړ ځا نگړی خصو- صیات لری چی‌دا ډول خصوصیات د ځانگړی رنگ په مربوطو لوښو کی نه دی لیدل شوی هم دا ډول دآب ورکولو له مخی هم دلوښو په مینځ کی طبقه بندی رواج نه وه لکه څنگه چی دپخیدو په برخه‌کی دغه ډول طبقه بندی نه وه مو- جوده . په تیره بیا تر هغه وخته پوری چی زیاتره لوښی پرته له آب ور کولو څخه جوړ یدل .

دغه مواد پردو برخو ویشل شوی وه چی یو ډول یی هغه وه چی نسبتاً پرمخ تللی او تنظیم شوی بڼه یی در لودل او بل یی هم هغه لوښی او موادوه چی تنظیم شوی نه وه . چی دغه د دوهمی دوری مربوط لوښی اوغابونه پردو برخو تقسیم شوی وه چی یو ډول یی سور او بل ډول یی تور بخون رنگ درلو-

دی . په داسی حال کی چی دلو- مړی دوری مربوط ډیکور شوی لوښی برسیره په دی دتخیك له پلوه هم پر بیلا بیلو برخو

د افغا نستان د جنوب لوید- یځی سیمی یوه بله لرغونی سیمه چی د نیمروز د ولایت د چاربر- جك په ولسوالی پوری تړلی ده دسارو تار دلر غونی ابده په نوم یاد یږی چی دهغه ځای خلك یی (شهر غلغله) هم بولی . دلو مړی ځل لپاره دهنری مك موهن له خوا چی دلویدیځ سرحد او پلی دتثبیتو د هیئات مشری یی په غاړه وه دافغانستان او ایران تر مینځ له ۱۹۰۳ - ۱۹۰۵ کال پوری معرفی شوی ده مگر نو موړی دغه ساحه د (سارو تار) په نامه یاده کړی چی په نورو انگلسی نشراتو کی هم دغه سیمه په دی نوم ذکر شوی ده

هغه لرغونی آثار چی د گاردین ژیك ځخه ترلاسه شوی دی

(هاکن په افغا نستان کی دلر غون پیژ ندنی څیړنی ، ۸ ټوك ۱۹۵۹ کال ۲۵ مخ) تاروساز ساحه په تیرو ، پیړیو کی (دغزنو یانو دوره او پخوا تر هغه)یوه حاصیل خیزه اوسمسوره او دلر غونو زیرمو ځخه ډکه سیمه وه لاکن نن ورځ دهغه مربوطی گنډوالی دریگی دښتو په مینځ کی پرتی دی . دتارو- سار دغلغلی ښار د ۸٦ کیلو مترو په شاو خواکی له زرنج او د ۲۸ کیلو مترو په شاو خواکی د فتح دلر غونی کلا ځخه دموترو د سړك له لاری واټن لری په نومو- ړی سیمه کی کوم اساسی سړك نه لیدل کیږی په ډیرو سختی سره کولای شو دفرعی لارو وړو او لویو ریگی غونډیو ترمینځ خپل ځان دغی سیمی ته ورسو و ، دغه تاریخی ځای ډیر پراخ دی . ددی آبدی په جوړو لوکی دفاعی مسایلو ته زیاته پاملرنه شوی ده دتاروسار تاریخی کلاددوودیوالو او در وخندقو په وسیله ساتل کیده یرغل گر مجبوروه چی له دغو درو دیوالونو او خندقو نو ځخه تیر شی تر ځومانی ته ورسیږی د غلغلی دښار دورنما او منظره داسی ښودل شوی ده :

دبهرنی یاد باندنی دیوال په اوږدوکی چیدیوی نا منظمی دایری په ډول جوړ شوی او تقریباً یو کیلو متره مربع ځای نیسی، ډیر برجونه لیدل کیږی او داسی ښکاری چی د جگړی ډیر پراخ او دفاعی مسایل دهغه په جوړو لوکی په نظر کی نیول شوی دی . همدا ډول د انگړ په دننه کی تقریباً یوبل دا یروی دیوال معلو میږی چی دلو مړی انگړ په پرتله ئی لږ ساحه نیولی ده ددی دیوال په اوږ دوکی دو دانیو ډیری ښی ښانی لیدل کیږی چی له بده مرغه ټو لی دریگو لاندی پټی شوی دی .

د دوهم انگړ په مینځ کی یوه لویه ودانی د شاهی مانی په دول لیدل کیږی دامانی چی دیوی مصنوعی غونډی په سر جوړه شوی په لوموړی سر کی دوه پوړیزه وه مگر ددوهم پوړ چت یی دگنبدی په توگه ؤ .

د یوی کوټی دچت یوه برخه چی تقریباً دا یروی شکل لری تقریباً د ۷۰ سا نتی متر په قطر نړیدلی ده نو موړی کوټی دیوی بلی کوټی سره اړیکی لرل ددغی مانی په جوړو لو کی له ډول ډول تعمیر- اتی مواد و لکه پخی خښتی او

خامې خښتو څخه کار اخستل شوی دی د کوټې په دننه کې رووقونه ، رپونه طاخچې او داسی نور دپخو خښتو څخه جوړ شوی دی . ددې تاریخی ابدی څخه داسی ښکاری چی لمړی انګړ چی په هغه کی ډیری ودانی لیدل کیږی دزیار کښانو په طبقې پوری اړه لری او دوهم انګړ ښایی د مادی او مذهبی مخو رو او لوړ رتبه خلکو ځای وی . دریمه برخه به دهغه چا وه چی دکام مشری یی په غاړه وه په دوهم رنګړ کی دننه دمانۍ څخه بهر دیوه جومات نښې نښانۍ هم لیدل کیږی . دجومات د محراب دتز ئنیاتو یوه برخه او دشپړو ستنو لاندی برخی ښکاری دجو- مات نوری پاته برخی دریګ ترکو تو لاندی ورکی شوی دی.

ددغی برخی څخه ترلاسه شوی معلو ماتونه څر ګندوی چی په اغلب ګمان سره به ددغی سیمی ابده د صفار یانو او غزنو یانو په دوری پوری مربوطه وی ځکه چی صفار یان اصلاً په سیستان کی مینځ ته راغلی او دغه ساحه ئی له ۲٤۷ ـ ۲۹۳ کلونو پوری تر خپل تسلط لاندی راو ستلی ده . (دافغانستان مختصر تاریخ لمړی ټوك د پوهاند جیبی تالیف ۱۳٤٦ کال ۱۱۸ مخ) په ۳۹۳ هجری کال کی سلطان محمود هم سیستان فتح کړ او دا ساحه وروسته له دی دغزنیا نو په لاس ورغله (دغزنو یا نو سلطنت د استاد خلیلی تالیف - ۱۳۳۳ هجری کال ۳۸ مخ) لاکن باید وویل شی چی ددی ودانی په جوړ ولوکی د ساسا نیانو د معماری له سبك څخه زیاته استفاده شویده که دا په نظر کی ونه نیسو چی د دی لرغو نی آبدی دیوا لونه چی په بشپړه توګه د اسلامی دور ی په سبك جوړه شوی د غلغلی د ښار پلان او نخشه په فیروز آباد کی دلو- مړی اردی شیر نخشی ته ورته والی لری (جوزف هاګن په افغانی سیستان کی دلرغون پیژ ندنی څیړنی - پاریس ۱۹۵۹ کال ۲٦ مخ) محمد اعظم سیستانی په دغه باب داسی لیکلی دی : « په بارانی وختونو کی خلکو د مازدیګر په وختونو کی چکرو هلو په ډول دسارو تار کنډوا لو ته ځی وروسته له یوڅه مودی دیو موټی قیمتی تیږو او دانو یا فلزی (طلایی نقره یی او مسی) سکو سره چی دپارتی، ساسا نی ، دعباسی دوری اوایل صفار یانو او غزنو یانو په دوری پوری اړه لری ، سره یو ځای بیرته را ستنیږی . (اریانا پنځه ویشتمه دوره مسلسل ګڼه ۲٦۹ سلواغه - کب ۱۳٤۵ کال ٤٠ مخ) . دخاورینو لوښی تو- تی چی په تیموری دوری پوری اړه لری هم ددی ځای څخه ترلا- سه شوی دی په دی اساسی ویلی شوچی ښایی داسیمه به یو ځل د دتیمور یانو د اعظمت د دوری

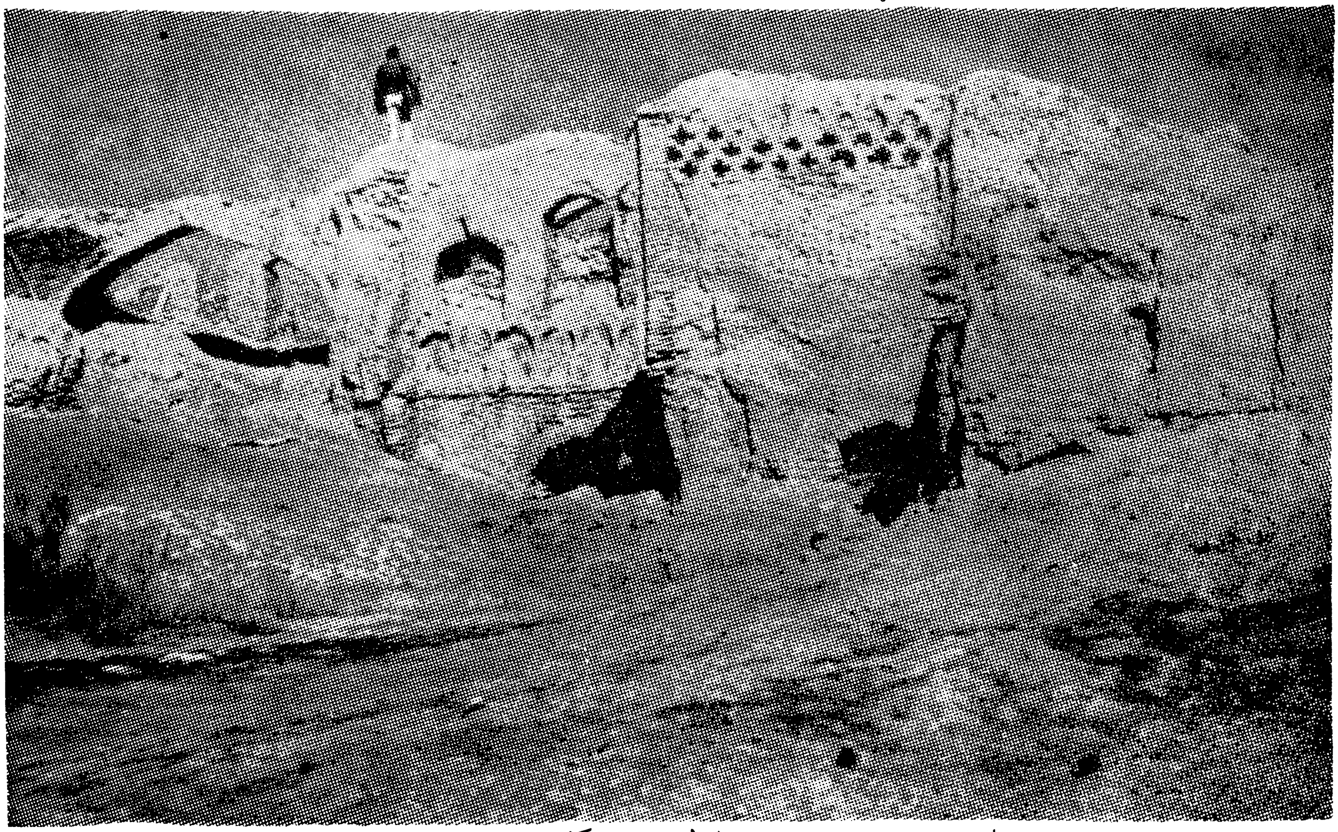

دسیستان په‌سیمه پوری مربوط لرغونی کلا

د تگ راتگ لاره هم وه . بر سیره په دی دبست دکلا شخه یوشمیر زیاتی تزئینی ښکلی خښتی ترلاسه شویدی چی د (داویدمورت) په قول دغه تر اشل شوی او ښکلی خښتی ددغه ځای څخه د ۱۹۷۱ میلادی کال په پسرلی کی د کیندنو په نتیجه کی لاسته راغلی دی . دلر غون پیژند نی اسناد او شوا- هد ښیی چی یو زیات شمیر تزینی ښکلی ټوټی د دیوا لو تاخچو ، د دروازو دسر ځینی ښکلی ټوټی او ډېر لیکو نه لاسته راغلی دی ددغو ترلاسه شو اثارو مو-

قعیت دبست او لښکری بازار په مینځ کی دی ددغو ټوټو په هکله داسی نظر شته هغه ډېر لیك چی دلښکر بازار شخه لاسته راغلی دی دشاهی قصر شخه نه دی تر لاسه شوی چی د دوهمه درجه تزئنیا تو شخه شمرل کیدای شی په دی دلیل داسی گمان کیږی چی لو مړی درجه تزئینات او ډیر ښکلی او په زړه پوری اثار دشاهی کور ښی دهستو گنځی او نورو ځایو شخه چی دلښکر بازار او دبست مینځ برخو شخه ترلاسه شوی دی یو- شمیر رسم شوی توری په جلا توگه د هیئات له خوا تر څیړنی لاندی ونیول شول په نتیجه کی څرگنده شوه چی نوموړی ډېر لیکونه په شپږ می او دولسمی میلادی پیړی پوری اړه لری . دغه راز دوی اضافی ټوټی دیوه کو چنیی کیندل شوی ځای شخه چی په همدی مو قعیت کی دی او هم یو شمیر اثار چی د دیوال یا دغولی د مخ تزئینا تو سره توپیر لری لاسته راغلی دی چی دهمدی ځای د ابداتو تزئینی هغه اثار دی چی دنخشی او پلان د مخی جوړ شوی دی دغه ټوټی دیوی کوچنیی کیندنی دسند اژ شخه لاسته راغلی دی دغه ټو ټی دنرم ژړ رنگ شخه جوړ شو ی او پرمخ یی ځینی تزئینات تراش شوی دی چی دخښتو پرمخ دچو- نی یا اها کوسپین رنگ لیدل کیږی . دخښتو دکوچنی ټوټی اوږ دوالی ۲ ، ۱۷ سانتی متره ، سور والی ۵ ، ۷ سانتی متره او لوړ والی یی په ځینو برخوکی ۸ ، ۳ او په ځینو ځایو کی ۵ ، ٤ سانتی متره دی . ددغی خښتی پرمخ د غوړ یدلو گلانو دوه تزئینات ولیدل شول دغه گلانو ته روښانه شین رنگ ورکول شوی ؤ چی زیاتی پانی یی له مینځه تللی دی د نوموړو غوړید لو گلانو پورته خوا تزئین شوی ده دوی روښانه سری کرښی د څو ښکلو پاڼو سره ښی لور ی ته لیدل کیږی دوخت په تیر یدو سره ددی گلانو ځینی برخی لکه دپاڼو تاو شوی او لویدلی څوکی چی دگلانو څخه لاندی او باندی تزئین شوی د فشار په اساس د دو سانتی مترو په اندازه خښتو ژور شکل غوره کړی . دگلا نو د ساقی لاندی ښی او کیڼ څنډی ماتی شوی مگر د گلانو دپانو چپه شوی پورتنی څنډی په خپل اصل شکل پاته شوی دی دغه راز د دگل یوه بله تزئین شوی ټوټه چی له همدی ځایه شخه ترلاسه شوی ده داسی ښکاری چی هغه دی د تاخچی دگل یوه برخه وی او څو نوری تراشل شوی او تز- ئین شوی دخښتو ټوټی په قوی احتمال سره د تاخچی دښی کونج شخه دی چی دوی خښتی یی په ډیر ښکلی ډول سره تراشل شوی دی د خښتو ټول مخ تراشل او تزئین شوی دی یوازی دیوی خښتی د شایوه څنده داسی تراشل شوی ده چی د گمان له مخی دا- مجبوره شول مخ یی جنوب ته سی ښکاری چی هغه دی دبلی تزئینی خښتی سره یو ځای وه او وروسته ټو ټه شو ی همدی اساس یی تزیین په یوه کونج کی پاته شوی دی ددغو خښتو سوروالی شپږ و یشت سا- سانتی مترو ته رسیږی .

لنډه دا چی وروسته له یولړ خښتو په هکله داسی نظر ورکول شوی دی دغه خښتی او دگلانو تزئین شوی ټوټی په نو مړو تاخچو اړه لری ځکه چی دواړه دیوه ځای شخه ترلاسه شوی دی او داسی ویل کیږی چی دواړه دی دیوه وران شوی جومات د محراب شخه ترلاسه شوی وی ځکه چی ددغی برخی نوری مر- بوطی نښی نښانی ښی چی په دغه سیمه کی یو جومات ؤ همدا رنگه هغه ټوټی چی دکوچنی سنداژ شخه لاسته راغلی دی دنورو لیکل شو ټوټو سره یو شان دی .

نو موړی اثار دو دانی شکل او ترکیب او دهغه نوری نژدی ودانی وروسته د څیړنی شخه په زیات گمان سره په دولسمی پیړی پوری اړه لری په عمو می ډولټولی ودانی دخمکی شخه دیوه متر په اندازه لوړی جوړی شوی دی . که چیری دوخت په مسا- عدت سره په دغه برخه کی نوری کنیدنی او دلرغون پیژ ند نی مربوطی څیړنی تر سره شی نو د امکان شته چی یو زیات شمیر لیکل شوی اثار او تز ئینی خښتی و موندل شی .

نتیجه :

په پای کی باید وویل شی چی دهغو څیړنو په نتیجه کی چی د بیلا بیلو موسو مونو په موده کی د سیستان په جنوبی سیمو کی تر سره شوی دی د چالکو لو تیك (Chalcolithic) د برونز د دوری مربوط استو - گنځی او تاریخی نښو نښانو په هکله کوم څه نه دی ترلاسه شوی . لاکن دی کی شك نشته

چي د گودر شاه په برخه کې د ډېرو لرغوني ترلاسه شوي سا- مان آلات چي په ۱۸۰۰ کلونو (د میلاد نه مخکې زمانه پوري اړه لري) موندل شوي دي . چيدايران‌دشمالي برخو دقبرو نو د ترلاسه شوو لرغونو اثارو سره هم اهنگ او هم زمانه دي . لاکن گودر شاه پخپله ډېر عصري زيارت دي . دمس او کلالي د صنعت هغه لرغوني نښې چي په گار دين ريگ کې لاسته راغلي دي ښايي چي د اسلام نه مخکې دوري پوري اړه ولري لاکن هغه تر اوسه پوري زيات تحقيق ته پرېښودل شوي دي څوريښتني نيته يې څرگنده شي . همدا ډول هغه لرغوني اثار چي دشيلي رود په لمنوکي د ډېرينو لوښو په شکل د مسلمانا نو پر قبرونو باند ي موندل شوي دي داسي ښيي چي هغه اثار د ي د تاريخ نه مخکې زماني پوري اړه ولري. لاکن تر اوسه پوري دي پوښتني ته ځواب نه دي ورکړه شوي چي هغوي نو په کومو برخو کي استو گنه کول چي دغه مړي يې په دغه برخه کې ښخ کړيدي.

دي کې شك نشته چي دافغا- نستان په جنوب کې دسيستان سيمي دو مره کافي او دډاډوړ اوبه نه در لودی چي ددغي سيمي او سيدونکو ته يې په مسلسل ډول وروړ سوی . په تيره بيا تر هغه وخته پوري چي د تاريخي پړاو په زمانه کې چي يوشمير زياتي د خړوبولو پروژي تر کار لاندي راغلي .ښايي چي داوسيد- لوزياتي برخي دبلو چستان او ايران دغونډيو پرسر اوهمد هغه په‌لمنو کي وموندل شي.

چي دغه مساله په راتلونکي زمانه پوري اړه‌لري همدغه راز کله‌چي په دغه برخه کي دکلا لي د لرغونو اثارو په هکله مطالعي بشپړي شي هغه وخت به نوموړ په دې باندې قادر شو چي د سيستان په جنوب کې د اسلام نه مخکې دوري پوري مربوط د انساني ژوند او دهغه مربوط فعاليتو نه ښه تراتو ضيع او تشريح کړاى شو :

لنده داچي دسيستان لرغوني سيمه اوس هم داسي ارزښتناکه لرغوني خزانه په خپل غيږ کي پټه ساتلي ده چي په وروستيو وختونو کي به‌تاريخ ليکو نکي، ماقبل تاريخ پوهان، نژاد پوهان ختيځ پيژ ندونکي ، جيالوجستان ، د جغرافي پوهان ، نبات پيژ- ندونکي ، پالو بوتا نيستان حيوان پيژ وندنکي او نور پوهان دا توان و مومي چي د دغه سيمه نوره هم وڅيړي او په دی ډول ډير نه پيژندل شوي او مشکوك حقايق څرگند او روښانه کړ ی او د لرغون پيژ ندو نکو لپاره هم رښتني علمي بنسټونه په لاس ورکړل شي . چي هغه به ديوه پلوه دختيځ دلرغو ني تاريخ په روښانو لوکي سترول ولري او دبلي خوا به دختيځ او لويديځ د لرغو نو اړيکو دموندلو په باب اغيزه ناکه ثابت شي . ځکه چي دغه لرغوني سيمه (سيستان) لکه څنگه چي تاريخي اسناد او اثار ښي د تاريخ په بيلا بيلو وختو نو کي د پاملرني وړگر ځيدلي ده دمثال په توگه دهخا منشيانو دسلسلي اوم‌پاچاه چي کوروش نو ميده دثروتمند باختر دتسخير نيت وکړ او دميلاد څخه مخکي ٤٥ کال څخه تر ٥٣٩ کال پوري يې د افغا نستان سره چي مرکزي دولت يې نه در لودی په جگړه لگيا شو چي د افغا نستان خلکو هم شپږ کاله دکوروش د لښکرو په مقابل کي وجنگيدل چي په نتيجه کي کوروش د کرمان ، پارتيا باختر ، ستاگيد يا (هزاره جات) سيستان ، بلو- چستان ، گندهارا ايا لات تسخير کړل چي پخپله هم په ٥٢٩ ق م کال په دغو جگړو کي و وژل شو.

بر سيره په دی کله چي د سکندر د مړيني وروسته افغا - نستان د څلور گونو يونا ني واليانو په لاس کي ؤ (والي نشين باختر وسغد يانه والي نشين کابلستان او دهغه شاوخوا والي نشين هرات او سيستان ، والي نشين قندهار او بلوچستان) وروسته له هغه دشام ديو ناني دولت تر تسلط لاندي په ۳۱۱ ق م کي راغلي . کله چي د(اسکا- ئيها) دمهاجر تونو موج ماورا- النهر ونيوی نويي د جيحون څخه د تيريدو له لاري د باختر ايالت ته راغلل نو دپار تيانو داشکاني دولت سره يي تصادم وکړ او مجبور شول مخ‌يي جنوب ته را واړوی او په‌دی ډول په سيستان او قندهار کي خپاره شول چي همدغه وخت ؤ چي نوم ونومول شو اسکا ئيها د سيستان او قندهار څخه تر- سيند پوري پر مختگ وکړه (۱۳) نو پارتها و اسکائی ها د ميلاد څخه مخکې د دوهمي پيړی په پای (۱۲۰ ق م) کي تر دلومړی ميلاد پيړی تر پايه پوري (۷۵ميلادی) دسيستان قندهار اود سند دسغلي په حوزه کې‌مستقل حکومتونه در لودل همدا ډول‌په ۱۳۱٦ کال دباداغيس او سيدونکي شهزاده « يسور » چغتايي د ايلخاني د دولت په ضد قيام وکړ د طوس ولايت يي ونيوی او دهرات او سيستان په‌نيولو يي لاس پوري کړ لاکن دملك غياث‌الدين له‌خوايي ما ته و موندل چي همدا ډول نوري ډيری تاريخي پيښې په دغه لر - غونه سيمه (سيستان) کي تر سره شوي چي يادونه يي ددې لنډې مقالي په ترځ کی د امکان څخه لري خبره ده .

ماخذونه ؛

هغه ما خذونه چی په پورتنی‌مضمون کی استفاده ځنی شویده!

1—Afghanistan (quarterly journal), March 1972—No: 4—vol 25 p. 14, 39.
2—Afghanistan (quarterly journal), March 1972—No: 4 vol 28 p. 47, 87.
3—East and West New series vol, 22, No; S; 3—4 September-December 1972;
4—Afghanistan (quarterly journal) September 1975 (summer 1354), vol. 28 No 2 p 25).
5—Sir .Aurel Stein, Innermost Asia Oxford (1968).
6—Afghanistan (quarterly journal) Auril, May, June No.2 1961.

۷ ــ د افغا نستان دلر غــون‌پیژ ندنی مجله (لومړی گڼــه‌لومړی کال ۵ ــ ۷ مخ)
۸ ــ د افغا نستان د لرغــون‌پیژ ندنی مجله (دوهمه گڼــه‌دریم کال (۱۳۶۰) ٦۱ مخ)
۹ ــ د افغا نستان مختصــرتاریخ‌لومړی ټوك دپوها ندجیبی‌تالیف ۱۳٤٦ کال ۱۱۸ مخ
۱۰ ــ افغا نستان در میســرتاریخ تالیف میر غلام محمد غبار ٤۰ ، ٤٦ مخ

1—G. F. Dales "The South Asia Section" Expedition (Univ Museum Philadelphia, vol. 11, (1) (1968): 38—45.

G. F. Dales and L. Flom "On Traking Wolly Kullis and like" Expedition vol. 12 (1) (1969): 15—32.

2—Sir Aurel Stein Innermost Asia Oxford (1968).

3—Mtosi Preliminary reports in East and West (Rome) vol. 18 (1-2) (1968) 9—66 and vol. 19 (3-4) (1969) 1283.

4—J. M. Casal, Fouilles de Mandigak Paris 1961.

5—L. Dupree Deh Morasi Ghondai: a chalcolithic sit in south central Afghanistan, New York.

6—J. G. Shaffer, "preliminary field report on excavations at Said Qala Tepe", Afghanistan XXIV (2—3): 89—127.

7—R. Ghirshman "Fouilles de Nad-i-Ali dans le Seistan Afghan" Revue des Arts Asiatiques vol. 13 (1) (For 1939—42): 10—22. Also in Memoires de la Delegation en Afghanistan vol VIII (1959).

8—B. Decarded "On the Borders of Pakistan: Recent Explorations" Journal of the Royal Indian and Ceylon Society 24 (2): 52-57.

9—W. A. Fairservis Archaeological Studies in the Siestan Basin of southwestern Afghanistan and Eastern Iran, New York, 1961.

10—N. Hammond the Afghan Road into Seistan "Illustrated London News No. 250 (1967): 23—25.

"An Archaeological Reconnaissance in the Helmand Valley, south "Afghanistan" East and West (Rome), 1971.

11—K. Fischer, "Recent Researches in Ancient Seistan" Afghanistan, XVI (2) (1961), 30-39. "Indo Iranian Contacts as revealed by Mudbrick architecture from Afghanistan" Oriental Art, Vol. XII (1) (1966): 1—7.

Projects of Archaeological Maps from Afghanistan in "Zentralasiatische studien (Bonn University), Vol 4 (1970): 483-534 "Rapport preliminaire sur la prospection Archeologique due Seistan septentrional en October 1970" Afghanistan XXIII (4) 1970: 37—50.

12. E. F. Schmidt Excavation at Tepe Hissar, Damghan Philadelphia 1937.

نویسنده ـ لرای دیودسن
ترجمه نیک سیر

عاج های بگرام

وسنگ های هندی

-۲-

زمانیکه این نوع به خصوص تاك انگوری نمایندگی از کار صندوق را مینماید اینگونه نشان بر جسته مثل برگهای بهم پیچیده در هند دیده نمی شود و ما آنرا در(سیلون) در کنار استوپه کانتاکا، واقع در مهین تال یافته می‌توانیم که تاریخ آن متاسفانه تاحال بدست نیامده است (۴۰) باید گفت مهین تال یکی از قدیم ترین نقاطیست که بودیزم سیلون درآن پایه گذاری شده است . جایی که(دهارما) ازان جابگونه اعجاز انگیزی از هند پرواز نموده وجایی که (کوتاکا ناتیسا) استوپه درآن جابنیاد نهاده است (۴۱) .

روش عاجکاری مهین تال بسیار زیاد شباهت به بعضی مجسمه‌های هندی دارد که مربوط به قرن دوم یابیشتر از قرن اول پیش از میلاد می شوند که درین جاسوال تاریخ هیچ مطرح نیست . یقینا که نخواهد بود زیرا سنگهای (مهین تال) در خاك هند بدست نیامده است .

اشکال تاك انگوری و مجموعه حیوانی و انسانی آن ذاتا کار سرزمین بلند و ناهموار نسبت بمناطق هموار و برهنه بوده‌است که این تشریح در مورد کارهای قدیمترین امراوتی(۴۲) نیز به‌کار می رود . این موضوع توسط دو گلاس باریت (۴۳) اچ. سرکار و ، ا. گوش «۴۴» مرتبط به قرن اول بعد از میلاد یادآوری شده و همچنان مشخص داشته اند که نخستین نکته روش کارآن ساحه در قرن اول بعد از میلاد طرحریزی شده است . و کدام علتی وجود ندارد که روش مهین تال رابعدتر بدانیم .واقعا اگر صنعتگران سیلونی مجسمه های هندی را تقلید کرده باشند به طور حتم ابداعات وابتکاراتی رابانها افزووده اند . واین غیر محتمل است که آنها تنها به کاپی کار همسایگان خود ازان سوی بحر علاقه گرفته باشند .

در دیگر حالت شواهد دست داشته نشان میدهد که کار های مهین تال نسبت به کار های‌بگرام تقدم دارد ، تقدمیکه تا دوره‌میلادی نیز پیش می رود .همچنان کار های مهین تال مارا موقع میدهد تا هنر صندوق بگرام راپیش از مسیح مدنظر داشته باشیم . که باز هم تنها يك اثر هندی به حیث شاهد نمی تواند تاریخ دقیق يك موضوع راتعیین کند . یقینا این صندوق که یکی از مطبوعترین کار های بگرام به شمار می رود بسیار اغفال کننده بوده و ایجاد گر مشکلات زیاد تحقیقی است .

اشکال گمراه کننده زنانه یی‌کار شده در روی صندوق می‌توانند که باکار های متهورا و امراوتی‌مقایسه شود. لیکن ظرافت‌شاعرانه،تناسب

اندام و زیبا یی کار صندو ق بیشتر ارتباط به کار های امروا تی پیدامی کندتا کار های روستا یی ما ننـــد ومیوه دار متهورا که از بهتوتسار بدست آمده است. آیا این‌تفاو ت فزیکی بین این دو سطحـــــــی است ؟

آیابیشتر از یك حالت جنسی وزنانه‌یی درین مورد سخنی گفته می شود که برای پاسخ داد ن باین سوال ها ما نیاز مند ر هنما یـــی بیشتر هستیم .بایدگفت که‌موهای پیچیده مجعد زن وقتیکه از گرد ن او بروی ز مین میریزد (٤٥) ذا تا شبیه روش مو ها ییست که د ر ویدیکاس ، بهر هو ت(٤٦)وبودگایا وهمچنا ن در دیدار جن بوده و نیاز مند بحث بیشتر می شود . تر میم یك خمیده گی در حصه سر یـــن ودیگر انوا ع عاجها تکرارا د ر تیراکوتا های سو نگا نشان دا ده شده است . لیکن اگر این‌جز ئیات را مختص‌به تاریخ مر بوط به کا ر صندوق‌و پیش از پیدا یش هنـــر امرواتی‌در قرن دوم بعد از میـــلاد بدانیم . باید یکنو ع اختـــلا ف روش رابین‌اشکال صندو ق‌و عا ج های بگرام مد نظر داشته باشیم که این هم محتا ج بحث ز یــــــا د است.

در روش کار گنجینه بگرام حتی دریك مضمو ن ذاتا تفاو ت هــای به‌نظر می خورد . به طور مثا ل می توا ن بین تر سیما ت چو کــی واشکا ل شکار گاه تغییرا تی را مشا هده کرد. همچنا ن وقتی که مادراکثر کار ها ی بگرام منا ظر ی دنیوی را ملاحظه می کنیم، قا بل تعجب نیست که تفاو تها ی‌از نگاه سبك بین‌آ نها و مجسمه هـــا ی سنگی نیز وجود دارد .که در یـن ردیف اختلا فا تی در جز ئیـــا ت رانیز باید به حساب آورد.همچنا ن عاج بسیار قیمتی تر نسبت بـــه سنگ بوده و کار عاج توسطاشخاص مربوط به دربار صورت گر فته و صنعتگرا ن طبقا ت با لادرتراشیدن آن‌سهم دا شته اند .بر علاو ه آ ن استادان بلند پایه دست اندر کا ر حکاکی عاج بوده اند که‌نشان دست شان درصندو ق یاد شده به نظـــر میخورد . البته این‌اثر حکا کی عاج آیینه تمام نمای رنگکار ی بو ده‌و مثال خو بی برا ی مقا یسه مـــی باشد .ز یرا رنگها ی سر خ‌وسیاهی که درآ ن با مهار ت به‌کار رفتـــه نمایانگر این مدعا ست که قدیمترین تاریخ رابرا ی این صندو ق نشا ن میدهد . لیکن مقایسه بین(یا کشی دیدار جن) و بعضی از اشکا ل صندو ق ممکن نیاز مند دقت‌بیشتر باشد . یاکشی «دیدار جن» بسیار وقت از طرف دا نشمندا ن فکر می شد که(موریا) باشد و لی تو ســط (شترن) تاریخ‌آ ن به قرن او ل‌بعد از میلاد تجدید نظر شد. که اوآنرا بخشی از تاریخ عا جها دانست . مسایلی که در اطرا ف‌این‌مجسمـــه وجود دارد باعث رو شنی تحلیـــل آن گردیده وذا تی می باشد . ود ر عین حال روشنگر ارتباط آن باعاج های بگرا م می شود .تاریخ موریا بر حقا یقی بنیاد نها ده شده که نشان دهنده پیدایش آن درنز دیك مر کز(آشو کا) در پتنه می‌باشد زیرا که سنگ‌آن نمو دار صیقـــل مایورا است (٤٧) .

شترن تاریخ خودرا بر چار معیار بنیادگذاشته است.

١ـ نوع کلچه یی بانشا ن های که‌بر پیشا نی یاکشی گذا شتـــه شده است . که او آنرانوع مـــوی حلزو نی گفته است .

٢ـ نو ع گر دنبند های درا ز مهره یی.

٣ ـروش ما هوتی.

٤ـ نوع پولك های وز نین.

او به گوشواره های زینتی توجه نه‌نموده که‌بگو نه عمو دی‌و آویزا ن پوشیده میشده واکثرا در مجسمه های قرن دو م بعد از میلاد دیــده شده است.

نخست ما به شکل موی خوا هیم دید . بعد نیمه قو سها ی کلچه‌یی که بر روی پیشا نی وجود داردمورد نظر خواهد بود .برای اینکه نشان دهیم چرااین همه بگو نه معیار ی زما نی قرار نگر فته است.مطا بق به‌نوع موی حلزو نی ، شتر ن، یاکشی دیدار جن، مثل آ نها د ر بهو تسار (٤٨) و دیگر یا کشی های متهورا نمو نه های قرن دو م بعد از میلاد می باشند .لیکن قوس های کلچه یی مربوط عاجکار ی‌های آن قرن بروی سطحی‌هموارو پهن سر یاکشی در صور تی که خوردهم باشد . بر جستگی خا ص دا شته ودر زیر مو ها یش نما یـــا ن مینماید.

شترن همچنا ن اشاره به یك‌مثال نوع کلچه یی در سانچی یـــك مینماید وعقیده دارد که‌بر جستگی خاصی این وسیله زینتی دردورا ن پیش از هنر کوشا نی دا شتـــه است (٤٩).

لیکن ما مثال های قد یمی ترازان که‌یکی دریك یاکشی از متهورا ، مو جود است ، بدست داریم کـــه پیشتر از شرو ع قرن او ل پیش از میلاد نمی باشد .و یقینا این نمو د هنری یکنوع فر یبنده اشکال ز ن نما در هنر (سو نگا) به شمار می رود .با استناد به تاریخ اینگو نـه یاکشی وقتیکه شال خودرا محجویانه برخ میکشد ، فقط در نقطه مقا بل آن قرار می گیرد .یك گواه برجسته دیگر عبار ت از تز یین گلهـا ی میان در میان در یکی از گلو بند های اوست ، که در عین حا ل این یاکشی رابه تاریخی پیشتـــر از (سانچی‌یك) قرار میدهد.

مثال دیگر شکل کلچه یــــی «سو نکا» در موردیك (تیرا کوتا) نیز دیده می شود که بخشی از یــــت رشته افقی دارای سه مروارید ، آویزان است ، به داشتن ریشه های زیاد بر جسته به نظر خورده وبر روی ان افتا ده می باشد (۵۰) این اخرین سا خته تیرا کوتا نمایانگر اینست که چه چیز معمو لا تو سط (کیسوپوش) پو شیده میشده، زیرا که در بسیار ی تیرا کوتا هـــای قدیمی سر از ان نقشی دیده شــده است . بر علاوه ما هر دو نو ع کلچه یی را در ردیف سنگیی که به نام (ما هینی ایاگاپاتا «۵۱» شناخته شده ، تشر یح نمودیم ، نو ع کلان یاکشی های کوشان به شکل الهه ها تجلی دارند. و نوع کو چك یاکشی های (دیدار جن) و سو نگادرحالت رو حانیت دیده می شو ند که یکنوع شی چتری مانند رانیز بدست دارند. تاریخ این سنگها مشکو ك بوده و مورد بحث است . که بعد ترازقرن اول بعد از میلاد نیستند (۵۲) ولی تفسیر کتیبه آن اجاز ه مید هد تا هفتادو پنج پیش از میلادیاپیشتر دزآن معاد ل دانست و مشا هد ه روش هر دو سا ختما ن و حا لت آنها نشان دهنده درستی هردونوع مودل کلچه ایست.

این مو ضو ع ما رابه بگـــرام بدیدر ظرف (کینار ی) می برد، که تاریخ آن به نیمه اول قرن پــیش از میلاد تعیین شده ودران دست‌ بندی سه بر گه و زیبا بملا حظــه میرسد. بایدافزود کینار ی نیــز در پیشانی خودنمودی کلچه یــی دارد . ما میخوا هیم نشان د هیم که اینگو نه آرایش و شیوه مو ی گذاری در مجسمه های که سا خت هند است زیاده از یکدور ه زما نی که می توا ن سه صد سا ل گفت دوا م نموده است . پس نمود کلچه یی که به منظور یك معیار مقد ما تی توسط شترن برا ی تاریخ کوشا نی د ر مورد عاجها وانمود گر دیده مــی تواند زیر بنای یك کرو نو لوژ ی دقیق برای تاریخ مذ کور باشد .

ما موضوع مشتر ك دیگر ی رادر زمینه عاجها ی بگرام و اشیای هندی ملاحظه نمودیم که نمودار یکنو ع شی استوا نه یی یا تیو پی به منظور پوشش گو ش می باشد. که د ر بسیار ی اشکا ل عاجی بخصو ص (چور ی دیدار جن) دیده شده ودر تعداد ز یاد یاکشی های کوشا نی از سا حه متهورا نیز این مسا له به نظر خورده است . به صور ت نادر ازین نمود در اشکال دور ه پیش از مسیحی نیز دیده شده که از(تا- راناس سانچی سه) یافت گر دیده است «بیستو پنجسا ل پیش ا ز میلاد» (۵۳) این نو ع تز یـین آرایشی مثل تز یین کلچه یی در یك دوره طولانی دوام داشته و به حیث نمودی درمد ت های زیاد مورد استفا ده قرار گرفته است.

شواهد مثبت برای تعیین یك تاریخ قبلی تر اشکال(دیدار جن) وابسته به روش و نوعیت ما هو ت ها می باشد ، به خصو ص موضو ع استفا ده خطوط مواز ی اطرا ف لباس که از روی کپل یاسر ین یاکشی آویزا ن افتا ده و تو سـط کمر بندی محکم گر فته شده است، دراین ز مینه مدنظر می باشند.

تخنیك پو ش این لبا س تو سط شترن نشانداده شده و آنرا مشابه میتود ما هو ت پو شی اشکا ل بگرام میداند (۵٤) او اضا فه میکند که همینگو نه تکنیك در متهورا نیــز استفا ده میشده و لی کدام مثا لی بدست نداده است . وما هم برا ی یافتن مثا لی ازآ ن تاحال مو فــق نشده ایم اما در مورد مغایر ت آنها نکات زیاد مو جود است.

کیفیت ما هو ت (متهورا ــ کوشان) نرم، صا ف وروشن مینماید و ا ز ما هوت اشکال (دیدار جن) که د ر حصه سر ین بخشها ی ازآن دیده شده ، تاریك وغیر شفا ف ، بز رك وحجیم و سنگین مینماید که نمو نه های ازان در مجسمه های بودکایا (۵۵) «حاندار جیری ــ و دا یاجیری» (۵٦) «سانچی دو م» ۵۷ و بعضی هم در بهر هو ت «۵۸» دیده شد ه است . لباس های شفا ف و بدن نما یقینا دراشکا ل و عاجها ی بهرهوت، سانچی و دیگر جاهای نیز معلو م می‌شود . لیکن اکثر آ نها درمتهورا بکو نه دو پوشش لباس رو ی هم دیـده می‌شو ند ، که مربوط یاکشی های متهورا متعلق به قـــر ن دوم بعد از میلاد میگردد و در ین شکل جسم مطلق دیده شده که به زنهای عشوه گر وافسون کن در (بهو تسیا رو ید یکا) «۵۹» مرتبط است . ما هو ت پوشی سنگین که به نام (فقدان بر هنگی) یاد میشود مشخصه ابتدایی آرت هندی در پیش ازمیلاد است. زما نی که بر هنگی منظره ما ندنی ودوام دارفر هنگ حوزه اندو س بوده است.

پوشش ماهوت باخطو ط دو چند مشخصه مجسمه های دیگر صیقل شده (مایور) می باشد به طورمثا ل ماهوت پو شی دو(یاکشی پتنــه) موجود در موزیم کلکته هند و(یاکشی دیدارجن) از نگاه تکنیك تا اندازه مشابه هم بوده که فقط ازیك کارخانه بدر آمده باشند . بر علاوه در عقب یاکشی پتنه و بالای دو طرف ستون فقرا ت آن یکنوع فرو رفتگی وجود دارد که عینآ ن در(یاکشی دیدار- جن) دیده میشود ، که به اینگو نه می‌توان مرز ارتباطی دیگر ی رابین دوشکل مردانه وزنانه رب النو ع بدست داشت.

همچنان انواع بازوبند سه شاخه ی در(پتنه یاکشا) دیده شده، کــه

قدیمترین تاریخ درین باره بامقایسه یا شی های آن دیگر مجسمه ها که عین ما هوت را دارا اند ،دو باره تایید و تصدیق گردیده است.لباس پتنه یکشا به حالت های مختلف دیده می‌شود .دریك حالت مثلیکه به‌زمین افتاده‌باشد ودر حا لتی‌دیگر مثل اینکه بخشی از زمین باشد . که هردو نوع رو به طر ف بالاترا- شیده شده است. در اشکال پتنه، معمولا هلالها یاچین ها ی لبا س‌بر روی پای دیده میشود ،در حالیکـه در صخره وسنگ(چکر وار تین) از(جگا یا پتا) خطوط چین دار در شکل شهزاده وو زیر او ل‌تابالا ی ران تاب‌خورده‌وبایك حر کت‌دو باره از تن به زانو بر میگردد .که این تعا مل قابل تذکر در بعضی جا ی های دیگر به طور مثال در(تاکسیلا) (٦٠) یعنی حالت قدیمی «امرواتی» (٦١) ودر «تیراکو تاسو نگا»دیده شده‌و عمل آن پیشتر از ٥٠ قبل ازمیلاد تحقق یافته است .

کلید دیگری برای تعیین تار یخ عبارت از (پتنه‌یکشا) و اشکا ل مر بوط صخره (چکروارتین) است، که در هرسال یك شال بز رگـــك باگره کلان بان‌بسته میشده کــه اصلا یك تایید کافی برای‌دهوتی‌می باشند .برای محافظت مقد ما تی دهو تی های محافظ در ایوان(بها جا و یهارا) و دیگر ابنیه مقد ســ وجود داشته ،که در (پرخام،ویدیسیا ونایکشا) دیده شده است .مغایر آن مجسمه ها ی قدیمی نوع (فیر بالا) از بودیستوا که‌معا صر(یاکشــی بهو تسیار) می باشد، بانوا ر ی پهن احاطه شده که این نوار نیز همچون شال گره خورده است(٦٢) شال روی (یاکشی دیدار جـــن) همچنا ن به حیث یك کلید آ نهارا سه‌بعدی نشان داده‌و مشخصه مثل عاجها ی بگرام وتخته سنگـــــك (چکر وارتین) از (جگا یاپتا) رابان به‌آنها می‌بخشید.

انواع گرد نبند و پای زیب ها که بر آلهه «دیدار جن» پوشیده‌و بگو نه معیارزما نی ازطرف(شترن) پیشنهاد گردیده تاریخ دو م بعداز میلاد راتایید میکند ،که البته هر دوی این نمودهای تزئینی پیشتر از دوره کوشا ن مورد استفا د ه بوده‌است.

پای‌بند های بهر هو ت و نیزگلو بند ها ی سا ده مو جود در(سانچی یك)را می توا ن بروی‌شوا هد تارخ همزمان (چوری) مر بوط موریادانست

با مو جودیت (یاکشی دیدار جن) تاریخی قدیمی ترعر ض اندام‌نموده، تاریخیکه به‌پیش از میلاد نسبت دارد ودر مورد صندوق متذ کر ه احتمال صدق پیدا میکند .و جوه مشترك بعضی از اشکال گنجینـــه بگرام ویاکشی بدینگونه است :

ما هوت سنگین و فرا خ که‌بیشتر بخش و جود را احتوا میکند(٦٣) شالهای سنگین ووز نین ، مو ی، کشیده بسوی پشت سر و کمنـد اندا خته‌و گره خورده بروری‌آ ن، مجسمه ها ی بی‌سرو دست بااندام مو جدارو پیچیده که‌به طور عمو م مختلف النوع وغیر متشا به به‌نظر می خورند.

اشکال چهار زنی که برسرپوش صندوق حکا کی شده اند،نمودار برهنه ترین نوع خود بوده که‌زمینه محیطی جدیدرا درین موردمیسازند وفضا ی خار جی آ ن اشکال‌طور ی نمودار است‌که‌شگو فه های‌شنا ور بر روی امواج شاخه ها می‌لغز ند، واشکال جوره مانند دریك سلسله ردیف شده و یکی در کنار دیگری وصل شده اند.زنی در طر ف چپ برروی‌کپه‌یی نیی استرا حت‌دا شته وطوطی را روی داست گر فته است ودر کنارش زنی دیگر ایستا ده‌و یك دستش را بسوی‌وی درازنموده وبا دستی دیگر ظرفی میوه یا گل‌را گرفته است. در طر ف راست‌بازهم

زنی بر روی چار پایه یاکر سی نشسته و خودرا به آیینه می نگردو زنی دیگرظر فی را در حالیکه زانو زده است ، پیشرو ی او گر فتـه است . در عقب‌آنها ظرفی ســـر پوشیده بر روی شیی چار پایـــه ما نند قرار دارد و ز نها ی ایـــن تصو یر همه کمر باریك و بااثائیه زیاد مجسم اندکه معلوم می شود بروی یك مقصد معین بر هنه شده اند . آ نها در عین حال که‌شالی مختصربرروی‌ران دا رند ،خود را باجوا هرات زیاد مزین نموده و در وجود شان بازوبند ،گردنبند ،پای بندو گوشواره به‌نظر می خورد .

حر کت‌شان بطیء‌و آ هسته بوده و منظره و فضای عمو می اطراف شان بانظم وروشن مینما ید کـه درعین حال نمایانگر حیات در بار ی مـی باشد.

درحالیکه اشکال صندو ق را در حدودسه بخش منظره وتصو یــر احتوا نموده یاکشی با مقایسه بان قدراست‌و درسر در ایستا ده و متواز ن به‌نظر می خورد ،که‌شا ید این تفاوت اساسی بین یك شما یل مقدس‌که مو قف رو حا نیت‌واحترام را دارد . با مقایسه به مناظر ، و اشکال غیر رسمی و آزادصندو ق نقطه عطف و تو جه واقع گردد .با وجود آن هم صندوق مسا له قابل بحث باقی میماند . لیکن شوا هد برای پیدایش تاریخی قد یمی تربان قویترشده و آنرا مورد تفحـــص بیشتر قرار میدهد.

به هم تلاقی شدن سه (مو تیف) یعنی نوع قدیمی هلال (چتیا) گل های پر برگ‌و روی هم لبا س یـا نوار ، بازو بند سه شاخه یی وسه برگی . به حیث مجمو ع تشکیـــل معیار ی را نسبت به تاریخی کــه بعدتر از (سانچی یك) نباشد ، می سازد . البته با مشا هده ز مینـه های پیدایش آنها مشا هده‌رو ش‌کار

ماهوت‌شال ها و سنگها مو یـــد اینست که بعضی از مضا میـــن آنها در عاجها ی بگرام نیز دیده می شود . با مشا هده این مجمو عـسه گانه مو تیف ترتیب معیار تاریخی (شترن) برای کوشا نی غیر قا بل استفا ده و توجیه مینماید. امـــا سنجید ن سناد پیشکش شده‌برای یك تاریخ معین فقط در مورد زما ن (توراناس- سانچی یك) صد ق می کند.

نگا هی مجدد به بازو بند سه شا خه یی(سه بر گی) که در بهر هوت بسیار رواج دا شته در حدود دو صد شکل آن درسانچی یـك دیده شده ، در حالیکه در عاجها ی بگرام هیچ شکلی ازآ ن دیده نمی شود . و نو ع گل لبا س و پربرگ فقطیك مر تبه در عاجها دیده شده ولی در (توراناس) هیچ دیده‌نشده است . هر دو نو ع‌نوو ع کهنـــه (هلال چتیا) در عاجها به مشا هده میر سد . لیکن فقط یك مو رد د ر (توراناس - سا نچی یك) به‌نظرنمی خورد . در مجمو ع بایدگفت موتیف های‌بگرام و سانچی یك به مروراز تقار ن قدیمی خود دور شده وبدو پدیده جداتبدیل شده اند .

کدام تاریخ مستقل برای‌توراناس -سا نچی یك هنوز معین نیست . (اچ‌سرکار) و(گوش) «٦٤» نشا ن داده اندکه چگو نه به‌تازه گی‌کتیبه‌ی را در «امرواتی» بدست آورده‌اند ، که‌کرونولوژی کو تاه(بار ت) را که تاحال اعتبار داشته و این(توراناس ها) را‌تا پانزده بعد از میلا د مـــی رساند ، منسو خ نموده است.این کتیبه بسیار زیاد در مورد تار یخ (سانچی‌یك) صدق میکند ، که‌یکی از نمودها ی (تورا نا بهر هو ت) است‌و سا خته سر زمین(سو نگاس) می‌باشد . که تاریخ آن از حدود (هشتاد پیش از میلاد) پیشترنرفته است«٦٥» البته کدام علتی و جود ندارد که حکاکی های(بهر هو ت) رانیز سا خته ناحیه (سو نگا) بنامیم وبهتر شده می‌توانند که تاریخ آنرا در حدود بیست سال پیشتربدانیم.

یك‌فرق کوچك و لی قابل‌یادآور ی نیز بین کار های بسیار پیش بهر- هوت (معبدتوربا ن)(٦٦)و حکا کی های سانچی یك و جود داردبگونه یك وا قعیت دربین بعضی‌ازحکا کی های دروازه جنوبی (سانچی یك) (٦٧) با مجسمه های قد یمـــی «سانچی دوم»و (ویدیکا بهر هو ت) یکنوع نز دیکی سبك‌و رو شـــ وجود میداشته باشد . با یدگفت‌با بلوغ و رشد سبك و روش(تورا - ناس) در سانچی یك مابتاریخی می رسیم که بین حدود بیست‌و پنج‌الی هفتادو پنج‌قبل‌ا زمیلاد می‌باشد،که بدین‌وسیله همزما نی عاجهای‌بگرام و(سانچی یك) را در میبابیم.

با ارتباط به علل تباین تاریـــخ تقدیمی ما درز مینه عا جها ی‌بگرام وتاریخ پیشنهادی (شتر ن) ،و دیگرانی که ازو تعقیب نموده اند.در اول درز مینه صحت معیار تار یخ اصلی تجز یه‌سه نوع مو تیف یعنی کلیت سه گانه و مشخصه پیش از میلاد آن سوال‌کردیم که امکا ن دارد مقایسه ما یکی‌بوده باشد . شترن تاریخ(سر در توما س - ریسیی)و(یاکشی دیدار جن) رابه منظور تطبیق به دوره که خود ش‌به عاجها مقرر دا شته معاد ل قرار داد. که ماباز هم در قدم او ل‌علی- رغم آن در پی معر فی یك تاریـخ قدیمی تر برای مغـاره (چــوری) عاجها که از نگاه زما نی عقب‌تر اند می‌باشیم.

دوم اینکه مابا ارتبا طبه‌کشفیات تازه سا خت ((امرواتی))که تو سـط نوولز ریچر چ‌نشرشد، قابلیـــت آنرا داریم که تاریخ قد یمی تر ی را برای(سانچی و (امروا تی) قبو ل کنیم که درسال ١٩٥٤ قبول شدنی معلوم نمیشد .با اشاره خود شترن به‌بسیار ی قرابت ها ی روشن بین (سا نچی) و بگرام و همچنا ن بین امروا تی و بگرام مطالعا ت جد ید ودریافت های تازه ماتایید میگردد. ما امیدواریم که تصورا ت‌و تحلیل های دانشمندا ن بز رگ فرا نسه در روشنی این مسایل تعدیل شده ودیگر آن نیز علاقمند دقت بیشتر بر گنجینه بگرام بشوند .

پاورقی :

٤٠- دی . تی . دیوندرا، مجسمـه کـلا سیك سن هـا لیسن لـنـدن ١٩٥٨ صفحا ت (٩- ١) اشکـا ل (٢٠-٢٣) اس. پارانا ویتا نا(حفر- یات چیتاکنتا کا در مهین تال)بیو گرا فی سالانه باستانشنا ســی هندو ستا ن برای سال ١٩٣٤ جلد ٩(١٩٣٦) صفحات «١٩-٢١» .

٤١- اچ . زیمز - اف کمپل(هنر هندی آسیا) نیویارك ١٩٥٥ جلد دو پلت‌بیست‌و هفت،سی‌ویك، سی و- هشت.

٤٢- دی . بارت (مجسمه های امرواتی در(موزیم بریتانیا) لنـد ن ١٩٥٤ صفحا ت(سیزده- بیست).

٤٣- شروع هنر مجسمه‌سازی درجنوب شر ق هند(یك سبـك امرواتی) هند قدیم شمار ه(٢٠ ٢١) «١٩٦٤» - ٤٥ صفـحـات ١٦٨ -١٧٧ همچنا ن پی. آر.سری نیواسان (کشفیا ت تازه کتیبه‌های قدیمی از امروا تی) لایت کالا (١٠- اکتوبر ١٩٦١) صفحا ت(٥٩-٦٠)

٤٤- ارکیالو ژی‌ریچر چز-پلت٤ اشکال ١٥٧ پلت ٦ شکل ٦٢

٤٥-کو مو را سوا می- بهر هوت - پلت ٢٣- شکل ٦٠ پلت ٢٤ شکل ٦٢

٤٦- نوو لز ریچر چز صفحه٤١

٤٧- همچنان اشکال ٤٦٩ - ٤٧١

۴۸ـ همچنا ن صفحه ۲۲

۴۹ـ از چندرا کیتوگر-پرکناس ۲۴ـ بنگا ل ـ حالا در موز یـــم اسو تش ـ پو هنتون کلکته

۵۰ـ بچو فر همان کتا ب جلـد یازده پلت ۷۴ دیده شود.

۵۱ـ اف.ای.وان لویز ن دی لیو (دوره‌سی تین) لیدن ۱۹۴۹صفحا ت ۶۵ـ۷۲

۵۲ـ(همسر شاه ناگا مر بو ط سانچی جلد دو پلت (۷ـ۱۰)

۵۳ نوو لز ریچر چزص ۴۱

۵۴ـ کو مورا سوا می ـبودگایا پلت ۳۴ـ۳۶ـ اشکال (یك‌ـدو).

۵۵ـ میترا (اودایا گیر ی پلت ۱۴ دیده شود.

۵۶ـ مارشال (سانچی) جلد سه پلت ۴۱ دیده شود .

۵۷ـ کو مورا سوا می ـ بهـرهوت پلت ۲۴ شکل ۶۱ پلت ۳۳ شکل ۹۱ دیده شود.

۵۸ـ بچو فر همان کتا ب جلددو پلت (۹۲ـ۹۳)

۵۹ـ اف. مارشا ل ـتاکسیلا کمریج ۱۹۵۱ جلد سه پلت ۱۳۲ نمره ها ی دوازده، سیزده دید ه شود.

۶۰ـ سیوارا ما مور تی هما ن کتاب پلت ۱۴ شکل پنج دیـــده شود.

۶۱ـ بچوفر همان کتا ب جلددو پلت ۷۹(نسخه ها ی اصلی روشن بهر هو ت) کوما را سوا می بهر هوت پلت۱۷ـ اشکال ۴۱ـ۴۲ دید شود.

۶۲ـ ارکیالوژ ی ریچرچز اشکال(۱۵۶ـ ۱۶۲) شکلهای ۱۵۷ «۱۶۲» بشکل پطلو ن پوشیده دیده مـی شود . برای تجدید سا ختما ن صندوق(نوولز ریچر چز شکـــــل ۶۵۰ دیده شود .

۶۳ـ همان کتا ب شکل ۱۶۹

۶۴ـ کو ما را سوا می بهرهو ت صفحه هشت.

۶۵ـ همچنا ن پلت یازده شکل سی.

۶۶ـ مارشال ـ سا نچی جلددو پلت دو.

۶۷ـ همچنان پلت یازده شکـل سی.

PROPERTY OF ACKU
S672

نشریه ششماهه انستیتوت باستانشناسی
اکادمی علوم جمهوری دموکراتیک افغانستان

زیر نظر اعضای بورد علمی و مسلکی
علی حیدری   محمد احسان آرام
عبدالواسع فیروزی   محمد علی توفیق

شرح اشتراک سالانه
داخل افغانستان ۳۵ افغانی
خارج ذریعه پوسته هوائی ۱۲ دالر
" " " زمینی ۶ "
محصلین " " هوائی ۱۰ "
" " " زمینی ۵ "
قیمت یکشماره (۲۰) افغانی
آدرس: دلرغون پیژندنی انستیتوت
قلعه فتح الله - کابل افغانستان
تیلفون: ۳۱۳۱۶

مدیر مسوول:
عبدالجلیل پولادیان
مهتمم:
امیر محمد مهترن
سال تاسیس ۱۳۵۸

Archaeological Research Biannual Magazine
Director and Editor
A. Jalil Poladian
Annual Subscription
In Afghanistan Afs. 35
Foreign Countries
By Air US$ 12
By land US$ 6
Students
By Air US$ 10
By land US$ 5
Address:
Afghan Institute of Archaeology
Bala-i-Fathullah
Kabul - Afghanistan
Tel. 31316

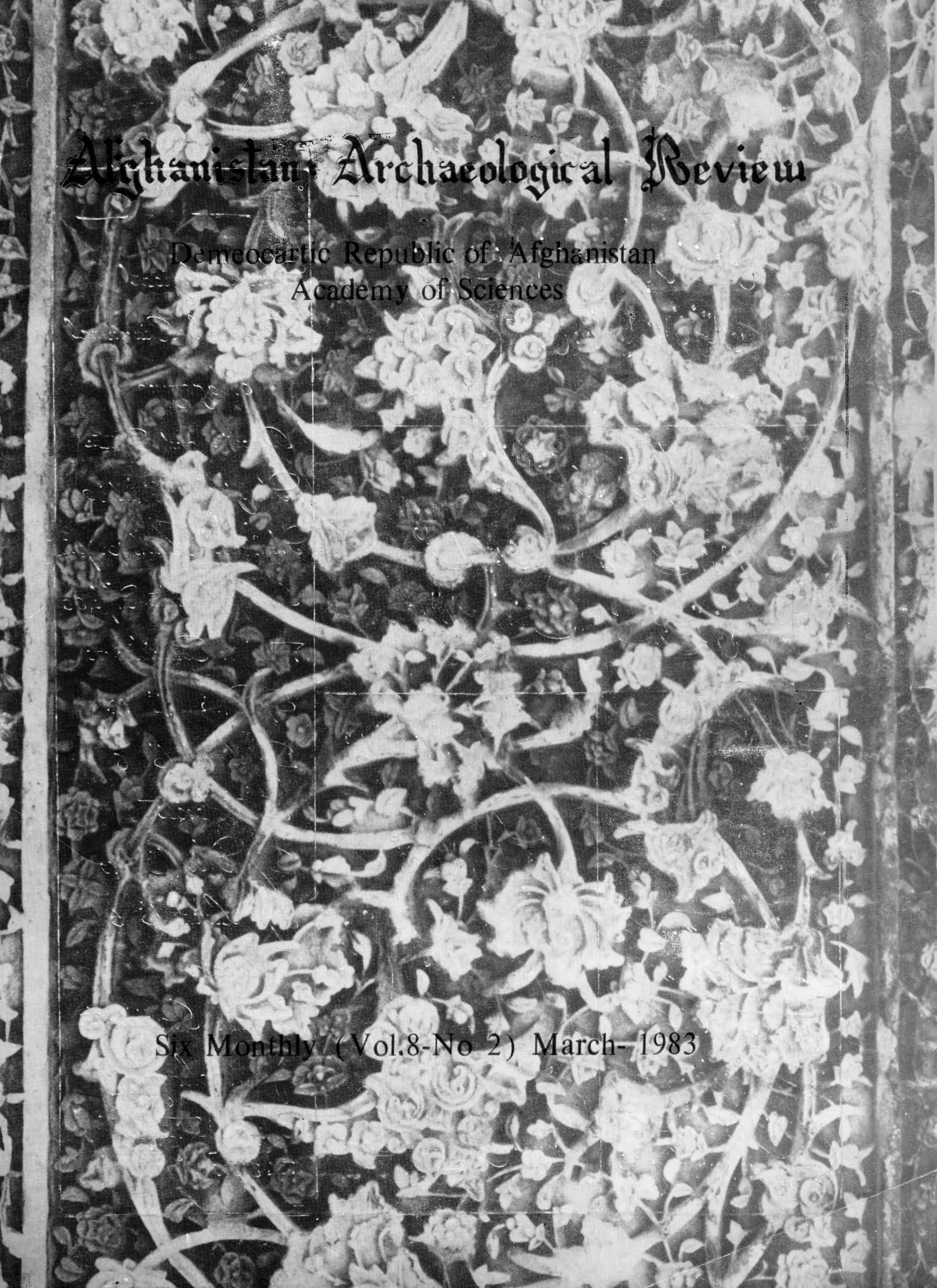

Afghanistan Archaeological Review

Demeocartic Republic of Afghanistan
Academy of Sciences

Six Monthly (Vol.8-No 2) March- 1983